درآموزه های رضوی

مهدویّت

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش

(سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)

بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویّت در آموزه های رضوی

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویّت در آموزه های رضوی

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویّت در آموزه های رضوی

(سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویّت در آموزه های رضوی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار / زینب احمدیان

صفحه آراء / رضا فریدی

نوبت چاپ / اول ـ زمستان ۹۰

شمارگان / هزار نسخه

بها / تومان

ص:۱

اشاره

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹ _ ۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن:۵ _۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۹۸۶۰۷ / ص.پ: ۳۵۵ _۱۵۶۵۵

WWW. IMAMMAHDI . COM

info@imammahdi . com

شابك: ۸-۱۷-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

ص:۲

فهرست مطالب

سید حسن زمانی

ص:۴

سیره رضوی در تبیین معارف مهدوی (سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)

اشاره

o موسی جوانشیر

چکیده

این پژوهش بر آن است تا با نگاهی گذرا به سه دوره مختلف زندگی حضرت رضا علیه السلام، یعنی دوران حکومت هارون، امین و مأمون عباسی، و نیز با عنایت به اوضاع و شرایط خاص آن دوران، سیره و شیوه آن حضرت را در برخورد با مقوله مهدویت، و برنامه ها، اقدامات و راهبردهای آن حضرت، برای تثبیت امر مهدویت در جامعه شیعی آن روز و انتقال آن به دوره های بعدی، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، مهدویت، سیره، جامعه رضوی.

بیان مسئله

مهدویت، از ریشه ای ترین باورهای شیعه است که امامان معصوم علیهم السلام، هر یک در برابر این امر خطیر، وظیفه ای سنگین به عهده داشتند که علی رغم موانع پیش رو و جوّ خفقان بار دوره و عصر خود، به خوبی از عهده آن برآمدند. توجه به آیه

ص:۵

شریف <لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه>(۱) به ما یادآوری می کند که نباید در امور دینی خود، الگو گیری را فراموش کنیم. شیعه به امامانی اعتقاد دارد که موظف است از آنها تبعیت کرده و آنها را اسوه خود قرار دهد، و تحقق این امر مهم، آگاهی از سیره و شیوه آن پیشوایان الهی را می طلبد. با بررسی سیره این پیشوایان دینی در برخورد با مقوله مهدویت ـ با عنایت به اوضاع و شرایط مختلف و پیچیده دوران آنان ـ می توانیم وظیفه خود را به عنوان منتظران حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بازشناسی کرده و به آن عمل کنیم.

از میان اهل بیت عصمت و طهارت، حضرت ثامن الحجج علیه السلام با توجه به شرایط سیاسی- اجتماعی خاص دورانشان، وظیفه ای متفاوت با سایر ائمه داشتند؛ خصوصاً در دوران ولایت عهدی که خاری در چشم و استخوانی برای گلوی ایشان بود و همراه شدن ناآگاهی و خوش خیالی برخی از شیعیان آن روزگار، تلخی ایام را در ذائقه آن امام، دوچندان می کرد. در گیر کردن امام رضا در امر حکومت، ترفند جدید مأمون عباسی بود که کار را بر آن حضرت، بسیار سخت و دشوار کرد و هر چه پافشاری امام بر ردّ پذیرش خلافت بیشتر می شد، اصرار مأمون بر پذیرش آن از سوی امام، افزون می گشت.

با پذیرش ولایت عهدی از سوی آن حضرت، پندار تشکیل حکومت جهانی در اذهان عده ای از اطرافیان آن امام نقش بست. امام، در این شرایط حساس، هم می بایست موضع خویش را در برابر این موضوع، به وضوح روشن نماید و هم بهانه دست حکومت وقت نداده، مورد سوء ظن حاکم قرار نگیرد.

پرسش این است که امام رضا علیه السلام در رابطه با مسئله مهدویت، چه شیوه و سیره ای را اتخاذ نمودند؟ چه اقدامات عملی و راهبردی ای را در این حوزه، انجام

۱- سوره احزاب، آیه۲۱.

دادنـد؟ در قبال سؤالات مهدوی مردم، چه جوابی می دادند؟ آیا برای تشـکیل حکومت جهانی یا زمینه سازی برای آن، برنامه ای داشـتند؟ خصوصاً با توجه به تـداعی شدن این معنا در دل و ذهن اطرافیان آن حضـرت و به ظاهر، آماده بودن شـرایط برای تشکیل چنین حکومتی، آیا کاری متفاوت با سایر ائمه انجام دادند؟ شیوه کار ایشان چگونه بود؟ و....

مـا در این تحقیق، با رویکردی توصـیفی، به دنبال آن هستیم که با بررسـی سـیره عملی آن حضـرت، برخورد ایشان را با مقوله مهدویت، مورد دقت نظر و ارزیابی قرار دهیم و با این زاویه دید، نگاهی دوباره به زندگانی آن امام همام بیندازیم.

مقدمه

دوران زندگی امام هشـتم علیه السـلام، معاصر با سه خلیفه عباسی، یعنی؛ هارون الرشید، امین و مأمون بود که ویژگی های این دوران، بـا هـم تفـاوت بسـیار داشـت و طـبیعی است که عملکرد آن حضـرت هم در هر دوره ای، به تبـع مقتضـیات آن زمـان، متفاوت بود. لذا برای بررسـی سـیره آن حضرت در برخورد با مقوله مهدویت، ابتدا باید نگاهی و لو گذرا به اوضاع سیاسی _ اجتماعی آن دوران بیندازیم و زندگی آن حضرت را در این سه دوره مرور کنیم.

دوره اول: دوران خلافت هارون الرشید

این دوره از زنـدگی حضـرت رضـا علیه السـلام _ که ده سـال از دوران امامت آن حضـرت را دربرمی گیرد _ دارای ویژگی های زیر است:

امام هفتم شیعیان، موسی بن جعفر علیه السلام، پس از تحمل سال ها درد و رنج در

ص:۷

زندان های هارون، مظلومانه به شهادت رسیده بود. (۱)

در دوران اسارت آن امام، شیعیان از فیض حضور ایشان محروم بودند و نمی توانستند از تعالیم و فرامین آن امام استفاده کنند. حذف امام از جامعه سبب شده بود که اصل امامت و جایگاه آن کم کم به بوته فراموشی سپرده شود.

گروهی از وکلا و نواب آن امام هم به طمع تصاحب اموال و وجوهات دریافتی، از مسیر ولایت منحرف شده، و منکر امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام شدند و بدین طریق، آتش فرقه گرایی را تحت عنوان جدیدِ «واقفیه»(۲) شعله ور کردند و باعث سردرگمی و ایجاد دودستگی بین شیعیان شدند.

نهاد وکالتی که آغاز تأسیس آن به زمان امام صادق علیه السلام بازمی گشت نیز با زندانی شدن امام کاظم علیه السلام و انحراف فرقه واقفیه آسیب جدی دیده، و ساختار آن تا مرز متلاشی شدن پیش رفته بود و به ترمیم اساسی و استخدام اعضای جدید نیاز داشت.

سادات علوی نیز گرفتار تشتت و تفرقه و نابسامانی شدیدی شده بودند، به طوری که هر سری در خود، سودایی داشت و همین امر سبب شد تا در برخی مواقع، بدون مشورت با حضرت رضا علیه السلام دست به قیام های بی نتیجه بزنند.(۳) و این مسئله، کار را بر امام رضا علیه السلام دشوارتر می نمود.

اقدامات: کتب تاریخ و سیره، از جزئیات اقدامات حضرت رضا علیه السلام در این دوره گزارشات زیادی ارائه نکرده اند. بنابراین دست یابی به همه برنامه های راهبردی آن حضرت، ممکن نیست وبدین لحاظ، قضاوت کردن در این مسئله، بسیار مشکل می باشد. ولی آنچه که مسلّم است، این است که حضرت ثامن الحجج علیه السلام، مهم ترین

۱- ارشاد، ج۲، صص۲۲۸-۲۳۶.

۲- خورشید در نهان، صص۱۱۰-۱۱۶ ؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص۱۳۶.

۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص۷۲-۷۴.

امر را در این اوضاع وشرایط، بیان حقیقت امام و تبیین جایگاه امامت می دانستند؛ لذا بی محابا به معرفی خود و تبلیغ امامت می پرداختند؛ به گونه ای که نزدیکان و یاران آن حضرت بر جان ایشان بیمناک شده بودند و می گفتند: «ما از هارون بر جان شما می ترسیم»؛ ولی حضرت ثامن الحجج علیه السلام می فرمود: «او را بر من راهی نیست.(۱)» و با اراده ای پولادین و اعتقادی راسخ، به تبیین جایگاه امامت و امر ولایت و ارشاد مردم به سوی حق و حقیقت ادامه می دادند.

آن حضرت، همچنین نهاد وکالت را بازآفرینی کردند، افراد جدیدی را به عنوان وکیل خود به مناطق مختلف جامعه اسلامی گسیل داشتند و با تدابیر عملیاتی دقیق و سریع خویش، توانستند این نهاد را از نابودی نجات دهند و با دمیدن روحی تازه به کالبد بی رمق آن، باعث شدند که این نهاد، با توانی فزونتر در راستای تحقق اهداف خود به حرکت ادامه دهد و تا آغاز عصر غیبت ــ علی رغم جوّ خفقان بار زمانه عسکریین علیه السلام ــ از حرکت بازنایستاد.

اقدامات آن حضرت در این برهه از زمان در راستای اهداف مهدوی قلمداد می شود؛ چرا که اصل امامت، مقدمه تثبیت مهدویت است. البته ایشان از تبلیغ امر مهدویت ــ حتی برای کسانی که اصل امامت را قبول نداشتند ــ نیز غافل نبودند؛ چنان که برای گروه «واقفیه» نیز جایگاه امام مهدی را روشن می کردند(۲).

این اقدامات باعث شد که امر امامت به فراموشی سپرده نشود، تا جایی که در این دوران، محافلی علمی تشکیل می شد و خود هارون از علما می خواست که درباره امامت و صفات امام، نظراتشان را بگویند و بدین ترتیب زمینه ای فراهم می شد تا امام رضا علیه السلام نیز، عقیده خویش را در این باب بیان نمایند که در ذیل، به دو مورد از این بیانات اشاره می شود.

۱- اصول کافی، ج۲، ص۴۰۴، ح۲.
۲- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص۱۳۶.

بیان اول: محمد بن فضیل گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «زمین بدون امام باقی می ماند؟» فرمود: «نه» گفتم: «برای ما از امام صادق علیه السلام روایت شده که زمین، بدون امام باقی نمی ماند مگر اینکه خدای تعالی بر اهل آن، خشم گیرد.» فرمود: نه؛ بلکه آن روایت این است که اگر حجت بر زمین باقی نماند، زمین، اهلش را در خود فرو می برد».(۱)

حضرت در این روایت شریف، جایگاه امام را بسیار رفیع و وجود حجت را ضروری می داند؛ به گونه ای که نبود امام را مساوی با نابودی زمین و در هم ریختن همه عالم معرفی می کنند؛ جایگاهی که هیچ چیزی نمی تواند خلأ آن را پر کند و هیچ چیز جایگزین آن نخواهد شد.

بیان دوم: امام رضا علیه السلام فرمودند: «ائمه، خلفای خدای عزوجل در زمینش می باشند».(۲)

دراین بیان نورانی، ایشان جایگاه امام را در بین زمینیان معرفی می کنند و کنایه ای هم به خلفای عباسی می زنند؛ چرا که طبق این بیان، کسی جز امام نمی تواند خلیفه باشد. از این رو، خلفای عباسی، خلافت را تصاحب کرده، و در حقیقت، غاصبین خلافت اند. حضرت، و با این بیان بر این پندار عموم مردم، که هر کس بر مسند خلافت تکیه بزند همو خلیفه است، خط بطلان می کشد و حق فرمانروایی را مختص خاندان وحی داند و وظیفه مردم را در فرمانبرداری از آنان، مشخص و شفاف می سازد.

دوره دوم: دوران خلافت امین

در این دوره پنج ساله، از یک سو، مأمون و امین بر سر تصاحب اریکه قدرت

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۱۱.
۲- کافی، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۱.

درگیر بودند و از سوی دیگر، علویان _ که حکومت را در ضعف می دیدند _ از فرصت پیش آمده، سود جستند دست به قیام زدند. البته کتب تاریخی، رضایت و تأیید صریح ثامن الحجج علیه السلام را از این قیام ها گزارش نکرده اند؛ با این وجود، به نظر نمی رسد که ایشان با اصل قیام ها مخالف بوده باشند، بلکه اگر اعتراضی هم داشتند، به برخی اعمال و کردار ناشایست در ضمن قیام ها بوده است، نه به اصل آنها.

در این دوره، امام مشکلی با دستگاه خلافت نداشتند. که علت آن، دو مسئله بود، یکی درگیری امین و مأمون، و دیگری عیاشی و خوشگذرانی امین، که مجالی را برای او باقی نگذاشته بود تا برای حضرت رضا علیه السلام دردسر ساز شود.

اقدامات: در این اوضاع، آن حضرت، علاوه بر عملکرد اول _ یعنی تبیین جایگاه و موقعیت امامت و نظارت بر کار نهاد وکالت _ به جذب قلوب علویان هم پرداخت تا از تشتت و تفرقه و قیام های بی نتیجه که منجر به قتل عام آنها و تضعیف شیعیان می شد جلو گیری کند. البته کار دوم به مراتب سخت تر بود، زیرا مجاب و قانع کردن آنها، برای اینکه به فرمان حضرت رضا علیه السلام به عنوان «امام» گردن بنهند، کاری بس دشوار بود. این مطلب وقتی وضوح بیشتری پیدا می کند که بدانیم حتی برادر امام نیز در عقیده امامت مشکل داشت. (۱) گفتگو با آن دسته از علویانی که ادعای مهدویت داشتند، نیز از دیگر فعالیت های امام بود؛ همچون محمد بن جعفر صادق، که با استناد به روایات نبوی خود را مهدی قائم نامید(۲) و حضرت با این ادعای او مخالفت ورزید، اما چندان مؤثر واقع نشد.

ص:۱۱

۱- تاریخ سیاسی عصر غیبت، ص۷۲.

۲- تاریخ سیاسی عصر غیبت، ص۷۴

دوره سوم: دوره خلافت مأمون عباسی

این دوران که پنج سال طول کشید، خود به دو بخش، تقسیم می شود؛ یک دوره که شبیه به عصر امین بود و در نتیجه، امام نیز همان موضع را در پیش گرفتند؛ یعنی تبیین امر امامت ـ همچون بیان حدیث معروف «سلسله الذهب» ـ جذب قلوب علویان و دفع خطر مدعیان مهدویت به وسیله انکار صریح آنها.

اما در دوره دوم، امام با حیله و خدعه دستگاه خلافت روبرو شد. نیرنگی که هر چند بی سابقه نبود، ولی در نوع خود، بسیار حساب شده به اجرا درآمد. مأمون برای اینکه قیام علویان را خاموش کند، پس از مشورت با وزیر پر تزویر خویش، فضل بن سهل، اول «خلافت» و سپس«ولایت عهدی» را به آن حضرت پیشنهاد کرد که با مخالفت آن حضرت روبرو شد. پس از آن، متوسل به زور و تهدید شد و امام هم بالاجبار و با شرایطی، ولایت عهدی را پذیرفت(۱) و همین پذیرش، کار را بر امام سخت کرد، اگر چه خیر و برکات فراوانی نیز به دنبال آن بود.

در این وضعیت، علاوه بر تبیین امر امامت و ولایت و تألیف قلوب علویان، مسئولیت دیگری هم بر دوشش سنگینی می کرد.

این مسئولیت سنگین به تبع پذیرش ولایت عهدی بر دوش حضرت گذاشته شد؛ زیرا با پذیرش این سمت جدید، دوره سه ساله ولایت عهدی، برای ایشان، این موارد را به دنبال داشت:

ایشان بیشتر در معرض سؤالات مردم قرار گرفت که می بایست به آنها پاسخ می گفت.

امام مجال بیشتری پیدا کرد تا به عنوان یک مقام رسمی حکومت با مردم

۱- اعلام الوری باعلام الهدی، ج۲، ص۷۳.

سخن بگوید و پرواضح است که دغدغه آن حضرت، با توجه به امر خطیر امامت، چه بود؟ بیان اوامر و تشریح فرامین الهی.

با راهیابی حضرت رضا علیه السلام به دستگاه خلافت عباسی، آن هم به عنوان «ولایت عهدی»، و همچنین ضرب سکه به نام آن حضرت، این پندار در اذهان به وجود آمد که زمینه برای تحقق وعده الهی فراهم گشته است؛ یعنی آن صاحب الامر موعود، امام رضا علیه السلام است.

چنانکه ابا صلت گوید: از آن حضرت پرسیدم: «شما صاحب الامر هستید؟» جواب فرمودند: «من صاحب الامر هستم؛ ولی نه آن کسی که زمین را پر از عدل وداد می کند»(۱) و یا ایوب بن نوح گوید: به امام هشتم عرض کردم: «امیدوارم شما آن صاحب الامر باشید؛ زیرا هم با شما بیعت شده است و هم به نام شما سکه ضرب خورده است»(۲). وعده ای که حدود ۲۰۰ سال پیش، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بشارت آن را داده بود و فرموده بود: «ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل(۳)» در ذهن مردم، یادآوری شده بود و همین امر، کافی بود که درباره موعود آخرالزمان سؤالات فراوانی ایجاد شود و در پی آن، زمینه ای بسیار مناسب فراهم آید تا ثامن الحجج علیه السلام به موضوع مهدویت بپردازد و ابعاد گوناگون آن را بیان کند و برای آن دسته از افرادی که ایشان را مهدی موعود می دانستند روشن گرداند که مهدی واقعی کیست؟ ویژگی هایش چیست؟ و وظیفه پیروان و مریدانش کدام است؟

اقدامات: امام رضا علیه السلام با مهارت، این دوره پر فتنه را مدیریت، و این فضای غبارآلود را به مقطعی تاریخی، برای شیعه تبدیل کرد. سیره امام رضا علیه السلام در برخورد

۱- کمال الدین، ج۲،ص۳۷۶، ح۷.

۲- کافی، ج۲، ص۱۴۲، ح۲۵.

۳- معجم احادیث الامام المهدی، ج۱، ص۴۳۳.

با مقوله مهدویت در این برهه از زمان، اموری چند را برای ما بیان می کند:

۱. تبیین جایگـاه امـامت: آن امـام همـام در این زمـان نیز همچون دو دوره پیشـین، تبیین اصـل جایگاه امامت را ضـروری ترین مسئله می دانست و لذا این بار با قدرت و استحکام بیشتری آن را بیان کرد. به ویژه در مناظراتی که با دانشمندان و علمای اهل تسـنن داشـتند، این مسـئله را مسـتدل تر و متقن تر و با بیانی شـیوا ارائه کردند. این جلسات و مناظرات، زمینه را برای پذیرش و قبول امامان بعدی، به خصوص امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ــ که در سـنین پـائین تری به امامت رسـیدند ــ فراهم کرد، زیرا گردن سپردن به یک امام پنـج یا هفت ساله برای شـیعیان بسـیار مشـکل بود؛ ولی مشاهده این مناظرات و سـنجیدن توانایی امام در پاسخگویی به سؤالات، الگویی شد برای امتحان و تشخیص امامان بعدی. لذا مأمون برای امام جواد علیه السـلام، نظیر همین جلسات علمی را تشکیل می داد و در ضمن همین جلسات بود که جایگاه امام جواد علیه السـلام و پس از ایشان، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام برای همگان معلوم شد. و زمانی که نوبت به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رسید، دیگر مسئله به امامت رسیدن در سن کودکی، برای مردم، قابل پذیرش بود.

امام رضا علیه السـلام فقط در صـدد بیان اصل امامت برای منکران این عقیده نبودند؛ بلکه برای برخی از شـیعیان، مراتب عالی تر این اصل را مطرح می کردند و برای آنها می گفتند که امام، در عالم تصرف دارد، حاضر و ناظر بر اعمال بندگان است، هر پنج شنبه اعمال مردم به محضر ایشان ارائه می شود و...

عبـدالله بن ابان گویـد: به حضـرت رضا علیه السـلام عرضه داشـتم: «برای من و خانواده ام دعا کنید». فرمود: «مگر من دعا نمی کنم؟ به خدا که اعمال شما هر صبح و شام بر من عرضه می شود». عبدالله گوید این امر برایم بزرگ آمد. امام ادامه داد: «مگر تو کتاب خدا را نمی خوانی که می فرماید: <و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و

المؤمنون>(۱)؟ بـه خـدا که آن مـؤمن، علی بن ابیطـالب است». (۲) امـام رضـا علیه السـلام در این روایت، حضـرت علی علیه السـلام را به عنوان یـک مصـداق از مؤمنان معرفی می کنـد و گرنه تمام ائمه مصـداق این رؤیت می باشـند. این گونه بیانات، علاوه بر اینکه، بالا رفتن دانش و آگـاهی شـیعیان را در پی داشـته و باعث ایجاد انگیزه برای تزکیه نفس و خودسازی در بین آنان می شد، سبب می گشت که بحث ولایت و امامت در جامعه اسلامی جایگاه مناسب و بهینه خود را باز یابد.

۲. معرفی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف : سؤالات متعدد مردم از یک طرف، ادعای مهدویت برخی، از سوی دیگر و مهـدی پنداشـتن حضـرت رضا علیه السـلام از سوی سوم، سـبب شد تا ایشان به معرفی واضح و روشن حضـرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشـریف بپردازنـد تا علاوه بر پاسـخگویی به سؤالات، هم مـدعیان دروغین را رسوا نماینـد و هم شک و شبهه برخی افراد را برطرف نمایند. ایشان به گونه ای ویژگی های موعود شـیعه را بیان کردند که جز حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق دیگری برای آن نمی توان یافت؛ برای مثال، ایشان مخفی بودن ولادت و رشد و نمو را از صفات آن موعود معرفی می کردند و فرمودند: «هیچ یک از ما خاندان نیست که مکاتبات داشـته باشد و با انگشت به او اشاره شود و از او مسـئله پرسـیده شود و اموال برایش آورده شود جز اینکه یا کشـته شود و یا در بستر خود بمیرد تا زمانی که خدا برای این امر (امامت) کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او مخفی است ولی دودمانش نهان نیست.»(۳)

دیگر صفاتی که حضرت رضا علیه السلام برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان فرموده اند، از این قرار

۱- سوره توبه، آیه۱۰۵.
۲- کافی، ج۱، ص۳۱۹، ح۴.
۳- کافی، ج۲، ص۱۴۲، ح۲۵.

است: «مهدی چهارمین فرزند من است(۱)، جسمش دیده نمی شود(۲)، دارای چنان قوت بدنی است که اگر دست برده، ریشه عظیم ترین درخت روی زمین را بگیرد آن را، از جا می کند و اگر بین کوه ها فریاد برکشد، کوهها به لرزه می افتند.(۳) او دارای غیبت است.(۴) عیسی مسیح علیه السلام، پشت سرش نماز می گزارد.(۵) سفیانی پیش از او قیام می کند.(۶) و.... امام رضا علیه السلام در بیانی دیگر، حتی نام پدر آن بزرگوار را«حسن بن علی»(۷) ذکر می کند تا جای هیچ شک و شبهه ای باقی نماند. اشعار دعبل(۸) نیز حکایت از اقدامات آن حضرت در این زمینه دارد و همچنین موارد دیگری که مجموعاً نشانه هایی را به دست می دهد که جز بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر هیچ شخص دیگری قابل تطبیق نیست.

امام هشتم با بیان این نشانه ها ضمن معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جامعه آن روز، و پاسخ به پرسش های مردم، هم پندار مهدی بودن خود را از اذهان زدود و هم باب ادعاهای دروغین مهدویت را مسدود کرد. لذا در زمان حضرات معصومین و امامان بعدی، دیگر شاهد قیام های معتنا بهی با عنوان «مهدویت» نیستیم و اگر کسی هم ادعای مهدویت می کرد، به دلیل روشنگری های علی بن موسی الرضا علیه السلام، طرفدار چندانی نمی یافت و همین امر سبب شد که شعله های آتش فرقه گرایی و فرقه سازی هم فروکش کرده، رونق سابق خود را از دست بدهد و از تشعب شیعه تا سالیانی دراز جلوگیری شود؛ زیرا یکی از مؤلفه های مهم برای ایجاد فرقه جدید،

۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۴۴۳.

۲- معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۴۵۳.

۳- کمال الدین، ج۲، ص۳۷۶، ح۷.

۴- کمال الدین، ج۲، ص ۴۸۰، ح۴.

۵- معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص ۴۷۱.

۶- معجم احادیث الامام المهدی، ج۵، ص۴۸۶.

۷- بحارالانوار، ج۵۱، ص۴۳، ح۳۲.

۸- کمال الدین، ج۲، ص۶۲، ح۶.

فاکتور مهم و اساسی مهدویت بود.

بیان فلسفه غیبت: با توصیف ویژگی ها و برجسته کردن صفات مهدی موعود از سوی حضرت رضا علیه السلام، همگان مشتاق دیدار آن می شدند؛ اما با اظهار اینکه یکی از آن ویژگی ها، غیبت است، این سؤال در ذهن ها ایجاد می شد که چرا امام باید غایب شود؟ چه حکمتی در غیبت نهفته است که در مقابل حضور امام در جامعه، ارجحیت دارد؟ چطور ممکن است کسی بتواند این مدت طولانی برای سالیان دراز عمر کند؟ و... از این رو، حضرت رضا علیه السلام در برابر پرسش های جدیدی قرار گرفت و به عنوان یک مرجع دینی، می بایست پاسخگو می بود. امام دو حکمت و فلسفه را برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کردند. یکی، حفظ جان امام از دسیسه های دشمنان(۱) و دوم، نبودن بیعت احدی بر گردن امام(۲) که خود حضرت رضا علیه السلام کمابیش با آن درگیر بود.

ایشان برای رفع استبعاد عمر طولانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به جناب خضر ــ که دارای عمر طولانی است ــ اشاره می کرد و می فرمود: «خضر، آب حیات نوشیده و زنده است و تا نفخ صور، نمی میرد. آمد و شد می کند، در موسم حج، در عرفات به دعای حجاج آمین می گوید و مونس تنهایی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»(۳) یعنی تعجب نکنید که حجت حق، عمر طولانی داشته باشد، در مجالس شما رفت و آمد کند، در موسم حج حضور یابد، با شیعیانش ارتباط داشته باشد و مشکلاتشان را حل و فصل کند.

۴. تشریح اوضاع آخرالزمان: امام هشتم از اوضاع دردناک آخرالزمان و فتنه های

۱- کافی، ج۲، ص۱۴۲، ح۲۵.
۲- کمال الدین، ج۲، ص ۴۸۰، ح۴.
۳- کمال الدین، ج۲، ص ۳۹۰، ح۴.

کور و مهلک آن خبر داده است(۱) که دل مؤمن از شدت این آلام و فتنه ها آب می شود، اما راهی به جایی نمی برد. تشریح این اوضاع مخوف، ابرهای تیره و تار یأس و ناامیدی را بر دل ها می گستراند و این فکر را به ذهن ها می اندازد که چه کسی قادر است با این فتنه ها در افتد و جان سالم به در برد؟ و به فرض ممکن بودن این امر، چقدر باید زمان سپری شود تا زمینه ظهور فراهم گردد؟

علی بن موسی الرضا علیه السلام در برابر این دسته از پرسش ها می فرمودند که اولاً امام، مستجاب الدعوه است(۲) وثانیاً انتظار فرج، خودش فرج است؛ (۳) یعنی این امور، به ظاهر، ناممکن می نماید، ولی اگر خدا بخواهد امری شدنی است.

۵. بیان وظایف منتظران: امام رضا علیه السلام سکوت در عصر غیبت را ابداً تأیید نمی کردند و دست روی دست گذاشتن را تجویز نمی نمودند؛ بلکه برای شیعیان، وظایفی را تعیین می کردند که عبارت است از:

۵-۱. معرفت و شناخت امام: هدایت و معرفت دینی کامل، تنها از رهگذر شناخت امامان میسر می باشد و مراد از این معرفت، شناختی فراتر از دانستن نام و القاب و تاریخ ولادت و... است. باید از ظاهر بشری آنان عبور کرد و به باطن و حقیقت انسانی آنان توجه نمود، جایگاه و مقام آنها را در هستی شناخت و حقایق را از لابه لای فرمایشات و رفتار و سیره ایشان به دست آورد. به اهداف والای آنان پی برده، و خط مشی آنها را الگو و سرمشق زندگی خویش قرار دهیم. برای بیان اهمیت همین موضوع است که حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُهُمْ وَ لَا یَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ

۱- غیبت نعمانی، ص۳۸۱، ب۱۴، ح۴۴.

۲- بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۱۷.

۳- خورشید در نهان، ص ۶۳۰.

أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّه(۱)؛

کسی که شیعه می باشد وظیفه دارد امامان و پیشوایان دینی خود را بشناسد، و الا مرگی بسان مرگ جاهلیت خواهد داشت.»

۵-۲. تولی و تبری: دین جز حب و بغض نیست. نمی شود دل انسان، هم حب کسی را در خود جای دهد و هم بغض دشمنان آن شخص را، و در ضمن، ادعای دوستی و مودت هم بنماید. این مفهوم در لسان دین، «تولی و تبری» نامیده می شود؛ یعنی دوستی با دوستان خدا و دوستان اهل بیت، و دشمنی با دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت. حضرت ثامن الحجج علیه السلام این موضوع را از ویژگی های شیعیان واقعی قلمداد کرده است:

«شِيعَتُنَا الْمُسَلِّمُونَ لِأَمْرِنَا الْآخِذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالِفُونَ لِأَعْدَائِنَا فَمَنْ لَمْ يَكنْ كذَلِك فَلَيْسَ مِنَّا(۲)؛

شیعیان ما تسلیم و مطیع امر ما و مخالف با دشمنان ما هستند وکسی که چنین نباشد از ما نیست»

یک منتظر واقعی می بایست چنین خصلتی را داشته باشد و الا کسی که دوستی دشمنان اهل بیت را در دل داشته باشد، چگونه می تواند با آنها مقابله کند و انگیزه در افتادن با آنها را داشته باشد؟

۵-۳. ایمان و عمل صالح: ایمان و عمل صالح، پیوندی بس وثیق با هم دارند که آیات شریف قرآنی و روایات نورانی، بسیار روی آن تأکید کرده اند. این موضوع از مواردی است که ممکن است بسیاری از انسان های مؤمن در آن گرفتار آیند. لذا تذکر این نکته بجاست که هم ایمان و حب اهل بیت باید باشد و هم عمل صالح؛ تا رستگاری حاصل شود. چنانکه امام رضا علیه السلام فرموده اند:

۱- تحف العقول، ص۷۵۶.

۲- بحارالانوار، ج۶۵، ص۱۶۷.

«لَا تَـدَعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الِاجْتِهَادَ فِی الْعِبَادَهِ- اتِّکالًا عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله و سـلم ولَا تَدَعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم -وَ التَّسْلِیمَ لِأَمْرِهِمْ اتِّکالًا عَلَی الْعِبَادَهِ- فَإِنَّهُ لَا یُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ(۱)؛

نه عمل صالـح و تلاش در عبادت را به امیـد حب اهل بیت ترک کنید، و نه به امید عبادت، محبت به خاندان اهل بیت را کنار بگذارید. زیرا این دو هیچیک بدون دیگری قبول نمی شود».

۵-۴. محبت و احترام نسبت به امام: سیره و حالات اهل بیت، دلالت می کند بر اینکه آنان حتی قبل از ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ابراز محبت و ارادت به ساحت آخرین ذخیره الهی داشـته اند و اصـحاب و یاران خود را نیز سـفارش می کردند که آنها هم از یاد ایشان غافل نباشـند. سـیره امام رضا علیه السلام نیز بر همین منوال بود و ایشان، از هر فرصتی، ولو محدود و مختصـر، برای معرفی و ذکر خیر حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بهره می بردند و آن امام غایب را به نیکی یاد می کردند. نقل شده است که در یکی از مجالسـی که امام رضا علیه السلام حضور داشت، کلمه «قائم» ذکر شد. آن جناب، با احترام ایستادند و دست مبارکشان را بر سر نهادند و فرمودند: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه».(۲)

البته این عمل در عصـر امام صادق علیه السـلام نیز معمول بوده است. خـدمت آن جناب عرض شد: «علت چیست که در موقع ذکر «قـائم» بایـد قیـام کرد؟» فرمود: «صـاحب الامر غیبتی دارد طولانی، هر کس وی را به این لقب که مشـعر به دولت اوست، صدا زند و یاد کند، آن حضـرت هم نظر لطفی به او می کند و چون در این لحظه، مورد توجه آن جناب قرار می گیرد سزاوار است از باب احترام برخیزد و تعجیل فرجش را بخواهد»(۳).

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۸.

۲- الزام الناصب، ص۸۱.

۳- الزام الناصب، به نقل از دادگستر جهان، ص۱۲۵.

۵-۵. پـذیرش ولایـت اهـل بیت: سـفارش فراوانی نسـبت به التزام به ولایـت اهـل بیت شـده است؛ تا جایی که ولایت، یکی از ارکان اسلام معرفی شده(۱) و به هیچ چیزی مثل ولایت سفارش نشده است.(۲)

راوی گوید از حضرت ثامن الحجج علیه السلام درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید:

<قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِك فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ>.(۳)

«ای پیامبر! بگو باید به فضل و کرم خدا و رحمت او شاد شوند که آن بهتر است از آنچه گرد می آورند.»

امام رضا علیه السلام فرمود:

«بِوَلَايَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام هو خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُ هَؤُلَاءِ مِنْ دُنْيَاهُمْ(۴)؛

ولایت اهل بیت از آنچه که انسان ها[از درهم و دینار و مطامع دنیا] جمع می کنند بهتر است».

لذا ولایت پذیری، از اولین ویژگی های یک منتظر راستین می باشد.

۶_۵. تقیه و صبر: دوران حضـرت رضـا علیه السـلام، علویـان دست به قیـام هـایی زدنـد و با حاکم عباسـی وقت، یعنی مأمون، درگیر شدنـد. این قیام ها اگر چه دردسری برای مأمون به حساب می آمد، اما هم علویان و اطرافیانشان را به کشـتن می داد و هم کانون شیعه را دچار تفرقه و تشـتت می کرد و مشکل بزرگتر این بود که امام هشتم نیز از آفات و تبعات این قیام ها آنان، بی نصیب نمی ماند. مأمون که در سرکوب علویان، مستأصل و درمانده شده بود، راه چاره را در احضار کردن و به

۱- عنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: «بُنِیَ الْإِسْلَامُ عَلَی خَمْسَهِ دَعَائِمَ إِقَامِ الصَّلَاهِ وَ إِيتَاءِ الزَّكاهِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حِجِّ الْبَيْتِ وَ الْوَلَايَهِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْت.» بحارالانوار، ج۲۷، ص۷۳.

۲- عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: «بُنِیَ الْإِسْلَامُ عَلَی خَمْسٍ عَلَی الصَّلَاهِ وَ الزَّكاهِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَهِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْ ءٍ كمَا نُودِیَ بِالْوَلَايَه.» بحارالانوار، ج۶۵، ص۳۲۹.

۳- سوره یونس، آیه ۵۸.

۴- کافی، ج۱، ص۴۲۳.

خـدمت گرفتن امام در ارکان حکومت خویش می دیـد، تا بـدین وسـیله هم به حکومت خویش، مشـروعیت ببخشد و هم قیام علویان را خاموش کند.

در آن برهه از زمان، سـعی امام بر این بود که شیعه را به وحدت کلمه برساند و بهانه را از دست حکومت بگیرد. برای رسیدن به این اهداف، تقیه و صبر در برابر حکومت جور، بهترین گزینه بود. بر این اساس، امام در این دوره، وظیفه شیعیان را در پیش گرفتن راه تقیه و صبر معرفی کردنـد. ایشـان تا جایی در تبیین این مهم پیش رفتنـد که حفظ تقیه را هم ردیف ایمان اشـخاص دانستند و فرمودند:

«لا دین لمن لا ورع له، ولا إیمان لمن لا تقیه له(۱)؛

کسی که پرهیزکاری نمی کند، دین ندارد و کسی که تقیه نمی کند، ایمان ندارد».

ایشان، در فرازی دیگر، میزان احترام و اکرام اشخاص نزد خداوند را مقدار رعایت تقیه معرفی کردند و کسی را که به تقیه بی توجه است، از سلک شیعیان بیرون دانستند و فرمودند:

«إن أکرمکم عند الله أعملکم بالتقیه، فقیل له: یا ابن رسول الله إلی متی؟ قال: إلی یوم الوقت المعلوم وهو یوم خروج قائمنا أهل البیت، فمن ترک التقیه قبل خروج قائمنا فلیس منا(۲)؛

امر به تقیه و صبر در ابتـدا بر اطرافیان آن حضـرت سـنگین آمـد، از ایشان پرسـیدند: یابن رسول الله تا کی باید تقیه کنیم؟ امام جواب دادند: تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ».

اگر چه تقیه در زمان امامان پیشین هم تأکید شده بود، ولی در این زمان اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد. گویا اساس شیعه بسته به همین امر بود؛ لذا در ادامه فرمودند:

۱- بحارالانوار، ج۷۲، ص۳۹۵.

۲- اعلام الوری باعلام الهدی، ج۲، ص۲۴۱.

«کسی که تا قبل از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترک تقیه کند، از ما اهل بیت نیست.»

هنگامی که یاران و اصحاب آن حضرت، از وضع زمانه گله و شکایت می کردند، باز هم امام، آنها را امر به صبر می فرمودند و گوشزد می کردند که صبر امر خدا و لازم الاجراست. حسن بن شاذان واسطی می گوید: نامه ای به حضرت رضا علیه السلام نوشتم و از اذیت و جفای عثمانی ها به حضرتش شکایت کردم. برایم جواب نوشت:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَخَذَ مِیثَاقَ أَوْلِیَائِنَا عَلَی الصَّبْرِ فِی دَوْلَهِ الْبَاطِلِ فَاصْبِرْ لِحُکم ربّک؛(۱)

خداوند از دوستان ما پیمان گرفته است که در دولت باطل صبر و شکیبایی پیشه کنند. پس تو نیز صبر کن.»

ایشان برای تشویق و ترغیب شیعیان به رعایت تقیه می فرمودند:

«ما أحسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول العبد الصالح: <و ارتقبوا إنّی معکم رقیب>(۲)، <وانتظروا إنّی معکم من المنتظرین>(۳). فعلیکم بالصبر إنّما یجی ء الفرج علی الیأس و قدکان الذین من قبلکم أصبر منکم...(۴)؛

چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا سخن بنده صالح خدا (شعیب) را نشنیدی که فرمود: «و انتظار برید که من هم با شما منتظرم» و «منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم». بر شما باد به صبر و بردباری؛ چرا که گشایش بعد از ناامیدی فرا می رسد و به تحقیق، کسانی که پیش از شما بودند از شما بردبارتر بودند».

و بالاخره در روایت بسیار زیبایی، فضیلت انتظار را این گونه بیان کرده اند:

«... أما یرضی أحدکم أن یکون فی بیته ینفق علی عیاله ینتظر أمرنا فإن أدرکه

ص:۲۳

۱- کافی، ج۸، ص ۲۳۱.

۲- سوره هود، آیه۹۳.

۳- سوره اعراف، آیه۷۱.

۴- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۰۱.

کان کمن شهد مع رسول اللّه، صلی اللّه علیه و آله، بدرا، و إن لم یدرکه کان کمن کان مع قائمنا فی فسطاطه هکذا، هکذا و جمع بین سبابتیه.(۱)

آیا هیچ یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده اش را بپردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنین حالی از دنیا برود مانند کسی است که به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر به شهادت رسیده است. و اگر مرگ به سراغ او نیاید مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد».

در نهایت، با سعه صدر و مدیریت صحیح امام، تلاش های طاقت فرسای ایشان در این باب هم نتیجه داد و دو اثر عمده را به دنبال داشت؛ حفظ جان شیعیان و جلوگیری از فرقه گرایی، تشتت و چنددستگی میان علویان.

۵-۷. محزون بودن از فراق آن حضرت: یکی دیگر از وظایف منتظران فرج، اندوهگین و محزون بودن از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به فرمایش عالم آل محمد، بسیاری از مؤمنان از این غم خالی نیستند:

«کمْ مِنْ حَرَّی مُؤْمِنَهٍ وَ کمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَیْرَانَ حَزِینٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِینِ(۲)».

ایشان وصف حال منتظران را اینگونه به تصویر می کشند که چه بسیارند زنان و مردان مؤمنی که در گم کردن ماء معین (امام غایب) دل سوخته و اندوهناک و سرگردان و ناراحت اند. حزن و اندوه اینان به خاطر محروم شدن از آب حیات بخش و گوارای وجود امام است. چون نمی توانند از آن آب گوارا بهره بگیرند و عطش نیاز به حجت و امام خود را فرو نشانند، غمگین اند و زندگانی را به تلخی به سر می برند. نه تنها مؤمنان چنین اند که اهل زمین و آسمان، بر حال آن امام غایب گریانند:

۱- کافی، ج۴، ص۲۶۱.
۲- بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۵۲.

«يَبْكى عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كلَّ حَرَّى وَ حَرَّانَ وَ كلَّ حَزِينٍ لَهْفَانَ»(۱)؛ مَأَحْمَدَ بْنِ

۶. آموزش معارف الهی در قالب دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : در لابه لای ادعیه صادر شده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، بخش مهمی از تعالیم و معارف آنها، نهفته و مضبوط است. زبان ادعیه، یک روش برای انتقال اسرار و علوم الهی است؛ چرا که به دلیل وجود جوّ خفقان بار در دوران امامان معصوم علیهم السلام، امکان ارائه صریح بسیاری از مطالب نبوده، لذا در قالب دعا، مطالب را مطرح نموده اند. بنابراین شایسته و بایسته است که به ادعیه معصومین علیهم السلام، به عنوان یک منبع غنی و سرشار از معارف الهی بنگریم و با غواصی در این دریای ژرف و عمیق، به دنبال کسب علم و صید اسرار باشیم. هرچند صرف نگاه دعایی، به این فرمایشات عرشی هم خالی از فایده نیست و خودش فیض عظیمی است.

بدین جهت است که پیشوایان دینی ما اصرار و تأکید فراوانی بر خواندن دعا، خصوصاً ادعیه مأثوره داشته اند و در برخی مواقع، از جابجا کردن و تغییر دادن مضامین ادعیه، ولو به صورت جزیی، جلوگیری می کردند. تعبیراتی همچون «دعا سلاح مؤمن است»(۲) و «بر شما با به حفظ سلاح انبیاء»(۳)، تأکیداتی است که شیعیان را به خواندن دعا ترغیب می کند تا علاوه بر کسب ثواب، به این دُرّهای گرانبها نیز دست یابند.

از جمله این ادعیه، دعا برای فرج، سلامتی و نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ائمه، شیعیان را بدان امر کرده اند. امام رضا علیه السلام نیز، به جهت آن مودت و پیوند قلبی که با فرزند چهارم خویش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته اند، حدود نیم قرن پیش از تولد

۱- بحارالانوار، ج۵۱، ص۱۵۲.
۲- بحارالانوار، ج۹۰، ص۲۸۸.
۳- بحارالانوار، ج۹۰، ص۲۹۵.

ایشان، با بیان های متعدد و مختلف، او را دعا کرده و نصرت و یاری اش را از خداوند طلب نموده اند. در یکی از این دعاها چنین می خوانیم:

«أللّهمّ أصلح عبدک و خلیفتک بما أصلحت به أنبیائک و رسلک و حفّه بملائکتک و أیده بروح القدس من عندک و اسلکه من بین یدیه و من خلفه رصدا یحفظونه من کلّ سوء و أبدله من بعد خوفه أمنا یعبدک لایشرک بک شیئا ولاتجعل لأحد من خلقک علی ولیک سلطانا وائذن له فی جهاد عدوّک و عدوّه واجعلنی من أنصاره إنّک علی کلّ شی ء قدیر(۱)؛

خداوندا! [امور] بنده و جانشینت را اصلاح کن، آن چنانکه [امور] پیامبران و رسولانت را اصلاح کردی. او را با فرشتگانت در بر گیر و با روح القدس یاری کن. در پشت سر و پیش روی او نگهبانانی قرار ده که او را از بدی درامان دارند؛ بیم و نگرانی او را تبدیل به امنیت و آرامش کن تا تنها تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد. هیچ یک از آفریدگانت را بر ولی ات مسلط مساز. اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ چرا که تو بر همه چیز توانایی».

این دعا حاوی نکاتی است که در زیر به برخی از آنها اشاره می کنیم:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موید به روح القدس است.

ایشان به وسیله ملائکه الهی محافظت می شود؛ پس کسی نمی تواند به او آسیبی برساند.

آن حضرت، با تأییدات و نصرت الهی مغلوب نخواهد شد.

سیره و منش آن امام با سایر ائمه متفاوت خواهد بود. او «تقیه» نمی کند و مأمور به صبر بر دولت های باطل نیست؛ بلکه ماموریت او، اعتلای پرچم حق و اجرای فرامین الهی است. پس طبق وعده تخلف ناپذیرالهی، احدی یارای مقابله با او را نخواهد داشت و هیچ قدرتی توان غلبه بر او را نخواهد یافت.

۱- بحارالانوار، ج۸۶ ص ۲۵۱.

در عصر ظهور، زمینه شرک و بت پرستی برداشته می شود و پایه های آن متزلزل شده، فرو می ریزد. بانگ «لااله الاالله و محمد رسول الله» در همه جای کره خاکی، طنین انداز خواهد شد.

فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قطعی و حتمی است؛ زیرا امام، مستجاب الدعوه است و چون برای فرج دعا می کند، قطعاً خداوند نیز دعایش را مستجاب خواهد کرد. البته این ویژگی امام در همه موارد اخیر الذکر صدق می کند؛ یعنی چون امام دعا می کند، همه آن موارد، حتماً محقق می شود.

حضرت رضا علیه السلام در دعای دیگری که کتاب شریف «مکیال المکارم»، آن را از یونس بن عبد الرحمن، با دو روایت مختلف، نقل کرده است(۱) به آموزش نکاتی چند در باب مهدویت می پردازد. در ادامه به برخی از فرازهای این دعای شریف که حاوی معارف بلندی است، اشاره می کنیم.

«اللهم و انه..... و اصطفیته علی عبادک و ائتمنته علی غیبک و عصمته من الذنوب و برأته من العیوب».

حضرت مهدی امین خداوند، معصوم از خطا و معصیت و برگزیده خدای متعال است.

با این توضیح، حضرت برای شیعیان روشن می کند که تمام کارها و اقدامات آن حضرت، فرمان الهی بوده و خطا و اشتباهی در کار نیست؛ چرا که در آخرالزمان، برخی ناآگاهان، قلع و قمع کافران و معاندان را از سوی بقیه الله الاعظم، حمل بر قساوت قلب امام می کنند. ولی با این فراز از دعا، این پندار باطل رد می شود.

«و عینک الناظره فی بریتک و شاهدا علی عبادک»؛ حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، چشم بینای خداوند و

۱- مکیال المکارم، ج۲، صص۱۰۲-۱۱۱.

شاهد و ناظر اعمال ما است.

او از اعمال شیعیان، غافل و بی خبر نیست و همین می تواند زمینه ای مساعد برای پیروان آن حضرت باشد تا به خودسازی بپردازند.

«و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه وعن شماله و من فوقه و من تحته بحفظک»؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در پناه حضرت حق است.

کسی که در پناه خدا باشد، آسیبی نخواهد دید؛ خصوصاً که حفظ ارکان دین با حفظ و سلامت او گره خورده باشد. پس منتظران ظهورش، از این بابت نگرانی نداشته باشند و ظهور حضرتش را قطعی بدانند و به انجام وظایف خود مشغول باشند.

«و ایده وانصره بنصرک العزیز»؛ یاری و نصرت خداوند شامل حال اوست.

پروردگار عالم با لشکری قوی از ملائکه و افکندن رعب و وحشت در دل دشمنانش، او را تأیید می فرماید.

«و امت به الجور و اظهر به العدل»؛ مرگ نظام جور و گسترش عدالت به دست توانای او در زمین محقق خواهد شد.

این مهم از کس دیگری ساخته نیست. پس اگر خواهان برقراری عدالت و ریشه کنی ظلم هستیم، باید برای تعجیل در فرج او دست به کار شویم.

«و ورثه فی مشارق الارض و مغاربها اللاتی بارکت فیها و احی به سنه نبیک صلواتک علیه و آله».

اوست که بر کل زمین سلطنت خواهد کرد و احکام دین و سنت پیامبر اسلام را به اجرا در خواهد آورد.

این فراز، به همگان پیام می دهد که در ایام ظهور، دیگر از ظالمان و فاسقان و حکّام جور خبری نخواهد بود؛ پس به آینده ای روشن و باشکوه امیدوار باشید.

در بخش هایی از این بیان شریف به مراتب ظهور و بروز ولایت امام و قلع و قمع آثار ظلم و ستم نیز اشاره شده است: «و اقتل به جبابره

الکفر و عمده و دعائمه» یا «و اقصم به رئوس الضلاله » و «و اذلل به الجبارین...».

آن حضرت، ابتدا ستون های کفر و سردمداران آن را، نابود خواهد کرد و در مرحله دوم، نوبت فراعنه تاریخ است که منحصر به فراعنه آن زمان نخواهد شد. چون در ماجرای رجعت، سردمداران کفر زنده می شوند و حضرت آنها را گردن می زنند. البته این اقدام، یک کار صوری نیست، بلکه یک تصرف حقیقی است؛ یعنی حضرت با این کار، شعاع وجودی آنها را از بین می برد. این قتل به معنی اینکه آنها را زنده می کنند و گردن می زنند نیست؛ بلکه حضرت آنها را می میراند. چون آنها هنوز زنده اند. چه کسی می تواند بگوید سقیفه مرده است؟! جریانی که طرفداران بسیاری در عالم دارد، هرگز نمرده است.

پس از ستون ها و دعائم، نوبت به کفر و الحاد می رسد: «و ابر به الکافرین و جمیع الملحدین». و سپس «و املأ به الارض عدلا». اگر آن ظلمت ها از بین رفت، عالم مالا مال از عدل می شود.(۱)

از آثار این قیام و حرکت انقلابی، عزت مؤمنین است: «و اعز به المؤمنین». در پرتو ذلت کافرین و ملحدین و فاسقین، مؤمنین عزیز خواهند شد، اقتدار پیدا خواهند کرد و زمین، یک پارچه در اختیار اهل حق و عدالت قرار خواهد گرفت.

این دعا، علاوه بر اینکه معرفت و شناخت ما را نسبت به ساحت اقدس امامت با مصادیق عامش و بالاخص، امامت حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف بالا می برد، راه عشق ورزی به آن حضرت را هم آموزش می دهد. شخصیتی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته است، حجت را بر ما _ که در عصر آن یگانه منجی هستیم _ تمام کرده است.

۱- جزوه مباحثی پیرامون امام شناسی، محمد مهدی میر باقری، صص۹۸-۹۹.

نتیجه

در این مقاله دریافتیم که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در دوران هارون الرشید، دو اقدام مهم در راستای تثبیت امر امامت و مهـدویت انجام دادنـد؛ یکی تبیین اصل و جایگاه امامت و دوم بازسازی و پویایی نهاد وکالت. در دوران امین، علاوه بر این دو برنامه، دو برنامه جدیـد، در دسـتور کار حضـرت قرار گرفت. یکی، جذب قلوب علویان برای ایجاد وحدت در میان شیعیان و دیگری، رو کردن دست مدعیان دروغین مهدویت با روشنگری.

در دوران ولایت عهدی در عصر مأمون، امام، اضافه بر راهبردهای پیش گفته، با معرفی حضرت مهدی، فلسفه غیبت، اوضاع و شرایط آخرالزمان، تبیین وظایف منتظران و بیان معارف مهـدوی در قالب دعا و نیایش، از مرزهای عقیدتی مهدویت، به خوبی پاسداری و حراست نمودند.

ص:۳۰

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.

۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، انتشارات شفق، قم، چ۱۳، ۱۳۷۲ش.

۳. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، انتشارات امیر کبیر، چ۳، ۱۳۸۵ش.

۴. حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، قم، چ۵، ۱۳۸۵ش.

۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، چ۳، ۱۳۸۷ش.

۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الارشاد، شرح هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیه، چ۲، قم، بی تا.

۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، آل البیت لاحیاء التراث، قم، چ۱، ۱۴۱۷ق.

۸. طوسی، محمد بن حسن، خورشید در نهان (ترجمه الغیبه)، ترجمه عباس جلالی، موسسه تعاون امام خمینی، تهران، چ۱، ۱۳۸۴ش.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، انتشارات ولی عصر، تهران، چ۱، ۱۳۷۵ش.

۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ناشر اسلامیه، قم، بی تا.

۱۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم در فوائد دعا برای حجت قائم، ترجمه مهدی حائری قزوینی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چ۸، ۱۳۸۸ش.

۱۲. میرباقری، محمد مهدی، جزوه مباحثی پیرامون امام شناسی، انتشارات فجر ولایت، قم، ۱۳۸۵ش.

۱۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه محمد جوادغفاری، نشر صادق، تهران، چ۲، ۱۳۷۶ش.

۱۴. هیئت علمی، معجم احادیث الامام المهدی، موسسه معارف اسلامی، جمکران، قم، چ۲، ۱۴۲۸ق.

۱۵. یزدی، علی، الزام الناصب، بی نا، بی جا، ۱۳۵۱ش.

ص:۳۱

جایگاه امامت در اندیشه امام رضا علیه السلام بر مبنای تحلیل محتوای رساله «مَحضُ الاسلام»

اشاره

O محمد جانی پور

چکیده

در کتب معتبر حدیثی، متنی از امام رضا علیه السلام با موضوع تشریح اصول و مبانی دین اسلام نقل شده است که هم چون رساله ای جامع و کامل در باب احکام دین خدا، فرائض، سنن و اعتقادات مذهب تشیع می باشد. اگرچه امام، این رساله را در پاسخ به درخواست مأمون عباسی نگارش کرده اند آنچه امروزه برای شیعیان و محبین ائمه اطهار علیهم السلام ارزشمند و قابل توجه می باشد، نگاشته مکتوبی است که از آن حضرت بر جای مانده و بیان کننده بسیاری از عقاید و احکام دین مبین اسلام است.

نمودارهای سنجش فراوانی کلمات و موضوعات استخراج شده از جدول تحلیل محتوای این رساله نشان می دهند که مهم ترین و پر کاربردترین موضوع مطرح شده در این رساله، تأکید بر امامت و ولایت و بیان فضایل و جایگاه اهل بیت علیهم السلام می باشد.

آنچه حضرت در این رابطه بیان کرده اند، می توان به چند دسته تقسیم نمود

ص:۳۳

که عبارتند از: تبیین جایگاه و معرفی دقیق امامت، تأکید بر نقش امامت و ولایت، بیان ویژگی های اخلاقی امام، تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، وجوب حب ائمه اطهار علیهم السلام و برائت از دشمنان ایشان، که مؤلف در این مقاله به احصاء و تبیین آنها پرداخته و جایگاه امامت را در اندیشه و کلام آن حضرت علیه السلام مورد واکاوی قرار داده است.

در حقیقت هدف این مقاله آن است که با بررسی و تجزیه و تحلیل این رساله به روش تحلیل محتوای کلام (Content Analysis)، جایگاه امامت، این مهم ترین و بنیادی ترین رکن دین اسلام را در کلام و اندیشه حضرت رضا علیه السلام کشف و تبیین نماید.

واژ گان کلیدی: امام رضا علیه السلام، امامت، حدیث، تحلیل محتوا

Imam Reza (a.s), Pontificate, Traditionary, Content Analysis

مقدمه

مسأله امامت، ولایت و رهبری جامعه اسلامی از جمله مسائل مهم و اساسی دین مبین اسلام است؛ به گونه ای که در روایات متعدد به عنوان یکی از امور زیر بنایی و اساسی دین اسلام، معرفی شده است. در کتاب «وسائل الشیعه»، ۳۹ حدیث(۱) و در کتاب «مستدرک الوسائل»، ۱۷ حدیث(۲) با این مضمون نقل شده است که بنا و اساس اسلام بر چند موضوع استوار است که مهم ترین آنها، امامت و ولایت می باشد.

از جمله، حدیثی از امام باقر علیه السلام در این رابطه نقل شده که در آن، به علت اهمیت ولایت نیز اشاره شده است. حضرت می فرمایند:

۱- رک: وسائل الشیعه، ج ۱، ۱۳-۲۹.

۲- رک: مستدرک الوسائل، ج۱، ج ۱، ۶۹-۷۵.

«بُنِیَ الْإِسْلَامُ عَلَی خَمْسَهِ أَشْیَاءَ عَلَی الصَّلَاهِ وَ الزَّکاهِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَایَهِ قَالَ زُرَارَهُ فَقُلْتُ وَ ای شَیْ ءٍ مِنْ ذَلِک أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَایَهُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِی هُوَ الدَّلِیلُ عَلَیْهِن؛ (۱)

بنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است. زراره از مهم ترین این امور سؤال می کند و امام در پاسخ می فرمایند: ولایت؛ زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی، نقش رهبری و هدایتِ مردم را به باقی این موارد دارد».

البتّه شکی نیست که مراد از ولایت اطاعت از امام معصوم است؛ چنانکه در بعضی روایات به جای کلمه ولایت، اطاعت از امام آمده است. دلیل دیگری که می توان برای اهمیّت امامت بیان کرد، حدیث معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که می فرمایند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جاهِلِیَّه؛ (۲)

هر که بمیرد و نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیّت مرده است».

در این میان، اگرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه مطالعات علوم اسلامی کوشیده اند به بازشناسی مفهوم امامت در مذهب شیعه و بررسی نگاه شخص ائمه اطهار علیهم السلام در این رابطه بپردازند، لیکن آنچه تاکنون مطرح شده، بیشتر شرح و تفسیر احادیث منقول از آنان، با غلبه نگاه شرح حالی و سیره نگاری بوده است.

به نظر می رسد لازم است جهت تبیین دیدگاه ها و مبانی نظری و اعتقادی هر شخصیتی، به بررسی و تحلیل محتوای کلام او پرداخت؛ چرا که به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۳۲، ۳۳۱.

آنهاست که می توان به درکی نسبتاً جامع از دیدگاه های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه های او دست یافت. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بر این مسأله تأکید کرده، می فرمایند:

«تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ (۱)

سخن بگوئید تا شناخته شوید، چرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است».

محور مطالعه این مقاله، رساله ای از آن امام همام است که در ادامه به علت نگارش و اعتبارسنجی اسناد موجود آن اشاره شده است. توضیحاتی مختصر پیرامون شخصیت امام رضا علیه السلام و روش تحقیق اتخاذ شده در این تحقیق نیز از دیگر بخش های مقاله است که پرداختن به آنها ضروری می نمود.

در حقیقت رویکرد این مقاله آن است که با نگاهی کلی به منطق حاکم بر مجموعه باقیمانده از کلمات امام رضا علیه السلام و بررسی آنها، با استفاده از روش تحلیل محتوای کلام (Content Analysis)، به بازسازی یک سامانه کامل و تصویرپردازی از نگاه آن حضرت در رابطه با امامت و جایگاه آن در دین مبین اسلام بپردازد.

مفهوم امام

«امام» در لغت به معنای پیشوا و جمع آن «ائمّه» است. در حقیقت، به آنچه از او پیروی می شود، امام می گویند؛ خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل.(۲)

این عبارت در اصطلاح نیز به معنای مقامی است که دارنده آن، ریاست امور دینی و سیاسی مسلمانان را برعهده دارد. «امامت»، بی تردید، محوری ترین جایگاه و نقش را در منظومه اندیشه کلامی شیعه امامیه داراست. اعتقاد به «نص» و

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۹۲ .

۲- المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه امام.

«عصـمت» از یـک سو، و نقشـی که امامیه برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی قائل بوده و هسـتند، نشانگر اهمیت این جایگـاه است. از دیگر سو، دست کم در میـان برخی گرایش ها و محافل امامی، مقام امامت، بستری را برای بحث از ویژگی های خاص امام، تحت عنوان طبیعت مقام امامت و حدود علم و قدرت امام فراهم کرده است.(۱)

در این میـان، ارائه نظـامی از جهان شناسـی، انسان شناسـی، فرجام شناسـی و تاریـخ، با تکیه بر جایگاه و نقش تکوینی امام، از سوی برخی محافـل علمی و دینی امامیان، اهمیت بحث امامت را بیشتر آشـکار می کنـد. مباحث کلامی و اعتقادی در رابطه با مفهوم «امـامت» و «ولایت» و شـکل گیری سـنت های دینی و فکری و کلامی امامیه و یک نظام کلامی نوین در قالب مـذهب اثناعشری، در سال های پس از ۲۶۰هجری قمری و پس از وفات امام حسن عسـکری علیه السلام ــ یعنی دوره ای که به دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ق) و پس از آن شناخته می شود ــ و با کوشش متکلمان بزرگی چون ابن قبه رازی، متکلمان خاندان نوبختی و همچنین متکلمان نامداری چون شیخ مفید و شاگردش سید مرتضی و سرانجام شیخ طوسی صورت گرفته است.(۲)

به نظر می رسد که اختلافات دینی و کلامی بر سـر تعیین جانشین امامان علیهم السلام و یا اختلافات دیگر در باب طبیعت مقام امامت ــ که تاریـخ پرفراز و نشـیب امامیه، پس از عصـر امام باقر علیه السـلام و امام صادق علیه السـلام شاهـد آن بود ــ بسـی گسترده تر از آن بوده است که امامیه را عنوان کلی برای جریان اصـلی شـیعه و با اعتقادات مرزبندی شده مشخص تصور کنیم که احیاناً دچار شـکاف هایی به صورت پیدایش فرق مختلف در درون خود می شده است؛ اما به هر حال، شـیخ مفید براساس چنین دریافتی از

۱- دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله ۳۹۱۰.

۲- کافی، ج۱، ص ۱۷۰، ۱۷۲ و ۱۷۸.

تاریخ تحولات مذهب امامی در کتاب «العیون و المحاسن» حتی فرقی مانند کیسانیه را داخل در مذهب امامی معرفی کرده، و امامیه را عنوان جامعی برای گروه هایی دانسته است که به طور کلی به وجوب امامت و عصمت و وجوب نص معتقدند.(۱)

با این وصف، طبیعی است که پس از استقرار مذهب دوازده امامی، میراث مشترک فرق مختلف امامی در طول سده های دوم و سوم هجری قمری مورد عنایت قرار گیرد. در سده چهارم هجری قمری (سده ۱۰ میلادی)، با وجود اختلاف ها و شکاف های نه چندان وسیع در میان گرایش های مختلف امامیان، اشتراک نظر در اصول و مبانی تفکر دینی امامی مشاهده می شود؛ از جمله این مسائل، اتفاق همگی دوازده امامیان بر وجود «نص الهی» بر امامت و عصمت امام و مرجعیت او در مسائل دینی است. به هر حال، بنابر اعتقاد امامیه، امام ِمنصوص و معصوم که وجود او در هر عصری ضروری است، فردی تلقی می شود که به عنوان عالم ترین فرد از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تفسیر شریعت، تعلیم حلال و حرام، تشخیص حق از باطل، حفظ شریعت از تحریفات و بدعت ها و تضمین اصالت آن برعهده او است.(۲)

این عقیده به عنوان سنت فکری و دینی محافل عمده امامیه در سده های دوم و سوم قمری، در منظومه کلامی امامیه در دوره پس از حضور امامان علیهم السلام مورد عنایت قرار گرفت و از این رو، نقش امام در مرجعیت دینی جامعه مؤمنان در مقایسه با نقش سیاسی امام، از اهمیت بیشتری برخوردار گردید.(۳)

با توجه به آنچه یاد شد، مقام مذهبی و علمی امام علیه السلام بیشتر مورد کاوش و

۱- ارشاد، ص۱۲۸ ؛ الفصول المختاره، ص۲۹۶.

۲- رک: الانتصار، ص۲۰۵، ۲۳۰ و ۲۳۴.

۳- رک: بصائر الدرجات، ص ۳۳۱ _ ۳۳۲.

نظریه پردازی متکلمان امامی واقع گشت. نظریه عصـمت امام، در همین راسـتا، مورد توجه متکلمانی چون هشام بن حکم قرار گرفت و بحث های بسیاری را بر اساس تعلیمات امامان علیهم السلام و به ویژه امام صادق علیه السلام درپی داشت.(۱)

به هر حال، نبایـد فراموش کرد که جریان اصـلی امامیه بیشتر توسط متکلمان دوره حضور ائمه علیهم السـلام رهبری می شـد و ایشان سـعی داشتند تا از عقاید غلات و دیگر فرقه های شیعه، غیر از فرقه اثناعشری، دوری کنند و سخت با آن مخالف بودند. آنـان بـا ردّ انتسـاب علم غیب به امامـان علیهم السـلام و یا قـدرت فوق بشـری و یا انتساب خلق و رزق به ائمه علیهم السـلام و تکذیب این باورها، بر عنایت خاص الهی به امامان علیهم السلام و برکات وجودی آنان، تأکید می کردند.(۲)

پس از رحلت امـام یـازدهم علیه السـلام و با بروز اختلافات در جامعه امامیه عراق ـ که بیش از مناطق دیگر، شاهـد اختلافات درون گروهی امـامیه بود ـ اکـثریت شـیعیان، بـا رهبری مرکزیت آنـان در بغـداد و نیز متکلمـان بزرگ شـیعه آن عصـر، یعنی خانـدان نوبختی و دیگران، به امـامت فرزنـد امـام یازدهم علیه السـلام به عنوان امام دوازدهم معتقـد شدنـد و با وجود اعتقادی ریشه دار در میان امامیه ـ که از تداوم امامت در نسل امامان علیهم السـلام خبر می داد ـ به غیبت ولی عصر علیه السلام ایمان آوردند.(۳)

نوع اعتقاد حاکم بر جامعه دوازده امامیان ِعصـر شـروع غیبت صـغری نشان می دهد که آنان به هیچ روی غیبت امام دوازدهم علیه السلام را از خاستگاه عقیده غالیانه «وقف» مطرح نکردند؛ بلکه آن را به عنوان یک امر واقع پذیرفتند.(۴)

امامیه همواره از این نظریه دفاع می کرده است که می بایست در میان جامعه

ص:۳۹

۱- رک: کمال الدین، صص۱۳۳ ـ ۱۳۶.

۲- رک: غیبت طوسی، ص۱۷۸.

۳- رک: فرق الشیعه، صص۷۹ ـ ۹۴ ؛ فصول المختاره، صص۳۱۸ ـ ۳۲۱.

۴- رک: کمال الدین، ص۳۲۳.

انسانی، «امام» ــ که حافظ دین خداوند و «حجت» خدا در زمین است ــ پیوسته وجود داشته باشد و در هیچ حال، زمین از حجت، خالی نخواهد بود. در حقیقت، امامیه با وجود اینکه به ختم نبوت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معتقدند، بر این باورند که حفظ و استمرار شریعت و دین خداوند جز از طریق وجود مستمر «حجت» امکان پذیر نیست. در تداوم این سنت، ابن قبه از ضرورت وجود حجت در زمین تا برپایی قیامت و ضرورت وجود نص الهی بر امام تأکید می کند و معتقد است که امام باید مصون از اشتباه باشد، عالم و عادل باشد، به مردمان، آنچه را نمی دانند، بیاموزد، به حق، حکم کند و گفتارش عاری از خطا و اختلاف و پریشانی باشد. او همچنین از ضرورت عقلی نص الهی به امام از سوی خداوند و نفی «اختیار» بحث کرده است. وی بر «نیاز به وجود نص» از این طریق استدلال می کند که تعیین امام معصوم، برای انسان ها ممکن نیست؛ زیرا ظاهر آدمیان نمی تواند روشن کننده عصمت آنان باشد و تنها خداوند بر عصمت بندگانش آگاه است.(۱)

شخصیت امام رضا علیه السلام

ابوالحسن علی بن موسی علیه السلام ملقب به «رضا»، امام هشتم از ائمه اثنی عشر علیهم السلام امامیه و دهمین معصوم از چهارده معصوم علیهم السلام است. سال تولد آن حضرت را ۱۴۸ و ۱۵۳ هجری قمری و ماه تولد ایشان را ذی الحجه، و ذی القعده و ربیع الاول گفته اند و مشهور آن است که روز تولد آن حضرت یازدهم ذی القعده بوده است.

کنیه آن حضرت «ابو الحسن» می باشد و چون امام موسی کاظم علیه السلام نیز مُکنی به «ابو الحسن» بوده اند، حضرت رضا علیه السلام را «ابو الحسن ثانی» گفته اند. مشهورترین لقب ایشان «رضا» بوده است و بنا بر روایتی، علت این لقب نیز آن است که:

ص:۴۰

۱- رک: النقض... فی الغیبه، بند۴ و ۱۳.

«رَضِیَ بِهِ المُخالِفُونَ مِن أَعدَائِهِ كمَا رَضِیَ بِهِ المُوافِقُونَ مِن أَولِيائِهِ وَ لَم يَكن ذَلِك لأحَدٍ مِن آبَائِهِ عَلَيهِمُ السَّلامُ فَلِذّلِك سُمِّیَ مِن بَينِّهِم بِالرِضَا...؛ (۱)

يعنى هم دشمنان مخالف و هم دوستان موافق به [ولايت عهدى] او رضايت دادند و چنين چيزى براى هيچ يك از پدران او اتفاق نيفتاده بود؛ از اين رو، در ميان آنان، تنها او «رضا» ناميده شد».(۲)

البته روايات ديگرى نيز در كتب متعدد نقل است كه مأمون آن حضرت را «الرضى من آل محمد» ناميده است.(۳)

در كتاب «عيون اخبار الرضا» روايتى به نقل از عبدالعظيم حسنى آمده است كه نشان مى دهد اين نام گذارى توسط پدر بزرگوار ايشان، يعنى امام موسى كاظم عليه السلام صورت گرفته است:

«كانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام يُسَمِّی وَلَدَهُ عَلِيّاً عليه السلام الرِّضَا وَ كانَ يَقُولُ ادْعُوا لِی وَلَدِیَ الرِّضَا...».(۴)

در كتاب «علل الشرايع» شيخ صدوق نيز آمده است كه «احمد بن ابى نصر بزنطى» از امام جواد عليه السلام سؤال كرد: «عده اى گمان مى كنند كه مأمون به دليل رضايت پدر بزرگوارتان بر ولايت عهدى، ايشان را ملقب به رضا كردند». امام جواد عليه السلام در پاسخ فرمودند:

«كذبوا و الله و فجروا، بل الله تعالى سماه الرضا لأنه كان عليه السلام رضى لله تعالى ذكره فى سمائه و رضى لرسوله و الأئمه بعده فى أرضه... و لأنه رضى به المخالفون من أعدائه كما رضى الموافقون من أوليائه و لم يكن ذلك لأحد من

۱- عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج۱، ص۱۳.

۲- عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج۱، ص۱۳.

۳- تاريخ طبرى، ج۱۰، ص۲۵۱ ؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج۲، ص۱۴۷.

۴- عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج۱، ص۱۴ و ص۲۳۷.

آبائه علیهم السلام فلذلک سمی من بینهم الرضا».(۱)

مادر آن حضرت «ام ولد» بود، یعنی از جمله کنیزانی که از مولای خود فرزند آورده بودند. در رابطه با نام و زادگاه مادر آن حضرت نیز اختلاف نظر است و احتمال بیشتر آن است که از مردم شمال آفریقا یا مغرب مراکش بوده است. صاحب «کشف الغمه» نام اصلی مادر آن حضرت را «الْخَیْزُرَانَ الْمَرْسِیَّهَ»، «شَقْرَاءَ النُّوبِیَّهَ»، «سُکَیْنَهُ النُّوبِیَّهُ» و «أُمٌّ الْبَنِینَ» دانسته است.(۲)

برخی دیگر از روایات، بیان کننده این است که نام ایشان، «نجمه» یا «أَرْوَی» یا «سَکن» یا «سَمَان» و یا «تُکتَم» بوده و پس از تولد حضرت رضا علیه السلام توسط امام کاظم علیه السلام به «طاهره» تغییر یافته است.(۳)

شخصیت ملکوتی و مقام شامخ علمی و زهد و اخلاق حضرت رضا علیه السلام و اعتقاد شیعیان به ایشان سبب شده بود که نه تنها در مدینه، بلکه در سراسر دنیای اسلام، به عنوان بزرگ ترین و محبوب ترین فرد خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد قبول عامه باشد و مسلمانان، او را بزرگترین پیشوای دین بشناسند و نامش را با صلوات و تقدیس ببرند. آن حضرت در حالی که بیست سال بیشتر نداشت، در مسجد النبی بر منبر می نشست و برای مردم فتوی می داد.

در رابطه با خصوصیات و ویژگی های اخلاقی آن حضرت، این گونه نقل شده است: علمش بی کران و رفتارش پیامبر گونه بود و حلم و رأفت و احسانش شامل خاص و عام می گردید. کسی را با عمل و سخن خود نمی آزرد. سخن کسی را قطع نمی کرد. هیچ حاجتمندی را مأیوس باز نمی گرداند. در حضور مهمان، به

۱- بحارالانوار، ج۴۹، ص۳.

۲- بحارالانوار، ج۴۹، ص۱۱.

۳- بحارالانوار، ج۴۹، ص۱۱.

پشتی تکیه نمی داد و پای خود را دراز نمی کرد. هرگز به غلامان و خدمه دشنام نمی داد؛ بلکه با آنان می نشست و غذا می خورد. شب ها کم می خوابید و بسیار قرآن می خواند. شب های تاریک در مدینه می گشت و مستمندان را کمک می کرد. در تابستان، روی حصیر و در زمستان، روی پلاس زندگی می کرد. نظافت را در هر حال رعایت می فرمود و عطر و بخور بسیار به کار می برد. عادتاً جامه ارزان و خشن می پوشید، ولی در مجالس و برای ملاقات ها و پذیرایی ها لباس فاخر در بر می کرد. غذا را اندک می خورد و سفره اش رنگین نبود. در هر فرصت مناسب تلاش می کرد تا مردم مسلمان را به وظایف خود آگاه سازد.(۱)

اعتبار سنجی رساله «محض الاسلام»

در کتاب های حدیثی، همچون «تحف العقول» از ابن شعبه حرانی (م ۴ هجری قمری)، «عیون اخبار الرضا» از شیخ صدوق (م ۳۰۵ هجری قمری / د ۳۸۱ هجری قمری) و «بحارالانوار» از علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۰۳۷ هجری قمری / د ۱۱۱۰ هجری قمری) متنی جامع و کامل از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با موضوع تشریح شرایع و اصول دین اسلام بر مبنای تشریح عقاید حقّه شیعه نقل شده، که در حقیقت، پاسخی بوده است به درخواست مأمون عباسی جهت نگارش رساله ای در باب احکام دین خدا و فرائض و سنن.

روایت است که مأمون، فضل بن سهل را خدمت امام رضا علیه السلام فرستاد تا از ایشان تقاضا کند رساله ای بنویسد که مورد استفاده آیندگان قرار بگیرد و حضرت نیز در پاسخ به این درخواست، بلافاصله تقاضای قلم و کاغذ کردند و به فضل دستور

۱- کشف الغمه، ج۲، ص۲۵۹.

دادند که خود، وظیفه نگارش این رساله را بر عهده گیرد.(۱)

از آنجا که این رساله، با عبارت «أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...» شروع می شود، به رساله «محض الاسلام» معروف شده است. با صرف نظر از اهداف سیاسی مأمون از چنین درخواستی، آنچه امروزه در کتب تاریخی نقل است و برای شیعیان و محبین آن امام همام، ارزشمند و قابل توجه می باشد، پاسخی است که حضرت به سرعت نسبت به این درخواست داده اند. از جمله ویژگی های این رساله، مکتوب بودن آن است که موجب شده در کتب تاریخی با کمترین اختلافی در الفاظ نقل شود.

این نکته بر اهل تحقیق و مطالعه پوشیده نیست که در میان احادیث و روایات صادر شده از ائمه اطهار علیهم السلام، آنچه به صورت مکتوب باشد، بسیار کم و نادر است و این دسته از روایات، از ارزش و اعتبار روایی بالایی نزد محدثین برخوردار هستند. این رساله نیز از این امتیاز بزرگ بهره مند بوده و همین امر موجب شده است تا محقق با استفاده از روش تحلیل محتوای کلام، بدان بپردازد.

در رابطه با سند این رساله نیز باید گفت که محدثین در کتب حدیثی خود، دو متن کاملاً مشابه را ــ صرف نظر از اندکی اختلافات جزئی ــ با اسناد مختلف ذکر کرده اند. شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام » سه سلسله سند برای این روایت نقل کرده است که سند اول و دوم از طریق «محمد بن عبدوس نیشابوری»، و سند دوم از طریق «زید بن علی بن الحسین علیه السلام نقل شده است. اسناد این روایت بدین شرح می باشد:

سند اول: «حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبْدُوسٍ النَّيْسَابُورِيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) بِنَيْسَابُورَ فِي

۱- تحف العقول، ص۴۱۶.

شَعْبَانَ سَنَهِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَهَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ».(۱)

سند دوم: «حَمْزَهُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَیْدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو نَصْرٍ قَنْبَرُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام ».(۲)

البته در این سند، جمله ای دالّ بر اینکه این رساله را امام رضا علیه السلام برای مأمون نگاشته اند، وجود ندارد. همچنین اختلافاتی در نقل برخی مضامین آن وجود دارد که بسیار جزئی است.

سند سوم نیز که مضامین روایت آن مطابق با سند اول و روایت محمد بن عبدوس می باشد، بدین شرح است:

«و حدثنا الحاکم أبو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان (رضی الله عنه) عن عمه أبی عبد الله محمد بن شاذان عن الفضل بن شاذان عن الرضا علیه السلام ».(۳)

علامه حرانی در کتاب «تحف العقول»، هیچ سندی برای این روایت بیان نکرده است؛ (۴) لیکن تحقیقات متعدد پیرامون نسخه شناسی این کتاب نشان می دهد که به علت نزدیکی زمان مؤلف به زمان ائمه اطهار علیهم السلام و در دست داشتن کتب اصول چهارصدگانه (اربعمأه) متن کتاب «تحف العقول» از

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۲۲.

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۲۷.

۳- تحف العقول، ص۴۱۶.

۴- تحف العقول، ص۴۱۶.

اعتبار والایی برخوردار است؛ علاوه بر این که متن روایت نقل شـده در این کتاب، با متنی که شـیخ صدوق به طریق نواده زید بن علی بن الحسین علیه السلام بیان کرده نیز یکسان می باشد.

علامه مجلسـی نیز علاوه بر ذکر اسـناد فوق به نقل از شـیخ صدوق و علامه حرانی، دو سند دیگر هم ذکر کرده است که بدین شرح می باشـند: «عن أبی علی محمد بن الحسـین بن الفضل عن أحمد بن علی بن حاتم عن أبیه عن علی بن جعفر عن علی بن أحمد بن حماد» و «الفضل بن سنان الهاشمی عن محمد بن یقطین و إبراهیم بن محمد رووا کلهم عن الرضا علیه السلام ».

آنچه مشـخص است، این است که هم شـیخ صـدوق و هم علامه مجلسـی، روایت محمد بن عبدوس را اصح دانسـته اند؛ بلکه علامه مجلسـی با صراحت بیان کرده است که ترک روایت دوم به دلیل تکرار مضامین و اصح بودن روایت محمد بن عبدوس بهتر است. بـدین جهت مـا نیز در این تحقیق، روایت محمـد بن عبـدوس نیشابوری را ملاک قرار داده، و بر مبنای آن به تحلیل محتوای کلام حضرت رضا علیه السلام می پردازیم.(۱)

تحلیل محتوای روایت

اشاره

پیش از پرداختن به نتایج به دست آمده از تحلیل محتوای رساله امام رضا علیه السـلام، لازم است ابتدا به توضیـح روش تحقیق پرداخته شود. روش «تحلیـل محتوای کلام» (Content Analysis) که روشـی علمی برای تفسیر «متن» (Text) می باشد، از جمله روش های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی و به خصوص

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۵۴ ؛ بحارالانوار، ج۱۰، ص۳۵۲ و ص۳۶۱.

در رابطه با زیر رشته های علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد دارد و به علت این که نتایج به دست آمده از این طریق اعتبار بالایی هستند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در ذیل به صورت مختصر، اطلاعاتی در رابطه با این روش بیان می شود.

معرفی روش تحقیق

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار، روش های نوینی را ابداع کرده است که در عرصه پژوهش های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشند.

یکی از مهم ترین روش های شناسایی و جمع آوری داده ها (اطلاعات) ـ که با توجه به موضوع، شرایط و هدف تحقیق، کاربرد بیشتری برای محققان داشته است ـ روش بررسی اسناد می باشد که در اسناد مکتوب، نظیر انتشارات عمومی، نسخه های محدود، اسناد کمیاب و نقشه ها، و نیز اسناد غیر مکتوب نظیر عکس ها، فیلم ها، آثار هنری به جای مانده از گذشتگان و ... قابل اجراست.

«لورنس باردن» در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» آورده است: که «تحلیل محتوا، در حقیقت، فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادیِ تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف ها و امثالهم بر حسب واحدهایی که انتخاب می شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده اند».(۱)

در حقیقت، تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می کند که برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا

۱- تحلیل محتوا، ص۲۹.

در مورد کلمات عامیانه ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی رود. پیام هایی که توسط متن منتقل می شود، می تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ لذا می توان با استفاده از تحلیل محتوا معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام ها به صورت نظام مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می کند؛ از این رو، آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می باشد.

تحلیل محتوای متن، تاریخچه ای بسیار قدیمی دارد. گذشتگان، با استفاده از این روش، کتب و متون مذهبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دادند. در سال ۱۹۵۵م. مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان «سرودهای صهیون» مورد بررسی قرار گرفت؛ چرا که آن مجموع شعر، از سانسور دولتی مصون بود و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می شد. اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار بود.(۱)

«لاسول»، عمده ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤالات قدیمی تحقیق در ارتباطات می داند که: «چه کسی، چه چیزی را، به چه کسی، چرا، چگونه، و با چه تاثیری، می گوید؟»(۲)

در رابطه با فن انتخاب شده برای تحلیل محتوای رساله امام رضا علیه السلام در مقاله حاضر، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا ــ که در منابع مختلف، پیرامون آن بحث شده است ــ فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و به صورت کمّی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی انتخاب شده است. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت گیری هر کدام از عبارات رساله نیز بر این اساس، استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است.

ص:۴۸

۱- تحلیل محتوا، ص۹.

۲- روش تحقیق در علوم اسلامی، ص۲۲۲.

به عبارت دیگر، ابتدا با نگاه به کلید واژگان کلیدی هر عبارت، مفاهیم اولیه تشکیل دهنده مضامین و نقاط تمرکز، استخراج شده، که هم بیانگر کلیت فضای حاکم بر رساله است و هم راهنمای چگونگی انتخاب گزاره ها.

در مرحله دوم، با درج عبارات رساله در جداول تحلیل محتوا به استخراج جهت گیری ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته ایم که از ره آورد آن، بالغ بر ۲۱۱ مضمون استخراج شده است.

فرایند تبدیل جملات به گزاره ها و مضامین و استخراج جهت گیری ها و نقاط تمرکز هر متن و چگونگی یافتن مقولات و نتایج حاصل ــ که همان روش تحلیل محتوای این مقاله است ــ به شرح ذیل می باشد:

۱) تجزیه کامل عناصر تشکیل دهنده جملات و تقطیع جملات در جداول. منظور از جمله، عبارتی است خبری، که دارای معنای کامل و تمامی بوده و به صورت مستقل، مفهومی واحد را بیان می کند.

۲) شمارش کلمات کلیدی عبارات امام و درج در جداول مخصوص.

۳) یافتن ارتباط میان عناصر جزئی جمله، جهت یافتن موضوع اصلی آن. منظور از عناصر جزئی، همان موضوعات فرعی مطرح شده در عبارت می باشند که هرچند به صورت مستقل یا جمله محسوب نمی شوند، ولی تشکیل دهنده مفهوم جمله هستند.

۴) تبدیل عناصر مرتبط در یک جمله به گزاره و مضمون، جهت یافتن موضوعات فرعی یا نقاط تمرکز متن.

۵) طرح سؤالات و نکات قابل توجه متن در یادداشت نظری تحقیق. منظور، تحلیل های توصیفی است که هرچند در قالب جداول تحلیل محتوا نمی گنجند، ولی در هنگام نتیجه گیری استفاده می شوند.

۶) بررسی مجدد کلیه جملات و مضامین آنها به منظور یافتن جهت گیری و

عنوان کلی برای موضوعات اصلی.

۷) کدگذاری جملات و نقاط تمرکز به دست آمده در جدول تحلیل محتوا.

۸) مقوله بندی مضامین و نقاط تمرکز مشترک، جهت دسته بندی آنها.

۹) تحلیل توصیفی جملات بر اساس نتایج حاصل از تحلیل های کمّی در قالب جداول و نمودار.

۱۰) مدل سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

این امور۱۰گـانه، در حقیقت روش تحقیق و عملکرد محقق را در این مقـاله نشان می دهـد که در ابتـدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق، به صورت اجمالی، مشـخص، و در طول تحقیق نیز به صورت تفصـیلی، تبیین شـده است. منظور از محتوا در این روش علمی، متون سازمـان یافته و انـدوخته شـده مربوط به یک موضوع واحـد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم ها، اصول و نظریه های مشابه را شامل می شود.(۱)

در این تحقیق، «محتوا» (Content) به معنای متنی است منقول از حضرت رضا علیه السلام که در منابع تاریخی موجود است و در حال حاضر، محور مطالعه پژوهشگر می باشد.

«موضوع اصـلی»، عنوانی کلیـدی و کلی است که بیانگر مقصود عبارت اصـلی و تقطیع شـده متن می باشـد. این موضوع، کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

«جهت گیری» (Direction) عنوانی کلی است که هر کدام از موضوعات

ص:۵۰

۱- طرح مطالعاتی، راهنمای برنامه درسی، ص۶۷.

مطروحه در متن را شامل می شود. به عبارت دیگر، به جهت سهولت بررسی هر متنی، موضوعات ریز استخراج شده، و در مرحله دوم، در قالب عناوینی کلی درج می شوند که به آن عناوین، جهت گیری می گویند.

«نقاط تمرکز» (Attention) نیز مضمونی فرعی است که توسط تحلیل گر استخراج می شود و لایه های درونی متن را آشکار می سازد. نقاط تمرکز، مشتمل بر مواردی است که اگرچه در قالب موضوع اصلی متن نیز بیان شده اند، اما در برخی موارد، ممکن است در حاشیه قرار گرفته باشند و امکان درج در بخش موضوعات اصلی را نداشته باشند؛ لذا به جهت پرهیز از عدم توجه به آنها در بخش نقاط تمرکز درج می شوند.

در کدگذاری جداول تحلیل محتوای این مقاله، به گونه ای عمل شده است که در هر مرحله از مسیر تحلیل محتوا و بررسی نتایج، با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه و ردیف هر موضوع، می توان به سند و منبع آن جمله دست یافت. حرف A در این کدگذاری بیانگر نقاط تمرکز استخراج شده از رساله و حرف B نیز بیانگر عبارت تقطیع شده از متن می باشد که همراه با عدد و به صورت ترتیبی درج شده اند.

جدول تحلیل محتوای روایت

در این بخش، متن روایت، به صورت تقطیع شده در جدولی با عنوان «جدول تحلیل محتوا» درج شده است که گویای مضامین، نقاط تمرکز و جهت گیری های کلی متن می باشد. لازم به ذکر است که متن روایت امام علیه السلام به ۷۷ جمله، تقطیع، و حدود ۲۱۱ مضمون و پیام از آن برداشت شده است. با توجه به اینکه موضوع مقاله، بررسی جایگاه امامت در اندیشه امام رضا علیه السلام و مطالب مربوط به آن است، اولاً در استخراج مضامین، تأکید بیشتر بر این مبحث بوده و ثانیاً به جهت پرهیز از اطناب و رعایت اختصار، از درج کلیه عبارات، صرف نظر شده و فقط مباحث

مربوط به امامت ذکر شـده است؛ چرا که اصل این جـدول، به صورت کامل، در حدود ۱۰ صفحه است. این جدول که مبنای مطالعات صورت گرفته در مقاله حاضر است، بدین شرح می باشد:

ص:۵۲

ردیف

محتوا

موضوع اصلی

جهت گیری

نقطه تمرکز

کد شناسه

۱

أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

توحید

اصول

توحید خالص الهی

A۱

۲

إِلَهاً وَاحِداً أَحَداً صَمَداً قَيُّوماً سَمِيعاً بَصِيراً قَدِيراً قَدِيماً بَاقِياً عَالِماً لَا يَجْهَلُ قَادِراً لَا يَعْجِزُ غَنِيّاً لَا يَحْتَاجُ عَدْلًا لَا يَجُورُ وَ أَنَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ لَا شِبْهَ لَهُ وَ لَا ضِدَّ لَهُ وَ لَا كفْوَ لَهُ وَ أَنَّهُ الْمَقْصُودُ بِالْعِبَادَهِ وَ الدُّعَاءِ وَ الرَّغْبَهِ وَ الرَّهْبَهِ

توحید

اصول

صفات خداوند متعال

A۲

۳

وَ أَنَّ مُحَمَّداً ص عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَمِينُهُ وَ صَفِيُّهُ وَ صَفْوَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ أَفْضَلُ الْعَالَمِينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ لِمِلَّتِهِ وَ لَا تَغْيِيرَ لِشَرِيعَتِهِ

نبوت

اصول

صفات پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم

A۳

۴

وَ أَنَّ جَمِيعَ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَ التَّصْدِيقُ بِهِ

قرآن

فروع

قرآن، حق مبين است

A۴

تأكيد بر تصديق قرآن

A۵

قرآن از طرف خداوند است

A۶

۷

وَ أَنَّ الدَّلِيلَ بَعْدَهُ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمَ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّاطِقَ عَنِ الْقُرْآنِ وَ الْعَالِمَ بِأَحْكَامِهِ أَخُوهُ وَ خَلِيفَتُهُ وَ وَصِيُّهُ وَ وَلِيُّهُ الَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ أَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ

ولايت ائمه اطهار

اصول

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

A۲۴

راهنمای بعد از پیامبر، امام است

A۲۵

امام، حجت بر مؤمنین است

A۲۶

امام، اقامه کننده امور مسلمین است

A۲۷

امام، قرآن ناطق است

A۲۸

امام، عالم به احکام قرآن است

A۲۹

امام، همچون برادر پیامبر می ماند

A۳۰

امام، جانشین پیامبر است

A۳۱

امام، وصی پیامبر است

A۳۲

امیرالمؤمنین به منزله هارون برای پیامبر است

A۳۳

ص:۵۳

امیرالمؤمنین به منزله هارون برای پیامبر است

A۳۳

حضرت علی، امام متقین است

A۳۴

حضرت علی، قائد الغر المحجلین است

A۳۵

حضرت علی، در میان اوصیای پیامبران برترین است

A۳۶

حضرت علی، وارث علم تمامی پیامبران است

A۳۷

معرفی دقیق ائمه اطهار

A۳۸

امام حسن و امام حسین، سرور جوانان بهشت هستند

A۳۹

امام سجاد، زینت بندگان است

A۴۰

امام باقر، شکافنده علم اولین است

A۴۱

امام صادق، وارث علم تمامی اوصیای الهی است

A۴۲

حضرت مهدی، قیام کننده منتظَر است

A۴۳

تأکید بر ولایت ائمه اطهار

A۴۴

شهادت بر امامت و وصایت ائمه اطهار

A۴۵

تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمان و مکانی

A۴۶

ائمه اطهار، ریسمان محکم الهی هستند

A۴۷

ائمه اطهار، هدایت کننده بندگان هستند

A۴۸

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان می باشند

A۴۹

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان می باشند

A۴۹

ائمه اطهار، وارثین حقیقی زمین هستند

A۵۰

ائمه اطهار، قرآن ناطق هستند

A۵۱

ائمه اطهار، بیان کننده سنت رسول الله هستند

A۵۲

تأکید بر ورع

A۵۳

تأکید بر عفت

A۵۴

تأکید بر صدق

A۵۵

تأکید بر صلاح

A۵۶

تأکید بر استقامت

A۵۷

تأکید بر اجتهاد

A۵۸

تأکید بر اداء امانت به همگان

A۵۹

تأکید بر طول سجود

A۶۰

تأکید بر روزه

A۶۱

تأکید بر نماز شب

A۶۲

تأکید بر اجتناب محارم

A۶۳

تأکید بر انتظار فرج با صبر

A۶۴

تأکید بر بهترین تعزیت

A۶۵

تأکید بر بهترین هم صحبتی

A۶۶

تبیین احکام امام جماعت

A۷۷

امام جماعت نباید فاجر باشد

A۷۸

امام جماعت باید اهل ولایت ائمه اطهار باشد

A۷۹

تبیین احکام جهاد و قتال

A۱۰۴

ص:۵۵

وَ الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ الْإِمَامِ الْعَادِلِ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ

جهاد

فروع

تبیین احکام جهاد و قتال

A۱۰۴

جهاد با حضور امام عادل واجب است

A۱۰۵

هر کس برای حفظ اموالش کشته شود، شهید است

A۱۰۶

وَ حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَاجِبٌ وَ كَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ الْبَرَاءَةُ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَئِمَّتِهِمْ

ولايت ائمه اطهار

فروع

تأکید بر وجوب حب و دوستی اولیای الهی

A۱۱۶

تأکید بر وجوب دشمنی با دشمنان خدا و ائمه اطهار

A۱۱۷

وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ ع وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِهِمْ وَ سَنُّوا ظُلْمَهُمْ وَ غَيَّرُوا سُنَّةَ نَبِيِّهِمْ ص

برائت

فروع

دشمنی با دشمنان پیامبر

A۱۵۴

دشمنی با ظالمین

A۱۵۵

دشمنی با بدعت گذاران

A۱۵۶

وَ الْبَرَاءَهُ مِنَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ الَّذِينَ هَتَكوا حِجَابَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ نَكثُوا بَيْعَهَ إِمَامِهِمْ وَ أَخْرَجُوا الْمَرْأَهَ وَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ قَتَلُوا الشِّيعَهَ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَاجِبَهٌ

برائت

فروع

دشمنی با پیمان شکنان

A۱۵۷

دشمنی با هتک حرمت کنندگان

A۱۵۸

دشمنی با مخالفین ائمه اطهار

A۱۵۹

دشمنی با قاتلین شیعیان

A۱۶۰

وَ الْبَرَاءَهُ مِنْ أَشْيَاعِهِمُ الَّذِينَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ قَتَلُوا الْأَنْصَارَ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ أَهْلَ الْفَضْلِ وَ الصَّلَاحِ مِنَ السَّابِقِينَ

برائت

فروع

دشمنی با مخالفین ائمه اطهار

A۱۶۵

دشمنی با قاتلین شیعیان

A۱۶۶

وَ الْبَرَاءَهُ مِنْ أَهْلِ الِاسْتِئْثَارِ وَ مِنْ أَبِی مُوسَی الْأَشْعَرِیِّ وَ أَهْلِ وَلَایَتِهِ الَّذِینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً أُولئِکَ الَّذِینَ کفَرُوا بِآیاتِ رَبِّهِمْ بِوَلَایَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ لِقائِهِ ع کفَرُوا بِأَنْ لَقُوا اللَّهَ بِغَیْرِ إِمَامَتِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فَلا نُقِیمُ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَزْناً فَهُمْ کلَابُ أَهْلِ النَّارِ

برائت

فروع

دشمنی با مخالفین ائمه اطهار

A۱۶۷

دشمنی با جاهلین حق ائمه اطهار

A۱۶۸

دشمنی با خوارج

A۱۶۹

وَ الْبَرَاءَهُ مِنَ الْأَنْصَابِ وَ الْأَزْلَامِ أَئِمَّهِ الضَّلَالِ وَ قَادَهِ الْجَوْرِ کلِّهِمْ أَوَّلِهِمْ وَ آخِرِهِمْ

برائت

فروع

دشمنی با بت پرستان

A۱۷۰

دشمنی با رهبران ستم پیشه

A۱۷۱

ص:۵۶

۷۲

وَ الْبَرَاءَهُ مِنْ أَشْبَاهِ عَاقِرِی النَّاقَهِ أَشْقِیَاءِ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ مِمَّنْ یَتَوَلَّاهُمْ

برائت

فروع

دشمنی با ستم پیشه گان

A۱۷۲

۷۳

وَ الْوَلَایَهُ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الَّذِینَ مَضَوْا عَلَی مِنْهَاجِ نَبِیِّهِمْ ص وَ لَمْ یُغَیِّرُوا وَ لَمْ یُبَدِّلُوا مِثْلِ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ وَ أَبِی ذَرٍّ الْغِفَارِیِّ وَ الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ وَ عَمَّارِ بْنِ یَاسِرٍ وَ حُذَیْفَهَ بْنِ الْیَمَانِ وَ أَبِی الْهَیْثَمِ بْنِ التَّیِّهَانِ وَ سَهْلِ بْنِ حُنَیْفٍ وَ عِبَادَهِ بْنِ الصَّامِتِ وَ أَبِی أَیُّوبَ الْأَنْصَارِیِّ وَ خُزَیْمَهَ بْنِ ثَابِتٍ ذِی الشَّهَادَتَیْنِ وَ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ وَ أَمْثَالِهِمْ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ

ولایت ائمه اطهار

فروع

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین

A۱۷۳

تأکید بر ولایت مداری اصحاب ائمه اطهار

A۱۷۴

۷۴

وَ الْوَلَایَهُ لِأَتْبَاعِهِمْ وَ أَشْیَاعِهِمْ وَ الْمُهْتَدِینَ بِهُدَاهُمْ السَّالِکِینَ مِنْهَاجَهُمْ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَتُهُ

ولایت ائمه اطهار

فروع

تأکید بر ولایت تابعین ائمه اطهار

جدول۱: تحلیل محتوای رساله «محض الاسلام»

چنـان که ذکر شـد این جـدول بسـیار طولـانی است و به جهت اختصار، در اینجا تنها مطالبی که مرتبط با موضوع امامت بوده، درج شده است.

تحلیل محتوای کمّی روایت

اشاره

منظور از تحلیل های کمّی، بررسـی فراوانی کلمات، قالب ها، مضامین و موضوعات مطرح شـده در متن می باشد که به محقق کمـک می کننـد که بـا ساختار عناصـر و مؤلفه های به کار رفته در آن، بیشتر آشـنا شود. تحلیل های کمّی، راه را برای تحلیل های کیفی هموار می کنند و در اصل، نشان می دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل های کیفی پرداخته است.(۱)

در ذیل، به چند مورد از تحلیل های کمّی در رابطه با رساله «محض الاسلام»

ص:۵۷

۱- مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ص۲۶.

امام رضا علیه السلام اشاره شده است. لازم به تذکر است که همه اعداد استخراج شده از جدول، به درصد تبدیل شده و در نمودارها درج گشته اند.

فراوانی کلمات

منظور از فراوانی کلمات، شمارش واژگان کلیدی است که در متن خودنمایی کرده و به عنوان اجزای اصلی متن جلوه گری می کنند. لازم به ذکر است که این کلمات، از پیش تعیین شده نمی باشند و در مطالعات تحلیل محتوا به تدریج خود را برای محقق نمایان می سازند؛ بدین صورت که در کنار جداول تحلیل محتوا، ستونی اختصاص به واژگان کلیدی پیدا کرده و در حین مطالعه متن، به تدریج تکمیل می شود و در نهایت، مورد بازشماری قرار می گیرد.

در بازشماری این کلمات، واژگان مشابه در یک دسته جای گرفته، و همچون یک مفهوم مشترک در قالب نمودار به نمایش گذاشته می شوند. نمودار میله ایِ فراوانی بیشترین کلماتِ استفاده شده در رساله مورد بحث بدین شرح است:

نمودار۱: فراوانی کلمات رساله «محض الاسلام»

پس از لفظ جلاله «الله» _ که طبیعتاً می بایست در این رساله بالاترین فراوانی را داشته باشد _ کلمات امامت و ولایت، نماز، نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن مجید دارای بالاترین فراوانی می باشند که نشان از اهمیت و جایگاه والای این مفاهیم در اندیشه و کلام حضرت دارد.

در رابطه با شمارش فراوانی کلمات، ذکر این نکته لازم است که اسامی مبارک

ائمه اطهار علیهم السلام در بخش امامت و ولایت محاسبه شده است؛ چرا که همگی آنها در یک حوزه معنایی هستند. برای مثال، بیان نام امیرالمؤمنین علیه السلام یا تأکید بر امامت بر حق ایشان، بیان های مختلفی در تأکید بر اصل امامت و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام هستند.

فراوانی موضوعات

منظور از فراوانی موضوعات، عناوینی کلیدی و کلی می باشند که عبارات و مضامین مختلف متن بیان مشروح آنها هستند. این موضوعات، کلی بوده، و چارچوب اصلی متن را تشکیل می دهند و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام، می توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

از دیگر کاربردهای سنجش فراوانی موضوعات، آشنایی با اندیشه ها و افکار مؤلف متن است. در موارد متعددی ممکن است یک متن با عنوانی خاص مشهور شود، لکن پس از بررسی فراوانی موضوعات آن متن مشخص شود که شایسته است متن مورد مطالعه، دارای عنوانی دیگر باشد؛ چرا که فراوانی عنوان جدید، بیشتر بوده و بیانگر دغدغه مؤلف در رابطه با آن موضوع می باشد.

در ذیل، نمودار موضوعات مطرح شده در رساله امام رضا علیه السلام درج شده است:

ص:۵۹

نمودار ۲: فراوانی موضوعات رساله «محض الاسلام»

همـانطور که مشاهـده می شود، موضوعـات نماز، ولایت ائمه اطهار علیهم السـلام و برائت از دشـمنان ایشان، از جمله مواردی است که به دفعـات در رساله امام رضا علیه السـلام بیان شـده انـد. سـنجش فراوانی این موضوعات، بیانگر این مطلب است که موارد فوق در ذهن و انـدیشه آن حضـرت از اهمیت و جایگـاهی والاـ برخوردار بوده و در حقیقت دغـدغه هـای اصـلی ایشان برای نگارش آن متن را تشکیل می دهند.

فراوانی جهت گیری ها

منظور از جهت گیری ها، عناوینی کلی است که هر کـدام از موضوعات اصـلی مطروحه در متن را شامل می شونـد. به عبارت دیگر به جهت سـهولت بررسی هر متنی، موضوعات اصلی آن استخراج شده، و در قالب عناوینی کلی تر درج می شوند که به آن عناوین، «جهت گیری» می گویند.

چنان که از نمودارهای فراوانی کلمات و موضوعات رساله مشخص شد، اهمّ موارد تشکیل دهنده آن، مباحثی از اصول دین و سپس فروع دین می باشـد؛ امـا این بـدان معنـا نیست که حجم مطـالب پرداخته شـده به این موضوعـات نیز با یکـدیگر یکسان هسـتند. نمودار فراوانی جهت گیری هـا که در ذیل بیان شـده، نشان دهنـده این نکته بسـیار مهم است که اگرچه اصول دین از اولویت و اهمیت والایی

ص:۶۰

برخوردار می باشند، اما پرداختن به فروع دین و احکام واجبات و محرمات ــ که از امور روزمره زندگی مردم است ــ نیز در نظر امام مهم بوده است و لذا ایشان، حجم انبوهی از مطالب خود را بدان اختصاص داده اند.

در ذیل، موضوعات اصلیِ استخراج شده از رساله امام رضا علیه السلام در قالب سه عنوان کلی دسته بندی شده اند که نمودار کلوچه ای آن به این شرح می باشد:

نمودار ۳: فراوانی جهت گیری های رساله «محض الاسلام»

منظور از اصول دین، مواردی مانند توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد می باشد. منظور از فروع دین نیز احکام و دستورات شرعی است که از کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استخراج شده است و امام رضا علیه السلام در رساله خود بدان اشاره کرده اند.

منظور از اخلاقیات نیز مواردی است که به فضائل و رذائل انسانی در جامعه بشری می پردازد و عوامل سعادت و هدایت یا شقاوت و ضلالت افراد را بیان می کند.

این دسته بندی کلی نشان می دهد که امام رضا علیه السلام در کلام خود، به همه موارد اصلی و فرعی و اخلاقی دین مبین اسلام توجه داشته، و در یک رساله کوتاه، همه آنچه یک فرد در رابطه با دین اسلام باید بداند و بدان عمل کند را بیان کرده اند. موارد فوق نشان می دهد که رساله امام، به عنوان یک کتاب اصول عقاید و احکام

و حتی کتابی اخلاقی قابل بررسی و مطالعه است که در ذیل به صورت جزئی، به استخراج مفاهیم اخلاقی آن خواهیم پرداخت.

تحلیل محتوای کیفی روایت

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده های متن از طریق کدگذاری های طبقه بندی شده به صورت سیستماتیک می باشد که به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت، از مفاهیم ساخته می شوند. به عبارت دیگر، تحلیل های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده ها هستند که در نهایت، منجر به نظریه پردازی می شوند.(۱)

در این قسمت، با توجه به موضوع اصلی مقاله، قصد داریم تا به بررسی جایگاه امامت و ولایت در کلام امام رضا علیه السلام بپردازیم. چنان که پیش تر در بخش تحلیل محتوای کمّی گفته شد، تحلیل های کمّی راه را برای تحلیل های کیفی هموار می کنند. موضوع امامت و بیان برخی از ویژگی های ائمه اطهار علیهم السلام، از جمله موضوعات کلیدی است که امام در رساله خود بدان اشاره فرموده اند. آنچه را که امام علیه السلام در رساله «محض الاسلام» در رابطه با موضوع امامت بیان کرده اند، می توان به هفت دسته کلی تقسیم نمود که عبارتند از: تبیین جایگاه امام، معرفی دقیق امامان، تأکید بر نقش امامت و ولایت، بیان ویژگی های اخلاقی امام، تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین، وجوب حب ائمه اطهار و وجوب برائت از دشمنان ایشان.

موارد فوق بر اساس دسته بندی نقاط تمرکز استخراج شده از متن رساله به دست آمده اند که در جدول ذیل به همراه کد شناسه مخصوص، نشان داده شده اند:

۱- تحلیل محتوا در علوم اجتماعی ؛ انسانی، ص۱۴.

ردیف

مفهوم

نقاط تمرکز

کدشناسه

۱

تبیین جایگاه امامت

راهنمای بعد از پیامبر، امام است

A۲۵

امام، حجت بر مومنین است

A۲۶

امام، اقامه کننده امور مسلمین است

A۲۷

امام، قرآن ناطق است

A۲۸

امام، عالم به احکام قرآن است

A۲۹

امام، همچون برادر پیامبر می ماند

A۳۰

امام، جانشین پیامبر است

A۳۱

امام، وصی پیامبر است

A۳۲

ائمه اطهار، ریسمان محکم الهی هستند

A۴۷

ائمه اطهار، هدایت کننده بندگان هستند

A۴۸

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان هستند

A۴۹

ائمه اطهار، وارثین حقیقی زمین می باشند

A۵۰

ائمه اطهار، قرآن ناطق هستند

A۵۱

ائمه اطهار، بیان کننده سنت رسول الله هستند

A۵۲

۲

معرفی ائمه اطهار علیهم السلام

معرفی دقیق ائمه اطهار

A۳۸

امام حسن و امام حسین، سرور جوانان بهشت هستند

A۳۹

امام سجاد، زینت عابدان است

A۴۰

امام باقر، شکافنده علم اولین است

A۴۱

امام صادق، وارث علم تمامی جانشینان الهی است

A۴۲

حضرت مهدی، قیام کننده منتظَر است

A۴۳

۳

تأکید بر نقش ولایت و امامت

تأکید بر ولایت ائمه اطهار

A۴۴

شهادت بر امامت و وصایت ائمه اطهار

A۴۵

تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمان و مکانی

A۴۶

امام جماعت باید اهل ولایت ائمه اطهار باشد

A۷۹

ردیف

مفهوم

نقاط تمرکز

کدشناسه

۱

تبیین جایگاه امامت

راهنمای بعد از پیامبر، امام است

A۲۵

امام، حجت بر مومنین است

A۲۶

امام، اقامه کننده امور مسلمین است

A۲۷

امام، قرآن ناطق است

A۲۸

امام، عالم به احکام قرآن است

A۲۹

امام، همچون برادر پیامبر می ماند

A۳۰

امام، جانشین پیامبر است

A۳۱

امام، وصی پیامبر است

A۳۲

ائمه اطهار، ریسمان محکم الهی هستند

A۴۷

ائمه اطهار، هدایت کننده بندگان هستند

A۴۸

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان هستند

A۴۹

ائمه اطهار، وارثین حقیقی زمین می باشند

A۵۰

ائمه اطهار، قرآن ناطق هستند

A۵۱

ائمه اطهار، بیان کننده سنت رسول الله هستند

A۵۲

۲

معرفی ائمه اطهار علیهم السلام

معرفی دقیق ائمه اطهار

A۳۸

امام حسن و امام حسین، سرور جوانان بهشت هستند

A۳۹

امام سجاد، زینت عابدان است

A۴۰

امام باقر، شکافنده علم اولین است

A۴۱

امام صادق، وارث علم تمامی جانشینان الهی است

A۴۲

حضرت مهدی، قیام کننده منتظَر است

A۴۳

۳

تأکید بر نقش ولایت و امامت

تأکید بر ولایت ائمه اطهار

A۴۴

شهادت بر امامت و وصایت ائمه اطهار

A۴۵

تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمان و مکانی

A۴۶

امام جماعت باید اهل ولایت ائمه اطهار باشد

A۷۹

پرداخت زکات بر غیر اهل ولایت ممنوع است

A۸۸

پرداخت زکات فطره بر غیر اهل ولایت ممنوع است

A۸۹

جهاد با حضور امام عادل، واجب است

A۱۰۵

۴

بیان ویژگی های اخلاقی ائمه اطهار علیهم السلام

تأکید بر ورع

A۵۳

تأکید بر عفت

A۵۴

تأکید بر صدق

A۵۵

تأکید بر صلاح

A۵۶

تأکید بر استقامت

A۵۷

تأکید بر اجتهاد

A۵۸

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

A۱۷۳

امیرالمؤمنین به منزله هارون برای پیامبر است

A۳۳

حضرت علی، امام متقین است

A۳۴

حضرت علی، قائد الغر المحجلین است

A۳۵

حضرت علی، برترین اوصیای پیامبران است

A۳۶

ص:۶۵

گونه ای که در رساله مختصر خود بیشترین کلمات و موضوعات را به این واژگان اختصاص داده، و در مواردی به بیان جایگاه، ویژگی های اخلاقی و ضرورت حب آنها و برائت از دشمنان ایشان تأکید کرده اند. این مطلب با توجه به آنچه در رابطه با هدف سیاسی مأمون عباسی از درخواست نگارش این رساله گفته شد، بیانگر این نکته مهم است که امام رضا علیه السلام با توجه به درک و بصیرت والایی که داشته اند، متوجه اهداف سیاسی مأمون از این درخواست شده و تلاش نموده اند تا از این موقعیت، علیه او و تبلیغ افکار و اعتقادات شیعه استفاده نمایند.

در حقیقت باید گفت که یکی از عوامل گسترش وسیع احادیث و روایات ائمه اطهار در قرن دوم هجری، دستگاه حکومت عباسی، به ویژه در زمان خلافت مأمون بوده است؛ چرا که پذیرش ولایت عهدی وی توسط امام رضا علیه السلام این موقعیت را برای علویان ایجاد کرد تا با آزادی بیشتری به تبلیغ عقاید خود پرداخته، و حتی در مواردی از ابزارهای حکومتی برای تبلیغ دین و اعتقادات تشیع استفاده کنند.

ثانیاً؛ امام علیه السلام به منظور تشریح احکام و دستورات شرعی، در رساله خود به بیان برخی از واجبات و محرمات پرداخته اند؛ اما نکته مهم این است که ایشان استخراج این احکام را وظیفه و رسالت ائمه اطهار می دانند که قرآن ناطق و بیان کننده سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند و با علم الهی ــ که از انبیای الهی به ارث برده اند ــ تلاش می کنند که موجبات هدایت و سعادت افراد و جامعه اسلامی را فراهم آورند.

همچنین ایشان در تشریح احکام و وظایف شرعی نیز بر نقش ائمه اطهار تأکید کرده و در مواردی، اقامه نماز، پرداخت زکات و وجوب جهاد را مشروط به پذیرش ولایت ائمه اطهار یا حضور امام عادل می دانند. به عنوان مثال، در رابطه با اقامه نماز جماعت، شرط اصلی برای امام جماعت را «اهل ولایت» بودن دانسته و

می فرمایند: «وَ لَا صَلَاةَ خَلْفَ الْفَاجِرِ وَ لَا یُقْتَدَی إِلَّا بِأَهْلِ الْوَلَایَهِ». (۲۰)

در رابطه بـا زکات نیز، پرداخت آن را فقط به «اهل ولایت» جایز می داننـد و می فرماینـد: «وَ لَا یَجُوزُ أَنْ یُعْطَی الزَّکاهُ غَیْرَ أَهْلِ الْوَلَایَهِ الْمَعْرُوفِینَ.... وَ زَکاهُ الْفِطْرِ فَرِیضَهٌ.... وَ لَا یَجُوزُ دَفْعُهَا إِلَّا عَلَی أَهْلِ الْوَلَایَهِ». (۲۸)

در رابطه با وجوب جهاد نیز می فرمایند: «وَ الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ الْإِمَامِ الْعَادِلِ» (۳۷)

به وضوح مشخص است که منظور از «اهل ولایت» در کلام امام رضا علیه السلام، شیعیان اثناعشری و معتقدین به ولایت ائمه اطهار می باشند.

ثالثاً؛ آن حضرت به منظور معرفی الگوهـایی کامـل و شایسته اخلاق اسـلامی، به بیان برخی از ویژگی های ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته و برخی از صفات اخلاقی ایشان را بیان فرموده اند. (۱۳) این مطلب بدان معناست که در اندیشه امام رضا علیه السـلام، ائمه اطهار، هم به عنوان رهبران دینی و سیاسـی جامعه اسـلامی و هم به عنوان الگوهایی کامل و شایسـته جهت سیر و سلوک اخلاقی و عرفانی مطرح می باشـند؛ از این رو معتقـدین به دیگر مـذاهب و فرقه هـا نیز می تواننـد در امور اخلاقی و زندگانی خود به ایشان اقتدا کرده، و سیره ایشان را مدنظر قرار دهند.

این مطالب با توجه به فضای حاکم بر عصر امام رضا علیه السلام و دستگاه حکومت عباسیان _ که امام صراحتاً از آن به عصر تقیه تعبیر کرده انـد _ قابل تأمل است. امام در بخشـی از کلام خود در این رساله می فرمایند: «وَ التَّقِیَّهُ فِی دَارِ التَّقِیَّهِ وَاجِبَهٌ وَ لَا حِنْثَ عَلَی مَنْ حَلَفَ تَقِیَّهً یَدْفَعُ بِهَا ظُلْماً عَنْ نَفْسِهِ» (۳۹) و «وَ إِنَّ الدَّارَ

الْیَوْمَ دَارُ تَقِیَّهٍ وَ هِیَ دَارُ الْإِسْلَامِ لَا دَارُ کفْرٍ وَ لَا دَارُ إِیمَانٍ وَ لَا طَاعَهَ لَهُمَا فِی مَعْصِیَهِ الْخَالِقِ وَ لَا لِغَیْرِهِمَا فَإِنَّهُ لَا طَاعَهَ لِمَخْلُوقٍ فِی مَعْصِیَهِ الْخَالِقِ» (۵۹) و (۶۰).

رابعاً؛ امام رضا علیه السلام در این رساله، حدوداً ۷ بار نام مبارک حضرت علی علیه السلام را با تعبیر «امیرالمؤمنین» ذکر کرده و بر جایگاه برحقّ ایشان تأکید کرده اند. این مطلب نیز از این نظر مهم است که در آن عصر، به علت انحرافات و تبلیغاتی که دستگاه حکومت امویان از زمان معاویه در راستای دشمنی با ائمه اطهار و به خصوص حضرت علی علیه السلام به راه انداخته بودند و سپس عباسیان داعیه دار آن شدند. عبارت «امیرالمؤمنین» بیشتر به عنوان یک لقب سیاسی و حکومتی برای حاکمان و خلفا مطرح می شد و خلفای اموی و عباسی به صراحت خود را «امیرالمؤمنین» می خواندند.

تأکید چند باره امام رضا علیه السلام در این رساله، جهت تثبیت این عنوان تنها برای حضرت علی علیه السلام، بیانگر مبارزه با این انحرافات و تلاش برای تثبیت عقاید شیعیان در جامعه است و این، درست بر خلاف آن چیزی بود که مأمون عباسی انتظار داشت.

خامساً؛ امام در رساله خود بر مسأله وجوب حب و مودّت ائمه اطهار و برائت از دشمنان ایشان، بسیار تأکید، کرده و به کرّات به این مسأله اشاره کرده اند. این مطلب تا بدان حد است که امام به طور صریح و آشکار، برخی از مخالفین ائمه اطهار و به خصوص مخالفین و دشمنان امیرالمؤمنین را نام برده و بر وجوب برائت از ایشان تأکید کرده اند. ایشان از افرادی مانند معاویه، عمروعاص و ابوموسی اشعری با عناوینی همچون: «سفها»، «ملعونین توسط رسول الله»، «جاهلین مقدس مآب» و «خاسرین» یاد می کنند. بیان این مطالب، اگرچه در فضای حاکم بر جامعه زمان امام رضا علیه السلام بسیار سخت و دشوار بوده، اما بیانگر این مطلب است که

امـام در جایگـاه ولی عهـدی مـأمون ــ که به اجبـار بر ایشان تحمیل شـده بود ــ تلاش داشـتند که از این موقعیت، جهت تبلیغ عقاید شیعه استفاده کرده و ماهیت حقیقی دشمنان اهل بیت و ظلم و ستمی که بر شیعیان روا شده بود را افشا کنند.

جمع بندی

هدف این نوشـتار آن بود که به صورت بسیار کوتاه به بررسی اندیشه ها و گفتار حجّت هشتم الهی، حضرت رضا علیه السلام در رابطه بـا امـامت و جایگـاه آن پرداخته و گزارشـی از کلاـم آن امـام همام در این خصوص ارائه دهـد. گرچه در این زمینه، گزارش های حـدیثی و تاریخی بسـیاری موجود است، اما در منابع حـدیثی معتبر، متنی دست نوشـته و مکتوب از آن حضـرت نقل شـده است که به دلیل جمله آغازین آن، به رساله «محض الاسـلام» مشـهور شده است. در این رساله، جملات و تأکیدات مختلـف و متعـددی در رابطه بـا اصـول و فروعِ احکـام دین اسـلام و همچنین مبـاحث اخلاـقی به چشم می خـورد که محقق با استفاده از روش تحلیل محتوای کلام تلاش کرده است این موارد را استخراج و تبیین نماید.

تحلیل های کمّی نشان می دهـد که حدود ۵۱ درصـد از مباحث این رساله به فروع دین، ۲۵ درصد به اصول دین و ۲۴ درصد نیز به اخلاقیـات، اختصـاص یـافته است. بیشترین موضوعـات مطرح شـده در این رساله، نماز، ولایت ائمه اطهار علیهم السـلام، برائت از دشـمنان آنان و تأکید بر قرآن کریم می باشد که سـنجش فراوانی آنها نشان می دهد این موارد در ذهن و اندیشه آن امام از اهمیت و جایگاهی والا، برخوردار، و در حقیقت دغدغه اصلی ایشان برای نگارش این متن بوده اند.

همچنین بیشترین کلمـات کلیـدی نیز پس از لفـظ جلاـله «الله» ــ که طبیعتـاً می بایست در این رساله بالاترین فراوانی را داشـته باشـد ــ تأکید بر واژه امامت و ولایت، نماز، نام پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و قرآن مجید است. چنان که مشـخص است، موضوع

امامت در رساله امام رضا علیه السلام از اهمیت و جایگاهی والا برخوردار است؛ لذا محقق به صورت جزئی به تجزیه و تحلیل مباحث مطروحه در این زمینه پرداخته و نکات قابل تأملی را استخراج کرده است. امام علیه السلام در این رساله به بیان هفت موضوع مهم در رابطه با مفهوم امامت پرداخته اند که عبارت است از: تبیین جایگاه امام، معرفی دقیق امامان، تأکید بر نقش امامت و ولایت، بیان ویژگی های اخلاقی، تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین، وجوب حب ائمه اطهار و وجوب برائت از دشمنان ایشان.

امام علیه السلام در رساله خود به منظور تشریح احکام و دستورات شرعی، بر نقش ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه اشاره کرده و استخراج این احکام را وظیفه و رسالت ایشان دانسته اند؛ چراکه ایشان قرآن ناطق و بیان کننده سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند و با علم الهی که از انبیای الهی به ارث برده اند، تلاش می کنند تا موجبات هدایت و سعادت افراد و جامعه اسلامی را فراهم آورند. همچنین تأکید بر لقب «امیرالمؤمنین» برای حضرت علی علیه السلام و وجوب حب و موّدت اهل بیت و برائت از دشمنان ایشان از دیگر مواردی است که آن حضرت در رساله خود بدان پرداخته و بر آن تأکید کرده اند.

ص:۷۰

منابع

قرآن مجید

۱. ابن اثیر، علی بن محمـد، الکامـل (تاریـخ بزرگ اسـلام و ایران)، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، مؤسـسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۸۵ق.

۲. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۱م.

۳. ابن قبه، محمـد، النقض علی ابی الحسن علی بن احمد بن بشار فی الغیبه، ضـمن «مکتب در فرایند تکامل»، حسـین مدرسـی طباطبایی، ترجمه هاشم ایزد پناه، نیوجرسی، ۱۳۷۴ش.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تعلیق هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ق.

۵. بـاردن، لورنس، تحلیـل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمـد یمنی دوزی، انتشارات دانشـگاه شـهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۶. پاکتچی، احمد، دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ ش.

۷. چوبینه، مهدی، طرح مطالعاتی راهنمای برنامه درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی، تفصـیل وسائل الشیعه إلی تحصـیل مسائل الشـریعه، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ش.

۹. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.

۱۰. خیاط، عبدالرحیم، الانتصار، به کوشش محمد حجازی، مکتبه الثقافه الدینیه، قاهره، ۱۴۱۱ق.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، دار العلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱۲. سـید رضـی، ابوالحسن محمـد بن حسـین، نهـج البلاغه، ترجمه محمـد دشتی، انتشارات سـنبله، مؤسـسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، مشهد، ۱۳۸۶ ش.

۱۳. سـیوطی، جلال الـدین، تاریخ الخلفاء، تصـحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سـید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۱۴. سید مرتضی، علی، الفصول المختاره، قم، ۱۴۱۳ق.

۱۵. شیخ طوسی، الغیبه، نجف، ۱۳۸۵ق.

۱۶. شیخ مفید، محمد، الارشاد، نجف، ۱۳۸۲ق.

ص:۷۱

۱۷.صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، قم، ۱۳۶۳ ش.

۱۸.______________________________، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات جهان، قم، ۱۳۶۳ ش.

۱۹.صفار، محمد، بصائر الدرجات، تبریز، ۱۳۸۱ق.

۲۰.طبری، محمد بن جریر، تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، سروش، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۲۱.کریپندورف، کلوس، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، انتشارات روش، ۱۳۷۸ ش.

۲۲.کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات توتیا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۲۳.کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ق.

۲۴.مجلسی، محمد باقر بن مولی محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۲۵.نعمانی، محمد، الغیبه، تبریز، ۱۳۸۳ق.

۲۶.نوبختی، حسن، فرق الشیعه، به کوشش ریتر، استانبول، ۱۹۳۱م.

۲۷.نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۲۸.هولستی، اُل.آر، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

تحلیل راهبردی از «امامت» در دکترین امام رضا علیه السلام

اشاره

O حامد پوررستمی

چکیده

امروزه بحث پیرامون مسائل راهبردی و استراتژیک، به ویژه در حوزه سیاسی ـ اجتماعی، رشد فزاینده ای پیدا کرده است. با نگاه راهبردشناسانه به راهبری جامعه از منظر امام رضا علیه السلام راهبرد امامت را می توان نظام و برنامه جامعی دانست که بر اساس دین شکل گرفته و در آن، فنِ بکارگیری تمامی ظرفیت ها و امکانات معنوی و مادی جهت سازماندهی و هماهنگی اجزا و فرایندهای راهبردی لحاظ شده است. تعبیر «نظام» درباره امامت در کلام رضوی، نشان از آن دارد که امامت، نظام واره ای است که رشته اتصال و سبب انسجام تعاملات خدا، انسان و هستی است. این نظام و راهبرد از حیث مبدأ شناختی، خدا محور؛ از حیث غایت شناختی، شامل سه هدف ابتدایی، میانی و نهایی؛ از حیث قلمرو شناختی، جامع محور (پیوند و درهم تنیدگی دنیا و آخرت)، و از حیث راهکارشناختی نیز بر اساس روش انتصاب ماورایی و اصطفایی سامان یافته است که محور اول (یعنی ماورایی) ناظر به مبدأ راهبرد، و محور دوم (اصطفایی) ناظر به ملاک و معیار

ص:۷۳

راهبرد است.

راهبرد امـامت بر اسـاس منشور و سـند جاویـدان قرآن کریم است؛ چرا که امام رضا علیه السـلام بر جامعیت قرآن و اکمال آن تأکید ویژه می نماید. ایشان جایگاه علمی، حقوقی و شـرعی امام و رهبر جامعه را نیز بر اساس «الامام، عالم بالسـیاسه، مسـتحق للرئـاسه، مفترض الطـاعه» تبیین نموده است. بر اسـاس کلامـ رضوی، راهبرد امامت را بایـد به عنوان الگویی بی بـدیل در نظام مـدیریتی و سیاسـی دنیـا دانست که واجـد بیشترین مزیت و کارکرد، و کمترین عوارض و آسـیب بوده و با هنر هماهنگی میان خرده سیستم های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قادر است راه سعادت وکمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت نهد.

واژگان کلیدی: راهبرد، راهبردشناسی دینی، راهکار سیاسی و اجتماعی، امامت، امام رضا علیه السلام .

طرح بحث

با توسـعه روزافزون قلمرو و مرزهای حیات بشـری، ضـرورت تـدوین برنامه های راهبردی (استراتژیک) و بنیادین دوچندان می شود. یکی از این عرصه ها، موضوع رهبری و مـدیریت کلان جامعه است که گذر زمان نتوانسـته است ذره ای غبار کهنگی بر روی آن بنشاند؛ بلکه بحث درباره فلسفه و کارکردهای آن، رشد فزاینده ای به خود گرفته است.

در جهان معاصـر، حکومت ها سـیطره خود را بر همه انسان ها گسترانده اند و هر حکومتی بر پایه فلسـفه سیاسی خاصی استوار است که در آن مسائل مهمی مطرح می باشد. سستی و تزلزل حکومت با فلسفه سیاسی آن ارتباط تنگاتنگ دارد و

یکی از عوامل پایداری هر حکومتی، قدرت اقناع و تبلیغی آن است که در راستای فلسفه سیاسی آن حکومت اعمال می شود(1).

هر نظام و حکومتی می کوشد که با ترسیم راهبرد رهبری و فلسفه سیاسی مطلوب و جامع خود، باورهای مردم را بر اساس نظام ارزشی حاکم بر جامعه جهت دهد و با ارائه تحلیل های جامع و پاسخ های روزآمد به مشکلات، آنان را به سوی اهداف خود هدایت کند. در نظام های سیاسی دنیا، مدل ها و راهبردهای گوناگونی وجود دارد که هر یک می توانند روش حکومت بر مردم و نوع حقوق و وظایف آنها را معین کنند.

در تفکر شیعی، این مهم، در قالب نظام امامت تعریف می شود که تنها یک مدل سیاسی نیست؛ بلکه امری فراسیاسی است و با ایمان و اعتقاد مردم گره خورده و کارکردها و شاخصه های فراتر از یک مدل سیاسی را در خود گنجانده است.

به بیان متفکر شهید، مرتضی مطهری، همین مفهوم جامع و همه جانبه امامت است که آن را در ردیف نبوت و به عنوان خط استمرار آن قرار داده است. زیرا ختم نبوت به معنای ختم وحی الهی است، نه ختم رهبری الهی. امامت و نبوت، دو منصب و دو شأن اند و احیاناً قابل تفکیک می باشند.(2)

به دیگر معنا می توان گفت که در منشور معرفتی امامان شیعه، مدل سیاسی یک جامعه، بخشی از راهبرد کلان امامت است که البته شاخصه ها و مبانی این راهبرد کلان با خرده سیستم های سیاسی رایج در دنیای معاصر، متفاوت و متمایز می باشد.

هدف اصلی این مقاله، نگاه راهبردشناسانه به راهبری جامعه از منظر امام

1- فلسفه سیاست، ص19.

2- امامت و رهبری، ص28.

رضا علیه السلام بوده، که در واقع، نوعی راهبردشناسی دینی با خصوصیات ممتاز خود است. به بیان دیگر، ارائه راهبرد و تبیین شاخصه های راهبردی در موضوع رهبری جامعه از منظر امام رضا علیه السلام و تطبیق آن با مدل های سیاسی جهان معاصر، هدفی است که این نوشته آن را دنبال می کند.

فرضیه مقاله آن است که بهترین الگوی مدیریت سیاسی که واجد بیشترین مزیت و کارکرد و کمترین عوارض و آسیب را دارد ــ نظام امامت است؛ برنامه و الگویی جامع که با کاربست تمامی ظرفیت های موجود هستی شناسانه و انسان شناسانه، راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت معاصر نهاده است.

مفهوم شناسی

راهبرد: برخی، راهبرد یا استراتژی(۱) را چنین تعریف کرده ا ند: «آگاهی های منظم که نحوه به خدمت گرفتن قدرت (توان) سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدف های مورد نظر نشان می دهد»(۲).

در تعریف دیگری نیز آمده است: «راهبرد، بیانگر فن، هنر یا دانش تصمیم گیری های منظم و حساب شده در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی و بر مبنای اطلاعات است».(۳) چنین به نظر می رسد که راهبرد، روشی آمیخته با دانش است که نحوه تحقق تصمیم ها را فراروی رهبران و مدیران یک مجموعه می نهد. در واقع راهبرد را می توان هنر و مدل (برنامه) بکارگیری امکانات و ظرفیت های موجود، جهت نیل به هدفی مشخص دانست که از سه بخش ترسیم

۱- Strategy .

۲- مسائل نظامی و استراتژیکی، ص۱۵.

۳- تحول در مفهوم استراتژی، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، ج۱، ص۳۳.

اهداف، شناخت شرایط و امکانات، و اجرای بهترین برنامه و شیوه تشکیل می شود.

بایـد توجه داشت که راهبرد، یـک علم به شـمار می رود و ماننـد علوم دیگر ممکن است در راه خیر یا شـر به کار گرفته شود. این مهم، ایجاب می کند که به اصـطلاح دیگری یعنی «راهبردشناسـی دینی» بپردازیم. عبارت راهبرد شناسی دینی می تواند به یکی از معانی زیر باشد:

۱) راهبرد شناسـی ای که منبع و مبنای آن بر اساس منابع دینی باشد؛ یعنی دو حجت عقل و نقل، با خصوصـیاتی که دین برای آن ها بیان کرده است.

۲) راهبرد شناسی ای که موضوع آن در قلمرو دین باشد، مانند حوزه های اخلاقی، عقیدتی و....

۳)راهبرد شناسـی که در خـدمت دین و بشـریت گـام بردارد؛ نه آنکه علیه دین به کـار گرفته شود و یا در راه خیانت و ظلم به بندگان طراحی شود.

اما اگر دین را برنامه ماورایی و جامع سـعادت و کمال انسان تعریف کنیم که از حیث مبـدأ به خداونـد متعال، از حیث منبع به عقـل و نقـل، از حیث قلمرو به دنیـا و آخرت و از حیث اجزا به بینش هـا (عقایـد)، ارزش ها (اخلاقیات) و روش ها (احکام و قوانین انسان و جهان هستی) باز گردد، (۱) آنگاه می توان راهبرد شناسی دینی را چنین تعریف کرد:

«نظـام و برنـامه ای که بر مبنـای دین، جهت نیـل به اهـدافی خاص طراحی می شود. در این برنامه، فن و هنر بکارگیری ظرفیت های گوناگون لحاظ شده، و مبدأ، منبع، قلمرو و اجزای برنامه، بر اساس دین مشخص می شود و در مجموع، یک راهبرد دینی را ارائه می دهد».

نکته دیگر آنکه در راهبردشناسی دینی (مانند راهبرد شناسی امامت از منظر

۱- بدین معنا که کلیه احکام و قوانین برخاسته از دین، راه و روشی به شمار می آیند برای نیل به حیات برتر و کمال انسانی.

امام رضا علیه السلام) و راهبرد شناسی غیردینی و بشری، تمایزاتی وجود دارد. از جمله آنکه در راهبردشناسی دینی، طراحی و برنامه ریزی راهبرد، بر اساس آیات قرآن (کتاب صامت) و روایات معصومین (کتاب ناطق و همچنین ناطق کتاب) می باشد و با پردازش قوه عقل صورت می گیرد. روشن است که این دو ثقل گران سنگ، بر اساس شناخت تام از قوانین و حقایق موجود در جهان بیرون (هستی) و جهان درون (انسان)، ارائه راهبرد و برنامه می کنند و این موضوع، به نوبه خود، باعث می شود که کلیه جوانب امر و خطرهای فراروی، در برنامه مورد ملاحظه قرار گیرد. اما راهبرد شناسی بشری که از ظرفیت و معرفت ماورایی و دینی محروم است و تنها به مدد قوای عقل، حس و تجربه طراحی می شود، فاقد جامعیت برنامه فوق و واجد نواقص و کاستی های گوناگون خواهد بود؛ چرا که محدودیت های بشری و نواقص و امیال مختلف او، خود را در برنامه ریزی ها و طراحی مدل ها نشان خواهد داد. به عبارت دیگر، از آنجایی که انسان، محدود است، برنامه های او نیز از محدودیت و نقص برخوردار است.

«الوین تافلر» در کلامی قابل تأمل که مرتبط با موضوع راهبرد شناسی دینی و همچنین راهبرد امامت است، چنین می نویسد:

«فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. علاوه بر فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درونِ غرقابِ بی کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن ها نیز مشام را می آزارد. در نتیجه، ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح و برنامه ارائه می شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی اند. اما مقررات، قوانین، طرح ها و دستور العمل های جدید _ که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده اند _ کمانه می کنند و بر مشکلات ما می افزایند و احساس عجز و یأس را دامن می زنند. این احساس برای هر نظام دموکراسی،

ص:۷۸

خطرناک است و نیاز به وجود «مرد سوار بر اسبِ» ضرب المثل ها را بیشتر می کند».(۱)

این سخن، حاوی دو نکته کلیدی است؛ یکی آنکه تاکنون راهبردها و برنامه های طراحی شده در نظام های سکولار غربی، نه تنها موفق نبوده؛ بلکه روز به روز بر وخامت اوضاع افزوده اند. دیگر آنکه ضرورت نیازمندی به دین و راهبردهای دینی و راهبران و پیشوایان مذهبی در لسان نخبگانی چون تافلر، ولو به صورت تمثیلی، ظهور و بروز نموده است و آنها نیز چاره برون رفت از فضای کنونی را تمسک به دین و منجی الهی (به تعبیر شیعی، اقامه نظام راهبردی امامت) می دانند.

به هر روی، در راهبرد شناسی بشری، برخلاف راهبردشناسی دینی، شناخت زوایای هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی با محدودیت و نقصان مواجه است و این عوامل، موجبات جزئی نگری، تزلزل در برنامه ها و در نتیجه، عدم موفقیت آنها را به همراه خواهد داشت.

نکته دیگر آنکه مناسب است واژه «راهبرد دینی» در مواردی استعمال شود که آن راهبرد، دین محور، دارای هدف بلند و با آثار و کارکردهای مهم و فراوان باشد؛ مانند راهبرد امامت که در آن، این سه شاخصه به وضوح به چشم می خورد. در غیر این صورت، کاربست واژه راهبرد برای اموری که دارای هدف کوچک و کارکردهای اندک می باشند، غریب و نامانوس است.

امامت و رهبری

از حیث لغوی، به معنای رهبری و پیشوایی و مقتدایی به کار می رود؛ (۲) اما از

۱- رک: نگین آفرینش، ص۱۲۷؛ به نقل از تافلر، الوین، به سوی تمدن جدید .

۲- رک: العین و الصحاح فی اللغه، ذیل امم.

حیث اصطلاحی، در تعریف واژه امامت و رهبری تفاوت وجود دارد. در اصطلاح علم مدیریت، رهبری، «تأثیرگذاری بر افراد برای انجام وظایفشان از سرِ میل و علاقه»(۱) و یا «تأثیرگذاری بر افراد برای تحقق هدف مشترک» تعریف شده است(۲). شهید مطهری با نگاه مدیریتی و راهبردی، رهبری جامعه را به فن بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی معنا کرده است.(۳)

اما از حیث کلامی، رهبری و امامت جامعه، «ریاست و سرپرستی عمومی مردم به نیابت از پیامبر در امور دین و دنیا» تعریف شده است؛ (۴) هم چنین آن را به معنای «ولایت در تصرف امور دینی و دنیایی امت» آورده اند(۵).

خاطر نشان می شود که در فرهنگ اسلامی، رهبری و امامت جامعه، امری فرا مدیریتی و فراسیاسی بوده و طبق حدیث رضوی، منزلت انبیاء، خلافت خدا و رسولش، (۶) و یک عهد معنوی میان خداوند و امام است(۷) و مسائلی نظیر تأثیرگذاری هدفمند، هنر بسیج کردن، سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی، تنها بخشی از کارکردهای این عهد می باشد.

ص:۸۰

۱- مدیریت عمومی، ص۱۰۹.

۲- مدیریت رفتار سازمانی، ص ۷۱.

۳- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مقاله امامت و رهبری، ص۲۳۵.

۴- «الامامه رئاسه عامه لشخص من الناس فی امور الدین و الدنیا» . النجاه فی القیامه،ص ۴۱.

۵- شرح الاصول الخمسه، ص ۷۵۰.

۶- چنانچه در حدیث رضوی آمده است: «إن الامامه منزله الانبیاء وإرث الاوصیاء، إن الامامه خلافه الله وخلافه رسوله صلی الله علیه واله ومقام أمیر المؤمنین علیه السلام وخلافه الحسن والحسین علیهما السلام » که بر موضوع جانشینی پیامبر تأکید کرده است. تحف العقول، ص ۴۴۰.

۷- تعبیر و تعریفی که می توان از آیه ((و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین))، (بقره، ۱۲۴) استنباط نمود، این است که خداوند، امامت را عهد و پیمانی نامیده است که از امامان و رهبران جامعه اخذ می نماید.

راهبرد امامت و تبیین شاخصه های آن

اشاره

با نگاه راهبردشناسانه به امامت، می توان آن را نظام و برنامه ای جامع دانست که بر اساس دین شکل گرفته و اهداف خاصی را دنبال می کند. در این برنامه، هنر و فن بکارگیری تمامی ظرفیت ها و امکانات معنوی و مادی به بهترین شکل لحاظ شده، و سازماندهی و هماهنگی اجزا و فرایندهای برنامه در عالی ترین سطح به چشم می خورد.

این برنامه جامع را می توان در واقع یک نظام جامع دانست؛ یعنی جریانی که به مجموعه های مرتبط هدفمند، معنا می دهد وآنها را تبیین و تحلیل می کند، جریانی که مبنا، مقصد، روش، راه و مراحل را مشخص می کند. (۱) همان طور که در واژه «نظام»، مفهوم انسجام و سامان دهی اجزا و عناصر به چشم می خورد، (۲) در امامت نیز این معنا مشهود و محسوس است؛ به طوری که در راهبرد امامت، تمامی ظرفیت های هستی شناسانه و انسان شناسانه به طور منسجم و منظم گرد آمده و به کار گرفته می شوند.

دقیقاً یکی از تعبیرات و توصیفاتی که امام رضا علیه السلام درباره امامت به کار برده اند، تعبیر «نظام» است. امام می فرماید:

«إن الامام زمام الدین ونظام المسلمین وصلاح الدنیا وعز المؤمنین(۳) یعنی آن رشته اتصال و انسجام بندگان خدا و ریسمان پیوند آنها با خود، خدا و هستی، نظام و راهبرد امامت است».

ص:۸۱

۱- دین و نظام سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، ص۹۱.

۲- « النظام الخیط الذی ینظم به اللولو و کل خیط ینظم به لولو او غیره فهو نظام ؛ نظام در لغت به معنای ریسمان و نخی است که با آن، دانه های مروارید و نظایر آن را به رشته می کشند». لسان العرب، ذیل نظم.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۲۶؛ احتجاج، ج۲، ص۲۲۷؛ غایه المرام، ج۳، ص۳۱۴.

نظام و راهبرد امامت از اجزا و عناصر مختلفی برخوردار می باشد که در ادامه، با توجه به تبیینی که از راهبردشناسی دینی ارائه شد، عناصر بنیادین راهبرد امامت ذکر می شود.

حیث مبدأ شناختی

شاکله راهبرد امامت بر اساس توحید استوار است؛ به گونه ای که بدون ملاحظه اصل توحید، این نظام و راهبرد فرو خواهد ریخت؛ امامت، هم جوهره و هویت خود را از خدا می گیرد و هم به او ختم می شود؛ یعنی آغاز و انجام و اول و آخر راهبرد امامت، به توحید و خدا محوری باز می گردد. اساساً نظام امامت (راه) و امام (راهبر) برای دعوت انسان ها به سوی خداوند هستند. از سوی دیگر، پذیرش عقلی و نقلی امامت هم در گرو باور توحیدی است.

جایگاه و کارکرد اصل توحید در این مسئله را می توان در نمودار زیر مشاهده کرد:

نمودار شماره (۴)

حیث غایت شناختی

اگر راهبرد را نوعی الگوی تحقق تصمیم ها و اهداف بدانیم، در آن صورت، بسته به نوع هدف یا اهداف مورد نظر، الگو و برنامه طراحی می شود. در راهبرد و

ص:۸۲

نظام امامت نیز این اهداف ترسیم شده است که البته می توان آنها را به اهداف بنیادین و نهایی، میانی و ابتدایی تقسیم نمود.

در اهـداف ابتدایی راهبرد امامت، مواردی همچون عدالت، امنیت، رفاهت، و تربیت نهفته است. در هدف میانی راهبرد، فراهم کردن بستر بندگی و عبودیت خدا مد نظر می باشد و در هدف نهایی، مسأله رساندن فرد و جامعه به کمال و قرب الهی مطرح است که این موضوع، جز در سایه نظام راهبردی امامت تحقق نخواهد یافت.

نمودار غایت شناسی در راهبرد امامت:

نمودار شماره (۵)

به عنوان مثال، وقتی امام رضا علیه السـلام یکی از اهـداف و کارکردهای امامت را «خیر و صـلاح دنیا و عزت مؤمنین»(۱) بیان می کنـد، این موضوع، خود می توانـد در بر گیرنـده اهدافی نظیر تربیت، عدالت، رفاهت و در نهایت زمینه سازی بستری برای عبودیت خداوند باشد.

۱- عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۱۹۶.

حیث قلمرو شناختی

یکی از ویژگی های نظام های سکولاری جهان معاصر، تفکیک قلمرو دین و دنیاست. آنها کوشیده اند تا دین و دینداری را به حوزه خاصی محدود کنند و از دخالت و حضور آن در سایر حوزه ها، از جمله نظام سیاسی و حکومتی جلوگیری کنند.

سکولار شدن جوامع اروپایی و آمریکایی و سایر نقاط به این معناست که در آن جوامع، حوزه های عمل دینی و عمل دنیوی از هم تفکیک شده اند. معبد و کلیسا، حوزه دین، و خارج از معبد، حوزه عمل غیرمقدس و دنیوی است. گویی اتصال خداوند با دنیا قطع شده و تنها یک طریق اتصال باقی مانده و آن معبد است.(۱) اما راهبرد رهبری و امامت از منظر امام رضا علیه السلام، تنها یک امر دنیایی و سیاسی صرف؛ بلکه قلب تپنده راهبردشناسی دینی در امامت، حضور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رهبر زندگی بشر است که با دین و دنیای مردم، پیوند عمیق برقرار ساخته است. اساساً ارتباط امامت و زعامت سیاسی مردم با دین و آخرت آنها، تا حدی است که وارد شوندگان به حریم ولایت و امامت در واقع به حریم امن و قدسی خداوند متعال وارد شده اند. حضرت حق در حدیثی قدسی ــ که از امام رضا نقل شده است ــ ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام را دژ و قلعه مستحکم خود نامیده است؛ به طوری که واردشوندگان در این دژ، از عذاب الهی در امان خواهند بود. (۲) به دیگر معنا، اگر کسی زعامت سیاسی و اجتماعی امامان را نپذیرد، اساساً از مدار توحید و بندگی خداوند خارج گشته و آخرتی ویران و نافرجام خواهد

ص:۸۴

۱- درآمدی بر کلام جدید، ص۲۹۳.

۲- «حدثنا علی بن بلال عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن أبیه عن آبائه عن علی بن أبی طالب علیهم السلام عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم عن جبرئیل عن میکائیل عن إسرافیل عن اللوح عن القلم قال: یقول الله عز وجل ولایه علی بن أبی طالب حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی» . عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۱۴۷.

داشت.

حیث راهکارشناختی

الف. برنامه جامع

بـدون تردید یکی از عوامل موفقیت یک نظام و راهبرد اجرایی، جامعیت مدل و برنامه آن است. در راهبرد امامت، قرآن کریم به عنوان منشور و سـند اجرایی امام به شـمار می آیـد که کلیه خرده سیسـتم های جامعه بر اساس آن شـکل گرفته و سامان می یابـد. امام رضا علیه السـلام قبل از طرح مسأله امامت، بر جامعیت قرآن و اکمال دین تأکیـد کرده و می فرمایـد خداوند متعال، تمامی نیازمندی ها و احتیاجات یک امت را در کتاب خود آورده و آنها را تبیین نموده است. در ادامه، ایشان هشدار می دهند که باور به جامعیت و اکمال دین و قرآن کریم امری ضـروری است و منکر این حقیقت، در واقع منکر قرآن بوده و به مرز کفر پا نهاده است. (۱)

به عبارت دیگر، امام علیه السـلام منشور و سند اجرایی راهبرد امامت را سندی محکم، کامل، مبین و عاری از هر گونه نقص و عیب معرفی می نمایند.

امروزه اهمیت و کارکردهای بی شـمار یک برنامه جامع در مدیریت، بر استراتژیست ها پوشیده نیست. بنابراین، نقشه راهی که فراروی امـام و امت در تفکر شـیعی قرار می گیرد، نقشه ای بی بـدیل است؛ امـا این گـوهر گران سـنگ، مجری و مـدیری بی بدیل نیز می طلبد، که به تبیین برخی از خصوصیات او، از منظر امام هشتم علیه السلام می پردازیم.

۱- «لم یقبض نبیه حتی اکمل له الدین و انزل علیه القرآن.... و أقام لهم علیا علیه السـلام علما وإماما، وما ترک شـیئا مما تحتاج إلیه الامه إلا وقـد بینه. فمن زعم أن الله لم یکمل دینه فقـد رد کتاب الله، و من رد کتاب الله فقد کفر» . تحف العقول، ص۴۳۷؛ الفصول المهمه فی اصول الائمه، ج۱، ص۴۹۱.

ب. رهبر جامع

امام علیه السلام در کلامی سترگ، جایگاه علمی، حقوقی و شرعی امام و رهبر جامعه را چنین تبیین می فرماید:

«عـالم بالسـیاسه، مسـتحق للرئاسه، مفترض الطاعه»؛ یعنی امام کسـی است که عالم به سـیاست و مـدیریت جامعه بوده، و از این جهت، انـدکی جهل و نقص در برنامه ریزی های او راه ندارد. از حیث حقوقی نیز امام، مسـتحق این امر می باشد؛ یعنی امامت و رهبری او حقی اعطـایی از جـانب خداونـد عـالم به اوست. بر این اساس امام، مفترض الطاعه می شود؛ یعنی از حیث عقلی و شرعی، اطاعت از او واجب و لازم است و با توجه به موارد سه گانه (علمی، حقوقی و شـرعی) کسـی حق سرکشی از فرمان او را ندارد.

در راهبردشناسـی دینی، ژرف نگری و نیازسـنجی جـامعی در برنـامه و مـدل به چشم می خورد و همواره شـرایط و لوازم یک راهـبرد جـامع، به طـور مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم در دین مورد ملاحظه قرار گرفته است. از جمله این قوانین و شـرایط، دو شـرط اساسـی و بسیار راهبردی «علم» و «عصمت» است. این دو شرط، کارکردها و قابلیتهای نظام «امام ــ امت» را به طور فوق العاده، افزایش، و آسیب و عوارض احتمالی را در امام تا حد صفر و در امت تا حد چشمگیری کاهش خواهد داد.

امـام رضـا علیه السـلام در این بـاره می فرمایـد: «امامت، منت والا و گران سـنگی است که برتر از مقام و منزلت نبوت و خُلّت (خلیل اللهی) است و حتی حضـرت ابراهیم علیه السـلام پس از آنکه به مقام امامت رسـید، با شوق و رغبت فراوان درخواسـت کرد که این مقام، به فرزندان او هم برسد؛ اما از خداوند متعال، پاسخ «لاینال عهدی

الظالمین؛ (۱) عهـد من به ظالمین نمی رسـد» را شـنید؛ یعنی امامت، عهـد و پیمانی است که خداوند از امامان و رهبران جامعه اخـذ می کند و این عهد به کسانی که اهل ظلم (در حق خدا، خود و دیگران) باشـند، نمی رسد. (۲) امام علیه السلام در ادامه چنین نتیجه می گیرد:

«فأبطلت هذه الآیه إمامه کل ظالم إلی یوم القیامه وصارت فی الصفوه؛

خداونـد متعـال با این آیه، امامت و رهبری هر انسان نالایق و ظالمی را تا روز قیامت باطل کرد و آن را تنها در میان خالصان و معصومین قرار داد».

امام می افزایـد: منزلت پیشوایی معصومانه در ذریه صالـحِ حضـرت ابراهیم اسـتمرار پیدا کرد (و وهبنا له إسـحاق ویعقوب نافله وکلاـ جعلنـا صـالحین) تـا در نهـایت، به پیـامبر اسـلام و اهـل بیت مکرمش رسـید که ویژگی بارزشان، علم و ایمانی است که خداوند متعال به آنها اعطا نموده است. ایشان دراین باره به آیه «وقال الذین اوتوا العلم والایمان لقد لبثتم فی کتاب الله إلی یوم البعث فهذا یوم البعث ولکنکم کنتم لا تعلمون»(۳) استناد می کند. و در ادامه می فرماید: «این راهبرد و روند تا روز

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲- « إن الامـامه خص الله بهـا إبراهیم الخلیل علیه السـلام بعـد النبوه والخله مرتبه ثالثه و فضـیله شـرفه بها وأشاد بها ذکره، فقال عزوجل: وإذ ابتلی إبراهیم ربه بکلمات فأتمهن قال إنی جاعلک للناس إماما "، قال الخلیل سرورا بها : " ومن ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین». تحف العقول، ص ۴۴۰.

۳- سوره روم، آیه ۵۶. علامه طباطبایی درباره این آیه شـریفه می نویسد: «این آیه، حکایت کلام مؤمنین در رد سخن مجرمین است که می گفتنـد:" مـا لَبِثُوا غَیْرَ سـاعَهٍ " چون مجرمین به خاطر روحیه مادی، و فرو رفتن در دنیا، روز قیامت و فاصـله آن تا دنیا را محکوم به همان نظام دنیا می دانسـتند، و با آن مقیاس می سـنجیدند. لذا گفتند:" غیر از ساعتی درنگ نکردند" و یک ساعت، مقدار کمی از زمان است. گویا خیال می کردند که هنوز هم در دنیا هستند، چون فهم و شعورشان همین قدر بود. لذا اهل علم و ایمان سـخن ایشان را رد کرده انـد، که درنگ آنان یک ساعت نبوده، بلکه به مقدار فاصـله بین دنیا و آخرت بوده است، همان فاصـله ای که آیه" وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ "آن را بیان می کند. اهل علم و ایمان نتیجه گرفتند که این همان روز قیامت است، و لیکن مجرمین از آنجا که همیشه در باره قیامت در شک بودنـد، و جز به امور مادی دنیوی یقین پیدا نمی کردند، لذا پنداشـتند که بیش از یک ساعت از ساعت های دنیا از مُردنشان نگذشته است. این است معنای کلام اهل علم و ایمـان که گفتنـد" لَقَـدْ لَبِثْتُمْ فِی کتـابِ اللَّهِ إِلی یَوْمِ الْبَعْثِ فَهـذا یَوْمُ الْبَعْثِ وَ لکِنَّکمْ کنْتُمْ لاـ تَعْلَمُونَ " یعنی شـما جاهـل و شکاک بودیـد، یقین به چنین روزی نداشتیـد، و به همین جهت امروز امر بر شـما مشـتبه شده است. از اینجا معلوم می شود که مراد از علـم و ایمـان در جملـه" أُوتُـوا الْعِلْمَ وَ الْإِیمـانَ" یقین و الـتزام به مقتضـای یقین است، و اصولاـ" علم" در زبـان قرآن، عبارت است از یقین به خـدا و آیات او، و" ایمان" به معنی التزام به آنچه یقین، اقتضای آن را دارد می باشـد که خود موهبتی است الهی. و نیز از اینجـا روشن می شود که مراد از" کتـابِ اللَّهِ"، کتابهـای آسـمانی، و یا خصوص قرآن کریم است». ترجمه

الميزان، ج ۱۶، صص ۳۰۸ و۳۰۹.

قیامت ادامه پیدا خواهد کرد» که این مطلب می تواند ناظر به وجود حضرت ولی عصر و امامت او نیز باشد. (۱)

امـام رضـا علیه السـلام امام را مطهر از گناهان و منزه از هر گونه عیب توصـیف می نمایـد، فردی که علم ویژه به او اختصاص داده شده و حلم یکی از ویژگی های بارز اوست. (۲)

بدون تردید، یکی از قواعد بدیهی در روش شناسـی علمی و نظام مدیریت جهان معاصـر، قاعده «اول کسب شـناخت صحیح و کـافی، سـپس ارائه حکم» است. به تعـبیر راهبردشـناسان، اگر تجزیه و تحلیـل را کلمه رمز راهبرد بـدانیم، کلمه عبور آن، داده (معلومات) خواهـد بود؛ (۳) یعنی علم و آگـاهی نسـبت به امـور، یـک شـرط بنیـادین است. موضوعی که در راهـبرد امـامت، بارزترین شاخص بوده و عالی ترین

۱- «فلم تزل ترثهـا ذریته علیه السـلام بعض عن بعض قرنا فقرنا حتی ورثها النبی صـلی الله علیه واله، فقال الله: " إن أولی الناس بإبراهیم للذین اتبعوه وهذا النبی والذین آمنوا " فکانت لهم خاصه فقلدها النبی صـلی الله علیه واله علیا علیه السلام، فصارت فی ذریته الاصـفیاء الـذین آتـاهم الله العلم والایمان وذلک قوله: " وقال الـذین اوتوا العلم والایمان لقـد لبثتم فی کتاب الله إلی یوم البعث فهـذا یوم البعث ولکنکم کنتم لا تعلمون " علی رسم ما جری وما فرضه الله فی ولده إلی یوم القیامه. إذ لا نبی بعد محمد صلی الله علیه وآله» .

۲- «الامـام مطهر من الـذنوب، مبرء من العیوب، مخصوص بـالعلم، موسوم بـالحلم، نظـام الـدین وعز المسـلمین وغیظ المنافقین وبوار الکافرین» .

۳- دیدگاه های کلیدی در مدیریت، ص ۱۲۴.

مراتب آن در شخص امام دیده می شود.

حضرت رضا علیه السلام آیه «أم یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله» را ناظر به مقام امامت و اهل بیت علیهم السلام دانسته و می فرماید: «وقتی خداوند فردی را برای راهبری جامعه بر می گزیند، به او شرح صدر عطا می فرماید و قلب او را چشمه حکمت و معرفت قرار می دهد؛ به طوری که بعد از این، امری ناصواب از او صادر نمی شود. امام فردی است که به توفیق، هدایت و تأیید خاص الهی، جامعه را رهبری می کند و از هر گونه خطا و لغزش مصون است. (۱) ایشان در حدیثی عمیق و انیق، موضوع تأیید خاص امام (موید بودن)را کمی بیشتر می شکافد می فرماید: «خداوند متعال ما امامان را با روح مقدس و مطهری از جانب خود تأیید و مدد می کند که این روح، یک فرشته نیست و با هیچ یک از انبیای پیشین جز پیامبر اسلام همراه نبوده است. آن روح همواره با ما ائمه بوده و عمودی از نور است که بین ما و خداوند متعال قرار دارد».(۲)

این همه باعث می شود که در نظام راهبردی امامت ــ که در واقع، یک نظام مدیریتی جامع و برتر را نیز در خود پوشش داده است ــ آسیب ها و انحرافات علمی و عملی رهبر و مدیر جامعه، به طور صد در صد منتفی شود. و این راهبردی است که بشریت معاصر در نظام رهبری و سیاسی خویش، بیش از پیش بدان نیاز دارد و احساس تشنگی او به این نیاز روز افزون است. این موضوع در

۱- «قال فی الائمه من أهل بیته وعترته وذریته: " أم یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله - إلی قوله - سعیرا". وإن العبد إذا اختاره الله لامور عباده شرح صدره لذلک وأودع قلبه ینابیع الحکمه وأطلق علی لسانه فلم یعی بعده بجواب ولم تجد فیه غیر صواب، فهو موفق مسدد مؤید، قد أمن من الخطأ والزلل« . کافی، ج۱، ص۲۰۲؛ امالی، ص۷۷۸؛ معانی أخبار، ص۱۰۱.

۲- «فقال الرضا علیه السلام : إن الله عز وجل ایدنا بروح منه مقدسه مطهره لیست بملک لم تکن مع أحد ممن مضی إلا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وهی مع الائمه منا تسددهم وتوفقهم و هو عمود من نور بیننا وبین الله عز وجل» ؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۷.

تفکر شیعی و فرهنگ انتظار، معنا و مفهوم خاص خود را می یابد.

امام رضا علیه السلام فلسفه نیازمندی راهبرد امامت به علم و عصمت رهبر را چنین ذکر می کند: «خداوند، این ویژگی ها را در امام قرار داد تا حجت بر مردم و گواه و شاهد بر آنان باشد و برای کسی عذر و بهانه ای باقی نماند». و در ادامه این سؤال را مطرح می فرماید که: «آیا مردم بر ترسیم چنین راهبردی و آوردن چنین امامی (و مدیری) توانایی دارند؟»(۱)

به هر روی، در فرمانروایی و مدیریت خرده سیستم های جامعه اسلامی از سوی ائمه، امر و خواست خدا، شاخص است؛ بدون اینکه ذره ای در این راه، دچار انحراف نظری و عملی گردند؛ چرا که براساس روایات، قلوب امامان، ظرف مشیت الهی بوده و همواره اراده آنان در راستای اراده خداوند متعال قرار دارد(۲). امام رضا علیه السلام صفات و خصوصیات دیگری را نیز برای امامت بر می شمارد که در علم مدیریت، از لوازم و شاخصه های بنیادین یک رهبر استراتژیست موفق به شمار می آید(۳).

از جمله آنکه رهبر باید امین باشد تا مجموعه تحت رهبری، به او اعتماد کنند و بتواند با طیب خاطر و آرامش روانی وظایف خود را انجام دهد. دیگر آنکه همانند پدری مهربان و دلسوز به مجموعه خود بنگرد تا قدرت تصرف قلوب را داشته باشد و این امر، موجبات افزایش انگیزه کاری را در مجموعه سبب خواهد شد. دیگر آنکه رهبر و مدیر، باید شخصیتی باشد که اعضای مجموعه و نظام بتوانند به او پناه ببرند و نقش ملجأ و پناهگاهی را داشته باشد که همگان در سایه

۱- «خصه بذلک لیکون ذلک حجه علی خلقه شاهدا علی عباده، فهل یقدرون علی مثل هذا» . تحف العقول، ص۴۴۱.
۲- دلائل الامامه، ص۵۰۶.
۳- جهت بررسی تطبیقی مصادیق رک: اخلاق مدیریت و فرماندهی، سایت تبیان، به نشانی www. tebyan. net

قدرت و معنویت او آرامش یابند. (۱)

در بیان امام رضا علیه السلام وجود چنین رهبر و پیشوایی، تنها در راهبرد امامت یافت می شود و در نظام های مشابه سیاسی و مدیریتی، نظیر و بدیلی برای آن وجود ندارد. (۲)

ج. روش انتخاب رهبر در راهبرد امامت

در نظام امامت، روش نصب رهبر و امام مسلمین، بر اساس انتصاب ماورایی و اصطفایی است. تعبیر امام هشتم شیعیان، «ثم أکرمها الله بأن جعلها فی ذریه أهل الصفوه والطهاره»(۳) می باشد؛ بدین معنا که در این راهکار، رهبر جامعه از جانب خداوند متعال برگزیده، و به مردم معرفی می شود. در کلام حضرت، دو محور لحاظ شده است. محور اول، ماورایی بودن است که مبدأ نصب و جعل امام را مشخص نموده و بیان می دارد که اساس نصب و مشروعیت نظام امامت، بر اساس حکم و گزینش خداوند است و نه آنکه این مسئولیت سنگین ـ یعنی انتخاب شایسته ترین فرد برای رهبری ـ متوجه مردم باشد. محور دوم در این راهکار، اصطفایی بودن است که ناظر به ملاک و معیار انتخاب شخص امام است. واژه «صفو» در اصل به معنای خلوص شیء از هرگونه اختلاط و ناخالصی بوده و «اصطفا» یعنی دستیابی به خلوص محض یک شیء(۴)؛ فردی که به عنوان رهبر نظام اسلامی برگزیده می شود، اصطفا می گردد یعنی خالص شده و تمام شرایط و نیازمندی های رهبری و مدیریت تام و

۱- «الامام الامین الرفیق، والولد الشفیق و و الداعی إلی الله و الذاب عن حریم الله» . تحف العقول، ۴۳۹؛ بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۲۳.

۲- «الامام واحد دهره، لا یدانیه أحد و لا یعادله عالم و لایوجد له بدل ولا له مثل ولا نظیر» . غیبت نعمانی، ص ۲۲۰؛ مسند امام رضا علیه السلام، ج ۱، ص۹۸.

۳- تحف العقول، ص۴۳۷

۴- رک: مقاییس اللغه و المفردات، ذیل «صفو».

ایـده آل به او اعطـا می شود تـا از حیث ایجـابی، جـامع شـرایط بوده و جامعیت رقم خورد و از حیث سـلبی، عاری از هر گونه نقص بوده و شرط مانعیت (از غیر شان رهبر) محقق شود.

با فرض اینکه خداوند، نظام امامت و رهبری جامعه را به مردم تفویض می نمود آیا مردم می توانسـتند برترین و شایسـته ترین فرد را انتخاب کننـد؟ اساساً جایگاه و منزلت امامت، فراتر از آن است که در اذهان و افکار مردم آید و از این رو، تنها انتصاب ماورایی را می طلبد. امام رضا علیه السـلام می فرماید: «آیا مردم قدر و جایگاه امامت را می شناسـند تا انتخاب و اختیار امام به وسیله آنها جایز باشد؟ جایگاه و شأن امامت، بزرگتر، و مکانت آن، رفیع تر و دسترسی به کنه و حقیقت آن دورتر از آن است که مردم با عقولشان یا با آرایشان به آن دست یابنـد و یا بتواننـد با انتخاب و اختیارشان امامی را نصب نمایند». ایشان نه تنها از عجز و ناتوانی مردم سخن می گویند، بلکه در ادامه از ناتوانی اهل علم و خرد در شناخت و اختیار امام خبر می دهد.(۱)

بنـابر این فرمـایش امـام رضـا علیه السـلام در راهبرد امـامت، نقش مردم، نقش مشارکتی در نصب و مشـروعیت بخشـی به امام نیست؛ بلکه نقش مشارکتی در به راه انداختن نظام و اجرای برنامه و پیشبرد آن است.

۱- «هـل یعرفون قـدر الامامه ومحلها من الامه، فیجوز فیها اختیارهم. (إن الامامه أجل قـدرا واعظم شأنا وإعلا مکانا وأمنع جانبا وأبعـد غورا من أن یبلغهـا النـاس بعقولهم أو ینـالوا بـآرائهم أو یقیموا امامـا باختیـارهم). هیهـات هیهات، ضـلت العقول وتاهت الحلوم وحارت الالباب وحصرت الخطباء وکلت الشعراء وعجزت الادباء وعییت البلغاء وفحمت العلماء عن وصف شأن من شأنه أو فضـیله من فضـائله، فـأقرت بالعجز والتقصـیر فکیف یوصف بکلیته، أو ینعت بکیفیته، أو یوجـد من یقوم مقامه، أو یغنی غناه. فمن أین یختار هذه الجهال الامامه بآرائهم» . تحف العقول، ص۴۳۸.

مقایسه تطبیقی نظام ها و مدل های سیاسی با راهبرد امامت

جهت یک سیر تطبیقی مناسب است ابتدا مروری بر مدل های سیاسی و نظام های رهبری رایج دنیا داشته باشیم که در هر یک از آنها هدف و کیفیت بکارگیری پتانسیل ها و ظرفیت های موجود، متفاوت است. این نظام ها در جهان معاصر، بر اساس محورهای زیر تقسیم بندی می شوند:

الف) بر اساس تعداد حاکمان:

۱)حکومت فردی: که سلطان یا شاه در رأس حکومت قرار دارد و به میل و رأی خود اعمال قدرت می کند.

۲)حکومت گروهی (طبقاتی): که در آن، قدرت از آنِ گروه خاصی است، گروهی که مدعی برتری فکری یا طبقاتی اند.

۳) حکومت جمهوری: که اقتدار و مناصب دولتی از طرف مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم به حاکمان واگذار می شود.

ب) بر اساس مشارکت شهروندان:

۱) حکومت توتالیتر: سیستمی که در آن، همه چیز برای دولت است و هیچ چیز خارج از دولت و علیه دولت نیست(۱).

۲) حکومت دموکراسی: که در آن، شهروندان در امور حکومتی مشارکت دارند و احزاب و جامعه مدنی فعال اند. در این نوع حکومت، حاکمیت از آن مردم، و تدوین خط مشی های اساسی بر عهده مردم است.

ج) بر اساس جهان بینی

۱) حکومت الهی: در این حکومت، منبع قانون، خداوند است که بر اساس حکمت، مصالح و شناختی که از ابعاد وجودی انسانی دارد، تشریع می کند و

ص:۹۳

۱- آشنایی با علم سیاست، ج۱، ص۵۱.

حکومت، امانتی است در دست حاکمان.

۲) حکومت طاغوتی: نظام های سیاسی مبتنی بر اومانیسم که حاکمیت را از آن انسان می دانند، در هر شکلی که تجلی یابند، طاغوتی می باشند.(۱)

اگر بخواهیم برخی از شاخصه های راهبرد امامت از منظر امام رضا علیه السلام را با تقسیم بندی های فوق تطبیق دهیم، باید بگوییم که بر اساس جهان بینی، حکومت امام و حکومت در نظام امامت، حکومتی الهی است و قانون و سندِ اجرایی برنامه های امام، از اراده و مشیت خداوند نشأت می گیرد، اراده ای که در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام تجلی نموده است.

حکومت در راهبرد امامت، بر اساس مشارکت مردم، بر محور مردم سالاری دینی است؛ چرا که از سویی حکومت با حضور مردم در صحنه تحقق می یابد و از دگر سو، با حاکمیت دین و اطاعت مردم از امام معصوم، آمال و حقوق مردم احیا شده و این مردم هستند که کرامت، عدالت و منزلت حقیقی خود را باز خواهند یافت(۲).

و اما بر اساس تعداد حاکمان باید گفت که در راهبرد رهبری شیعی، حاکم تنها خداست و اوست که حق حکمرانی دارد، و امام تنها خلیفه خدا و مجری برنامه و خواست حضرت حق است. از این رو، این گونه نیست که نصب و مشروعیت حکومت و رهبری، از طرف مردم، به طور مستقیم یا غیر مستقیم به

ص:۹۴

۱- رک: فلسفه سیاست، صص ۱۰۴- ۱۱۳، با تلخیص و اندکی تصرف.

۲- امیرمؤمنان حقوق و وظایف متقابل حاکم و مردم را چنین برمی شمارد: « أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِی عَلَیْکُمْ حَقّاً وَ لَکُمْ عَلَیَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّکُمْ عَلَیَّ فَالنَّصِیحَهُ لَکُمْ وَ تَوْفِیرُ فَیْئِکُمْ عَلَیْکُمْ وَ تَعْلِیمُکُمْ کَیْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِیبُکُمْ کَیْمَا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّی عَلَیْکُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَیْعَهِ وَ النَّصِیحَهُ فِی الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیبِ وَ الْإِجَابَهُ حِینَ أَدْعُوکُمْ وَ الطَّاعَهُ حِینَ آمُرُکُمْ ؛ مردم مرا بر شما حقّی است، و شما را بر من حقّی. بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ نکنم، و حقّی را که از بیت المال دارید بگزارم، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید، و آداب آموزم تا بدانید. امّا حقّ من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکارا حقّ خیرخواهی را ادا کنید. چون شما را بخوانم بیایید، و چون فرمان دهم بپذیرید، و از عهده برآیید». نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

امـام واگـذار شود. حتی در دوران غیبت که راهبرد «ولاـیت فقیه» جریـان دارد، مشـروعیت و حق حاکمیت از سوی خداونـد و امـام به فقیه جـامع الشـرایط تفویض می شود و او در حقیقت، منصوب امـام است نه منصوب مردم. و سـاز و کـار انتخـاب غیر مسـتقیم رهبر نیز جهت کشف نائب امام معصوم است نه نصب او. البته بایـد افزود که چه در عصـر حضور امام و چه در دوران غیبت او، نقش مردم در راه اندازی و تحقق حکومت، نقشی مهم و اساسی است و بدون حضور و پذیرش مردم، اساساً راهبری و مدیریت امام در جامعه، یا رقم نخواهد خورد و یا با مشکلات عدیده مواجه خواهد شد.

آثار و کارکردهای راهبرد امامت

اگر راهبرد امـامت را دارای سه رکن قانون و برنامه جامع، رهبری و امام و جامعه انسانی بـدانیم، مهم ترین و بارزترین کارکرد این راهبرد، ایجاد سازواری و هماهنگی بین این سه رکن خواهـد بود؛ بـدون آنکه انـدکی تنافی و تضاد بین ارکان این راهبرد به چشم بخورد این موضوع، حیاتی ترین بخش یک برنامه راهبردی در مـدیریت مـدرن به شـمار می آید. علت این موضوع را نیز می توان در آن دانست که طراح این راهبرد، واحد است؛ یعنی خداوند مدیر، مدبر، عالم و ناظم.(۱)

امـام رضا علیه السـلام محور این هماهنگی را امام و رهبر دانسـته و درباره تلائم و سازواری این راهبرد می فرمایـد: «امام، زمام دین، هدایت کننده نظام مسلمین تأمین کننده خیر و صلاح و عزت مؤمنان است(۲).

به عبارت دیگر در سیستم مدیریت راهبردی امامت، آنچه باعث می شود برنامه

۱- این صفات در دعای جوشن کبیر ذکر شده است.

۲- «إن الامام زمام الـدین ونظام المسـلمین وصـلاح الـدنیا وعز المؤمنین». غیبت نعمانی، ص۲۲۶؛ احتجاج، ج۲، ص۲۲۷؛ غایه المرام، ج۳، ص۳۱۴.

و قـانون (دین) دچار تحریف و انحراف نشود و و از سوی دیگر، امور مردم سامان یافته و سـعادت دنیوی و اخروی آنان محقق شود، وجود امـام و رهبر است که ماننـد روح، موجبـات طروات و شادابی جسم جامعه را فراهم می آورد. اگر بخواهیم تعریف تخصصـی راهـبرد را مـد نظر قرار دهیـم ـ یعنی «آگـاهی هـای منظـم کـه نحـوه به خـدمت گرفتن قـدرت (توانـایی) سیاسـی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدف های مورد نظر نشان می دهد»(۱) ـ این امام است که با صفات و ویژگی هـای موهبتی خـاص خود، توان بکـارگیری تمام ظرفیت ها و امکانات موجود را دارد تا بنـدگان خـدا را به سـرمنزل مقصود و ساحل سـعادت رهنما باشـد. به تعبیر امام رضا علیه السـلام خیر و صـلاح دنیوی و عزت اخروی بندگان، با مدیریت و سیاسـت فوق العاده امام است که تأمین خواهد شد.

از نگاه مدیریت استراتژیک، برخی دیگر از کارکردهای نظام راهبردی امامت را چنین می توان برشمرد:

۱. امـام با شـناخت کامل از فرصت ها و اولویت ها فراروی موجب می شود که جامعه، به طور حـداکثری از فرصت ها آگاهی یابد و با اولویت بندی مناسب، از آنها بهره برداری نماید.

۲. مجموعه خرده سیستم های جامعه با نگاه واقع بینانه به مسائل و مشکلات به سوی حل آنها گام برخواهند داشت.

۳. چارچوب و برنامه مـدونی جهت هماهنگی و سازمانـدهی فعالیت ها وجود خواهـد داشت و آینده نگری نسبت به مسائل و پیش بینی چالش ها و بحران های فراروی، واقع بینانه خواهد بود.

۴. منابع، امکانات، زمان و ظرفیت ها، به طور بهینه و مناسب تخصیص خواهند

۱- مسائل نظامی و استراتژکی معاصر، ص۱۵.

یافت.

۵. نشاط اداری و سازمانی و رفتار هماهنگ و یکپارچه مجموعه ها اتفاق خواهد افتاد.

۶. خوش بینی، روشن بینی، نشاط و دلگرمی معقول و واقع گرایانه نسبت به کار و زندگی در جامعه گسترش خواهد یافت.

مجموعه این عوامل، راه را برای تحقق اهـداف ابتدایی، میانی و نهایی راهبرد امامت ـ که پیش از این گذشت ـ هموار نموده و از سوی دیگر، موجبات قدرت و صلابت نظام را در تعاملات خارجی رقم خواهد زد.

جمع بندی و نتیجه

راهبرد امامت، «برنامه و نظام جامعی است که بر مبنای و شاخصه های دین و جهت نیل به اهدافی خاص پی ریزی شده است». در این برنامه، فن و هنر بکارگیری ظرفیت های گوناگون لحاظ شـده است. کلیه مبادی مبـدأ شـناختی، غایت شـناختی، قلمرو شناختی و راهکار شـناختی این راهبرد، بر اساس دین اسـتوار است که در مجموع، یک راهبرد دینی را ارائه می دهد. شاخصـه هـا و امتیـازات نظـام راهبردی امـامت در مواردی همچون «جامعیت برنامه (دین)»، «وجود دو ویژگی علم و عصـمت در مـدیر (امام)» و «قالب انتصاب ماورایی و اصـطفایی در تعیین مـدیر و رهبر جامعه»، باعث شـده که راهبرد امامت به عنوان الگویی بی بـدیل در نظام مـدیریتی و سیاسـی دنیا بدرخشد و واجد بیشترین مزیت و کارکرد، و کمترین عوارض و آسـیب باشد؛ برنامه و الگویی جامع که با کاربست تمامی ظرفیت های موجود معرفت شـناختی، هستی شـناختی و انسان شناختی، راه سعادت وکمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت معاصر نهاده است.

ص:۹۷

منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.

۴. ابن میثم بحرانی، النجاه فی القیامه، موسسه الهادی، قم، ۱۴۱۷ق.

۵. الوانی، مهدی، مدیریت عمومی، نشر نی، تهران، ۱۳۶۸ش.

۶. بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، جلد سوم، تحقیق سیدعلی عاشور، بی جا، بی تا.

۷. پورسید آقایی، سیدمسعود، دین و نظام سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، انتشارات لیله القدر، قم، ۱۳۸۹ش.

۸. جلیل روشندل، تحول در مفهوم استراتژی، «مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امورخارجه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰ش.

۹. جوهری، اسماعیل، الصحاح، تحقیق احمد عطار، دارالعلم للملآئین، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۱۰. حائری پور و همکاران، نگین آفرینش، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۹ش.

۱۱. حر عاملی، الفصول المهمه فی اصول الائمه، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ق.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بی جا، طلیعه النور، ۱۴۲۶ ق.

۱۳. سید رضی (موسوی)، محمد، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸ش.

۱۴. شیرودی، مرتضی، مسائل نظامی و استراتژیکی، زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۵ش.

۱۵. صادقی، هادی، درآمدی بر کلام جدید، نشر معارف، قم، ۱۳۸۲ش.

۱۶. صدوق، محمد، امالی، موسسه البعثه، قم، ۱۴۱۷ق.

۱۷. ________، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق شیخ حسین اعلمی، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۱۸. ــــــــــــــــــــــــــــــــ، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.

۱۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر، موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش.

۲۰.طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالنعمان، نجف، ۱۳۶۸ق.

۲۱.طبری، محمد بن جریر (شیعی)، دلائل الامامه، موسسه البعثه، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۲.عطاردی، عزیزالله، مسند امام رضا علیه السلام، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۶ق.

۲۳.فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، بی جا، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.

۲۴.کلینی، محمد، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.

۲۵.کارلتون کلایمری، توتون جیمز آندرسن، کارل کویمبی کریستول، آشنایی با علم سیاست، ترجمه بهرام ملکوتی، سیمرغ، تهران، ۱۳۵۶ش.

۲۶.مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج۲۵، دار الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۷.مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مقاله امامت و رهبری، صدرا، قم، ۱۳۶۴ش.

۲۸.نعمانی، محمد، الغیبه، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

۲۹.نوروزی، محمد جواد، فلسفه سیاست، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۸ش.

۳۰.هرسی پال، کنت بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علاقه بند، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹ش.

۳۱.همدانی معتزلی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، مکتبه وهبه، قاهره، ۱۴۰۸ق.

ص:۹۹

جریان شناختی مهدویت در واقفیه و موضع گیری امام رضا علیه السلام

اشاره

O حیدر مظفری ورسی

پیشگفتار

هویت شناختی جریان های فکری و فرقه گرایی در اسلام، یک بحث سؤال برانگیز و دارای بنیاد های عمیق است و پژوهشگران اسلامی و غیر اسلامی درباره علل و انگیزه های پیدایش، گسترش و انشعاب آن داوری های متفاوتی را ارائه نموده اند. تفاوت های نظری در این زمینه، غالباً بر اساس جهت گیری ها، انگیزه های متعصبانه مذهبی و رقابت های ناسالم میان برخی عالمان و پیروان مذاهب به وجود آمده اند؛ به گونه ای که در مواردی، حتی بدون رعایت ملاک ها و آموزه های دینی سخن گفته اند. تحلیل واقعیت ها و داوری مطالب موجود در این زمینه، مجال و فرصت بیشتری می طلبد و در خور کتابی مستقل است؛ اما آنچه را که در میان این نزاع ها به عنوان یک مسئله مسلم نمی توان نادیده گرفت، تأکید بر این مطلب است که در همان روزهای اول رحلت آخرین سفیر هدایت، اولین جرقه های آتش اختلاف و فرقه گرایی در جامعه اسلامی نسبت به جریان امامت و خلافت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وجود آمد و مسلمانان در یک صف بندی ناهمگون با

ص:۱۰۱

انـدیشه هایی خطرناک در برابر هم قرار گرفتند. گروهی، مسـئله رهبری بعد از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم را یک امر عادی تلقی کردند و اهمیت آن را در حد برقراری نظم اجتماعی دانستند با حضور شتابانه در سقیفه، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جانشین تعیین نمودند.

اما گروه دوم، مسئله امامت و رهبری پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تداوم نبوت می دانستند و ادعا داشتند که امامت، همانند نبوت، مقام و منصبی الهی است و بر اساس مبانی اعتقادی، همانگونه که انتخاب نبی از عهده بشـر خارج است، انتخاب امام نیز ـ با آن شرایط ویژه ای که دارد ـ از عهده بشر خارج بوده و تنها خداوند باید کسی را به امامت برگزیند. این گروه معتقـد بودند که خداوند، علی بن ابی طالب علیه السـلام را برای امامت بعد از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم انتخاب کرده و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی نموده است.

از پی آمـد ناگوار این دوگانه اندیشـی در جامعه اسـلامی، می توان به این واقعیت تلـخ اشاره نمود که وجود همین اختلافات، سرمنشأ و بستری شـد برای پیـدایش مـذاهب فکری و انـدیشه هـای سیاسـی در زمان های بعـد، که با انگیزه های متفاوت و به سرعت در جامعه اسـلامی گسترش یافتند. پس از آن، جامعه شیعه و سنی بر شکل اولیه خود باقی نماندند؛ بلکه به مرور زمان، انشـعاب هـایی در آن ها به وجود آمـد که علت ها و زمینه های مشترک یا مختلفی دارنـد و در اینجا مجال بحث تفصـیلی آن نیست. اما به تناسب موضوع این نوشـتار، به برخی فرقه گرایی ها در مـذهب شـیعه اشاره می شود. این مذهب نیز همانند دیگر مـذاهب در طول حیـات سیاسـی و فرهنگی خود، به علت عوامـل درونی و بیرونی گرفتـار انشـعاب هایی شـد که طبق اسـناد و مـدارک موجود در منابع تاریخی و کلامی، یکی از مهم ترین علت های ظهور این انشـعاب ها، جریان مهـدویت و مباحث آن در منظومه اعتقادی شیعه بوده است. برخی افراد با اغراض سیاسی یا کج اندیشی و در مواردی هم با

ص:۱۰۲

پشت گرمی به وعده های دسیسه جویانه حکومت ها و نهاد های ضد شیعه، از بحث مهدویت سوء استفاده کردند و باعث اختلاف در میان شیعیان شدند. در این مقاله، به فرقه واقفیه و موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر آن خواهیم پرداخت.

بخش اول: واقفیه از پیدایش تا ادعای مهدویت

اشاره

برای پیدایش هر فرقه ای، دو زمینه باید وجود داشته باشد:

الف - سیاسی و اجتماعی

ب - فرهنگی و انگیزه های مدعیان آن فرقه

فرقه واقفه(۱) در زمانی تشکیل شد که وجود نورانی امام رضا علیه السلام با آن شخصیت ممتاز و انبوه روایاتی که نسبت به امامت ایشان در دسترس بود، رهبری جامعه را بر عهده گرفت؛ اما عده ای که از خواص و افراد نامدار و آشنا با مذهب شیعه بودند، امامت ایشان را انکار کردند و با سوءاستفاده از آموزه های اصیل شیعی، قائمیت و مهدویت امام قبل از ایشان را تبلیغ نمودند. لذا هر دو زمینه، دقت و موشکافی ویژه ای را می طلبد که در اینجا به اختصار، مطرح می شود:

الف) زمینه سیاسی و اجتماعی

باید به این نکته اساسی توجه کرد که گرچه پیدایش و ظهور واقفه بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام بود؛ (۲) اما برای دست یافتن به سبب و زمینه پیدایش آن باید مقداری زمان را به عقب برگرداند و فضای فرهنگی، سیاسی و

۱- یادآوری می شود که این فرقه در منابع با دو واژه واقفه (بدون ی) و واقفیه (همراه با ی) معرفی شده است و در این بین بیشترین کاربرد واژه اول (واقفه) در روایات و واژه دوم (واقفیه) در اصطلاحات عرفی است؛ لذا واژه صحیح برای نام بردن از این فرقه، واژه واقفه می باشد. در این مقاله به هر دو کاربرد توجه شده است.

۲- فرق الشیعه، ص۸۲.

اجتماعی عصر صادقین و عصر امام کاظم علیه السلام را واکاوی کرد. با تحلیل کلی و جامعه شناسانه از عصر آن سه امام به این واقعیت دست می یابیم که حدوداً از اواخر دوره امامت امام باقر علیه السلام، بنی امیه به جهت قدرت طلبی و اختلافات درونی، گرفتار تنش ها و تضاد های فراوان شده بود و از جانب دیگر، انقلاب ها و شورش های برخی علویون، دست در دست هم داده، آنان را در سراشیبی و معرض زوال قرار داده بود.(۱)

در این فرصت، امام باقر علیه السلام با تدبیر حکیمانه خود و با به راه انداختن نهضت علمی، خدمات فراوانی برای معرفی مذهب شیعه انجام داد و در این زمینه، شاگردانی ــ که هر یک، منادیان و مدافع مذهب شیعه بودند ــ تربیت نمود.(۲)

پس از آن، در سال ۱۱۱ هجری ــ که حدوداً مصادف با چهار سال آخر دوران امامت امام باقر علیه السلام بود ــ دعوت عباسیان آغاز شد و آنان که شاخه ای از بنی هاشم بودند، با استفاده از جایگاه اهل بیت و با شعار «الرضا من آل محمد» وارد میدان مبارزه شدند(۳). با پیروزی بنی عباس بر بنی امیه، طبیعی بود که آنان به عنوان نظام حکومتی جدید، احتیاج به آرام سازی جامعه و جلب توجه مردم به سوی خود داشتند. به همین جهت، اولین خلیفه عباسی، ابوالعباس سفاح، و پس از او عمویش و منصور عباسی در دورانی از خلافتش، تا حدودی به مردم، از جمله علویون، آزادی دادند که در این فضای آزادی نسبی، اندیشه های فکری و سیاسی جدید در جامعه اسلامی پیدا شد.

در این میان، امام صادق علیه السلام در تداوم کار علمی پدرش، امام باقر علیه السلام، توانست پایه علمی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی تشیع را روی مبانی اصیل اسلامی استوار سازد

۱- مقاتل الطالبین، ص۲۰۷.

۲- بحارالانوار، ج۴۶، ص۲۹۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج۴، ص۱۹۵؛ رجال طوسی، ص۱۰۲ به بعد.

۳- ضحی الاسلام، ج۳، ص ۲۸۰؛ اعیان الشیعه، ج۱، ص۱۹.

و نیز بـا تربیت شـاگردان در تمـام رشـته هـای علوم اسـلامی، مکتبی را بـا شاخصه های ممتاز به وجود آورد که در آن، کلیت تفکر شـیعی گنجانده شده بود.(۱) نتیجه این فعالیت و آزادی سیاسـی امام صادق علیه السـلام گسترش تشیع و معرفی خاندان علـوی به عنوان رهـبران دینی بود؛ امـا از آنجـاکه بنی العبـاس نمی خواسـتند که علویون به عنوان یـک نیروی رقیب برای آنها مطرح شود، پس از تثبیت پـایه هـای حکومتشـان در زمـان منصور و سـال های آخر امامت امام صادق علیه السـلام، رفتار های خشونت آمیز را علیه امام صادق علیه السلام آغاز، و مزاحمت هایی را برای آن حضرت ایجاد کردند.(۲)

مبارزه همه جانبه منصور با اندیشه شیعی و جریان تعیین امام از خاندان علوی، آن گونه با شدت دنبال شد که حتی امام صادق علیه السـلام برای حفـظ جـان امـام بعـد از خود، نتوانست در وصـیت نـامه اش بـا صـراحت از امام کاظم علیه السـلام به عنوان جانشین خود یاد کند.(۳)

پس از شـهادت امام صادق علیه السلام و فرارسیدن دوران امام کاظم علیه السلام فشار حاکمان عباسی هم عصر با آن حضرت بیشتر شد و از منصور گرفته تا فرزندانش، مهدی و هادی عباسـی و نیز هارون الرشید، همگی، عرصه را بر امام تنگ تر کرده و ایشان را بارها به زندان انداختند.(۴)

در اثر همان جو اختناق و فشار های سیاسـی بنی العباس علیه امامان شـیعه، و برای ساماندهی شیعیان و نیز بیرون نمودن آنان از تحیر و سـردرگمی، با تدبیر امام صادق علیه السـلام نهادی به نام سازمان وکالت به وجود آمد که در یک مجموعه هماهنگ، تحت فرمان امام صادق علیه السلام فعالیت می کردند.

ص:۱۰۵

۱- اختیار معرفه الرجال، ص۱۳۵؛ الامام الصادق و مذاهب اربعه، ج۱، ص۶۷.

۲- تاریخ الخلفا، ص۲۶۱؛ عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۱۰۲.

۳- کافی، ج۱، ص۳۱۰.

۴- تذکره الخواص، ص۴۳۸.

نهاد وکالت ـ که در حقیقت شبکه ارتباطی میان امام و شیعیان بود ـ در دوران امام کاظم علیه السلام نیز استمرار یافت؛ منتهی با این ویژگی که در دوران امام کاظم علیه السلام به جهت زندان رفتن های مکرر آن حضرت و نیز تشدید رفتار حاکمان عباسی با این نهاد، در بسیاری از موارد، ارتباط وکلا با شخص امام قطع می شد.

پس از ارائه این تحلیل و گزارش درباره وضعیت اجتماعی آن روز، به تناسب بحث این مقاله اشاره می شود که برخی از وکیلان امام کاظم علیه السلام از وضعیت آشفته و ظلمانی آن روزگار، سوء استفاده کرده و مذهب واقفیه را به وجود آورند که اصلی ترین ادعای آن ها، مهدی بودن امام کاظم علیه السلام بود که از همین ناحیه، تردید هایی را برای بعضی افراد نسبت به امام رضا علیه السلام به وجود آوردند که در ادامه، به آن خواهیم پرداخت.

ب) زمینه فرهنگی

اشاره

در زمینه فرهنگی پیدایش گروه واقفه نیز باید اول به این نکته توجه شود که پس از روی کار آمدن عباسیان و تجربه ای که آنان از رفتار اختناق آمیز بنی امیه داشتند، مانند فضای باز سیاسی که در ابتدا برای تحکیم قدرت خود به وجود آوردند، در بخش فرهنگی نیز ابتدا سیاست سازش کارانه ای را پی گرفتند که آن فضای باز سبب شد تا فرقه گرایی مذهبی و ورود اندیشه های کلامی و فلسفی در حوزه اسلامی به اوج خود برسد و در همین راستا بود که مسئله مهدویت و انتظار برای ظهور قائم و عدالت گستری او در میان شیعیان به شدت مطرح شد و بنا به دلایلی ـ که بعداً نگارش خواهد یافت ـ برخی یاران امام کاظم علیه السلام از اخباری که درباره قائم بودن آن حضرت رسیده بود سوء استفاده کردند و رحلت ایشان را انکار نمودند و در یک اقدام به ظاهر فرهنگی، تفسیر نادرستی از روایاتی که آن

امـام را به عنـوان قـائم معرفی کرده بود، ارائه دادند(۱) و توانسـتند در فضای فرهنگی شـیعی نسـبت به مسـئله مهدویت، تردید ایجاد کنند.

بنابراین یکی از علت های مهم در پیدایش واقفیه، تأثیر پذیری از شـرایط اجتماعی، سیاسـی و فرهنگی جامعه اسلامی در عصر صادقین علیهم السلام و امام کاظم علیه السلام بوده است.

بنیان گذاران فرقه واقفه و مدعیان مهدویت

همانگونه که در گزینه پیشین اشاره شد، در عصر امام صادق علیه السلام و پس از آن در عصر امام کاظم علیه السلام نهادی به عنوان وکـالت بـا تـدبیری خـاص به وجود آمـد که بـا شـرایط ویژه در جـامعه شـیعی فعـالیت می نمود. وکلا در شـهرهایی که دسترسـی شـیعیان به امام ممکن نبود، به مشـکلات اعتقادی، سیاسی و مالی شیعیان رسیدگی می کردند و وجوهات مالی مردم را جمـع آوری، و دور از دیـد حکـومت، به دست امـام می رساندنـد که این مسـئله در دوران امـام کـاظم علیه السـلام به علت زنـدانی شـدن های مکرر امام با مشـکلاتی روبرو شـد و مقـداری از آن اموال در دست وکیلان باقی ماند؛ (۲) چنانچه در این زمینه از یونس بن عبـدالرحمن نقل شده است: «مات ابوابراهیم(۳) و لیس من قوامه احـد الا و عنـده مال کثیر کان عند زیاد بن مروان القنـدی سـبعون الف دینار و عنـد علی بن ابی حمزه ثلاثون الف دینار(۴) و عند عثمان بن عیسـی الرواسـی ثلاثون الف دینار و خمس جوار و

۱- الفصول المختاره، ص۳۱۳؛ عیون اخبار الرضا،ج۱، ص۹۰ به بعد.
۲- علل الشرایع، ۲۳۵؛ غیبت طوسی، ص۶۴.
۳- کنیه دیگر امام هفتم.
۴- عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۱۱۳؛ رجال کشی، ص۳۶۸.

مسکنه بمصر»(۱).

بر اساس همین گزارش است که علامه مجلسی می نگارد: «فروی الثقات ان اول من اظهر هذا الاعتقاد (واقفیه) علی بن ابی حمزه البطائنی و زیاد بن مروان القندی و عثمان بن عیسی الرواسی».(۲)

این سه نفر به دلیل انگیزه مالی(۳) بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام از پذیرفتن امامت امام رضا علیه السلام امتناع کرده و آن اموال را به بهانه اینکه امام هفتم، همان مهدی موعود است، به امام رضا علیه السلام تحویل ندادند و پس از آن هم، این تفکر و اندیشه میان برخی شیعیان مورد پذیرش واقع شد و افراد دیگری راه آنان را ادامه دادند.

برخی از آنها بعد از مدتی و با فعالیت ها و روشنگری های امام رضا علیه السلام از واقفی بودن برگشته و امامت امام رضا علیه السلام را قبول که ما به جهت رعایت اختصار و طولانی نشدن حجم این نوشتار، از ذکر تفصیلی آن خودداری می کنیم(۴) و به مطالب مهم تر در این زمینه می پردازیم:

رهیافت عینی بر ادعای مهدویت توسط واقفه

ادعای مهدویت و قائم بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط گروه واقفه، یکی از شاخصه های مهم بنیانگذاران فرقه واقفیه است که بدون هیچ گونه ابهام و توجیه در منابع ذکر شده است. واژه «واقفه» _ که برگرفته شده از واژه «وقف» است _ در

۱- غیبت طوسی، ص۴۷؛ علل الشرایع، ص۲۳۶.

۲- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۱.

۳- شواهد این ادعا در ادامه مباحث خواهد آمد.

۴- برای مطالعه بیشتر، رک: بحارالانوار،ج۴۸، ص۲۵۸.

لغت به معنای درنگ کردن، دو دل بودن در کاری و خودداری کردن از اظهار قطعی در یک مسئله می باشد.(۱) و در اصطلاح فرقه شناسی و نیز در متون رجالی به افرادی گفته می شود که رحلت موسی بن جعفر علیه السلام را منکر شده و هیچ کس را به عنوان جانشین آن حضرت نپذیرفتند.(۲) درباره شناخت هویت واقعی واقفه و نیز منظومه فکری و اعتقادی این فرقه، هیچ گونه منبع مستقلی که خودشان نوشته باشند و بیانگر اعتقادات آنها باشد در دسترس نیست؛ اما دیگر دانشمندان درباره معرفی آنها مطالب قابل اعتمادی نگاشته اند. چنانکه شیخ مفید در معرفی واقفیه می نگارد: «آخر الفرق التی افترقت عن الامامیه هی الواقفه الذین وقفوا علی موسی بن جعفر و انکرو امامه علی بن موسی».(۳) و همو در جای دیگر می نویسد: بعد از شهادت موسی بن جعفر بسیاری از شیعیان در راه حق قرار گرفته و به امامت امام رضا علیه السلام گردن نهادند.(۴)

مطلب قابل توجه دیگر درباره ادعای مهدی بودن موسی بن جعفر علیه السلام توسط واقفیه، این است که تمام افراد واقفیه قائم بودن آن حضرت را تبلیغ می کردند؛ اما نسبت به رحلت و ظهور آن حضرت عقیده یکسانی نداشتند؛ بلکه بعضی از آنها می گفتند آن حضرت زنده است و فعلاً در حال غیبت به سر می برد و بعد از مدتی ظهور می کند و بعضی می گفتند آن حضرت از دنیا رفته و بعد از مدتی دوباره بازگشته و قیام می کند.(۵)

علامه مجلسی در معرفی واقفیه می نگارد: «قال واقفیه انه

۱- فروق اللغه، ماده وقف.

۲- فرق الشیعه، ص۸۲.

۳- اوائل المقالات، ص۲۸.

۴- الفصول المختاره،ص۳۱۳.

۵- رجال خاقانی، ص۱۶۵؛ مقدمه ابن خلدون، ج۱، ص۱۴۰.

موسی بن جعفر القائم صاحب الغیبه و آخر الائمه فانکرو امامه من بعده».(۱)

نامگذاری واقفیه به ممطوره وعلت آن

در منابع فرقه شناسی و رجالی، در کنار واژه مشهور واقفیه به واژه «ممطوره» نیز برمی خوریم. در تبیین این واژه بیان شده است که ممطوره نام دیگر فرقه واقفیه است. در وجه تسمیه این نام، مطالب فراوانی گفته شده است. برای مثال در بعضی منابع آمده است: «یقال لهم ممطوره سماهم بذلک علی بن اسماعیل».(۲) بر اساس این ادعا، جریان نامیده شدن واقفیه به ممطوره توسط علی بن اسماعیل و در حین مناظره ای بوده است. در آن مناظره، علی بن اسماعیل به آن فرد واقفی گفت: «انتم کالکلاب الممطوره؛ شما مانند سگ باران خورده هستید».

علامه مجلسی درباره وجه نام گذاری واقفیه به ممطوره می نگارد: «یقال لهم ممطوره لکثره ضررهم علی الشیعه و افتتانهم بهم کانوا کالکلاب التی اصابها المطر».(۳) و هم چنین در این باره نقل شده است: «الممطوره هم الواقفیه ذمهم و انهم سمو بذلک لسرایه خبثهم الی من یقربهم».(۴)

در مجموع، از آنچه درباره نامگذاری واقفیه به ممطوره نگارش یافت می توان به این مطلب دست یافت که نوع حرکت ابزاری و فریب کارانه و خزنده ای که این

۱- بحارالانوار، ج۷، ج۱۷، ص۲۳۹.
۲- ملل و نحل، ج۱، ص۱۵۰.
۳- بحارالانوار، ج۸۲، ص۲۰۳.
۴- مستدرک سفینه البحار، ج۹، ص۴۰۴.

فرقه علیه شیعه انتخاب کرده بودند، سبب شد که آنها را به سگ خیس شده از باران تشبیه کرده و اینگونه لقب دهند.

گونه هایی از فعالیت های انحرافی واقفیه درباره مهدویت

درباره فعالیت تبلیغی و ادعای فریب کارانه مهدویت و قائم بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط فرقه واقفیه و هم چنین گرفتار شدن بعضی شیعیان در دام فریب این گروه، بیش از همه توجه به این نکته تاریخی اهمیت دارد که شهادت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان، پس از تحمل سال ها اسارت و نوع خفقانی که وجود داشت سبب شد تا شهادت آن امام برای بسیاری از شیعیان مخفی بماند. به همین علت، وقتی بنیانگذاران واقفیه خبر شهادت حضرت را شنیدند با انتخاب سیاست اغفال گری، از نام و نشان خود که به عنوان وکیل امام شناخته می شدند سوءاستفاده کردند و در همان زمان، بدون از دست دادن فرصت، با طرح مهدویت ایشان، شهادت آن حضرت را انکار نمودند؛ چنانکه درباره دو وکیل امام، حیان بن سراج و یکی دیگر از همکارانش، نقل شده است: «انکرا موته و اذاعا فی الشیعه انه لا یموت لانه القائم و اعتمدت علیه طائفه من الشیعه و انتشر قولهما فی الناس؛ (1) آن دو، رحلت امام کاظم علیه السلام را انکار کردند و در میان شیعه شایعه نمودند که آن حضرت رحلت نکرده، چون او همان امام قائم است و گروهی از شیعیان به گفته آنها اعتماد نموده و ادعای آنان را تبلیغ کردند».

این فرقه در تبلیغ مهدی بودنِ امام کاظم علیه السلام چنان با گستاخی حرکت می کردند که علناً در برابر امام رضا علیه السلام موضع می گرفتند. برای مثال، هنگامی که امام رضا علیه السلام

۱- بحارالانوار، ج۴۸،ص۲۶۶؛ رجال کشی، ص ۴۶۰.

بعد از شهادت پدرش به آنها نامه نوشت و اموالی را که نزد آنها بود درخواست نمود در جواب امام نوشتند: «فکتب الیه ان اباک لم تمت... و ان کان مات فلم یأمرنی بدفع شیئی الیک؛ (۱) پدرت فوت نکرده و اگر هم فوت کرده باشد، او به من امر نکرده بود که چیزی به تو تحویل دهم».

اینگونه پاسخ دادن به نامه امام معصوم، نشان دهنده این است که آنها با صراحت، امامت و جانشینی امام رضا علیه السلام را انکار می کردند و به دنبال زنده جلوه دادن امام کاظم علیه السلام بودند.

سران واقفیه در تبلیغ مهدویت و قائم بودن امام هفتم چنان بی ملاحظه پیش رفتند که بنا به نقل ابی حازم، عده ای از آن ها، از جمله علی بن حمزه بطائنی، محمد بن اسحاق بن عمار، حسن بن مهران و حسین بن سعید مکاری، بر امام رضا علیه السلام وارد شدند. علی بن حمزه به امام رضا علیه السلام گفت: «به ما از پدرت خبر بده. امام فرمود: «پدرم درگذشت». علی بن حمزه به امام گفت: «(پدرت) به چه کسی عهد (امر امامت) را واگذار کرد؟» امام فرمود: «به من». علی بن حمزه گفت: «تو سخنی گفتی که هیچ یک از پدرانت آن را نگفته بود»(۲).

حرکت تبلیغی واقفیه آن گونه موزیانه و خطرناک بود که در بعضی موارد، حتی علناً رشوه می دادند و سعی در خرید افکار دیگران داشتند.(۳)

تبلیغات انحرافی واقفیه درباره مهدویت و قائم بودن امام هفتم به گونه ای فریب دهنده بود که بسیاری از شیعیان با اینکه در ابتدا به امامت امام رضا علیه السلام عقیده پیدا کرده بودند، اما در ادامه مسیر، متزلزل شده و علناً رو در روی امام

ص:۱۱۲

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲۰، ص۱۰۳؛ قرب الاسناد، ص۷۵؛ علل الشرایع، ص۲۳۵.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص۵۴۳؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۶۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۱.

می گفتند: «در روایات اجداد تو آمده است که امامی نیست مگر اینکه امام و جانشین پس از خود را می بیند، اما تو چندین سال از عمرت گذشته و فرزندی نداری؛ پس امام نیستی».(۱)

گرچه فرقه واقفیه در فضای فرهنگی شیعه دوام نیافت اما برای مدت کوتاهی در زمان امامت امام رضا علیه السلام توانست حرکت ایذائی و بازدارنده ای را در برابر شیعه اثنی عشری که زمامش در دستان امام هشتم بود، ایجاد کند.

حرکت توجیهی واقفیه نسبت به شخصیت امام رضا علیه السلام

در تحلیلی کلی از اعتقاد و اندیشه واقفیه نسبت به سلسله امامت، این مسئله روشن می شود که آنها تا امام هفتم، هماهنگ و هم اعتقاد با بدنه اصلی امامیه بودند و در ترتیب امامان و شرایط امامت ـ از جمله عصمت و واجب الاطاعه بودن ـ مشکلی نداشتند؛ اما لغزش اصلی آنها پس از امام هفتم آغاز شد که بر خلاف عقیده رسمی شیعی، مصداق مهدی منتظر و قیام کننده به عدل را امام کاظم علیه السلام معرفی کردند. اما مانعی بر سر راه آن ها وجود داشت و آن وجود مقدس امام رضا علیه السلام بود که خود را جانشین پدر می خواند و بیشتر شیعیان نیز امامت آن حضرت را قبول کرده بودند؛ لذا واقفیه مجبور بود برای اثبات قائم و مهدی منتظَر بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام موضع خود را در برابر امام رضا علیه السلام مشخص نماید.

شیخ مفید درباره مواضع واقفیه در قبال امام رضا علیه السلام می نگارد: «اختلفت الواقفه فی الرضا و من قام من آل محمد بعد ابی الحسن موسی قال بعضهم هولاء خلفاء ابی الحسن و امرائه و قضاته الی اوان خروجه و انهم لیسوا بائمه و ما ادعوا الامامه قط و

ص:۱۱۳

۱- کافی، ج۱، ص۲۸۶؛ دلائل الامامه، ص۳۶۸.

قال الباقون انهم ضالون مخطئون ظالمون و قالوا فی الرضا خاصه قولاً عظیماً و اطلقوا تکفیره و تکفیر من بعده من ولده».(۱)

بنابر این گفتار، واقفیه نسبت به شخصیت امام رضا علیه السلام و امامان بعد از ایشان دو ادعا داشتند:

الف) آنها خلیفه، امیر و قاضیان بعد از امام کاظم علیه السلام هستند، نه ائمه و پیشوایان.

ب) آنها گمراه، خطاکار و ظالم هستند که درباره امام رضا علیه السلام با گستاخی بیشتری سخن می گفتند.

در برخی منابع دیگر نیز شبیه مطلب شیخ مفید درباره مواجهه واقفیه با امام رضا علیه السلام و امامان بعد از ایشان نقل شده است و گفته اند که بعضی از واقفیه، آن امامان را گمراه می دانستند و برخی دیگر، آنان را مجریان امر و قاضیان از جانب امام موسی بن جعفر علیه السلام محسوب می کردند که تا زمان ظهور آن حضرت، وظیفه اجرای امور را داشتند.(۲)

نگرشی بر ادله واقفیه، بر مهدویت امام هفتم

اشاره

از آنجا که گروه واقفیه، برخاسته از متن تشیع و افراد تربیت شده در مکتب امام و آشنا با راهبرد های اصیل شیعی بودند، طبیعی به نظر می رسد که آنها برای پیش برد ادعای انحرافی خود نسبت به مسئله مهدویت، باید راهبردی را انتخاب می کردند که در افکار عمومی شیعیان مورد پذیرش قرار گیرد. قرائن و شواهد، نشان دهنده این امر است که آنان در کنار طرح مهدویت امام کاظم علیه السلام روایاتی را به عنوان دلیل و اثبات کننده این عقیده مطرح نمودند که ظاهر بعضی از این روایات

۱- الفصول المختاره، ص۳۱۳.

۲- رجال خاقانی، ص۱۶۵.

با فرهنگ انتظار در تشیع هم خوانی داشته و در دل های بعضی افراد، این امید را ایجاد کرده بود که شاید آن ظلم و ستم ها به واسطه قیام موسی بن جعفر علیه السلام پایان یابد که به نمونه هایی از آن روایات اشاره می شود:

الف) روایت غسل امام توسط امام بعدی

در این زمینه روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند که آن حضرت فرمود: «الامام لا یغسله الامام؛ امام را (بعد از رحلت) غسل ندهد مگر امام (بعدی)».

واقفیه با این حدیث استدلال می کردند و می گفتند که امام کاظم علیه السلام در بغداد رحلت کرده و در آن زمان امام رضا علیه السلام در مدینه بوده است و کسان دیگری (مأمورین حکومت) امام کاظم علیه السلام را غسل داده، و دفن نمودند. بنابراین، امام رضا علیه السلام امام کاظم علیه السلام را غسل نداده؛ پس او امام نیست.(۱)

شیخ صدوق در جواب این استدلال می نگارد: «این حدیث، دلیل بر واقفه نیست؛ زیرا اولاً امام صادق علیه السلام نهی کرده که امام را کس دیگری غیر از امام غسل کند؛ پس اگر فردی به نهی امام عمل نکرده و در این امر دخالت نموده و امام را غسل دهد، با این دخالت، امامت امام بعدی باطل نمی شود؛ زیرا امام صادق علیه السلام نفرموده است: امام نمی باشد مگر کسی که امام قبلی را غسل دهد.

ثانیاً ما در روایات داریم که امام رضا علیه السلام بدون اینکه دیگران متوجه شوند مخفیانه پدر خود را غسل داد و واقفیه نمی توانند منکر این مطلب شوند که خداوند می تواند طی کردن مسافت دور را برای امام در زمان کوتاه میسر نماید.(۲)

ص:۱۱۵

۱- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۴.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۹۷.

ب) کاربرد واژه قائم بر موسی بن جعفر

علاوه بر روایات پیشین، واقفه روایات دیگری را نیز عنوان دلیل بر مهدویت امام کاظم علیه السلام آورده اند که در آن روایات، واژه قائم برای آن حضرت به کار رفته است.

برای مثال، در یک روایت طولانی آمده است که امام صادق علیه السلام به بعضی از یاران خود فرمود: «روزهای هفته را حساب نمایید». آنها تا سبت را شمردند؛ امام فرمود: «سبت السبوت و شمس الدهور... و هو سابعکم قائمکم هذا و اشاره الی ولده موسی الکاظم».(۱) در اینجا واژه قائم بر امام هفتم اطلاق شده است.

در روایت دیگری که مورد استدلال واقفیه قرار گرفته است، آمده که هنگام تولد امام کاظم علیه السلام، امام صادق علیه السلام به مادر ایشان فرمود: «وسئل عن اسم القائم».(۲)

در روایت دیگری آمده است که هنگام تولد امام کاظم علیه السلام پدرش امام صادق علیه السلام میان دو چشم او را بوسید و فرمود: «انت القائم بعدی».(۳)

واقفیه با نگرش سطحی به ظاهر این روایات، از واژه قائم سوء استفاده کردند و این روایات را بر اینکه آن حضرت، همان مهدی منتظَر و قائم موعود است، دلیل گرفتند.

گرچه جواب اصلی این ادله در فصل بعدی _ که عبارت است از موضع گیری امام رضا علیه السلام _ خواهد آمد، اما در اینجا تنها به این جواب فرعی اشاره می شود که علما و دانشمندان اثنی عشری در جواب این گونه روایات با دید تحلیلی و انتقادی

۱- ملل و نحل، ج۱، ص ۱۵۰ و غیبت طوسی، ص۳۹ به بعد.

۲- الفصول المختاره، ص۳۱۳.

۳- الخرایج و الجرایح، ج۱، ص۱۱۱.

نگریسته و دو گونه جواب داده اند:

الف) درکاربرد واژه قائم بر موسی بن جعفر، شکی نیست؛ زیرا هر امامی بعد از پدرش، قائم و عهده دار امامت است؛ اما آن قائم منتظَر که عدالت با دستان پرتوان او برقرار می شود، فرزند امام عسکری علیه السلام است.(۱) شیخ مفید در این رابطه می نگارد: «مراد از واژه قائم در مورد امام کاظم علیه السلام، قائم بالسیف نیست؛ بلکه قائم به امامتِ بعد از پدرش امام صادق علیه السلام است».(۲)

ب) جواب دیگری که در بحار و غیبه شیخ طوسی آمده است این است که برای کذب ادعای واقفیه، اخبار متواتر درباره شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام کافی است؛ در حالی که اخباری که واقفیه نقل نموده اند همگی خبر واحد است. علاوه بر اینکه راویان واقفیه، همگی مورد طعن هستند و نمی توان به روایات آنها در برابر اخبار متواتر شهادت امام کاظم علیه السلام اعتماد نمود.(۳)

بنابراین، ادله واقفیه بر قائم بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام، وجهی ندارد.

انگیزه واقفیه در طرح مهدویت موسی بن جعفر علیه السلام

انگیزه به عنوان نیروی حرکت دهنده در درون انسان شکل می گیرد و او را به سوی انجام کارهایش به تحرک وا می دارد. بر این اساس، هر انسانی وقتی ادعای بزرگی می کند یا کار مهمی انجام می دهد اولین پرسشی که مطرح می شود این است که انگیزه او از طرح این ادعا یا انجام فلان کار چیست. هر مقدار که آن انگیزه به واقعیت ها نزدیک تر و دارای مبانی اصولی باشد کارها نیز عاقلانه تر و بادوام خواهد بود.

۱- الخرایج و الجرایح، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- الفصول المختاره، ص ۳۱۴.

۳- غیبت شیخ طوسی، ص ۷۶ به بعد؛ بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۰ به بعد.

نسبت به انگیزه واقفیه در طرح و ادعای مهدویت و قائمِ به عدل دانستن موسی بن جعفر علیه السلام با تمسک به تعدادی از روایات ائمه معصوم علیهم السلام، ممکن است این طور به نظر بیاید که انگیزه آنان در طرح این مسئله، تنها جنبه مذهبی و فرهنگی دارد.

اما با دقت درباره عملکرد بنیانگذاران واقفیه به دست می آید که روآوردن آنها به روایات، در حقیقت، به علت ایجاد پوششی حفاظتی و چتر امنیتی است برای مخفی نگه داشتن انگیزه واقعی شان که صرفاً یک مسئله مادی و دنیا گرایی بوده است؛ زیرا طبق آنچه از گزارش ها به دست می آید، طراحان این فرقه، عده ای از وکیلان موسی بن جعفر علیه السلام و خزانه دارانی بودند که اموالی از شیعیان نزد آنها جمع آوری شده بود و پس از شهادت امام هفتم علیه السلام تمایلات نفسانی و دنیاگرایی، آنها را واداشت تا رحلت آن حضرت را انکار نموده و از تحویل آن اموال به علی بن موسی الرضا علیه السلام به بهانه اینکه امام کاظم علیه السلام زنده است و ما تا او ظهور نکرده این اموال را به دیگری تحویل نمی دهیم ـ امتناع کردند.

بنا به گزارشی، اموال فراوانی از زکات و دیگر حقوق مالی نزد بنی اشعث جمع آوری شده بود که آنها را به دو نفر از وکلای امام کاظم علیه السلام در کوفه سپرد. آن دو وکیل، در زمانی که امام در زندان بود، با اموال یاد شده خانه هایی خریدند و معاملات دیگری انجام دادند و پس از شنیدن خبر شهادت امام در زندان هارون، آن را انکار نموده و شایعه کردند که امام نمرده، چرا که او قائم و مهدی موعود است.(۱)

بنا به گزارش دیگری درباره وکیل امام کاظم علیه السلام در مصر، که نام عثمان بن عیسی نام داشت و اموال فراوان و تعدادی کنیز نزد وی جمع شده بود، بعد از

۱- الامامه و التبصره، ص۷۵؛ عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۱۰۳؛ بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۶۶.

شهادت امام کاظم علیه السلام و درخواست امام رضا علیه السلام برای تحویل دادن آن اموال، او نیز رحلت امام کاظم علیه السلام را منکر شد و آن اموال را تصرف نمود و از تحویل آنها به امام رضا علیه السلام خودداری ورزید.(۱)

بر اساس همین روایات است که در منابع قابل اعتماد شیعه، درباره انگیزه علی بن ابی حمزه، زیاد بن مهران قندی و عثمان بن عیسی رواسی _ که سه نفر از وکلای امام در کوفه و مصر بودند _ نقل شده است: «طمعوا فی الدنیا و مالوا الی حطامها و استمالوا قوماً فبذلوهم شیئاً مما اختانوه من الاموال نحو حمزه بن بزیع و ابن المکاری و کرام الخثعمی و امثالهم؛(۲) آن سه نفر در دنیا طمع ورزیده و دل به زخارف آن بستند. پس گروهی را به خدمت گرفته و از آن اموال که در آن خیانت کرده بودند به آنها بخشیدند که آن افراد، حمزه بن بزیع و ابن مکاری و کرام الخثعمی و... بودند».

بنابراین مال دوستی، افرادی غیر از بنیان گذاران اصلی واقفیه را نیز در این مسیر قرار داده بود. درحقیقت دخالت داشتن انگیزه مالی در ادعای واقفیه چنان روشن بود که بعد از مدت کوتاهی برای همه شیعیان معلوم شد که آنها این ادعا را به جهت دنیا دوستی کرده اند.(۳)

در انتهای این بخش، به همین مقدار از مطالب مرتبط با پیدایش واقفیه و انگیزه های آن ها اکتفا نموده و تکمیل این بحث را در بخش دوم (موضع گیری امام رضا علیه السلام) پی خواهیم گرفت.

۱- علل الشرایع، ص۲۳۵؛ جامع احادیث الشیعه، ج۱۴، ص۴۵۱.
۲- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۲؛ عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۱۰۳.
۳- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۶۶.

بخش دوم: موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر واقفه و نفی ادعای مهدویت امام هفتم

در آمد

پیش از پرداختن به راهبرد های امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه و تکذیب ادعای مهدویت امام موسی بن جعفر علیه السلام از سوی آنها، توجه به این مسئله تاریخی ضرورت دارد که از نظر پیشینه شناسی، اصل موضوع مهدویت و ظهور و قیام فردی عدالت گستر از خاندان پیامبر علیهم السلام با عنوان و لقب «قائم» و «مهدی» از قدیم و قبل از انشعاب فرقه های انحرافی، میان مسلمانان به ویژه میان شیعیان و پیروان امیرالمؤمنین مطرح بوده است که در حقیقت چنین باورداشتی برخاسته از روایات فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی موعود و قیام عدالت گسترانه او بوده است که در اینجا مجال و گنجایش پرداختن به آن روایات نیست.

تنها از باب نمونه اشاره می شود که احادیث معرفی ائمه اثنی عشر و نیز روایات تفسیر آیه اولی الامر از جابر بن عبدالله انصاری ــ که در آن غیبت و قیام مهدی مطرح شده است ــ و نیز روایت حدیث لوح و صدها روایت دیگر، اندیشه مهدویت و انتظار قیام مهدی را در میان شیعیان به وجود آورده بود.

با دقت به ادعای فرقه های جدا شده از بدنه تشیّع به مواردی بر می خوریم که با بهره برداری از این اندیشه، مدعی مهدویت برای خود یا برای فردی از خاندان پیامبر علیهم السلام می شدند.(۱) از باب نمونه برخی از محققین، انگیزه اصلی کیسانیه را ــ که قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند ــ این مطلب می دانند که آنها معتقد بودند

۱- دراسات فی التاریخ و الاسلام، صص ۶۰ و ۷۰.

محمد بن حنفیه امام مهدی و جانشین پدرش امام علی علیه السلام است.(۱)

حتی بنا به گزارش نوبختی، بعد از شهادت امام باقر علیه السلام عده ای از یاران آن امام، قائل به مهدویت نفس زکیه و عده ای معتقد به مهدویت خود آن حضرت شدند.(۲)

پس از آن در دوران امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نیز در فرقه هایی نظیر زیدیه و انشعابات آنان و نیز در فرقه های فطحیه و اسماعیلیه و برخی شاخه های آنان، شاهد ادعای مهدویت برای آن دو امام بزرگوار یا فرد دیگری از خاندان پیامبر علیهم السلام هستیم.(۳)

در نهایت تأکید می شود که مسئله مهدویت و اندیشه انتظار در هر دوره ای، در میان شیعیان این امید را ایجاد می کرد که مهدی نجات بخش در دوره آنها ظهور کند و نظام های ستمگر را از میان بردارد و بر همین اساس، عده ای با اهداف و اغراض سیاسی و مادی سوار بر امواج آن اندیشه شده و ادعای مهدویت می کردند. از جانب دیگر، هر یک از امامان در عصر خود با این ادعای انحرافی به مبارزه برخواسته و باطل بودن آن را افشا می نمودند.(۴) اما اوج ادعای مهدویت در دوره امام هشتم علیه السلام و پس از شهادت امام کاظم علیه السلام توسط واقفیه به راه افتاد که در این فصل به راهبردهای مبارزاتی امام رضا علیه السلام در برابر آنان می پردازیم:

نوع شناسی و کیفیت موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه

اشاره

در هر نوعی از نزاع و تخاصم فکری، سیاسی و نظامی، نحوه وکیفیت موضع گیری افراد، به دانایی و فهم آنها از نوع ابزار و وسیله ای که طرف مقابل در دست دارد وابسته است تا به تناسب آن ابزار، برای پیش برد اهداف مبارزاتی به

۱- نشأه الفکر الفلسفی، ج۲، ص۴۷ به بعد؛ تاریخ اندیشه های کلامی، ص۷۵.

۲- فرق الشیعه، ص۹۴.

۳- فرق الشیعه، ص۱۰۰؛ ملل و نحل، ص۱۴۰.

۴- کافی، ج۱، ص۳۴۱.

دفـاع برخیزد. بر این اسـاس، و از آنجاکه فرقه واقفیه ـ آنگونه که قبلاً نگارش یافت ـ در ادعای انحرافی خود از روایات ائمه معصوم علیهم السـلام به عنوان ابزار و وسـیله استفاده می کردند، طبیعی بود که امام رضا علیه السلام نیز در برابر آنان از جنس ابزار و وسیله آنان استفاده نماید. با دقت در روایاتی که امام رضا علیه السلام برای نقد و تکذیب واقفه استفاده کرده، مشخص می شود که ایشان، شیوه های گوناگونی را در برابر آنها انتخاب کرده بود که به بخش هایی از آن اشاره می شود:

۱ ـ مذمت و لعن سران واقفیه

روایات فراوانی در مذمت و دروغگو دانستن واقفیه نقل شده، که در این میان، بسیار جالب است که حتی خود امام کاظم علیه السلام نیز ادعای واقفیه را پیش بینی کرده و آنها را مذمت نموده است. شیخ طوسی در کتاب غیبه از علی بن حمزه بطائنی که از بزرگان واقفیه بوده ـ نقل کرده است: «قال لی ابوابراهیم (موسی بن جعفر) انما انت و اصحابک یا علی اشباه حمیر».(۱)

هم چنین از عثمان بن عیسـی رواسـی و زیاد قنـدی و دو نفر از بزرگان واقفیه نقل شـده است که ما نزد امام کاظم علیه السـلام بودیم. آن حضرت به ما فرمود: «در این لحظه بهترین اهل زمین بر شما وارد می شود». در آن هنگام امام رضا علیه السلام وارد شـد؛ مـا بـا تعجب سؤال نمودیم: «او بهترین اهـل زمین است؟» امـام کـاظم علیه السـلام فرزنـدش را به سـینه چسـباند و فرمود: «فرزنـدم دانستی آنچه را این دو نفر گفتنـد؟» امـام رضـا علیه السـلام جـواب داد: «آری ای آقـایم! این دو نسبت به من شـک دارند».(۲)

در ادامه همین حدیث از علی رئاب نقل شده است که امام کاظم علیه السلام به آن دو

۱- غیبت طوسی، ص۶۷.

۲- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۶.

نفر فرمود: «ان حجدتماه حقه فعلیکما لعنه الله و الملائکه و الناس اجمعین؛(۱) اگر شما او (امام رضا علیه السلام) را انکار نمایید یا به او خیانت کنید، پس لعنت خدا و ملائک و تمام مردمان بر شما باد».

و هم چنین علاوه بر این مذمت های امام کاظم علیه السلام، عبارات تند و صریحی از امام رضا علیه السلام درباره واقفیه نقل شده است. محمد بن سنان گوید: نزد امام رضا بودم که سخن از «علی بن ابی حمزه» به میان آمد. امام او را لعن فرمود و گفت: «او می خواست خداوند در زمین و آسمان عبادت نشود؛ اما خداوند نور خود را تمام نمود اگرچه لعین مشرک را خوش نیاید». و در ادامه فرمود: «ابن حمزه و امثال او کسانی هستند که می خواهند نور خدا را خاموش کنند».(۲)

۲_ خبر از آینده اندوهناک برخی از واقفیان

در این بخش از روایات، امام رضا علیه السلام عاقبت سوء و ناگوار واقفیان و بی دین مردن آن ها را خبرداده است که این، نزد همه علامتی بود برای باطل بودن فرقه واقفیه.

محمد بن اسماعیل می گوید: امام رضا علیه السلام درباره جایگاه امامت و مذمت اندیشه واقفیه فرمود: «من مات و لیس له امام مات میته جاهلیه فقلت له کل من مات و لیس له امام مات میته جاهلیه قال نعم و الواقف کافر و الناصب مشرک».(۳) از سؤال و جوابی که در متن حدیث مطرح شده، این طور به نظر می آید که در ابتدا، شنیدن این حدیث اشتمال آن بر واقفیه _ که تا هفت امام را قبول داشتند _ برای محمد بن اسماعیل بعید بوده است؛ اما امام در

۱- غیبت طوسی،ص۶۸.

۲- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۸ و غیبت طوسی، ص ۵۰.

۳- کمال الدین، ص۶۶۸.

جواب او تصریح می کند که واقفیه کافر بوده و فرقی میان آنها و ناصبیان که اصلاً امام را قبول ندارند نمی باشد.

از ابراهیم بن یحیی ابی ولاد نقل شده است که امام رضا علیه السلام از من سؤال کرد: «حمزه بن بزیع شقی (یکی از واقفیه) در چه حال است؟» گفتم: «او همانند سابق در شک و دودلی است». امام فرمود: «او گمان می کند پدرم موسی بن جعفر علیه السلام زنده است» و در ادامه فرمود: «هم الیوم شکاك و لایموتون غدا الا علی الزندقه؛ آنان (واقفی ها) امروز در حال شک هستند و از دنیا نمی روند مگر مانند زندیق بی دین». راوی می گوید: من بعد از این گفتار امام، احوال حمزه بن بزیع را پی جویی می کردم تا اینکه از یکی از همفکران او شنیدم که گفت: در حالت انکار خداوند از دنیا رفت».(۱)

همچنین درباره زیاد قندی نیز از حسن بن محبوب نقل شده است که او زندیق و در حالت کفر به خداوند از دنیا رفت.(۲)

شبیه این روایت از ابن فضال درباره احمد بن ابی بشر سراج نقل شده است که در هنگام مرگ خود فریاد می زد: «شما را به خدا، مرا از آتش نجات دهید».(۳)

درباره ابن حمزه بطائنی از حسن بن علی وشاء نقل شده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «بعد از دفن او، مأموران الهی از وی درباره خدا و رسول سؤال نمودند. او جواب داد. سپس از امامش سؤال نمودند و او تا امام هفتم علیه السلام جواب داد و بعد از آن ساکت ماند و نتوانست جواب گوید. و مأموران به او گفتند: افموسی بن جعفر امرك بهذا؟ پس از آن آتشی در قبرش افروخته شد که تا

۱- غیبت طوسی، ص۶۹؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج۴، ص۳۶۴.

۲- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۶.

۳- غیبت طوسی، ص۴۸.

قیامت خاموش نمی شود».(۱)

۳ _ مناظره امام با برخی واقفه

یکی از راهبرد های امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه، رویارویی و مناظرات علمی با آنان بود که در حضور افراد دیگر انجام می گرفت.

ابن حازم گوید: روزی جماعتی از واقفه نزد امام رضا علیه السلام حضور به هم رساندند و از آن حضرت درباره پدرش سؤال کردند. امام فرمود: «پدرم از دنیا رفت و من جانشین ایشان هستم». ابن مهران گفت: «اگر چنین است پس چرا این مطلب را آشکارا بیان نمی کنی؟» امام فرمود: «آیا منظورت این است که من نزد هارون رفته، به او بگویم من امامم و تو هیچ کاره هستی؟ بدان که سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز رسالتش اینگونه نبود؛ بلکه ابتدا رسالت خود را تنها با اهل و افراد مورد اطمینان خود در میان گذاشت و من هم اگر با شما از امامت خود سخن می گویم به جهت این است که شما امامتِ امامان قبل از من را قبول دارید که همه از پدران من هستند و شما در حق من نگوئید که علی بن موسی نسبت به پدرش تقیه نموده و می گوید او زنده نیست؛ زیرا من نزد شما نسبت به خودم تقیه نمی کنم و می گویم من امام هستم، پس چگونه نسبت به پدرم تقیه کنم»؟(۲)

در گفتگوی دیگر امام با واقفه، وقتی آن حضرت شنید که آنها می گویند: «موسی بن جعفر رحلت نکرده است»، فرمود: «سبحان الله مات رسول الله و لم یمت موسی بن جعفر بلی ولله لقد مات و قسمت امواله».(۳)

۱- مناقب، ج۴، ص۳۶۶.

۲- عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۲۳۱.

۳- عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۹۷.

در یکی از مناظره ها، هنگامی که امام، لجاجت ابن مهران را در ادعای مهدویت امام هفتم مشاهده نمود، او را نفرین کرد و فرمود: «اذهب الله نور قلبک و ادخل الفقر بیتک» و در اثر همین نفرین امام او در بدترین حال گرفتار شد.(۱)

و در گفتار دیگری، امام به نقد و تکذیب برخی ادعاهای ابن حمزه برآمد و فرمود: «الیس هو الذی یروی ان رأس المهدی یهدی الی عیسی بن موسی و هو صاحب السفیانی و قال ان اباالحسن یعود الی ثمانیه اشهر فما استبان لهم کذبه»؛ (۲) آیا ابن حمزه نمی گفت سر مهدی (محمد فرزند منصور) به سوی عیسی بن موسی (فرزند عموی منصور) هدیه می شود؟ آیا ابن ابی حمزه نمی گفت امام کاظم علیه السلام بعد از شش ماه برمی گردد؟ در حالی که هر دو خبر او تحقق نیافت. پس آیا دروغ های او بر شما (مردم) آشکار نشده است؟»

و در مورد دیگری، یکی از یاران امام رضا علیه السلام به نام احمد بن محمد می گوید: روزی امام در محله بنی زریق توقف نموده و با صدای بلند من را صدا کرد و من جواب گفتم. پس، آن حضرت فرمود: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود مردم کوشش نمودند نور خدا را خاموش سازند و خداوند مانع شد و نور خود را به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام نگه داشت و چون ابوالحسن موسی بن جعفر رحلت نمود، علی ابن ابی حمزه و یارانش کوشش نمودند تا نور خدا را خاموش کنند؛ اما خداوند مانع از آن شد. اهل حق کسانی هستند که از پیوستن دیگران به آنها خوشحال می شوند، اما از جدا شدن دیگران ناراحت نمی شوند اما واقفه بر عکس

۱- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۶۱؛ غیبت طوسی، ص ۷۰.

۲- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۶۱.

اینان هستند؛ زیرا خودشان در حال شک زندگی می کنند».(۱)

۴ _ نامه نگاری امام به برخی واقفه

روش دیگری که امام در مبارزه با واقفه پی گرفت، نامه نگاری هایی بود که میان امام و بعضی از واقفیان رد و بدل می شد. به احتمال قوی، اولین نامه از جانب امام رضا علیه السلام به سه نفر از سران واقفه راجع به مطالبه اموال امام کاظم علیه السلام ارسال شده است. در آن نامه _ که به علی بن ابی حمزه و زیاد قندی و عثمان بن عیسی نگاشته شد _ آمده است: «آنچه در زمان پدرم از اموال و کنیزان نزد شما جمع شده است را اکنون به من تحویل دهید؛ زیرا من جانشین و وارث او هستم و میراث پدرم را تقسیم می کنم و برای شما نیز عذری نیست که آن اموال را بیش از این، نزد خود نگه دارید».

بعد از رسیدن نامه امام، علی بن ابی حمزه و زیاد قندی در جواب نامه امام، بدون اینکه نامی از اموال ببرند، رحلت امام کاظم علیه السلام را انکار نموده و مهدویت او را مطرح کردند اما عثمان بن عیسی در جواب نامه به امام نوشت: «اما بدان که پدرت موسی بن جعفر رحلت نکرده و هو حی قائم و من ذکر انه مات فهو مبطل بدان که اگر بنابر ادعای تو رحلت هم کرده باشد، باز هم از این اموال چیزی به تو داده نمی شود زیرا پدرت در این رابطه چیزی نگفته بود».(۲)

گاهی افرادی از واقفه برای امام نامه می نوشتند و از ایشان جواب می خواستند. در این باره از احمد بن ابی نصر بزنطی نقل شده است: من در امامت موسی بن جعفر توقف نموده و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نداشتم تا اینکه نامه ای به امام

۱- بحارالانوار، ج۴۸، ص ۲۶۱.

۲- الامامه و التبصره، ص۷۵؛ علل الشرایع، ص۲۳۶.

هشتم نوشتم و مسائل را از او سؤال کردم. در این میان، یکی از مسئله های مهم را فراموش کردم؛ اما هنگامی که جواب امام را دریافت نمودم دیدم جواب تمام مسئله ها و از جمله آن مسئله که فراموش کرده بودم نگاشته شده است. من از این جریان به خود آمدم و از ادعای مهدویت نسبت به موسی بن جعفر بازگشتم و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نمودم و پس از آن از امام تقاضای ملاقات کردم و امام در آخر همان روز مرا پذیرفت.(۱)

و در مواردی از این نامه نگاری ها، امام موضع منفی اتخاذ می کرد و از جواب دادن خودداری می نمود. در این رابطه نقل شده است که عده ای به امام نامه نوشته و سؤالاتی را مطرح کردند. در میان آن نامه ها، نامه فردی از واقفیان نیز بود. اما امام، نامه همه را جواب داد، جز نامه فرد واقفی را.(۲)

۵_ استدلال به روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصوم علیهم السلام

یکی دیگر از رویکرد های مبارزاتی امام رضا علیه السلام در برابر ادعای واقفه، استدلال به روایات اجدادش درباره امامت دوازده امام و تبیین و تطبیق مصداق مهدی موعود به دوازدهمین امام بود. ایشان، بر این اساس اثبات می کردند که ادعای مهدی بودنِ امام هفتم از سوی واقفه، بر خلاف روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصوم علیهم السلام است.

در روایتی از حسین بن خالد نقل شده است که امام رضا علیه السلام در روایتی که به واسطه اجدادش از رسول خدا روایت شده بود، فرمودند: «هر کس دوست دارد که به دین من تمسک جوید، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام که وصی و جانشین من است اقتدا نماید و پس از امیرالمؤمنین به دو فرزندم حسن و حسین، و پس از

۱- الخرایج و الجرایح، ج۲، ص۶۶۲.

۲- الصراط المستقیم، ج۲، ص۶۷.

آنها به فرزندان حسین، تسعه ائمه تاسعهم القائم من ولدی».(۱)

همچنین در روایت دیگری، امام رضا علیه السلام از پدرانش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که ایشان فرمود: «من و علی پدران این امت هستیم؛ هر کس ما را بشناسد خدا را شناخته و هر کس ما را انکار کند، خدا را انکار کرده است. بعد از ما، دو فرزندم سید جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، و بعد از ایشان، نه نفر از فرزندان حسین، پیشوایان این امت هستند که تاسعهم قائمهم و مهدیهم».(۲)

استدلال امام رضا علیه السلام به اینگونه روایات که مستند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و باقی معصومین بوده و در آنها بدون هیچ گونه ابهامی، نهمین فرزند از فرزندان معصوم امام حسین علیه السلام به عنوان مهدی و قائم معرفی شده بود، برای توجه دادن شیعیان به سوی مصداق واقعی مهدی موعود و ابطال اندیشه واقفه در طرح مهدویت نسبت به امام کاظم علیه السلام راهکاری بسیار ارزشمند بود که در اثر آن تعداد فراوانی از افراد فریب خورده به راه راست هدایت شدند.(۳)

۶ _ بیان علامات ظهور و نشانه های مهدی موعود

یکی دیگر از روش های علمی و کاربردی امام برای ابطال ادعای واقفه، بیان علامات و نشانه های عصر ظهور مهدی موعود و تطبیق آن با شخصیت امام دوازدهم بود که با شیوه های مناسب بازگو می شد.

در روایتی از ابا صلت هروی نقل شده است: از امام رضا علیه السلام سؤال نمودم: ما

۱- کمال الدین، ص ۲۶۰.

۲- کمال الدین، ص ۲۶۱.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج۴، ص ۳۶۴.

علامه القائم منکم اذ اخرج فقال علامته ان یکون شیخ السن شاب المنظر حتی ان الناظر الیه لیحسبه ابن اربعین سنه او دونها و اذا خرج القائم یقال له فی التسلیم السلام علیک یا بقیه الله؛ (۱) نشانه قیام کننده از شما خاندان چیست؟ امام فرمود: «نشانه او این است که سنش بالا است؛ اما چهره اش جوان است و کسی که به او نگاه می کند گمان می کند که چهل ساله و یا کمتر است و زمانی که قیام کند در سلام ها به او گفته می شود سلام بر تو ای ذخیره خداوند».

همچنین علی بن فضال از پدرش نقل نموده که امام رضا علیه السلام فرمود: «شیعیان بعد از درگذشت سومین فرزندم، گرفتار حیرت می شوند؛ زیرا امام آنها از نظرشان غائب می شود» سپس درباره فلسفه غیبت او فرمود: «لئلا یکون فی عنقه لاحد حجه اذا قام بالسیف».(۲)

همچنین امام رضا علیه السلام در موارد دیگری برای اینکه توجه شیعیان را از مهدی موعود بودن امام هفتم برگرداند و افکارشان را به سوی آینده رهنمون کند، مسئله انتظار مهدی موعود را مطرح می کرد و می فرمود: «ما احسن الصبر و انتظار الفرج فعلیکم بالصبر ان هذا الامر لیس یجیی علی ما یرید الناس انما هو من امر الله تبارک و تعالی؛ (۳) چه نیکو است صبر و انتظار کشیدن فرج؛ پس بر شما باد که صبر نمایید و این امر (فرج) آنگونه که مردم می خواهند واقع نمی شود؛ بلکه امر فرج از امور خداست».

۱- الخرایج و الجرایح، ج۳، ص۱۱۷.

۲- علل الشرایع، ص۲۴۵.

۳- قرب الاسناد، ص۲۲۴.

این دعوت امام رضا علیه السلام برای انتظار کشیدن برای آینده، در مقابل ادعای واقفه بود که مهدویت را مسئله ای مربوط به گذشته و زمان امام هفتم می دانستند.

همچنین آن حضرت درباره زمان ظهور می فرمود: «لا یأتیکم الا بغته؛ (۱) وقت آن معین نیست» و نیز از جدش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می نمود: «افضل عمال امتی انتظار فرج الله».(۲)

هم چنین در حدیث دیگری از پیامبر روایت کردند: «سوگند به آن خدایی که مرا به حق برگزید، یکی از فرزندانم غائب می شود تا زمانی که بعضی مردم ناامید شده و گویند ما دیگر احتیاج به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نداریم و بعضی در ولادت او شک کنند».(۳)

این روایات مربوط به نشانه ها و زمان ظهور، نمایانگر این حقیقت است که آن حضرت با تطبیق زمان ظهور بر آینده می خواست آشفتگی ها و تزلزلی را که توسط واقفه در فرهنگ شیعی ایجاد شده بود برطرف کرده، و فرهنگ انتظار را برای شیعیان زنده نماید.

۷ _ معرفی مصداق مهدی منتظر

با نگاهی تحلیلی و کاربردی به این بخش از روایات حضرت رضا علیه السلام می توان به این نتیجه دست یافت که تعیین مصداق مهدی منتظر از صریح ترین و روشنگرانه ترین موضع گیری های امام در برابر واقفه بوده است که در یک عملیات مقابله ای، ادعای آنان را باطل کرده است. در این قسمت به شواهدی در این زمینه اشاره می شود:

۱- کمال الدین، ص۳۷۲.

۲- عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۳۶.

۳- کمال الدین، ص۵۱.

ریان بن صلت می گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال نمودم: آیا شما صاحب این امر (امامت) هستید؟ امام فرمود: «آری؛ (یعنی امام هفتم) اما صاحب آن امر که زمین را پر از عدل می کند نیستم. ذلک الرابع من ولدی یغیبه الله ثم یظهره؛ (۱) آن آورنده عدالت، چهارمین نفر از فرزندانم است که به امر خداوند، غائب شده، پس از آن به امر خدا ظاهر می شود». بیان «چهارمین نفر از فرزندانم»، نفی کننده ادعای واقفیه درباره امام کاظم علیه السلام بود.

در روایت دیگری از علی بن خالد نقل شده است که امام رضا علیه السلام درباره مصداق قائم فرمود: «روزی جدم امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: التاسع من ولدک یا حسین هو القائم بالحق المظهر للدین و الباسط للعدل؛ (۲) یا حسین! نهمین فرزند تو قیام کننده به حق و یاری کننده دین و گسترش دهنده عدالت است».

و نیز آن حضرت، در معرفی قائم فرمود: «بابی و امی سمی جدی رسول الله و شبیه موسی بن عمران یتوقد من شعاع ضیاء القدس؛ (۳) پدر و مادرم فدایش باد که هم نام جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شبیه به موسی بن عمران است و از روشنایی انوار قدس، روشنی می گیرد».

هم چنین از ریان بن صلت نقل شده است که درباره قائم از امام رضا علیه السلام سؤال شد، حضرت فرمود: «لا یری جسمه و لا یسمی اسمه».(۴)

بنا به روایت دیگری در زمان امامت امام رضا علیه السلام درباره مصداق قائم، میان مردم،

۱- الصراط المستقیم، ج۲، ص۲۲۹.

۲- کمال الدین، ص۲۰۳.

۳- الامامه و التبصره، ص۱۱۴.

۴- کمال الدین، ص ۳۷۰؛ کافی، ج ۱، ص۳۳۳.

اختلاف افتاده بودند و حتی بعضی شیعیان، مانند ایوب بن نوح، خود آن حضرت را قیام کننده به عدل می دانستند. امام رضا علیه السلام برای برطرف شدن آن شبهات می فرمود: «یبعث الله لهذا الامر غلاماً منا خفی الولاده و المنشأ غیر خفی نسبه؛ (۱) خداوند برای این امر (اقامه عدل) یکی از جوانان ما را برمی گزیند که ولادت و محل زندگی او مخفی است، اما نسبش آشکار است».

و هم چنین از حسین بن خالد نقل شده که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: مراد از قائم خاندان شما کیست؟ حضرت فرمود: «الرابع من ولدی ابن سیده الاماء یطهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل ظلم هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه فاذا خرج اشرقت الارض بنوره و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدٌ احداً و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الارض بالدعأ الیه یقول الا ان حجه الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فان الحق معه و فیه؛ (۲) چهارمین فرزندم، پسر سروران کنیزان که خداوند، زمین را به واسطه او از هر ستم و جور پاک می گرداند. او کسی است که مردم در ولادت او شک می کنند و قبل از قیامش، غیبت می کند و زمانی که ظهور کند ترازوی عدل را میان مردم استوار می سازد».

دقت در فقرات حدیث و اوصافی که برای قائم بیان شده است روشن می کند

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱.
۲- کمال الدین، ص ۳۷۱ و ینابیع الموده، ص۵۳۷.

که هیچ کدام با امام موسی بن جعفر علیه السلام قابل تطبیق نیست. از این رو می توان ادعا نمود که امام رضا علیه السلام در بیان این حدیث، به دنبال مبارزه با واقفه و تبیین مصداق واقعی مهدویت در اندیشه شیعه اثنی عشری بوده است.

همچنین آن حضرت درباره مصداق مهدی موعود به ریان بن صلت فرمود: «یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان ذلک الرابع من ولدی یغیبه الله فی ستره ما شاء ثم یظهره فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ (۱) عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست. او چهارمین فرزندم است که خداوند او را تا زمانی که بخواهد در پناه خود نهان می دارد، پس از آن، او را آشکار می سازد و زمین را با او پر از عدل می کند، آنگونه که پر از جور و ستم شده بود».

روایات فراوانی از امام رضا علیه السلام درباره تعیین مصداق مهدی منتظر در منابع وجود دارد که ما به جهت طولانی نشدن مقاله، از نگارش آن خودداری می نماییم.

۸ _ منع شیعیان از ارتباط با واقفه

پس از ذکر هفت دسته از روایات امام رضا علیه السلام در مبارزه با واقفه، اینک مناسب است بر هشتمین راهکار مبارزاتی آن حضرت با واقفه اشاره شود که در حقیقت، این راهکار در کنار آن روایات، یک ضربه اساسی روحی و روانی علیه واقفه بود. حضرت می خواستند با به انزوا کشاندن واقفه، صف آنان را از صف شیعیان خود جدا نمایند؛ از این رو به شیعیان خود دستور می دادند که از مجالست و همراهی با واقفه دوری نمایند.

در بعضی منابع آمده است: «ینهی شیعته عن مجالستهم و

۱- کمال الدین، ص۳۷۶.

مخالطتهم».(۱) و بر اساس همین ارشاد امام رضا علیه السلام بود که درباره رفتار شیعیان با واقفه نقل شده است: «فان الامامیه کانو فی غایه الاجتناب و التباعد عنهم حتی انهم کانوا یسمونهم الممطوره ای الکلاب التی اصابها المطر».(۲)

در اثر همین روشنگری های امام رضا علیه السلام بعضی از شیعیان با واقفه مبارزه نمودند. به عنوان نمونه یونس بن عبدالرحمن گوید: پس از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام و ادعای مهدویت آن حضرت توسط وکلای ایشان، من دریافتم که آنان نسبت به حضرت رضا ستم می کنند؛ لذا پیوسته امامت امام رضا علیه السلام را تبلیغ می نمودم تا اینکه مروان بن زیاد قندی و علی بن ابی حمزه نزد من آمده، و به من گفتند: «چرا مردم را به سوی او (امام رضا علیه السلام) می خوانی؟ اگر مال می خواهی ما تو را بی نیاز می کنیم و برای تو ده هزار دینار ضمانت می کنیم تا از تبلیغ علی بن موسی الرضا دست برداری». من در برابر آنان مقاومت نموده، گفتم: «ما و شما از امامان معصوم علیهم السلام روایت می کنیم که آنها فرمودند: هر گاه بدعت ها آشکار شود بر عالمان و دانشمندان است که علم خود را آشکار سازند و اگر چنین نکنند نور ایمان از قلبشان بیرون می رود و ما کنت لادع الجهاد فی امر الله علی کل حال فناصبانی و اضمرا لی العداوه».(۳)

جمع بندی

از آنچه درباره واقفه نگارش یافت، می توان نتیجه گرفت که فرقه واقفه به

۱- نهایه الدرایه، ص ۴۴۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۶۹.

۳- علل الشرایع، ص۲۳۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۵۴۳؛ غیبت طوسی، ص۶۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج۱۴، ص ۴۵۱.

دنبال زمینه های سیاسی و فرهنگی و با انگیزه صرفاً دنیایی بعد از شهادت امام کاظم به وجود آمد، آنان با سوء استفاده از اندیشه مهدویت در جامعه شیعی، و برای رسیدن به آرزوهای مادی شان رحلت امام موسی کاظم علیه السلام را انکار کرده و با ارائه تفسیر غلط از بعضی روایات، در میان شیعیان این شبهه را ایجاد کردند که امام موسی بن جعفر از دنیا نرفته؛ بلکه او همان امام قائم است.

امام رضا در برابر این گروه، موضع گیری می کرد و با روش های مناسب با آنها به مبارزه برمی خواست که در مسیر این مبارزه، بعضی از اصحاب و یاران امام نیز نقش داشتند.

در مجموع، بازتاب روشن مبارزه امام، بیدارسازی افکار شیعیان در برابر واقفه بود که حتی طبق اسناد و مدارک، افراد زیادی از پیروان واقفه به امام پیوسته و از واقفی گری توبه نمودند.

ابن شهر آشوب گوید: «عده ای از عقیده واقفه و مهدویت موسی بن جعفر برگشتند که نام آنها به این شرح است: عبدالرحمن بن حجاج، رفاعه بن موسی، یونس بن یعقوب، جمیل بن دراج، حماد بن عیسی، احمد بن محمد بن ابی نصر و حسن بن علی الوشا و ...».(۱)

همچنین علامه مجلسی می نگارد: «به جهت مبارزات امام رضا با واقفه و برخی معجزات آن حضرت، رجع جماعه من القول بالوقف مثل عبدالرحمن بن الحجاج، رفاعه بن موسی، یونس بن یعقوب، جمیل بن دراج، حماد بن عیسی و غیرهم و هولاء اصحاب ابیه الذین شکو فیه ثم

۱- مناقب آل ابی طالب، ج۴، ص۳۶۴.

رجعوا».(۱)

سرانجـام اینکه گر چه دامنه بحث واقفه و مبـارزه امـام رضا و پس از ایشان، امام جواد با واقفه گری بیش از این هاست، اما در این اثر محدود، بیش از این، گنجایش بحث وجود ندارد.

ص:۱۳۷

۱- بحارالانوار، ج۴۸، ص۲۵۸.

منابع

۱. ابن خلدون، مفدمه ابن خلدون، مؤسسه اعلمی بیروت، ۱۰۳۹ق.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، منشورات شریف رضی، قم، ۱۴۱۶ق.

۳. احمد امین مصری، ضحی الاسلام، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.

۴. اسد، حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۰ش.

۵. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات بیروت، بی تا.

۶. بدوی، عبدالرحمن، تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام، ترجمه حسین صابری، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ش.

۷. بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه، مطبعه العلمیه، قم، ۱۳۶۶ش.

۸. حمیری، قمی، قرب الاسناد، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۱۳ق.

۹. خاقانی، شیخ علی، رجال خاقانی، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

۱۰. راوندی، قطب الدین، الخرایج و الجرایح، مؤسسه الامام المهدی، قم، ۱۴۰۹ق.

۱۱. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفا، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۷۰ش.

۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۳ش.

۱۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰ جلدی.

۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، مؤسسه اعلمی، تهران، ۱۴۰۴ق.

۱۵. ______________؛ الخصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.

۱۶. ______________؛ علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، مکتبه حیدریه نجف، ۱۳۸۵ش.

۱۷. ______________؛ کمال الدین، تصحیح و تعلیق غفاری، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۵ق.

۱۸. ______________؛ من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ق.

۱۹. شید مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد نعمان، الارشاد، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا.

۲۰. ______________________؛ الفصول المختاره، دارالمفید للطباعه و النشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۲۱. ______________________؛ اوائل المفالات، تحقیق شیخ ابراهیم انصاری، دارالمفید للطباعه و النشر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۲۲. صدر، سید حسن، نهایه الدرایه، نشر مشعر، قم، بی تا.

ص:۱۳۸

۲۳.صفار، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، منشورات الاعلمی، تهران، ۱۳۶۲ش.

۲۴.طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۳ش.

۲۵.طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تلخیص رجال کشی، تصحیح حسن مصطفوی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مشهد، ۱۳۴۸ش.

۲۶.____________________؛ الرجال، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۵ق.

۲۷.____________________؛ الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.

۲۸.عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه، بی تا.

۲۹.عاملی، جعفر مرتضی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۱ش.

۳۰.علامه سبط بن جوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، قم.

۳۱.قمی، ابن بابویه، الامامه و التبصره، تحقیق مدرسه الامام المهدی، قم، ۱۳۶۳ش.

۳۲.قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.

۳۳.کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق غفاری، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۳ش.

۳۴.مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی، قم، ۱۴۲۱ق.

۳۵.مامقانی، اسدالله، تنقیح المقال فی احوال الرجال، المرتضویه، تهران، بی تا.

۳۶.مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۳۷.نشار علی سامی، نشأه الفکر الفلسفی فی الاسلام، دارالمعارف مصر، قاهره، ۱۹۹۷م.

۳۸.نمازی، شیخ علی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۹ق.

۳۹.نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، مکتبه مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۵ش.

امکانات آستان قدس و راهکارهای تبلیغ مهدویت و فرهنگ انتظار

اشاره

O اکبر سعادتی

چکیده

فرهنگ انتظار و مهدویت ـ که راهبرد عصر غیبت است ـ باید مورد اهتمام شیعیان و ارگان های جامعه شیعه، از جمله تولیت حرم هـای اهـل بیت علیهم السـلام باشـد. در این میان، آسـتان قـدس رضوی، به دلیل برخورداری از امکانات و شـرایط بهتر و بیشتر، وظیفه سـنگین تری دارد و بایـد بـا مـدیریت امکانـات، همه توان خود را صـرف ترویـج فرهنـگ انتظـار کنـد و در بنا و ساختمان ها، در نامگـذاری صـحن ها و رواق ها و سایر بخش های حرم، در تزئین و کاشـی کاری ها و ... مسأله مهـدویت را لحاظ کنـد و تالارهایی به یاد جلسات مناظره و شـعر حضـرت رضا علیه السـلام برای مناظره و مشاعره های مهـدوی اختصاص دهد. هم چنین می بایست برای اسـتفاده در موزه و نمایشـگاه ها، محصولاتی در موضوعات مختلف گردآوری شود، در بخش انتشارات، با محدود کردن حوزه چاپ به کتاب های اسـلامی، از هدر رفتن هزینه ها جلوگیری، و در نشـر کتاب های تحقیقی و ارزشمند برای گروه های مختلف

ص:۱۴۱

تلاش شود، با انتشار روزنامه و مجلات تخصصی و در زمینه مهدویت جای خالی این گونه نشریات، پر شود، برای استفاده بهینه مردم از کتابخانه، کتاب ها در موضوعات گوناگون بدون سختگیری در اختیار مردم قرار گیرد، برای استفاده از هنر، با رعایت همه جوانب احکام اسلامی برنامه ریزی شود، برای استفاده از وسایل ارتباطی جدید، مانند شبکه های ماهواره ای و اینترنت، تلاش شود و برای برگزاری همایش ها، مسابقات و مراسم ساده و ماندگار فکری کرد.

واژگان کلیدی: آستان قدس رضوی، فرهنگ انتظار و مهدویت، امکانات و راهکارهای تبلیغ.

مقدمه

مذهب شیعه، در هر عصری، یک استراتژی و راهبرد برای خود دارد که توسط امامان معصوم علیهم السلام مشخص شده است و ترسیم کننده بسیاری از وظایف فردی و اجتماعی شیعیان می باشد. اگر در عصر خلفای نخستین، پرهیز از مناقشه و احیاناً یاری رساندن به خلفا، در عصر حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام حضور در صحنه مدیریت، در عصر امام حسین علیه السلام، مبارزه با حکومت و در عصر صادقین علیهما السلام فرهنگ سازی و تعمیق باورهای اعتقادی و دینی، دل مشغولی اصلی شیعیان بود، در عصر غیبت نیز ــ که بشر از ارتباط مستقیم با امام خویش محروم است ــ فرهنگ انتظار، راهبرد می باشد که در برخی از روایات «افضل اعمال» شمرده شده است.(۱)

بنابراین وظیفه هر فرد و ارگان شیعه، تعریف و تبلیغ این فرهنگ و عنصر اصلی آن، یعنی شناخت امام عصر علیه السلام می باشد؛ خصوصاً اینکه این فرهنگ ــ به

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۲۲.

جهت شخصیت اصلی آن، از نظرها پنهان است ــ همواره در معرض آسیب ها و انحرافات قرار دارد و ترویج آن، نیازمند دقت کامل است و باید دانشمندان و ارگان های مهم شیعه، متولی امر تبلیغ آن باشند تا از دستبرد شیادان در امان بماند.

حرم هـای مطهر ائمه علیهم السـلام در هر کشوری به سـبب انتسابی که به خانـدان اهل بیت علیهم السـلام دارنـد، بایـد در این زمینه، پیش قدم باشند؛ مخصوصاً آستان قدس رضوی علیه السلام که به جهت داشتن امکانات بسیار و قرار گرفتن در کشوری که حکومت آن نه تنهـا مانعی برابر تبلیغات دینی ایجاد نمی کنـد، بلکه خود پرچمـدار تبلیغات دینی می باشـد، وظیفه سـنگین تری به دوش دارد. آسـتان قـدس بایـد امکانـات بالقوه و بالفعل خود را بشـناسد و آنها را برای تبلیغ دین، به خصوص فرهنگ انتظار و مهدویت بسیج کند.

آنچه در این مقـاله به آن پرداخته می شـود امکانـاتی از آسـتان قـدس رضـوی علیه السـلام می باشـد که می توان بـا مـدیریت عاقلانه و دقیق برای تبلیغ فرهنگ انتظار و مهدویت به کار گرفته شوند، اما در حال حاضـر استفاده بهینه و کارآمد از آنها نمی شود. این امکانات، تحت چند عنوان بررسی می شوند.

بنا و ساختمان

اشاره

در همه جای دنیا، مکان هایی که پذیرای جمعیت فراوانی می باشـند، فرصتی بزرگ برای شـرکت ها و ارگان های فرهنگی و اقتصادی و سیاسـی محسوب می شونـد تا بتوانند خود و محصولات خود را معرفی و تبلیغ کنند و برای این کار، حاضـرند مبالغ کلانی را صرف نمایند. شاهد این ادعا، تبلیغات گسترده ای است که در ورزشگاه ها، جاده ها و ... صورت می گیرد.

آسـتان قـدس رضوی علیه السـلام همه ساله پـذیرای میلیون ها زائر از داخل و خارج از ایران می باشد که این جمعیت، در ایام تعطیل، نوروز و شهادت حضرت رضا علیه السلام

ص:۱۴۳

به اوج خود می رسد و این فرصتی بسیار ارزشمند برای آستان قدس است که با برنامه ریزی دقیق و مدیریت درست، از آن استفاده کند. یکی از مهتمرین امکانات تبلیغی آستان قدس، نوع معماری و چهره و تزئینات ساختمان حرم است که تولید برای بهره برداری درست از این امکان، چند مهم را باید انجام دهد:

۱_ تبلیغ با استفاده از چهره ظاهری ساختمان حرم

بناها همیشه گویای مذهب و فرهنگ خاصی هستند. معماری اسلامی با معماری یهودیت و مسیحیت، و این سه، با معماری زرتشتیان و بودائیان تفاوت آشکاری دارد. هم چنین هر آئین و مذهبی در عصرهای مختلف، معماری ویژه خود را دارد، مثلاً میان معماری عصر بنی امیه با بنی عباس و عثمانی، یا صفویه با قاجاریه تفاوت روشنی دیده می شود. این تفاوت های آشکار به جهت مؤلفه هایی است که در هر آئین و هر عصری مراعات می شود و بیشتر به سبب برداشتی است که پیروان هر دینی از اعتقادات و فرهنگ دینی خود دارند و می خواهند با آن معماری، تابلو و پرچمی برای دین خود ایجاد کنند تا هر بیننده ای، در هر زمانی، با نگاه به آن معماری و مضامین دینی که در تزئینات و کاشی کاری ها استفاده شده است، به فرهنگ و آئین آنان پی ببرد.

به همین دلیل، در نوع معماری ساختمان و نامگذاری قسمت های مختلف آن و نیز در تزئینات آن، از منابع دینی خود بهره می برند و تا این بنا پا برجاست، پرچمی بزرگ برای آن آئین و فرهنگ خواهد بود.

گفتنی است هر اندازه که متولی امر ساختمان، دانشمندتر و به منابع دینی و اولویت های آن واقف تر باشد، استفاده ای که از منابع دینی در ساختمان می شود، بهتر و بجاتر خواهد بود. به همین سبب در ساختمان هایی که توسط علما ساخته

می شود، از اعتقادات اصیل و روایاتی استفاده می شود که در شأن دین و مذهب باشد، اما در بناهایی که توسط افراد ناآگاه ساخته می شود ـ مانند بناهایی که در عصر قاجار زیر نظر روضه خوانان ساخته شد ـ به امور سطحی پرداخته می شود. مقایسه ساختمان مدرسه چهارباغ اصفهان با خانقاه دراویش در خیابان بهشت تهران و مدرسه قنبرعلی خان تهران برای اثبات ادعا کافی است.

اگر آستان قدس رضوی علیه السلام می خواهد از این مهم به درستی استفاده کند تا هر زائری با ورود به بخش های مختلف حرم، با عقاید و فرهنگ اسلامی از جمله فرهنگ انتظار آشنا شود و در واقع، ساختمان حرم، معرف و زبان معارف اسلام، باشد باید همه ساخت و سازها را تحت نظارت مدیرتی واحد و متمرکز و عالِم قرار دهد که در امور مختلف معماری، هنری و دینی، مشاورینی قوی داشته باشد تا بتواند در همه مراحل ساخت و ساز، نامگذاری اماکن مختلف حرم و نیز استفاده ای که از مضامین دینی در کاشی کاری ها و تزئینات می شود، همه جوانب فرهنگ اسلامی را با رعایت اولویت ها و اهمیت ها مد نظر قرار دهد. مثلاً صحن ها و مکان های مهم تر را به مسائل اصلی شیعه مانند غدیر، عاشورا و مهدویت اختصاص دهد و مسائل فرعی را به مکان های فرعی واگذارد. اما آنچه که اکنون در بناهای حرم مشاهده می شود، نشان از بی دقتی و درهم ریختگی و آشفتگی مدیریتی دارد که در شأن چنین بنای با عظمتی نیست.

زائر آستان با نگاه به اسامی صحن ها و رواق ها و مضامین دینی استفاده شده، نمی تواند به مسائل اصیل اسلام پی ببرد، بلکه متوجه بی دقتی می شود و دیگر توجهی به مضامین نمی کند. مثلاً از میان چند صحن معدودی که آستان قدس دارد، سه صحن آن به نام های مشابه «جمهوری اسلامی»، «انقلاب» و «آزادی» اختصاص داده شده است، که هر چند تبلیغ نظام اسلامی ضروری است ـ زیرا در دنیای کنونی، تنها پرچم برافراشته شیعه و عدالت خواهی می باشد ـ اما نامگذاری

یکی از صحن ها به این مضمون کافی بود و می شد که بقیه صحن ها را به نام های دیگری، مانند غدیر، عاشورا و مهدویت اختصاص داد که خود، ریشه تشکیل جمهوری اسلامی هستند.

چقدر زیبا و ماندگار و مؤثر بود اگر یکی از صحن ها را به مهدویت اختصاص می دادند و از نامگذاری صحن و ورودی های آن گرفته تا تزئین و کاشی کاری ها، تنها از عناوین و احادیثی که مربوط به امام زمان علیه السلام و مهدویت هستند، استفاده می کردند؛ احادیث مربوط به نام، ولادت و اوصاف آن حضرت، نشانه های ظهور و احوال آخرالزمان، ارزش و فضیلت انتظار و منتظران و موضوعاتی از این قبیل، تا زائری که وارد آن صحن می شود و در آن قدم می زند، هنگام خروج، اطلاعات جامعی درباره مهدویت پیدا کند. در واقع، آن صحن می توانست کتابی بزرگ باشد که در یک زمان، افراد بسیاری مشغول مطالعه آن هستند.

تنها در این صورت است که مضامین استفاده شده، ارزش واقعی خود را پیدا می کنند، وگرنه جز زیبایی و تزئین، کاربردی نخواهند داشت. در نامگذاری سایر بخش های حرم هم، آشفتگی و عدم رعایت اولویت کاملاً مشهود است. آیا نام و عنوانی مهم تر از «دارالتلاوه» و «دارالزهد» وجود ندارد؟ در نامگذاری بست ها هم تنها نام علمایی آمده است که یا خراسانی هستند و یا در خراسان به خاک سپرده شده اند؛ اما آیا اولویتی مهم تر از آن یافت نمی شد؟

۲_ ایجاد تالارهای ویژه

یکی از کارهایی که اگر در ساختمان حرم لحاظ شود، بسیار مؤثر واقع خواهد شد، احداث تالارهای ویژه است؛ مثلاً برای یادمان جلسات مناظره عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امام رضا علیه السلام با بزرگان ادیان و مذاهب گوناگون، تالاری ساخته شود تا با تأسی به ایشان، در آن مکان درباره مسائل مختلف، از جمله مسأله مهدویت و انتظار، مناظره و بحث های آزاد صورت گیرد. در چنین تالاری، باید همه شرایط

مناظرات امام رضا علیه السلام نیز کاملاً- مراعات شود؛ مثلا- اینکه بحث میان نفرات اول یا برترین های هر آئین و مذهبی برگزار می شود،(۱) طرف های بحث، از شرایط مساوی برخوردار باشند و با آزادی کامل به دفاع از عقاید خود بپردازند. هم چنین باید مانند آن دوران، اطلاع رسانی کافی صورت گیرد و امکان حضور اقشار مختلف مردم در جلسه مناظره فراهم شود و مناظرات، از شبکه های مختلف به صورت زنده پخش شود و در روزنامه و مجلات، مخصوصاً نشریات حرم، انعکاس یابد.

این هنر آستان قدس است که با فراهم کردن شرایط، از بزرگان آئین ها و مکاتب دعوت به عمل آورد و هیچ ملاحظه سیاسی و غیر سیاسی را در بحث ها دخالت ندهد. کاملاً پیداست که اگر مناظرات با همان اوصاف برگزار گردد، طولی نمی کشد که شهرت و سر و صدای این جلسات به سراسر دنیا می رسد. در این صورت، چهره واقعی اسلام و مذهب تشیع _ که ارزش والایی برای دانش و تحقیق قائل است(۲) _ رخ می نماید و چهره مخدوش آن که توسط دشمنان و جاهلان ترسیم شده است از بین می رود و تمایزی کامل با مذاهب منحرف _ که به نام اسلام، چهره آن را خراب کرد ه اند _ پیدا می کند. در این صورت، دیگر تبلیغات منفی دشمنان، اثری در چهره پر فروغ تشیع ایجاد نخواهد کرد. همچنین با گسترش این نوع مباحث است که در ذهن مردم و جوانان سؤال و پرسش، ایجاد می شود و باعث کنجکاوی و رشد استعدادها و تعمیق باورهای آنان می گردد؛ چون در سایه ذهن فعال و پرسشگر است که انسان، فعال می شود و به دنبال واکاوی منابع دینی می رود، وگرنه ذهن خمود و خاموش، جز تن پروری نتیجه ای به دنبال نخواهد داشت.

هم چنین مناسب است که تالاری هم برای جلسات شعر و مشاعره ساخته شود

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۳۱۳.

۲- رک: اصول کافی، ج ۱، باب فضل العلم.

تا یاد جلساتی که حضرت امام رضا علیه السلام با شاعران داشتند زنده گردد؛ جلساتی که شاعرانی چون دعبل خزاعی اشعار خود را برای حضرت می خواندند(۱) و مورد تشویق ایشان واقع می شدند. تشکیل این جلسات در حرم، هم یادمانی از جلسات حضرت امام رضا علیه السلام است و هم در رشد و شکوفایی ادبیات و شعر آئینی و دینی تأثیر بسزایی دارد؛ مخصوصاً اگر مدیریت عاقل و کاردانی جلسات را مدیریت کند و در گروه های مختلف سنی و تحصیلاتی، جلسات شعر برگزار کند و در ایام خاص، مانند محرم، و ایام ولادت و شهادت ائمه علیهم السلام اشعار مناسبتی خوانده شود و در روزهای جمعه و ایام شعبان جلسات را به مهدویت و انتظار اختصاص دهند و امکان پخش جلسات از شبکه ها، مخصوصاً شبکه مخصوص حرم فراهم شود و در نشریات آستان قدس نیز بازتاب پیدا کند و قبل از جلسات، اطلاع رسانی کافی صورت بگیرد. در این صورت می توان امیدوار بود که شاعران و ادیبان زیادی به سمت مسائل دینی، خصوصاً مسأله مهدویت و انتظار روی آورند و از این طریق نیز ــ که بسیار مؤثر و کارساز است ــ مسأله مهدویت ترویج پیدا کند. چرا که یکی از مهم ترین خواسته های هر ادیب و شاعری، امکان نشر و پخش آثارش می باشد که با این روش، نتیجه از قبل کاملاً معلوم و مشخص می باشد.

۳ــ ایجاد محیط نشاط آور و روح بخش در حرم

برای هر فعالیت فرهنگی یا اقتصادی ایجاد محیط مناسب از مهم ترین شرایط موفقیت می باشد که ساختمان و نوع معماری و نحوه شکل ظاهری و رنگ آمیزی آن در رسیدن به هدف مورد نظر کمک کند. امروزه این مقوله در شرکت های بزرگ فرهنگی و اقتصادی کاملاً مراعات می شود؛ مثلاً غذاخوری های زنجیره ای «مک دونالد» ــ که هدفی جز جذب مشتری ندارد و در بسیاری از کشورها

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۶۴۹.

شعبه هایی را احداث کرده است ــ در رنگ آمیزی سالن، از ترکیب دو رنگ قرمز و نارنجی استفاده می کند که اولاً بسیار جذاب است و هر رهگذری را به سمت خود می کشاند و ثانیاً پس از دقایقی خسته کننده می شود و مشتری را مجبور می کند که زود بیرون رفته و جای خود را به دیگری بدهد.

آستان قدس رضوی علیه السلام هم نباید از این مقوله غافل باشد؛ بلکه باید ساخت و سازها را در جهت اهداف عالی خود قرار دهد. یکی از مهم ترین مقوله ها در مسائل معنوی، احساس آرامش در محیطی است که قرار است کاری دینی و معنوی در آن انجام گیرد و درست به همین دلیل است که آستان قدس در بند سوم از بخش «اماکنِ» چشم انداز بیست ساله خود، ایجاد فضایی آرامش بخش و سرشار از معنویت و روحانیت را در دستور کار خود قرار داده است.(۱) اما آیا واقعاً ساخت و سازهای آستان در این جهت قرار دارد؟

امروز، انسان خسته از ماشین و صنعت، دنبال مکانی می گردد که طبیعت را کاملاًـ در آن حس کند و در واقع به اصالت طبیعی خود باز گردد که اتفاقاً در فرهنگ انتظار و مهدویت هم عنصر بازگشت انسان به اصالت خویش، عنصری بسیار برجسته است؛ مثلاً در دعای عهد، از ظلم و فساد گسترش یافته توسط بشر، شکایت می شود.(۲)

این در حالی است که هیچ اثری از طبیعت در حرم موجود نمی باشد و با آنکه آستان قدس در بند هفتم از بخش «اماکن» چشم انداز بیست ساله خود تأکید کرده است که باید «حافظ میراث فرهنگی، هنری و معماری اصیل ایرانی اسلامی باشد»(۳) و از سویی، حضور طبیعت در معماری ایرانی ــ اسلامی کاملاً مشهود و

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، به نشانی www. agrazavi. org .

۲- مفاتیح الجنان، ص ۹۴۳؛ المصباح، ص ۷۳۰.

۳- پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، به نشانی www. agrazavi. org .

هویدا است و در این معماری، صحن ها به صورت چهارباغ ساخته می شوند و صحنی بدون درخت یافت نمی شود، اما صحن های آستان از حضور درخت، محروم است و اگر هم سابقاً در صحن انقلاب آبی جاری بوده و درختانی کاشته شده بودند، امروزه خبری از آنها نیست.

واقعاً چه ضرورتی دارد که همه اطراف حرم ساخت و ساز شود و به صورت صحن درآید؟ آیا نمی شد در کنار صحن های موجود، اطراف حرم را به صورت فضای آزاد درست می کردند و دور آن را درخت چنار می کاشتند یا فضای باز را با کاشت درخت به صورت صحن در می آوردند که در آن صورت، یک هزارم هزینه فعلی را هم صرف نمی کردند؟ درحالی که صحن های جدید، هزینه های بسیاری را ــ از هزینه میله های آهنی و بتون کاری گرفته تا تزئین و کاشی کاری ــ داشته است و در عین حال، زیبایی بناهای سابق را هم ندارد. آیا شکوه ساختمان، این اندازه مهم است که در چشم انداز نیز در بند اول قرار گرفته است؟(۱) آیا شکوه ساختمان به این است که اثری از طبیعت در آن نباشد و کارهای زیبای کم خرج، جای خود را به کارهای نازیبا و پرخرج دهند؟ آیا ساختن مناره های متعدد بی فایده پر خرج، از شکوه ساختمان محسوب می شود؟!

موزه

از آنجا که موزه ها در بردارنده اشیای ارزشمند و آثار باستانی و ماندگار هستند، یکی از ضمانت های بقای تمدن ها و فرهنگ ها محسوب می شوند و امروزه در کشورهای مهم، سرمایه گذاری فراوانی برای آنها می شود؛ به گونه ای که با صرف هزینه های بسیار، نفایس همه کشورها و فرهنگ ها را به موزه های خود جذب می کنند تا در مدتی کوتاه، به یکی از پر درآمدترین محل های توریستی تبدیل

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، به نشانی www.agrazavi.org .

شوند. آنان در کار خود آن چنان جدی هستند و پشتکار دارند که موزه های آنها از مهم ترین مراکز تحقیق درباره هر کشور و فرهنگی محسوب می شود و هیچ محققی در هیچ کشوری از مراجعه به آنها بی نیاز نیست و بسیاری از گردشگران می گویند برای بازدید از تخت جمشید باید به موزه فرانسه رفت!

در یک گزارش از موزه «لوور» فرانسه آمده است: «تعداد بازدید کنندگان لوور از هر مکان توریستی بیشتر است. سال گذشته، از این موزه که ۳۵۰۰۰ قطعه هنری را در مساحتی بالغ بر ۵۶۰۰ متر جای داده است، بالغ بر سه میلیون نفر، یعنی بیش از جمعیت سوئیس و دانمارک، بازدید کردند. این موزه آنچنان گسترده است که می تواند کشوری محسوب شود».(۱) درباره موزه «علوم» لندن نیز چنین گزارش شده است: «در لندن چندین موزه قرار دارد که موزه علوم آن از همه جذاب تر است؛ بلکه جذاب ترین مرکز نمایشگاهی و علوم و فناوری در سراسر جهان محسوب می شود. این نمایشگاه بزرگ، از یک نمایشگاه ساده شروع شد و باعث شد که چندین موزه هم در کنار آن احداث شود. در این مرکز، بیش از ۳۰ گالری وجود دارد که در آن، طیف وسیع و هیجان انگیزی از علوم، مانند انرژی، اکتشافات فضایی، روان شناسی، اندازه گیری زمان، کشتیرانی، آنتن و ... در چهار گروه علوم پزشکی، فناوری اطلاعات، ارتباطات و مهندسی نمایش داده می شود. در این مجموعه بالغ بر ۱۲ هزار وسیله متنوع از عصر سنگی تا به امروز موجود است و ابداعات و اکتشافات تمام کشورها و سرزمین ها ـ از تولید آتش به روش خاص اسکیموهای آمریکای شمالی گرفته تا ابزارآلات عجیب و غریب اروپای شرقی و ژاپن ـ را در خود جای داده است. می باشد همچنین زندگی در عصر ۲۰۵۰ و مسافرت های فضایی در گالری آینده نمایش داده می شود و از

۱- سایت تابناک، به نشانی www.tabnak.ir .

بازدیدکنندگان می خواهند که درباره فناوری هایی که فکر می کنند در آینده تولید می شود صحبت کنند».(۱)

با توجه به ارزش بالای موزه است که آستان قدس در بند چهارم از بخش «فرهنگی» چشم انداز بیست ساله خود تأکید می کند که غنی ترین و فعال ترین موزه را میان موزه ها و گنجینه های اسناد و نفایس، در منطقه و جهان اسلام ایجاد خواهد کرد؛ اما موزه آستان قدس، تا کنون در میان موزه های برتر و مطرح دنیا قرار نگرفته است. این در حالی است که آستان قدس رضوی می تواند به واسطه موزه نیز فرهنگ تشیع و از جمله، فرهنگ انتظار و مهدویت را گسترش دهد.

اما باید نکاتی را مدنظر قرار دهد. یکی از آن نکات، این است که با گسترده تر کردن موزه، به فکر کسب درآمد نباشد و برای بازدید عموم و نمایش در شبکه های تلویزیونی مانع ایجاد نکند. همچنین می بایست همه توان و نفوذ خود را برای جذب آثار و نفایس بر اساس اولویت ها و اهمیت ها به کار بندد و اولویت اصلی خود را آثار ارزشمند اسلامی قرار دهد که برای اثبات عقاید شیعه ضروری هستند؛ چرا که دیدن یک چیز، بسیار مؤثرتر از شنیدن آن است. مثلاً برای اثبات تواتر حدیث غدیر، ممکن است چندین سخنرانی انجام شود، اما هیچ کدام اثری را که با دیدن نسخه خطی جمله معروف امام الحرمین، جوینی، حاصل می شود ندارد. جمله ای که در آن با تعجب گفته بود: «کتابی را در بغداد، نزد صحافی دیدم که روایات غدیر در آن نوشته شده بود: و روی آن نوشته بودند جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث غدیر، و بعد از آن، جلد بیست و نهم بود».(۲)

باید هر یک از عقاید شیعه را در بخشی قرار دهند؛ مثلاً بخشی را به امامت اختصاص دهند و آثار باقی مانده از کاشی کاری ها و نسخ خطی حدیث و اشعار

۱- خبرگزاری ایسنا، به نشانی kermanshah. isna. ir/default. Aspx .

۲- ینابیع الموده، ص ۳۹.

قـدیمی و قطعه هـای ادبی مرتبط با آن را در آن بخش گردآورنـد. و هر چقـدر می تواننـد عناوین را کوچک تر قرار دهنـد تا اثرش در ذهن بازدید کننده ماندگارتر و برای محقق راه گشاتر باشد. در همه بخش ها، اولویت را به آثاری دهند که به دلایل مختلف، مورد بی مهری مخالفین قرار گرفته و سعی شـده است که نابود شونـد؛ مثلاً آثار باسـتانی که در آن نشانه های پیامبر اسـلام و اهل بیت ایشان، مخصوصاً حضـرت امام زمان آمده است باید مورد پیگرد جدید آستان باشد و همین طور نسخ خطی کتاب های تفسـیری و حدیثی که از اهل سـنت به رشـته تحریر در آمده و در ضمن آنها، فضایل و مناقب اهل بیت ذکر شده و برای اثبات امامت و فرهنگ تشیع کاربرد مؤثر دارد، بایـد جمع آوری شود و در دسترس محققین قرار گیرد. به دلیل اهمیت و ارزش این سـندهاست که اهـل سـنت از چـاپ آنهـا خودداری می کننـد و حتی گفته می شود آن احادیث را از کتاب هایشان حذف کرده اند.

از آیت الله علامه امینی نقل شـده است: «در سال ۱۳۱۳ وقتی کتاب شـرح عقایـد چاپ شد، هفت صـفحه از این کتاب حذف گردیـد. از جمله مطالب حذف شده، حدیث معروف نبوی است که حضـرت می فرمایند: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه!»(۱)

بنابراین آسـتان قدس به عنوان حافظ میراث اسـلامی باید با تمام توان از محو شدن آثار نبوی و اسلامی جلوگیری کرده و آنها را در معرض اسـتفاده قرار دهـد. همچنین موزه آسـتان ماننـد سـایر موزه هـای بزرگ می بـایست به فکر ایجـاد نمایشـگاه های موقت در شـهرها و کشورهـای مختلف باشـد و بـا این شـیوه، مجموعه های نفیس فرهنگی خود را _ که در واقع سـند معارف تشیع می باشد _

۱- مبانی امامت، جزوه شماره ۲، ص ۱۵.

شهر به شهر به نمایش در آورد و با این کار، از هر گونه انحراف فکری و تحریف اسناد اسلامی جلوگیر کند.

اگر آستان قدس بخواهد در امر مهدویت، موفقیت کامل را به دست آورد، باید با برنامه ریزی دقیق و در عنوانهای کوچک و اثرگذار، آثار ارزشمند را جمع آوری کرده و در معرض نمایش قرار دهد؛ مثلاً نسخه ها و آثاری دال بر این هستند که امام زمان علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام می باشد یا آثار مرتبط؛ ولادت ایشان، علائم ظهور، فتنه های آخر الزمان، ارزش انتظار و استواری بر عقاید در آخر الزمان، نواب اربعه، نواب عام، وظیفه منتظران در عصر غیبت در مواجهه با حوادث و وقایع و رجوع به فقیه عادل، ارتباط با امام عصر علیه السلام و مسائلی از این قبیل، برای این کار، مناسب هستند. هم چنین می توان درباره راز طول عمر آن حضرت، علاوه بر احادیث اسلامی، از آثار سایر ادیان درباره انبیاء، کشفیات باستان شناسان و زیست شناسان درباره امکان طول عمر انسان و سایر موجودات استفاده کرد.

موزه آستان قدس باید بخشی را به کسانی اختصاص دهد که با سند صحیح و درست، روایت شده که موفق به دیدار حضرت شده اند و آثار ارزشمند آنان و دلایل صدق رؤیت را در آنجا جمع کنند. یا بخشی را به کسانی اختصاص دهند که با ادعای نیابت، باعث انحراف و گمراهی شدند، مانند سران بابیه؛ و هر چه سند درباره دروغگویی، خیانت و وابستگی آنان به اجانب موجود است، در آنجا گرد آورند. و نیز قسمتی را به کسانی اختصاص دهند که با ادعای مهدویت قیام کرده و شکست نخورده اند، مانند بعضی از سادات حسنی علیه السلام . این بخش از آن جهت سودمند است که میزان قوت و قدمت مهدویت را، که حتی پیش از ولادت حضرت امام زمان علیه السلام مطرح بوده، نشان می دهد. تا حدی که با شکست خوردن یک مدعی، مدعی دیگری می توانسته است با این ادعا یار و انصاری جمع کند و پیروزی و شکست خوردن مدعیان، آسیبی به اصل اعتقاد به وجود حضرت

ص:۱۵۴

مهدی علیه السلام و قیام آن حضرت نمی زد.

اگر با این برنامه ریزی و تقسیم بندی، موزه حرم را شکل دهند، بازدیدکنندگان در حالی از موزه خارج می شوند که گویا کتاب های متعدد و سودمندی را مطالعه، و اطلاعات کافی و کاملی را درباره مهدویت کسب کرده اند. این تقسیم بندی را در بقیه معارف، مانند غدیر و عاشورا و شهادت حضرت زهرا علیها السلام هم می توانند انجام دهند؛ اما آنچه اکنون در موزه حرم مشاهده می شود، از سکه هایی که در گوشه ای قرار داده شده تا ماهی آدم نما، نشان از بی دقتی در امر موزه داری است.

نمایشگاه

یکی از اقدام های تبلیغاتی در عصر حاضر، ایجاد نمایشگاه است که با موضوعات مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برگزار می شود و بسته به کیفیت، کمیت و اهمیت نمایشگاه، بازدیدکنندگان را به خود جذب می کند. بعضی از نمایشگاه ها به سبب تنوع محصول و حضور مستمر بازدیدکنندگان به صورت دائمی برگزار می گردند؛ اما برخی دیگر به صورت موقت برگزار می شوند و هر نوعی هدفی را دنبال می کند. نمایشگاه آنقدر اثر دارد که برای حضور در آن، مبالغ کلانی توسط شرکت ها و ارگان های فرهنگی و اقتصادی صرف می شود. بنابراین آستان قدس رضوی هم باید برای استفاده از این ابزار تبلیغی در عرصه های دینی از جمله فرهنگ انتظار و مهدویت برنامه ریزی نماید.

آستان قدس می بایست همه توان و امکانات خود را برای گسترش و کارآمدتر کردن نمایشگاه به کار ببرد و مانند برخی از نمایشگاه ها تنها به نمایش چند کتاب و سی دی سخنرانی و فروش آنها اکتفا نکند؛ چراکه اساساً نمایشگاه برای فروش محصولات نیست، آنگونه که در برخی از نمایشگاه های ایران مرسوم است؛ بلکه تنها جنبه معرفی و تبلیغ محصول، مد نظر می باشد.

آستان قدس به علت رفت و آمد مستمرّ زائران می تواند در شهر مشهد

ص:۱۵۵

نمایشـگاه دائمی برگزار کنـد و هم در کشورهـا و شـهرهای مختلف نمایشـگاه های موقتی برپا نمایـد. و بایـد برای برپایی این نمایشـگاه ها در موضوعات مختلف برنامه ریزی کند و از فرصت های به دست آمده استفاده برد. مثلاً هنگامی که پاپ، اسلام را متهم به خشونت کرد و یا در کشورهای غربی با کشیدن کاریکاتور، به پیامبر اسلام توهین شد، آستان قدس می توانست در همان شـهری که پاپ سـخنرانی کرد و در کشورهایی که آن کاریکاتورها منتشـر شـد، نمایشـگاهی برپا کنـد و با جمع آوری اسـناد معتبری که در موزه خود دارد و با امانت گرفتن اسـنادی که در سایر ارگان ها و موزه هاست و نمایش دادن اسناد انسان دوستی حضـرت رسول خدا صـلی الله علیه و آله در هنگام جنگ و صلح، منع کردن ایشان از کشتن ناتوانان و کودکان و زنان در جنگ ها، جلوگیری از آسـیب رساندن به حیوانات و مزارع، آغازگر نبودن در جنگ ها، انعقاد پیمان های صـلح با کفار و اهل کتاب باقی جلوه های محبت در سـیره ایشان و سایر اهل بیت علیهم السـلام، پاسـخ روشن و دنـدان شـکنی به آنها بدهـد. کسـانی که از حرف هـا و کاریکاتورهای موهن متأثر شـده بودنـد نیز با دیـدن این اسـناد، می توانسـتند درباره طرفین قضاوت کنند.

یا در همین مورد اخیر، که آن گسـتاخ آمریکایی، قرآن مجید را به اتهام خشونت گرا بودن به آتش کشـید، نظیر این کار باید در شهرها و کشورهای مختلف انجام می شد.

در زمینه مهـدویت نیز در شـهرها و کشورهـای مختلف، در ایام مربوط به حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف مانند جمعه ها و ایام شـعبان می توان نمایشـگاه هایی ترتیب داد و یا هنگامی که در شـهر یا کشوری شبهات مؤثری مطرح می شود، در همـان زمینـه، برپـایی نمایشـگاه بسـیار مـؤثر خواهـد بـود و همـه اثرات منفی شـبهات را از بین خواهـد برد. مهم ترین رکن موفقیت، برنامه ریزی و استفاده از همه توان و در نظر گرفتن جوانب مسائلی است که درباره آن نمایشگاه برپا شده است.

ص:۱۵۶

پیـدا کردن محصولات نمایشـگاهی در همه بخش ها و موضوعات مربوط به مهـدویت یا هر موضوعی مانند شـهادت حضـرت زهرا علیهـا السـلام یا غـدیر، راحت تر از پیـدا کردن اقلام موزه ای است؛ زیرا اقلام موزه ای را می توان در نمایشـگاه اسـتفاده کرد ـ همـان طور که موزه های مختلف دنیا، نمایشـگاه هایی هم در کشورها و شـهرهای مختلف برگزار می کننـد ـ اما همه محصولات نمایشگاهی در موزه کاربرد ندارد.

انتشارات

آسـتان قـدس رضوی، تولیت چنـدین انتشارات را بر عهـده دارد که از جمله آنها «نشـر به نشـر» و «انتشارات بنیاد پژوهش های آسـتان قـدس» است که برخی از آنهـا، مخصوصاً انتشارات بنیاد، بسـیار موفق بوده، و توانسـته انـد بسـیاری از کتب مرجع را به صورت روشمند و درست، تصحیح و تحقیق کرده و به چاپ برسانند؛ اما این تلاش ها نمی تواند در حد و اندازه چشم اندازی باشـد که آسـتان قـدس در امور فرهنگی ترسـیم، و در بنـد دوم آن تأکیـد کرده است که باید جایگاه والایی در رشد و تعمیق باورهای اعتقادی و اخلاقی و پاسخگویی به سؤالات امت اسلامی کسب کند.(۱)

بررسـی سـاده کتـاب هـای انتشـار یـافته توسط آسـتان، عـدم اختصاص وقت کافی برای کتاب ها و عـدم رعایت اولویت ها را گواهی می دهد که ناشی از نبود مدیریت آگاه به اولویت ها است. هر چند آستان قدس در چشم انداز بیست ساله خود تأکید می کنـد که در تعمیـق باورهـای اعتقـادی جایگـاه برتری خواهـد یـافت، امـا بودجه محـدود خود را صـرف موارد بی ربـط به اعتقادات می کند. برای اثبات این ادعا کافی است سـری به فروشـگاه انتشارات آسـتان بزنیم. نشر کتاب های مختلف در زمینه های گوناگون، از برخی از انتشارات آستان قدس تعجب آور نیست؛ آنچه

۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس رضوی، به نشانی www. Agrazavi. Org .

باعث حیرت است کتاب هایی است که توسط بنیاد پژوهش های آستان نشر یافته است، در حالی که در اساسنامه آن آمده است: «محور اصلی فعالیت های بنیاد عبارت است از توسعه فرهنگ اسلامی در جهت عمق بخشیدن به باورهای دینی و گسترش معارف شیعی، نشر علوم اسلامی و معارف حقه جعفری در پرتو پژوهش های بنیادی، احیاء و نشر ذخایر و نفایس علمی _ اسلامی و ارتقای سطح علمی نیروهای پژوهشی در حوزه علوم اسلامی».(۱) مثلاً در کتابنامه ای که در سال حاضر، توسط بنیاد، منتشر، و در آن، همه کتاب های نشر یافته بنیاد، معرفی شده است، چندین کتاب در حوزه علوم ریاضی، طبیعی و تکنولوژی به چشم می خورد.(۲)

همچنین کتاب های متعددی درباره تاریخ و جغرافیای بعضی از شهرها به چاپ رسیده است که ربطی به مسائل اسلامی ندارد. مانند کتاب «افغانستان و ایران»، «تاریخ آسیای مرکزی»، «تاریخ آفریقای مرکزی» و کتاب هایی از این دست که در کتابنامه مذکور ذکر شده اند.(۳)

یکی دیگر از عیوبی که انتشارات بنیاد دچار آن شده است و گویا آن را اولویتی برای کارهای خود قرار داده است، پرداختن به فرهنگ و تاریخ و جغرافیای شهرهای استان خراسان می باشد، هر چند که ربطی به مسائل اسلامی نداشته باشند و کمکی به محقق علوم اسلامی محسوب نشوند. مانند کتاب «از جیحون تا وخش» و «جغرافیای شهرستان قاینات».(۴)

در حالی که اولاً اینگونه فعالیت ها با اساسنامه بنیاد _ که صرفاً مسائل اسلامی را سر لوحه کار خود قرارداده است _ منافات دارد. از آستان قدس انتظار نمی رود

۱- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۳.

۲- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۲۰.

۳- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۸۲.

۴- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۸۲.

که در این مسائل فعالیت داشته باشد، زیرا امکانات آستان قدس محدود، و نیازهای اساسی معارف اصیل تشیع، مانند غدیر و مهدویت و فرهنگ انتظار بسیار زیاد است، اما از این مرکز اسلامی، اولویت دادن به مسائل و معارف اسلامی، مورد انتظار و توقع است.

و ثالثاً: مراکز بسیاری در کشور هستند که درباره ریاضی و علوم تجربی و تاریخ و جغرافیای شهرها تحقیق کرده و کتاب نشر می دهند و برخی از آنها مانند انتشارات دانشگاه تهران و بقیه دانشگاه ها بودجه خوبی هم در اختیار دارند و به جهت آنکه در آن مراکز از افراد متخصص و برتر همان رشته ها استفاده می شود، بیشتر از کتاب های آستان مورد استقبال واقع می شوند. به علاوه آنکه باید گفت آستان قدس متعلق به همه جهان تشیع است، نه کشور و منطقه ای خاص؛ از این رو نباید توان خود را صرف امور منطقه ای بکند، بلکه باید اساس معارف اسلامی مانند مهدویت و مصلحت جهان تشیع و مشکلات اساسی آن را محور فعالیت های خود قرار دهد.

درباره فعالیت های انتشارات آستان، مخصوصاً انتشارات بنیاد پژوهش ها در زمینه معارف اسلامی، نکاتی به نظر می رسد که رعایت آنها برای موفقیت و بهره وری بهتر از امکانات بسیار ضروری می باشد که ظاهراً مورد غفلت واقع شده است. یکی از آن نکات، رعایت اولویت در نشر آثار اسلامی است که باید رتبه اول به مسائل اساسی و تأثیرگذار در معارف شیعه، مانند غدیر، عاشورا، شهادت حضرت زهرا علیها السلام و فرهنگ انتظار و مهدویت اختصاص یابد؛ در حالی که این مهم به هیچ وجه مراعات نشده است مثلاً از میان ۵۵ کتاب نشر یافته در بخش حدیث، تنها یک کتاب به موضوع مهدویت اختصاص یافته است در حالی که کتاب های سطحی مانند «پرتویی از آفتاب» و «هفتصد نکته از نهج البلاغه» و «هشتاد و هشت کلام از هشتمین امام» در این بخش به چاپ رسیده و مسائل مهم و

اساسی دیگر مانند عاشورا کاملاً مغفول مانده است.(۱) از میان ۱۱۱ کتاب چاپ شده در بخش سرگذشت و سیره معصومین علیهم السلام تنها پنج کتاب به مسائل مهدویت اختصاص یافته که سه مورد از آنها، یعنی «الامام المهدی فی القرآن و السنه و بشائر الامام المنتظر فی الکتاب والسنه والاثر» و «مهدی موعود» در موضوع واحدی می باشند و باز مسأله مهم عاشورا در این بخش کاملاً از یاد رفته است در حالی که در این بخش نیز کتاب های سطحی و فرعی، فراوان دیده می شود؛ مانند کتاب «خلاصه ای از زندگانی پیشوایان اسلام» و «جلوه های تقوا» و «از علی آموز اخلاص عمل» و کتاب هایی از این دست که در کتابنامه بنیاد معرفی شد ه اند.(۲)

نکته دیگر در آثار منتشره آستان قدس ــ که عیب کار تحقیقی محسوب می شود ــ کلی بودن عناوین و محورهاست. این ایراد مربوط به کتاب های بنیاد پژوهش ها می باشد که عهده دار کارهای تحقیقی است، وگرنه باقی انتشارات، اگر چنین آثاری چاپ کنند چندان ایرادی به آنها وارد نیست؛ زیرا مخاطب آنان، عوام مردم هستند نه خواص.

امروزه کارهای تحقیقی ارزشمند، آثاری است که درباره جزئی ترین موضوعات نوشته شده باشد وگرنه بسیار سطحی از آب در خواهد آمد. جزئی کردن موضوعات ــ که بیشتر در آثار مغرب زمین دیده می شود ــ در برخی از آثار بنیاد هم موجود است که یکی از آنها کتاب «اندیشه های کلامی علامه حلی» است که که نوشته خانم «اشمیتکه» از محققین غربی می باشد.(۳) اما بیشتر آثار در موضوعات کلی منتشر شده است.

ص:۱۶۰

۱- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص۳۸.

۲- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص۵۳.

۳- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۶۰.

بنیاد برای برطرف کردن این نقیصه، باید عناوین محوری خود را جزئی تر نماید، عناوینی مانند علوم قرآن و حدیث، سیره معصومین، فقه(۱) و مانند آن ها.

این نقیصه در کتاب هایی که توسط بنیاد و درباره مهدویت منتشر شده نیز موجود است که سه نمونه از آن، ذکر شد؛ تنها کتاب «نشانی از امام غائب» است که به موضوعی جزئی اختصاص یافته و درباره پرسش و پاسخ از حضرت امام زمان علیه السلام است. پس باید این قبیل آثار افزایش یابد و هزینه محدود بنیاد صرف آثار سطحی نگردد و آن آثار را به انتشارات های دیگر آستان قدس و سایر مؤسسات واگذارند تا این بنیاد بتواند به جایگاه مطلوب میان محققان داخلی و خارجی نائل شود و رسالت خود را به خوبی انجام دهد. این همه منوط به مدیریت بخش فرهنگی و انتشارات آستان قدس می باشد که برای هر کدام از انتشارات، مسئولیتی را معین کند.

آستان باید در بخش هایی مانند کودک و نوجوان نیز چنین تفکیک مسئولیتی را انجام دهد و آثار تحقیقی که توسط محققین آن رشته ها نگارش یافته، در انتشارات مخصوص آثار تحقیقی، و آثار عام در انتشارات مخصوص به آن نشر یابد.

یکی دیگر از نکاتی که باید در آثار تحقیقی آستان قدس و بنیاد پژوهش های آستان مراعات شود، انجام تحقیقات به صورت گروهی می باشد. کار گروهی بسیار سودمندتر از کارهای فردی است. در این نوع تحقیقات است که از کارهای موازی جلوگیری می شود، آثار جامع تر و کامل تری عرضه می گردد، همه جوانب مسأله، واکاوی می شود و خلاقیت ها و استعدادهای فردی محققان به سمت و سوی از پیش تعیین شده، سوق می یابد: مثلاً آستان قدس می تواند با دعوت از محققین رشته های مختلف علوم اسلامی و طبیعی، اثری ماندگار در

ص:۱۶۱

۱- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۱۱.

زمینه مهدویت منتشر کند و در هر موضوعی از آن، همه جوانب مسأله را بررسی کند.

مثلاًـ درباره سن طولانی حضرت، احادیث توسط حدیث شناس بررسی شود، متخصصین، نظر ادیان مختلف را در این باره جستجو کنند، دانشمندان علم زیست شناسی با تحقیقات خود در این باره نظر بدهند، متخصصین تغذیه تأثیر رژیم های غذایی را در افزایش سن انسان بررسی کرده و نتیجه را به گروه ابلاغ کنند و همین طور، هر دانشی که تأثیری در مسأله دارد، توسط دانشمندان آن رشته بررسی شود و این الگو را باید در بقیه مباحث تحقیقی نیز رعایت کنند.

آستان قدس رضوی در صورتی می تواند در این امر موفق باشد و از دانش دانشمندان مختلف بهره برد که سعه صدر خود را افزایش دهد و هیچ ملاحظه سیاسی و غیرسیاسی را در کارهای علمی و دعوت از دانشمندان دخیل نکند.

البته آثار حاصل از کار گروهی میان کتاب های بنیاد یافت می شود و هر چند گستره گروهشان محدودتر از آنچه گفته شد، می باشد، اما همین اندازه هم در خور تقدیر است و اتفاقاً همین آثار در برخی از دوره های انتخاب کتاب سال، اثر برگزیده شناخته شده اند.(۱)

یکی از محورهایی که بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، در آن فعالیت دارد و در اساسنامه بنیاد به آن تصریح شده است، احیا و نشر ذخایر علمی و اسلامی می باشد. آستان قدس هر چند در احیا و تصحیح کتب قدیمی و نسخ خطی موفق بوده است، اما برای موفقیت بیشتر باید برنامه ریزی درستی برای فعالیت های خود داشته باشد و با بررسی موضوعات مختلف، مسائل اصلی و مهم، مانند مهدویت و انتظار را در اولویت قرار دهد.

۱- رک: کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص۶و۷.

یکی از اولویت های دیگر بنیاد بایـد به آثاری اختصاص یابـد که اهل سـنت در شأن اهل بیت علیهم السـلام و حضـرت مهدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف نوشـته انـد یا فضائلی از آنان را بازگو کرده انـد و امروزه مورد بی مهری اهل سـنت واقع شـده است. همچنین با همکاری سایر بخش های آسـتان قـدس، از جمله موزه و کتابخانه، آثار نفیس را در اختیار محققان خود قرار دهـد یـا از نفوذ و اعتبـار خود اسـتفاده کرده و آثار ارزشـمند و اصـلی را از مراکز نگهـداری اسـناد و موزه ها و کتابخانه ها به امانت گرفته و در اختیار گروه های تحقیقی بگذارد؛ وگرنه دسترسـی به نسخ خطی بسیار هزینه بردار است و صاحبان آنها هم به راحتی آثار و اسناد باارزش خود را در اختیار هر کسی قرار نمی دهند.

کتابخانه

یکی از امکانات مهمی که آسـتان قـدس دارد و بایـد از آن در ترویـج مهـدویت و فرهنگ انتظار اسـتفاده کند، کتابخانه های متعددی است که تحت اشـراف آسـتان قدس رضوی اداره می شود؛ اما اگر بخواهد به موفقیت خوبی دست یابد باید کتابخانه هـایی تخصصـی در موضوعـات جزئی، ماننـد مهـدویت و انتظـار، تأسـیس کنـد و همه آثـار منتشـره دربـاره آن را اعم از آثار تحقیقی و غیرتحقیقی گرد آورد و در حـد تـوان، در شـهرهایی که در معرض انحراف یـا شـبهات قرار دارنـد، کتابخـانه هـایی تخصصـی مرتبط با مسأله مورد مناقشه تأسـیس کنـد. همچنین می بایست کتابخانه را به کتاب هایی با زبان های مختلف مجهز کنـد، مخصوصاً کتابخانه های موجود در محوطه حرم بایـد به زبانهای زائرین، ماننـد عربی، اردو، ترکی و ... مجهز باشـد تا با گسترش فضـای آنهـا و ایجاد بخش های مختلف در گروه های گوناگون سـنی و علمی، مراجعین بیشتری را جـذب کننـد. هم چنین از روش هـای محدودکننـده، ماننـد عضوگیری و قراردادن اوقـاتی خـاص برای کتابخـانه پرهیز کننـد؛ چراکه حرم مطهر رضوی علیه السـلام در همه ساعـات شـبانه روز، زائران بی شـماری را پـذیرا می باشـد و به بهـانه حفظ کتب نبایـد زائران را از مطالعه کتاب محروم کرد؛ بلکه باید برای

ص:۱۶۳

حفاظت از کتب کتابخانه، روش های دیگری را جایگزین کنند.

نشریات

امروزه یکی از اثرگـذارترین رسانه ها، رسانه های نوشـتاری می باشـند که به صورت روزنامه، هفته نامه، فصل نامه، سال نامه، گاهنـامه و مجلاـت مناسـبتی منتشـر می شونـد، تـأثیر این نوع رسـانه هـا آنقـدر زیـاد است که همه احزاب و گروه های موفق، مخصوصاً گروه های سیاسی در مواقع مختلف، به ویژه هنگام انتخابات، از آن بهره می گیرند.

یـک روزنـامه معروف و پرتیراژ می توانـد بـاعث عزل وزیر یـا یکی از مسـئولان شـود و حـتی زمینـه را برای تغییر دولت هـا و حکومت ها فراهم آورد و یا مخالفان حکومت ها را در نظر مردم منفور کند و زمینه موفقیت حکومت ها را ایجاد کند.

آستان قدس رضوی هم از این رسانه اثرگذار برخوردار بوده و تولیت، چندین روزنامه و مجله را به عهده دارد. از این رو، باید از این ابزار برای تبلیغ و ترویـج امـور دینی از جمله مهـدویت اسـتفاده کنـد. امـا برای مـوفقیت در این امر، رعـایت چنـد نکته ضروری به نظر می رسد.

یکی آنکه نشـریه ای در کار تبلیغی موفق است که محبوبیت کافی میان مردم را داشـته باشـد و حـداقل به تناسب هزینه ای که صرف آن می شود بتواند مخاطب جلب کند. چند مسـئله در جلب اعتماد مخاطب بسـیار مؤثر است؛ از جمله رعایت عفت قلم در همه زمینه هـا، مخصوصاً انتقاد از مخالفان و اعتراض به آنها که از لغزشـگاه های قلم محسوب می شود. دیگر اینکه از دفاع بی دلیل از کسـی یا گروهی یا دولتی خودداری کنـد و در مواردی که انتقاد وارد است، پیش قـدم باشـد. همچنین بدون دلیل هم انتقاد و اعتراض ننماید و در اعتراض به اشخاص حقیقی و حقوقی هم تنها جانب حق را لحاظ کند و ملاحظه های گروهی و حزبی و غیره را دخیل نکند. در خبررسانی کاملاً صادق باشد و از نوشتن اخبار دروغ بپرهیزد و

ص:۱۶۴

در مواجهه با دولت ها و حکومت ها جانب مردم را لحاظ کند و برای گرفتن حق مردم از حکومت ها تلاش نماید.

اگر نشریه های آستان قدس همین موارد را رعایت کنند، نیازی به روش های جذب مخاطب نیست _ چنانکه که در برخی از روزنامه ها مرسوم است و برخی از آنها خلاف شرع هم می باشد _ چون نشریات آستان قدس به سبب انتسابی که به بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام دارند از زمینه مساعدی برخوردار هستند و مخاطبان بالقوه زیادی دارند و باید با برنامه ریزی صحیح، از این نعمت و فرصت استفاده بهینه کنند؛ اما واقعیت این است که نشریات آستان قدس، میان مردم، آن چنان معروف و محبوب نیستند.

نکته دیگر درباره این نشریات همان رعایت اولویت هاست که در این بخش نیز مراعات نشده است و در موضوعات اصیل و مهم و ضروری دینی، مانند مهدویت، اصلاً نشریه ای دیده نمی شود و در عوض، درباره مسائل کم اهمیت تر، مجلاتی منتشر شده است؛ مانند مجله «رساله الاسلام»(۱) که درباره وحدت میان شیعه و سنی است یا مجله «خراسان پژوهی»(۲) که از نام آن، سطح فعالیت آن هویداست و اگر مجله ای مانند «مشکوه»(۳) هم موجود باشد موضوع آن، آن چنان گسترده است که فایده چندانی بر آن مترتب نمی شود. آستان قدس با توجه به امکانات خود می تواند خلأ موجود در بخش مهدویت را کاملاً پر کند و برای انتشار مجلات بین المللی با زبان هایی مانند اردو و ترکی چاره ای بیندیشد.

ص:۱۶۵

۱- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص۲۴۰.

۲- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص۲۴۰.

۳- مجله مشکوه، در دو گرایش «قرآن و حدیث» و «تاریخ و فرهنگ اسلامی» منتشر می شود.

سینما

اثر گذارترین هنری که می تواند مسیر فرهنگی جوامع را رهبری کند، هنر هفتم یا همان سینما است. هر مقدار که در استفاده از این هنر موفق تر عمل شود، مخاطبان بیشتری جلب خواهد شد. بنابراین هر گروه و ارگانی به فکر استفاده از این هنر است. آستان قدس رضوی نیز با توجه به امکانات و محبوبیتی که میان هنرمندان مسلمان دارد، می تواند از این هنر بهره ببرد اما رعایت و ملاحظه نکاتی در استفاده از هنر هفتم ضروری می نماید.

یکی از آن نکات این است که هنوز کسانی در کارکرد اسلامی این هنر تردید جدی دارند و در واقع آن را متعلق به فرهنگ غرب می دانند که قابل تفکیک از آن و استفاده در فرهنگ دیگری نیست و بالاجبار حامل آن فرهنگ می باشد.(۱)

بنابراین آستان قدس رضوی _ که باید در درجه اول حافظ احکام اسلامی باشد _ نباید در استفاده از این هنر و هر ابزار دیگری از مباحث پیرامون آن غافل شود تا ناخواسته نقض غرض نماید. نکته دیگر این که در این هنر، به دلیل خاستگاه اصلی آن، احکام اسلامی درست رعایت نمی شود و در بسیاری از موارد، اختلاط زن و مرد در آن عادی است. آستان قدس باید به این مهم توجه داشته باشد و کمترین مسامحه ای در این موارد ننماید.

همچنین اگر می خواهد در این عرصه موفقیت خوبی داشته باشد، باید دست همکاری به سوی هنرمندان مطرح داخلی و خارجی دراز کند و در این باره ملاحظات کم ارزش سیاسی و غیره را دخیل نکند. هم چنین، از صرف هزینه برای فیلم های سطحی و شعاری، که نه مخاطب چندانی دارند و نه اثر مطلوبی بر آنها مترتب است، کاملاً خودداری کند؛ چراکه اگر هزینه هنگفت ساخت این نوع

۱- آیینه جادو، مقاله سینما و رمان.

فیلم ها، خرج یک فیلم ماندگار و اثرگذار شود، بسیار عاقلانه و به جا خواهد بود.

اما در استفاده از این هنر در مسأله مهدویت باید چند هدف را دنبال نمود. یکی از هدف ها، بازسازی چهره مخدوش شده آخرالزمان و مصلح موعود است؛ چراکه غرب، چهره ای بسیار خشن برای آن ساخته است. آنان در فیلم های خود، مسلمانان را انسان هایی معرفی می کنند که دنیا را در معرض نابودی قرار داده اند و باید از بین بروند. در مقابل آمریکایی ها را منجی بشریت معرفی می کنند. آنان در فیلم های خود، آخرالزمان را دوره آشفتگی در همه طبیعت نشان می دهند؛ به گونه ای که گویا این دنیا مدیری ندارد و غربیان باید برای نظم عالم چاره ای بیندیشند.

یکی دیگر از اهداف، مبارزه با خرافاتی است که سودجویان از مسأله مهدویت کرده و انحرافاتی بزرگ را ایجاد نموده اند؛ مانند فرقه بابیه که در آغاز با ادعای نیابت، به گمراه کردن مردم پرداخت که می توان در این باره، فیلم های مستندی ساخت و اسناد انحراف و خیانت و وابستگی آنان به کشورهای استعماری را در آنها نمایش داد.

خوشبختانه آثار ازشمند مکتوب که اسناد و مدارک کافی را دالّ بر وابستگی آنان به استعمارگران جمع آوری کرده اند، بسیار است،(۱) اما جای خالی فیلم های داستانی و مستند واقعاً احساس می شود که یا کاری در این باره نشده و اگر هم شده، از چند دقیقه در برخی از شبکه های تلویزیونی تجاوز نکرده است.

رسانه های جدید

در چشم انداز بیست ساله آستان قدس رضوی علیه السلام در بخش فرهنگی آمده است: «آستان قدس در بیست سال آینده باید به مرکزی تبدیل شود که فعال و مؤثر در

ص:۱۶۷

۱- مانند کتاب «بهائیان»، نوشته محمدباقر نجفی.

فضای فرهنگی کشور و منطقه و جهان اسلام شود است». همچنین در ششمین بند آن تأکید شده است: «آستان قدس باید در عرصه تبلیغی و اطلاع رسانی، با بهره مندی از کارآمدترین شیوه های مناسب هنری و رسانه های نوین، فعال باشد».(۱)

اما بررسی فعالیت های فعلی آستان نشان می دهد که این چشم انداز، آرزو و آرمانی دست نیافتنی محسوب می شود؛ مگرآنکه آستان قدس در این زمینه طرحی نو دراندازد و راهکاری برای استفاده از رسانه های نوین، مانند شبکه های ماهواره ای و اینترنتی پیدا کند. چون با استفاده از این رسانه های فراگیر است که می تواند نور معنویت را در منطقه بگستراند.

استفاده از شبکه مخصوص تلویزیونی و ماهواره ای یکی از چاره های مؤثر می باشد و به جهت اینکه آستان قدس، تحت امر ولیّ فقیه و رهبر معظم انقلاب فعالیت می کند، منافاتی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیدا نمی شود؛ چرا که صدا و سیما نیز زیر نظر رهبری قرار دارد.(۲)

برای استفاده بهینه از این نوع رسانه هم باید مواردی مراعات شود. یکی آنکه در برنامه ها ملاحظات حزبی و گروهی کنار گذاشته شود و اساس اسلام و معارف تشیع، خصوصاً فرهنگ انتظار و مهدویت مدنظر باشد. از دفاع افراطی و بی دلیل از حکومت ها پرهیز شود و سعی کنند که نظرات همه مراجع مطرح در حوزه علمیه را رعایت کنند. در این صورت هم جایگاهی عالی در مقایسه با سایر شبکه ها میان مردم پیدا می کنند و هم می توانند از کمک و یاری مراجع بهره مند گردند. دیگر اینکه برنامه های مناظره ای آزاد و مستقیم را در صدر برنامه های خود قرار دهند و در این برنامه ها هم ملاحظات دولت ها و حکومت ها را کنار بگذارند و برای معارف

۱- قانون اساسی، اصل ۱۱۰.

۲- پایگاه اطلاع رسانی، آستان قدس رضوی، به نشانی www.agrazavi.org

مهم شیعه، از جمله مهدویت، برنامه های متعدد روزانه و مناسبتی تهیه کنند و برنامه های حرم های ائمه علیهم السلام را در فعالیت های خود مدنظر قرار دهند که در این صورت، حلقه اتصال کننده ای خواهند بود که انسجام برنامه ها و همکاری حرم ها را تضمین خواهد کرد؛ به خصوص آنکه در بند هشتم از چشم انداز بیست ساله به تعامل مطلوب با سایر مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه تأکید شده است.(۱)

برگزاری همایش ها و مسابقات

یکی دیگر از روش هایی که در تبلیغ و گسترش فرهنگ مؤثر است، برگزاری همایش و مسابقات است که در هر کدام باید شرایطی فراهم گردد تا اثر مطلوب به دست آید. در همایش ها باید موضوعاتی که مهم و اثرگذار هستند، مانند مهدویت، محور قرار گیرند و همه دانشمندان را برای حضور دعوت کنند و در این امر، هیچ ملاحظه سیاسی و غیرسیاسی را نباید مدنظر قرار دهند.

در اجرای مسابقات هم باید سیاستی به کار بسته شود تا برای گروه های گوناگون سنی و تحصیلاتی، مسابقات برگزار شود. دخیل کردن مخاطبان ایرانی و غیر ایرانی می تواند در تنوع بخشیدن به مسابقات کمک کند. در این بخش باید اولویت ها را مدنظر قرار داد و بودجه محدود آستان را در امور کم اهمیت خرج نکرد.

مراسم ساده و ماندگار

در میان روش های مختلف، برخی از آنان، در عین سادگی بسیار ماندگار و مؤثر می باشند؛ مثل انواع عزاداری در عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام که در اوج سادگی بسیار مؤثر و هم جاودانه هستند و اثرشان از هر روش تبلیغی بیشتر است

۱- پایگاه اطلاع رسانی، آستان قدس رضوی، به نشانی www.agrazavi.org

و آنچنان میان مردم نفوذ کرده که در شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ، در زمستان و تابستان و در شرایط سخت و آسان انجام می گیرد.

این مراسم بزرگ، آن چنان با عنصر ساده بودن عجین شده است که اگر در برخی موارد، از آن فاصله گرفته شده، آن جذابیت و اثر نیز کمرنگ شده است. این مراسم به گونه ای است که همه اقشار جامعه از علماء و مراجع و دانشمندان و مسئولان ارشد مملکتی گرفته تا مردم کوچه و بازار می توانند در آن شرکت نمایند. از این گونه مراسم در وقایع دیگر نیز یافت می شود، هر چند در مقیاس بسیار ناچیزی نسبت به عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام انجام می گیرند.

یکی از همین مراسم ها، مراسم خطبه خوانی است که روز شهادت حضرت امام رضا علیه السلام با حضور تولیت و خدام آستان قدس رضوی برگزار می شود که بسیار جذاب و ماندگار است و اگر از همین مراسم درست استفاده شود، اثرات خوبی قابل برداشت خواهد بود.

یکی از روش های استفاده درست از این مراسم، دعوت از بزرگان و سران کشورهای شیعه و غیرشیعه اما دوستدار اهل بیت علیهم السلام می باشد. همه ساله در مراسم حج، از برخی رؤسای کشورهای اسلامی دعوت می شود که در مراسم حج حضور یابند. آیا آستان قدس نمی تواند برای این مراسم از رؤسای جمهور کشورهای شیعه و رؤسایی که محب اهل بیت علیهم السلام هستند دعوت به عمل آورد؟ اگر چنین دعوتی صورت گیرد، قطعاً آنان می پذیرند. تنها چیزی که باید مراعات شود، پرهیز از شعارهای سیاسی تفرقه انگیز در مراسم است که ممکن است مانع حضور رؤسای کشورها شود.

آستان قدس رضوی با فراخوان هنرمندان و تاریخ شناسان و جامعه پژوهان، باید به فکر ابداع مراسمی از این دست برای بزرگداشت مهدویت باشد. گویا سابقاً مراسم هایی در گوشه و کنار کشورهای اسلامی دراین باره برگزار می شده است؛

مثلاً ابن خلدون در تاریخ خود می گوید: «شیعیان اثنی عشریه قائلند مهدی، دوازدهمین امام آنها، در سرداب منزلش غائب شده و در آخر الزمان خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند آنان تا به امروز منتظر هستند و هر شب پس از نماز مغرب بر در سرداب می ایستند و مرکبی را برای او آماده می کنند و او را دعا می کنند و این کار ادامه دارد تا ساعتی که ستارگان آسمان را فراگیرد و باز شب بعد، آن را تکرار می کنند».(۱) و می گویند زمانی در شهر کاشان سران شهر، هر روز هنگام سپیده دم از دروازه خارج می شدند و اسب زین کرده ای را یدک می بردند تا قائم مهدی علیه السلام در صورت ظهور بر آن سوار شود(۲) و در عصر سربداران نظیر همین عمل در شهر سبزوار معمول بوده است و هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان علیه السلام اسب هایشان را آماده می کردند.(۳)

بنابراین آستان قدس رضوی با ملاحظه موارد مذکور و مشابه آن و با نظرخواهی از محققان و صاحب نظران و هنرمندان می تواند عیوب آن مراسم ها را از بین ببرد و با افزودن موارد بهتر، مراسم های ماندگار و اثرگذاری را ابداع کند و در برگزاری مؤثرتر آن کوشش نماید.

از همه آنچه که گفته شد معلوم می گردد که آستان قدس رضوی امکانات مهم و اثرگذار بالقوه و بالفعل فراوانی در اختیار دارد؛ اما هر چند چشم انداز مهمی برای فعالیت های خود ترسیم کرده، هنوز نتوانسته است از آن امکانات به صورت بهینه استفاده نماید و باید با برنامه ریزی دقیق و عالمانه و با استفاده از کارشناسان مربوطه برای ترویج و تبلیغ مسائل اصیل و حیاتی اسلامی، مانند مسأله مهم مهدویت و فرهنگ انتظار اقدام نماید.

۱- تاریخ ابن خلدون، ج۱، ص ۱۶۲.

۲- معجم البلدان،ج۴، ص ۲۹۶.

۳- نهضت سربداران، ص۱۵.

منابع

۱. آوینی، مرتضی، آئینه جادو، نشر نی، تهران، بی تا.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.

۳. پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، www.agrazavi.org.

۴. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.

۵. حسینی میلانی، سید علی، مبانی امامت، مرکز حقائق الاسلامیه، قم، بی تا.

۶. حموی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بی نا، بیروت، بی تا.

۷. خبرگزاری ایسنا، www.ISNA.ir.

۸. خبرگزاری تابناک، www.tabnak.ir.

۹. شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.

۱۰. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه استاد کمره ای، انتشارات صبا، تهران، چاپ سوم.

۱۱. قندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، منشورات بصیرتی، قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ق.

۱۲. کتابنامه بنیاد پژوهش های اسلامی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.

۱۳. کفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، منشورات اعلمی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۲۴ق.

۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب، الاصول من الکافی، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، لبنان، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. موسوی خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ق.

۱۷. نجفی، محمدباقر، بهائیان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا.

۱۸. وفشسکی،ای پی پطر، نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱ش.

صفات امام در کلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

O محمدحسین فاریاب

مقدمه

امامت از بحث برانگیزترین مباحث کلام اسلامی است. در طول تاریخ اندیشه اسلامی چنان منازعات و مناظرات جدی درباره این اصل رخ داده که برخی بی محابا ادعا کرده اند که «شمشیری که برای امامت در همه زمان ها کشیده شد، برای هیچ اصل دینی از نیام بر نیامد.»(1) اختلاف طوایف مختلف اسلامی در این مسئله، تنها به تعیین مصداق برای این منصب خلاصه نمی شود؛ بلکه جدی تر از آن، مبانی فکری و کلامی این اصل دینی است؛ به طوری که برخی آن را یکی از اصول دین دانسته و برخی دیگر آن را در حدّ یکی از فروعات فقهی تنزّل داده اند. افزون بر آن، سخن از چیستی امامت، صفات امام، شئون و وظایف امام، مقامات امام و... همگی از مسائلی است که منجر به اختلاف و تشتت در حوزه اندیشه ورزی اندیشمندان مسلمان شده است.

۱- الملل و النحل، ج۱، ص۳۱.

یکی از چالشی ترین مباحث مطرح در اصل امامت، بحث از صفات امام است که از نخستین روزهای پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد نزاع مسلمانان واقع شد، ضمن آنکه بحث از قلمرو و ماهیت این صفات نیز به بحثی جنجالی میان متکلمان امامیه تبدیل شده است. از این رو مراجعه به صاحبان حقیقی این منصب، جهت یافتن حقیقت ضروری می نماید.

به نظر می رسد تبیین صفات امام از دو راه امکان پذیر است:

الف. تعیین چیستی و حقیقت مقام امامت و رسیدن به صفات امام؛

در این روش، ابتدا حقیقت مقام امامت تبیین شده، آنگاه به لوازم آن پرداخته می شود که از جمله آن لوازم، همان صفات امام است. به دیگر بیان، در این روش از علت به معلول دست می یابیم.

ب. اثبات مستقیم صفات امام؛

در این روش ـ که روشی متداول در منابع کلامی امامیه است ـ بدون مراجعه مستقیم به حقیقت مقام امامت، به تعیین صفات امام و اثبات آنها پرداخته می شود.

آنچه مورد تأکید نگارنده در این نوشتار است، تعیین صفات امام از منظر عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم با استفاده از هر دو روش است. پیش از آن تبیین دورنمایی از عصر امامت امام رضا علیه السلام ضروری است.

۱. دورنمایی از دوران امامت امام رضا علیه السلام

امامت امام رضا علیه السلام حدود بیست سال به درازا کشید. ده سال نخست، مقارن با زمامداری هارون الرشید بود. امام علیه السلام پنج سال دوم را همراه با حاکمیت متزلزل امین عباسی و پنج سال سوم را در عصر حکومت مأمون عباسی سپری کرد. امام رضا علیه السلام در دو یا سه سال آخر عمر خود، در سرزمین خراسان، به عنوان ولیّ عهد مأمون عباسی زندگی می کرد.

شکل گیری فرقه واقفیه و بالا-گرفتن اختلاف روش میان اهل حدیث و معتزله _ که اولی، جمودی ملال آور بر ظاهر آیات و روایات داشت و دومی به گونه ای افراطی استفاده از عقل را پیشه خود ساخته بود _ این دوران را آبستن مباحث کلامی می کرد؛ از این رو وظیفه ای سنگین متوجه پیشوای حقیقی امت، یعنی امام رضا علیه السلام بود. بدون شک مسئله ولایت عهدی امام رضا علیه السلام و حضور وی در ایران، به علاوه علاقه مندی مأمون به مباحث علمی، برکات فراوانی را به همراه داشت، از این جهت که حضور امام علیه السلام در مناظرات دربار عباسی _ که انبوهی از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان از گروه های مختلف دینی در آن ها حاضر شدند _ موجب بیان معارف اعتقادی می شد و راه هدایت را در گرداب آشفته مباحث اهل حدیث و معتزله برای حق پویان روشن می کرد.(1)

۲. چیستی امامت در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

از دیدگاه امام رضا علیه السلام، صاحب منصب امامت دارای جایگاه بسیار رفیعی است؛ از این ور، ایشان در توصیف جایگاه امامت از بیانات بلندی استفاده کرده است. (2) برخی از مؤلفه های معنایی آن عبارت اند از:

۲-۱. حجت الله

«الحجه» در لغت، به معنای سبب پیروزی بر خصم، (3) برهان(4) و دلیل روشن برای احتجاج(5) آمده است. به گفته ارباب لغت، جمع این واژه «حُجَج» است و

ص:۱۷۵

۱- برای تفصیل بیشتر رک: حیات فکری و سیاسی امامان شیعه:، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۲- امام رضا علیه السلام در برخی از بیانات خود به تفصیل از جایگاه امامت سخن به میان آورده است که نقل تمام آنها خارج از حوصله این نوشتار می باشد، از این رو به مهم ترین مؤلفه های موجود در این بیانات اشاره می شود. برای تفصیل بیشتر رک: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- العین، ج ۳، ص ۱۰؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۱۷.

۴- الصحاح، ج ۱، ص ۳۰۴؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۱۷.

۵- المفردات، ج ۱، ص ۲۱۸.

هنگـامی که عرب «احتـجّ بالشـیء» می گویـد مقصودش این است که از آن شـیء به عنوان حجت و دلیـل خود اسـتفاده کرده است.(۱)

از دیـدگاه امـام رضـا علیه السـلام، صـاحب منصب امـامت، تنهـا یـک حـاکم سیاسـی و یـا حتی یک مرجع دینی نیست؛ بلکه همچون پیامبر، حجت خداونـد بر بنـدگان اوست که خداونـد به واسـطه او در قیامت، بر بنـدگان احتجاج خواهـد کرد. در این باره محمد بن عماره از امام رضا علیه السلام نقل می کند:

«حجت خدا بر مردم استوار [و تمام] نمی شود مگر به وسیله امامی که برای مردم شناخته شود.» (۲)

در همین بـاره سـلیمان جعفری از امـام رضـا علیه السـلام پرسـید که آیا زمین از حجت خـدا خالی می مانـد؟ امام علیه السـلام فرمودند: «اگر زمین لحظه ای از حجت خالی بماند، با اهل آن از میان خواهد رفت.» (۳)

چنین تصویری از مقام حجت اللهی بیانگر عظمت مقام امامت است؛ از این روست که امام رضا علیه السـلام در موضـعی دیگر پس از تأکید بر حجت بودن ائمه به گوشه ای از لوازم این مقام اشاره می کند:

«... خداوند به وسیله ماست که مانع از زوال آسمان ها و زمین می شود و به واسطه ماست که باران می بارد و رحمت خداوند گسترده می شود... اگر روزی زمین از حجت، خـالی بمانـد، اهـل آن در آن فرو می رونـد، چنان که دریا اهل آن را در خود غرق می کند». (۴)

۱- لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳- بصائر الدرجات، ص ۴۸۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴- «بِنَا یُمْسِـکُ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ بِنَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَ یَنْشُـرُ الرَّحْمَهَ وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَ لَوْ خَلَتْ یَوْماً بِغَیْرِ حُجَّهٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا کمَا یَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِه» کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

اینک باید دانست که چه صفاتی از مقام حجت اللهی قابل انتزاع است. روشن است که اگر ائمه کسانی هستند که خداوند با وجود آنها می تواند بر مردم احتجاج کند، لازم است که ایشان به گونه ای باشند که حجت بر مردم تمام شود و کسی عذر و بهانه ای در قیامت نداشته باشد. از این رو، اگر امامان دچار اشتباه و گناه شوند، مردم نیز به همین امر مبتلا شده و خداوند نمی تواند بر آنها احتجاج کند. بنابراین لازم است که امام، معصوم از گناه و اشتباه باشد.

افزون بر آن، اگر امام به زبان تمام انسان ها آشنا نباشد، چگونه می تواند با آنها سخن گفته و پیام خدا را به آنها برساند و عذر و بهانه را از مردم بگیرد؟ اگر علم امام، علمی بشری و خطاپذیر، و یا علمی ناقص باشد، به گونه ای که نتواند به تمام نیازهای بشر پاسخ دهد، چگونه حجت بر مردم تمام می شود؟ بنابراین لازم است که امام، آشنا به زبان تمام انسان ها، دارای علم الهی و پاسخ گوی تمام پرسش های مردم باشد.

افزون بر آن، می توان گفت کسی که حجت خدا، معصوم و دارای چنین علمی است، نمی تواند به وسیله مردم انتخاب شود؛ بلکه باید به نصب الاهی تعیین گردد. همچنین اگر خداوند در هر دوره یک حجت روی زمین داشته باشد، به حکم عقل لازم است آن حجت، افضل الناس باشد تا قبح تقدیم مفضول بر افضل، بر دامن کبریایی خداوند ننشیند.

۲-۲. خلیفه الله

«خلیفه» به معنای کسی یا چیزی است که پس از کسی یا چیزی دیگر می آید و جانشین او می شود.(۱) خداوند متعال در قرآن کریم از انسان به عنوان جانشین و خلیفه خود یاد کرده است.(۲) نخستین جانشین او حضرت آدم علیه السلام بود.

۱- رک: العین، ج۴، ص۲۶۶؛ لسان العرب، ج۹، ص۸۲؛ المفردات، ص۲۹۳.

۲- سوره بقره، آیه (۲): ۳۰.

از مباحث مهم در این حوزه، تعیین قلمروی خلافت و جانشینی خلیفه از جانب خداوند است. اصول محاوره و گفتگو میان عقلای عالم به ما چنین می گوید که وقتی فردی، فرد دیگر را به عنوان جانشین خود منصوب کرد، و این جانشینی را با قرائن حالیه و مقالیه مقید به امر خاصی ننمود، دلیلی بر تقیید کلام او وجود ندارد. در قرآن کریم ــ به ویژه آیه سی ام سوره بقره ــ خداوند به طور مطلق انسان را به عنوان جانشین خود منصوب کرده است(۱) و تا زمانی که مقیّدی ارائه نشود، نمی توان از این اطلاق دست برداشت؛ از این رو می توان «خلیفه» را جانشین خداوند در تمام کارهای او و به اذن او دانست. چنانکه حضرت عیسی ۷ با گِل کبوتر ساخته و با دمیدن در آن، به اذن خداوند موجب حیات او می شد بیماران را شفا می داد و حتی مرده را به اذن خداوند زنده کرد.(۲) هم چنین سلیمان پیامبر ۷ با هدهد سخن می گفت، (۳) کلام مور را می دانست، (۴) باد به فرمان او حرکت می کرد (۵) و...

نتیجه ارزشمندی که از این بحث می توان به دست آورد، آن است که خلیفه خداوند، کسی است که نمایان گر تمام صفات وجودی و آثار و احکام و تدابیر خداوند بوده و خلافت و جانشینی او در تمام شئون هستی و بر همه موجودات حتی جمادات، نباتات و حیوانات حاکم است. چنین کسی لزوماً باید منصوب از طرف او باشد؛ چرا که تنها خداوند می داند که چه کسی شأنیت دریافت منصب خلافت را دارد.

۱- «و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه... » سوره بقره، آیه ۳۰.
۲- «أَنِّی أَخْلُقُ لَکمْ مِنَ الطِّینِ کهَیْئَهِ الطَّیْرِ فَأَنْفُخُ فیهِ فَیَکونُ طَیْراً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَکمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْیِ الْمَوْتی بِإِذْنِ اللَّهِ» سوره انعام، آیه ۴۹، و نیز رک: سوره مائده، آیه ۱۱۰.
۳- سوره نمل، آیه ۲۰ـ ۲۸.
۴- سوره نمل، آیات ۱۹ و ۲۰.
۵- «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّیحَ تجْرِی بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَیْثُ أَصَاب» سوره نمل، آیه ۳۶.

داشتن ولایت تکوینی و علم و عصمت الاهی کم ترین ویژگی های امام است؛ زیرا بدون داشتن چنین ویژگی هایی نمی تواند کار خدایی بکند و مسئولیت خود را در مقام خلافت انجام دهد. یادکرد این نکته نیز ضروری است که چنان که برخی مفسران شیعه و سنی بیان کرده اند، سنت جعل خلیفه از جانب خداوند، سنتی مستمر و دائمی است؛ (۱) چنان که واژگانی همچون «جاعل» ــ که نشان از استمرار دارد ــ در آیه سی ام سوره بقره بیان گر همین نظریه است.

اینک که عظمت مقام خلیفه اللهی و وجود آن در هر دوره زمانی تبیین شد، نوبت به بررسی این پرسش می رسد که پس از درگذشت پیامبر اکرم ۶خلفای الاهی چه کسانی هستند؟ امام رضا علیه السلامدر این باره می فرماید: «ائمه، جانشینان خدا روی زمین هستند.» (۲)

اگر چه امام رضا علیه السلام بیان نورانی خود را چندان تفصیل نداده اند، اما توضیحات یاد شده راجع به مقام خلیفه اللهی بیانگر اهمیت کلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و تعیین صفاتی همچون علم الاهی، عصمت و منصوب بودن از جانب خداوند است.

۲-۳. امین الله

«امین» در لغت به معنای کسی یا چیزی است که مورد اطمینان بوده یا

ص:۱۷۹

۱- ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ج۲، ص۳۰۸؛ معارف قرآن، ج ۳-۱، ص۳۶۷؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۲۲۲. گفتنی است برخی دیگر از مفسران اگر چه تصریح به این امر نکرده اند، اما تحلیل آنها از دلیل جعل خلیفه به گونه ای است که ناگزیر باید قول به وجود خلیفه در تمام اعصار را بپذیرند؛ چرا که آنها در تحلیل خود، بر نقص عالم از دریافت مستقیم فیض خداوند و نیاز به واسطه فیض ــ که امری دائمی است ــ تأکید کرده اند. رک: انوار التنزیل، ج۱، ص۶۸؛ تفسیر روح البیان، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۴؛ التفسیر المظهری، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ج ۱، ص ۱۲۷؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲- الکافی، ج۱، ص۱۹۳.

موجب امنیت دیگران است.(۱) ائمه اطهار علیهم السلام در تبیین جایگاه منصب امامت بر «امین الله» بودن خود تأکید کرده اند. درباره اینکه مقصود از این مقام چیست، بیانات گوناگونی از ائمه علیهم السلام صادر شده است. رسول گرامی اسلام ۶ اهل بیت خود را موجب در امان ماندن اهل زمین دانسته است، همان گونه که اهل آسمان به وسیله ستارگان در امان هستند.(۲)

امام باقر علیه السلام در بیانات خود به تبیین بیشتری از این مقام پرداخته است. ایشان وجود امام روی زمین را موجب در امان ماندن اهل زمین از فرورفتن در زمین دانسته است، به گونه ای که اگر خداوند در صدد باشد اهل زمین را هلاک گرداند، ابتدا امام را از بین آنها می برد.(۳) امام صادق علیه السلام نیز در این باره بر امین بودن ائمه بر وحی خداوند تأکید کرده است.(۴)

البته روشن است که هیچ یک از بیانات یادشده منافاتی با یکدیگر نداشته و هر کدام به زوایای مختلفی از این مقام اشاره کرده اند. عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این باره به گوشه ای دیگر از این مقام اشاره می فرماید: «ما امینان خداوند روی زمین هستیم. علم به بلایا و منایا و... نزد ماست و هنگامی که مردم را می بینیم حقیقت ایمان و نفاق را در آنها می شناسیم».(۵)

۱- العین، ج۸، ص۳۸۸؛ لسان العرب، ج۱۳، ص۲۱؛ المفردات، ج۱، ص۹۰.

۲- «أهل بیتی أمان لأهل الأرض کما أن النجوم أمان لأهل السماء... » . کفایه الاثر، ص۲۹.

۳- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَک وَ تَعَالَی جَعَلَنَا حُجَّهً فِی أَرْضِهِ وَ أَمَاناً فِی الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ یَزَالُوا فِی أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِیخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَیْنَ أَظْهُرِهِمْ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ یُهْلِکهُمْ ثُمَّ لَا یُمْهِلَهُمْ وَ لَا یُنْظِرَهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَیْنِهِمْ وَ رَفَعَنَا إِلَیْهِ ثُمَّ یَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَب». کمال الدین، ج۱، ص۲۰۴.

۴- «إن الله تبارک و تعالی انتجبنا لنفسه فجعلنا... أمناءه علی وحیه و... أمناؤه علی ما نزل من عذر و نذر و حجه». بصائر الدرجات، ص۶۲.

۵- «فَنَحْنُ أُمَنَاءُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَایَا وَ الْمَنَایَا وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَیْنَاهُ بِحَقِیقَهِ الْإِیمَانِ وَ حَقِیقَهِ النِّفَاقِ... ». الکافی، ج۱، ص۲۲۳. این روایت با دو سند متفاوت دیگر نیز نقل شده است. رک: بصائر الدرجات، ص۱۳۸ و ۱۳۹ و ۲۸۷ و تفسیر القمی، ج۲، ص۱۰۴.

از بیان یادشـده می توان چنین برداشت کرد که چون خداوند متعال، ائمه را امین و مورد اعتماد خود می داند، علوم غیبی را به آنـان عطـا کرده اسـت. از ایـن روسـت که امـام رضـا علیه السـلام در بیـانی دیگر می فرمایـد: «مـا حجت هـای خـدا بر مردم و جانشینان او میان بندگان و امینان بر سرّ او هستیم».(۱)

بنـابراین از مقـام امین اللهی ائمه دانسـته می شود که ایشان مورد اعتماد خـدا و امین وی هسـتند و علم الاهی به آنها داده شـده است. روشن است که فرد گنهکار نمی تواند مورد اعتماد و امین خداوند باشد؛ از این رو می توان نتیجه گرفت که ائمه علیهم السلام معصوم بوده، ضمن آنکه از علم الاهی خطاناپذیر نیز برخوردار هستند.

۲-۴. نتیجه گیری

از تـبیینی که راجع به چیستی مقـام امـامت از کلاـم عـالم آل محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم ارائه شـد، روشن می شود که برجسته ترین صفات امام عبارت اند از:

الف. عصمت

ب. علم الاهی و خطاناپذیر

ج. نصب الاهی

د. افضلیت.

۳. صفات امام در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

اگر چه توجه به بیانـات امام رضا علیه السـلام در باب جایگاه مقام امامت خود بیان گر صـفات ویژه ای برای امام بود، اما فارغ از آن، عالم آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم به طور جداگانه نیز به تبیین این صـفات پرداخته است. برخی از این صـفات عبارت اند از:

۳-۱. عصمت

اشاره

در نظام اندیشه ورزی شیعه امامیه ـ همچون برخی دیگر از فرق شیعه، مانند

ص:۱۸۱

۱- «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِی خَلْقِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِی عِبَادِهِ وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَی سِرِّهِ». کمال الدین، ج۱، ص۲۰۲ و ۲۰۳.

اسماعیلیه(۱) و زیدیه(۲) ـ یکی از صفات لازم و حتمی امام، عصمت اوست. در مقابل، متکلمان اهل سنت، هرگز به این شرط تن نداده و عدالت و تقوا را شرط لازم و کافی برای امام به شمار آورده اند.

پیش از بررسی بیانات امام رضا علیه السلام درباره عصمت امام، آشنایی با ماهیت عصمت ضروری می نُماید.

۳-۱-۱. ماهیت عصمت

ارباب لغت در تبیین معنای «عصمت» نظریات همنوایی ارائه کرده اند. از باب نمونه، خلیل فراهیدی، عصمت را به معنای دفع کردن می داند. (۳) ابن فارس، زبیدی، فیومی و راغب اصفهانی عصمت را به معنای منع دانسته اند؛ (۴) چنان که جوهری، حفظ را نیز از معانی عصمت دانسته است.(۵)

در علم کلام، دست کم دو معنا برای عصمت ارائه شده است. بر اساس منابع کلامی موجود، مرحوم شیخ مفید (۴۱۳ق) نخستین کسی است که به تعریف عصمت پرداخت. وی در این باره با لطف و توفیق دانستن عصمت از سوی خداوند متعال گفته است:

«عصمت از ناحیه خداوند همان توفیق و لطف او برای حجج خود بوده و اعتصام به این عصمت به وسیله حجج الاهی برای حفظ از گناهان و خطا در دین

ص:۱۸۲

۱- اغلب متکلمان اسماعیلیه بر لزوم عصمت امام تأکید کرده اند. رک: المصابیح فی اثبات الامامه، ص ۹۹-۹۶؛ تاج العقاید و معدن الفوائد، ص۷۸.

۲- عده الاکیاس فی شرح معانی الاساس، ج۲، ص۱۳۴.

۳- العین، ج۱، ص۳۱۳.

۴- معجم مقاییس اللغه، ج۴، ص۳۳۱؛ تاج العروس، ج۸، ص۳۹۸ و ۳۹۹؛ المصباح المنیر، ج۲، ص۴۱۴؛ المفردات، ص۳۳۶.

۵- «اعتصمت بالله ای امتنعت بلطفه من المعصیه». الصحاح، ج۵، ص۱۹۸۶ .

خداوند است.» (۱)

تعریف عصمت به «لطف» قرن ها مورد توجه متکلمان امامیه بود و بزرگانی همچون سیدمرتضی (۴۳۶ق)، (۲) شیخ طوسی (۴۶۰ق)، (۳) نوبختی (اواخر قرن پنجم)، (۴) نباطی (۸۷۷ق)(۵) و مانند آنها در آثار خود از آن استفاده کرده اند.(۶)

پس از تعریف عصمت به لطف، از سوی شیخ مفید و پذیرش آن از سوی دیگران، مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) تعریف دیگری از عصمت ارائه داد که همان تعریف به «ملکه» به نقل از فلاسفه بود. وی در این باره می نویسد:

«عصمت، ملکه ای است که باعث می شود از صاحب آن، گناهی صادر نشود و این بنابر اندیشه حکماست.»(۷)

پس از خواجه، برخی متکلمان متأخر از او نیز این تعریف را در کتاب های خود ارائه کردند.(۸) با وجود این، باید توجه داشت که اگر چه معنای لغوی عصمت _ مانند حفظ _ به نوعی در این تعریف نیز حضور دارد، اما در این تعریف، «معصومیت الاهی» به نوعی تبدیل به «مصونیت» شده است.

۳-۱-۲. عصمت در کلام امام

از جمله مباحث اعتقادی که در دربار مأمون عباسی به دفعات از محضر امام

۱- تصحیح اعتقادات الامامیه، ص۱۲۸.

۲- الامالی، ج۲، ص۱۳۵؛ الذخیره، ص۱۸۹.

۳- الاقتصاد، ص۷۷ – ۷۹؛ التبیان، ج۸، ص۳۳۹.

۴- انوار الملکوت، ص۱۹۵.

۵- الصراط المستقیم، ج۱، ص۵۰.

۶- گفتنی است متکلمان معتزلی نیز در این باره با تبیین شیعه از عصمت موافقت کرده اند. رک: المغنی، ج۱۳، ص۱۵؛ شرح نهج البلاغه، ج۷، ص۸.

۷- تلخیص المحصل، ص۳۶۹. عضدالدین ایجی نیز این تعریف را به حکماء نسبت می دهد. رک: شرح المواقف، ج۸، ص۲۸۰.

۸- النجاه فی یوم القیامه، ص۵۵؛ کشف المراد، ص۴۹۴.

رضا علیه السلام سؤال می شد، مسئله عصمت و خصوصاً عصمت پیامبران بوده است.

در این راستا اباصلت هروی نقل می کند که روزی مأمون عباسی، بزرگان ادیان و مذاهب را جمع کرد. علی بن محمد بن جهم از امام علیه السلام سؤال کرد: «ای فرزند رسول خدا، آیا قائل به عصمت پیامبران هستی؟» فرمود: «بله.»(۱)

حضرت آدم، ابراهیم، یونس، یوسف، داود، موسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرانی بودند که راجع به عصمت آنها سؤالات و شبهاتی از سوی خود مأمون عباسی و دیگران مطرح شد و امام علیه السلام به آنها پاسخ داد.(۲)

مسئله عصمت امامان نیز بارها از سوی پیامبر اکرم ۶ و ائمه اطهار ۷ و نیز اصحاب ایشان مورد تأکید قرار گرفته، و در دوران امام صادق علیه السلام به اوج خود رسیده بود، تا آنجا که براهین عقلی و نقلی فراوانی نیز در این باره اقامه شده بود. (۳) این مسئله در دوران امام رضا علیه السلام نیز تثبیت شد. بر اساس آثار موجود، امام رضا علیه السلام دست کم در سه موضع، راجع به مسئله عصمت امام بیاناتی داشته اند:

۱. عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از بیانات نورانی خود، آنگاه که در صدد شمردن ویژگی های امام بود، فرمود:

«امام نشانه هایی دارد. او عالِم ترین مردم، ... و مطهَّر است.»(۴)

آنچه در این عبارت حائز اهمیت می باشد، این است که متعلق «مطهربودنِ» امام روشن نشده است؛ اما به نظر می رسد، مطهر بودن امام، دست کم از گناهان، روشن ترین مصداق آن است.

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۱۷۰.
۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۱۷۰؛ ۱۷۱.
۳- در این باره رک: پایان نامه بررسی مسئله عصمت امام از دیدگاه متکلمان امامیه تا پایان قرن پنجم هجری .
۴- «للامام علامات یکون اعلم الناس... و یکون مطهرا». الخصال، ج۲، ص۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۱۳؛ معانی أخبار، ص۱۰۲؛ من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۴۱۸.

۲. عبدالعزیز بن مسلم نقل می کند که همراه با امام رضا علیه السلام در مرو بودیم. روزی وارد مسجد شدم و دیدم مردم جمع شده و مشغول بحث راجع به مسئله امامت هستند. نزد امام رضا علیه السلام رفته و ایشان را در جریان گذاشتم. امام علیه السلام با تأکید بر اینکه منزلت و جایگاه امام چنان رفیع است که هرگز به عقول مردم نمی رسد، فرمودند:

«... خداوند مقام امامت را در مرتبه سوم، پس از مقام نبوت و دوستی خود، به ابراهیم خلیل الله اختصاص داد... امام از گناهان، پاک و از عیوب، مبرا و مخصوص به علم [الاهی] است... او معصوم، تأیید شده، توفیق داده شده و محکم شده و از اشتباهات و گمراهی ها و لغزش ها در امان است. خداوند او را به این امور مختص ساخته تا حجت او بر بندگان باشد.» (۱)

بر اساس این روایت، اولاً امام، نه تنها معصوم از گناه است، بلکه از تمام عیب ها و اشتباهات نیز مصون است.

ثانیاً عصمت امام، امری است که به تأیید و امداد الاهی به وی داده شده است.

ثالثاً دلیل برخورداری امام از این صفات، حجت بودن او بر مردم است.

۳. در برخی منابع روایی، روایتی بدون سند از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

۱- «... ان الامامه خص الله بها إبراهیم الخلیل بعد النبوه و الخله مرتبه ثالثه و فضیله شرفه بها و اشاد بها ذکره فقال عز وجل: ((انی جاعلك للناس اماما)) ... الامام المطهر من الذنوب المبرأ من العیوب مخصوص بالعلم... و هو معصوم مؤید موفق مسدد قد امن الخطایا و الزلل و العثار یخصه الله بذلك لیکون حجته علی عباده و شاهده علی خلقه... ». گفتنی است اگر چه روایت یادشده خبر واحدی است که کلینی [الکافی، ج ۱، ص۱۹۸] و ابن شعبه حرانی [تحف العقول، ص۴۳۷] آن را به صورت مرفوعه نقل کرده اند و کلینی آن را در باب نوادر کتاب خود آورده و نعمانی [الغیبه، ص،۲۱۶] نیز این روایت را از خود کلینی نقل کرده است، اما فراوانی نقل آن در متون روایی به اسناد مختلف، اطمینان ما را به صحت صدور آن فزونی می بخشد. رک: الامالی، ص۶۷۵؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۲۱۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص۶۷۵ ؛ معانی أخبار، ص۹۶.

«امام به وسیله روح القدس تأیید می شود و میان او و خداوند، عمودی از نور است که اعمال بندگان را در آن می بیند و هر گاه که به راهنمایی او نیاز پیدا کند، آن عمود باز می شود تا امام، علم پیدا می کند، سپس بسته می شود و امام دیگر نمی داند. امام، زاده می شود و فرزند به دنیا می آورد و سالم و مریض می شود... و فراموش می کند و اشتباه می کند و خوشحال و ناراحت می شود». (1)

بر اساس این روایت، امام علیه السلام اگر چه مؤید به روح القدس است و علم الاهی به او تفویض می شود، اما همچون مردم عادی، مرتکب فراموشی نیز می شود؛ از این رو نمی توان او را معصوم از اشتباه و فراموشی دانست.

ممکن است این روایت در نگاه اول، با روایات پیشین منافات داشته باشد، اما با دقت می توان به این نتیجه رسید که ــ بر فرض صحت صدور آن ــ این روایت به جهت دفع اندیشه های غالیانه رایج در آن دوران، صادر شده است. ضمن آنکه روایت نخست از دو روایت پیشین، تنها در صدد تثبیت عصمت از گناه بوده و روایت دوم نیز اگر چه عصمت از اشتباه را مورد تأکید قرار داده، اما از آنجا که به طور مطلق بر این مطلب صحه گذاشته است، قابلیت تقیید به «عصمت از اشتباه در امور دینی» را دارد. از این رو می توان نتیجه گرفت که ــ بر فرض صحت صدور روایت اخیر ــ امام کسی است که دست کم از گناه و اشتباه در امور دینی معصوم است، اما امکان اشتباه در امور عادی زندگی از جانب وی وجود دارد.

با این وجود، انصاف این است که چون روایت اخیر مقطوع بوده و شرایط حجیت را ندارد، نمی تواند ملاک داوری قرار گیرد، بنابراین نمی توان بر این باور

۱- «ان الامام مؤید بروح القدس وبینه وبین الله عمود من نور یری فیه اعمال العباد و کلما احتاج إلیه لدلاله اطلع علیه ویبسطه فیعلم ویقبض عنه فلا یعلم والامام یولد و یلد و یصح و یمرض... وینسی و یسهو و یفرح ویحزن... ». الخصال، ج۲، ص۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۱۴؛ کشف الغمه، ج۲، ص۲۹۱؛ بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۱۷.

شد که امام از اشتباه در امور عادی زندگی، معصوم نیست.

نتیجه گیری

از بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این مقام این نتیجه به دست می آید که اولاً امام علیه السلام نه تنها از گناهان، بلکه از تمام اشتباهات معصوم است؛ ثانیاً این عصمت، مرهون لطف و عنایت پروردگار است.

۳-۲. علم

اشاره

از دیگر مسائلی که از دیرباز مورد توجه متکلمان و دیگر اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است، مسئله علم امام است. ویژگی و قلمرو علم امام از مهم ترین مسائلی است که بیشترین حجم را در منابع کلامی به خود اختصاص داده است. با توجه به بیانات نورانی امام رضا علیه السلام مباحث راجع به علم امام را می توان در دو قسمت عمده ارائه کرد:

۳-۲-۱. ماهیت علم امام

آیا علم امام ــ دست کم علوم مربوط به امر امامت ــ اکتسابی و حصولی است یا آنکه خداوند متعال این علوم را به وی عطا می کند؟

روشن است که اگر علم امام، علمی اکتسابی و بشری باشد، امکان اشتباه در آن قابل تصور است؛ در حالی که اگر این علم از چشمه سار خزانه علم الاهی به قلب امام سرازیر شده باشد، خطا و اشتباه در آن راه نخواهد داشت.

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بیانات متعدد خود بر موهبتی بودن علم ائمه علیهم السلام تأکید کرده است:

«[الامام] المخصوص بالعلم... مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له ولا اکتساب... إن الانبیاء والائمه صلوات الله علیهم یوفقهم الله و یؤتیهم من

مخزون علمه و حکمه ما لا یؤتیه غیرهم؛(۱)

امام کسی است که خداوند، علم و تمام فضایل را _ بدون آنکه آن را طلب، یا اکتساب کند _ به او اختصاص داده است... همانا خداوند، پیامبران و ائمه علیهم السلام را توفیق داده و آنها را از خزانه علم و حکمت خود چنان می دهد که به کسی جز آنان نمی دهد.»

بر اساس عبارت فوق، ائمه و پیامبران، علوم خود را از خزانه حکمت خداوند دریافت می کنند و چنان نیست که همچون سایر دانشمندان به طور اکتسابی به تحصیل آن پرداخته باشند.

در همین باره، فضل بن شاذان از محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل می کند که وی سؤالاتی را از امام رضا علیه السلام پرسید. امام علیه السلام در ضمن پاسخ به یکی از سؤالات، به مسئله علم امام اشاره کرد و فرمود:

«إِنَّهُمْ عُلَمَاءُ صَادِقُونَ مُفَهَّمُونَ مُحَدَّثُون»(۲)

عبارت یادشده بر مفَهَّم و مُحَدَّث بودن ائمه از ناحیه خداوند تأکید می کند. این دو ویژگی از دیرباز به وسیله رسول گرامی اسلام ۶(۳) و ائمه پیشین نیز بیان شده بود.(۴)

اینکه خداوند متعال، چگونه به ائمه علیهم السلام علومی را عطا کرده است، مسئله ای است که پاسخ آن را می توان در بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یافت. حضرت ثامن الائمه ۷ در این باره می فرماید:

«هنگامی که خداوند، بنده ای را برای رسیدگی به امور بندگانش بر می گزیند،

۱- الکافی، ج۱، ص۲۰۲ و ۲۰۳؛ تحف العقول، ص۴۴۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۲۱؛ الامالی، ص۶۷۹؛ معانی أخبار، ص۱۰۰؛ کمال الدین، ج۲، ص۶۸۰؛ غیبت نعمانی، ص۲۲۲؛ الاحتجاج، ص۴۳۶؛ بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۲۷.
۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۸ – ۲۰.
۳- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من اهل بیتی اثنی عشر محدثا». بصائر الدرجات، ص۳۲۰.
۴- رک: الکافی، ج۱، ص۲۷۱؛ بصائر الدرجات، ص۳۲۰_ ۳۲۲؛ کشف الغمه، ج۲، ص۳۰۱.

سینه او را وسعت می بخشد و چشمه های حکمت را در قلب او به ودیعه می گذارد و علم را به او الهام می کند».(1)

روشن است که در جایی که علم، صبغه الاهی به خود بگیرد، سخن از خطاپذیر بودن آن، بی معنا است.

۳-۲-۲. قلمرو علم امام

اشاره

از جنجالی ترین مباحث در حوزه علم امام، بحث از قلمرو این علم است. آیا خداوند، تمام علوم ــ اعم از علوم دینی و غیر دینی ــ را به امام تفویض کرده یا آنکه تنها علوم دینی را به وی داده است؟

بحث یادشده در تاریخ کلام امامیه، همواره شاهد نظرات گوناگونی بوده است. چنان که بزرگانی همچون سید مرتضی (۴۳۶ق)، (2) شیخ طوسی (۴۶۰ق)(3) و سدید الدین حمصی (۵۸۵ق)(4) بر انحصار علم امام در علوم مربوط به دین تأکید کرده اند؛ اما در مقابل، متکلمانی همچون ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)(5) و ابن میثم بحرانی (۶۹۹ق)(6) علم امام را شامل علوم غیر دینی نیز دانسته اند. به طور کلی قلمرو علم ائمه در بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در قالب عناوین زیر قابل بحث است:

ص:۱۸۹

۱- «وإن العبد إذا اختاره الله عز وجل لامور عباده، شرح صدره لذلک و أودع قلبه ینابیع الحکمه، وألهمه العلم إلهاما» الکافی، ج۱، ص۲۰۲ و ۲۰۳؛ تحف العقول، ص۴۴۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۲۱؛ الامالی، ص۶۷۹؛ معانی أخبار، ص۱۰۰؛ کمال الدین، ج۲، ص۶۸۰؛ غیبت نعمانی، ص۲۲۲، طبرسی؛ الاحتجاج، ص۴۳۶؛ بحارالانوار، ج۲۵، ص۱۲۷.

۲- الشافی، ج۳، ص۱۶۵.

۳- تمهید الاصول، ص۳۶۶؛ تلخیص الشافی، ج۱، ص۲۵۲.

۴- المنقذ من التقلید، ج۲، ص۲۹۲.

۵- تقریب المعارف، ص۱۷۴.

۶- قواعد المرام، ص۱۷۹؛ النجاه فی القیامه، ص۱۵۲.

الف. برتری علم امام، بر علم سایر عالمان عصر خود

امام رضا علیه السلام علم ائمه را برتر از علم عالمان عصر خود می داند:

«امام عالمی است که جهل در او راه ندارد... پس علم آنها برتر از تمام مردم عصر خود است».(۱)

ب. علم به بلایا و منایا و انساب عرب

در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، امام کسی است که علم به بلایا و منایا و انساب عرب دارد.(۲) امام رضا علیه السلام پس از بیان اینکه ائمه، امین الله هستند، می فرماید: «نزد ما علم بلایا و منایا و انساب عرب وجود دارد...».(۳)

ج. علم امام به باطن و حقیقت ایمان افراد

امام کسی است که به باطن افراد علم دارد. امام رضا علیه السلام در ادامه روایت پیشین می فرماید:

«... همانا ما هنگامی که کسی را می بینیم، او را در این باره که ایمان یا نفاق دارد، می شناسیم».(۴)

بر اساس این روایت، امام از حقیقت ایمان یا نفاق افراد و اینکه چه کسی حقیقتاً بر اسلام تولد یافته است، خبر دارد.

نکته شنیدنی این است که اصحاب امام رضا علیه السلام ــ که از برخورداری امام از چنین علمی خبر داشتند ــ گاه با مراجعه به امام، از ایشان درخواست می کردند تا

۱- «و الامام عالم لا یجهل... فیکون علمهم فوق علم أهل الزمان. » الکافی، ج۱، ص۲۰۲.

۲- مقصود از علم منایا علم به زمان و نحوه مرگ مردم است و مقصود از علم بلایا آگاهی از حوادث ناگواری است که برای مردم رخ می دهد. رک: علم امام از دیدگاه کلام امامیه، ص۵۲.

۳- الکافی، ج۱، ص۲۲۳؛ بصائر الدرجات، ص۱۳۸،۱۳۹ و ۲۸۷؛ تفسیر القمی، ج۲، ص۱۰۴.

۴- الکافی، ج۱، ص۲۲۳

وضعیت ایشان را روشن سازد؛ چنان که مرزبان بن عمران روزی از امام علیه السلام خواستار این مطلب شد و امام نیز به وی یادآور شد که نام او در زمره نام شیعیان قرار دارد.(۱)

د. علم امام به زمان، مکان و کیفیت شهادت خود

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بیانات خود تأکید می کند که امام از زمان وفات خود خبر دارد.(۲) ایشان افزون بر آنکه علم امیرالمؤمنین علیه السلام به زمان وفات و نیز قاتل خود را تأیید می کند، (۳) از زمان، مکان و کیفیت وقوع وفات خود نیز برای اصحاب خود خبر داده است، چنان که خود به دفعات بر مسموم شدن خود تأکید کرده است.(۴)

همچنین در این باره از مسافر، یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام، نقل شده است که شب پیش از شهادت امام علیه السلام، از ایشان شنید که فرمودند: «دیشب رسول اکرم ۶را در خواب دیدم و ایشان فرموده اند: یا علی، آنچه نزد ماست برای تو بهتر است.»(۵)

هم چنین عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «من مظلومانه با سمّ کشته می شوم و کنار هارون دفن خواهم شد.»(۶) همچنین یک بیت شعر منسوب به امام رضا علیه السلام است که در آن، طوس را مکان دفن خود دانسته اند و این شعر نیز بیان گر علم آن حضرت به مکان دفن خود می باشد.(۷)

۱- ر ک: بصائر الدرجات، همان، ص۱۷۲.

۲- بصائر الدرجات، ص۴۸۱.

۳- الکافی، ج۱، ص۲۵۹.

۴- الامالی، ص۶۱۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۰۴ و ج ۲، ص ۲۰۳.

۵- «إِنِّی رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص الْبَارِحَهَ وَ هُوَ یَقُولُ یَا عَلِیُّ مَا عِنْدَنَا خَیْرٌ لَک» بصائرالدرجات، ص۴۸۳.

۶- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۲۷.

۷- «و قبر بطوس یا لها من مصیبه توقد فی الاحشاء بالحرقات» عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۶۴؛ روضه الواعظین، ج۱، ص۲۳۶.

ه. علم به تمام لغات

بر اساس تصویری که از جایگاه مقام امامت در سخنان امام رضا علیه السلام ارائه گشت، گفته شد که از آنجا که امام، حجت و خلیفه خدا بر تمام کائنات است، باید به تمام لغات و زبان تمام انسان ها و حیوانات آگاه باشد. در این باره نقل شده است که اباصلت هروی از اینکه امام رضا علیه السلام با تمام مردم با زبان خودشان سخن می گفت، شگفت زده شده و از ایشان در این باره سؤال کرد. امام در پاسخ فرمودند: «ای اباصلت! من حجت خدا بر خلق او هستم و خداوند، کسی را که زبان اقوام مختلف را نداند، به عنوان حجت خود برنمی گزیند».(۱)

و. علم به اعمال شیعیان

از برخی بیانات امام رضا علیه السلام استفاده می شود که امام علیه السلام از اعمال شیعیان خود خبر دارد. عبدالله بن ابان الزیات نقل می کند که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «برای خود و خانواده ام دعا کنید». امام علیه السلام فرمود: «آیا من چنین نمی کنم؟ به خدا سوگند، اعمال شما هر روز و شب بر ما عرضه می شود».(۲)

ز. مطلق بودن علم امام

از برخی بیانات امام رضا علیه السلام استفاده می شود که خداوند متعال، علم مطلق را به امام عنایت کرده است. عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس از تبیین جایگاه امامت می فرماید:

«هنگامی که خدای عزوجل، بنده ای را برای اصلاح امور بندگانش انتخاب فرماید، سینه اش را برای آن کار باز می کند و چشمه های حکمت را در دلش می گذارد و علمی به او الهام می کند که از آن پس از پاسخی در نماند و از درستی

۱- «يَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ». عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۲۸؛ کشف الغمه، ج۲، ص۳۲۹؛ بحارالانوار، ج۴۹، ص۸۷.

۲- بصائر الدرجات، ص۴۲۹ و ۴۳۰.

منحرف نشود...»(۱)

نتیجه گیری

بر اساس بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علم امام که موهبتی از جانب خداوند به او می باشد، افزون بر آنکه خطاناپـذیر و برتر از علم تمـام عالمـان است، علمی کامـل و مطلق بوده و شامـل علم به بـاطن افراد، علم به منایا و بلایا، علم به تمام لغات، علم به زمان و مکان و کیفیت شهادت و علم به اعمال شیعیان می شود.

۳-۳. نصب

از جمله مهم ترین مسائـل در حوزه امـامت، مسئله راه تعیین امـام است. در منظومه انـدیشه ورزی عالمان اهل سـنت، راه تعیین خلیفه، چیزی جز انتخابـات مردمی یا شورای اهل حلّ و عقـد نیست؛ (۲) امـا شـیعه امامیه با اعتقاد به نظریه «نصب الاهی امام»، راه خود را از اهل سـنت جدا کرده است. در حقیقت، آنجا که عصـمت به عنوان رکن اساسـی متصدی منصب امامت شـناخته شد، راه اثبات نظریه نصب الاهی امام نیز هموار می شود.

ائمه اطهار علیهم السـلام، افزون بر نظریه پردازی در این باره، عملاً به معرفی جانشـینان خود _ که از طرف خـدا منصوب شده بودند _ نیز پرداخته اند.(۳)

عالم آل محمد صـلی الله علیه و آله و سلم پس از ارائه تصویری شامخ از مقام امامت، نسبت به کسانی که راجع به مقام امامت سخن به میان می آورند، فرمود: «آیا آنها منزلت امامت و

۱- «وإن العبـد إذا اختـاره الله عز وجل لامور عباده شـرح صـدره لـذلك و أودع قلبه ينابيع الحكمه و ألهمه العلم إلهاما فلم يعي بعـده بجـواب و لاـ يحير فيه عن الصواب... »؛ الكـافی، ج۱، ص۲۰۲ و ۲۰۳؛ تحـف العقول، ص۴۴۱؛ غیبت نعمـانی، ص۲۲۳؛ الامالی، ص۶۸۰؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۲۲؛ معانی أخبار، ص۱۰۱.

۲- به عنوان نمونه رک: شرح المقاصد، ج۵، ص۲۵۲ و ۲۵۳؛ شرح المواقف، ج۸، ص۳۵۱.

۳- در این باره رک: الکافی، ج۱، ص۲۹۲ – ۳۲۹.

جایگاه آن نسبت به امت را می دانند تا انتخاب امام برایشان جایز باشد، همانا امامت اندازه ای فراتر و مقامی والاتر و موقعیتی بالاـتر و آسـتانی منیع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم بـا عقـل خود بـدان رسـند یـا بـا نظر خود آن را درک کننـد یـا به انتخاب خود امامی بگمارند».(۱)

ایشان با انتقاد از کسانی که به دنبال یافتن مصـداق امام در غیر خاندان پیامبر اکرم ۶ هستند، امامت را فضلی از جانب خداوند دانسته اند که عقول ناقصه از تعیین آن ناتوان است.(۲)

همچنین امام رضا علیه السـلام در مجلسـی با شـکوه در دربار مأمون عباسی ـ که با حضور اندیشمندان اهل سنت برگزار شده بود ـ با اسـتناد به آیات قرآنی دالّ بر نصب الاهی حضـرت ابراهیم علیه السـلام به مقام امامت، و حضرت آدم و حضرت داود ۸به مقام خلافت، به تبیین مقام امامت ائمه اطهار: و مقام امامت و خلافت پیامبران یادشـده پرداخته و بر نظریه نصب الاهی امام تأکید کرده اند.(۳)

عالم آل محمد صـلی الله علیه و آله و سلم افزون بر تبیین نظریِ این مسئله، با معرفی امام جواد علیه السلام به عنوان امام پس از خود، به طور عملی نیز به تثبیت این نظریه نزد شیعیان کمک

۱- «هـل یعرفون قـدر الامـامه ومحلهـا من الامه فیجوز فیها اختیارهم، إن الامامه أجل قـدرا وأعظم شأنا وأعلا مکانا وأمنع جانبا وأبعـد غورا من أن یبلغهـا النـاس بعقولهم، أو ینالوها بآرائهم، أو یقیموا إماما باختیارهم» الکافی، همان، ج۱، ص ۱۹۹؛ الامالی، ص۶۷۵.

۲- «أتظنون أن ذلک یوجد فی غیر آل الرسول محمد صـلی الله علیه وآله کذبتهم والله أنفسهم... راموا إقامه الامام بعقول حائره بـائره نـاقصه.... بـل هو فضـل الله یؤتیه من یشـاء والله ذو الفضـل العظیم فکیف لهم باختیـار الامـام؟» الکـافی، ص۲۰۱؛ الامالی، ص۶۷۸.

۳- «إِنَّ الْإِمَامَهَ لَا تَکونُ بِفِعْلٍ مِنْهُ فِی نَفْسِهِ وَ لَا بِفِعْلٍ مِنَ النَّاسِ فِیهِ مِنِ اخْتِیَارٍ أَوْ تَفْضِیلٍ أَوْ غَیْرِ ذَلِک وَ إنها [إِنَّمَا یَکونُ بِفِعْلٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَی فِیهِ کمَا قَالَ لِإِبْرَاهِیمَ ع إِنِّی جاعِلُک لِلنَّاسِ إِماماً وَ کمَا قَالَ تَعَالَی لِدَاوُدَ ع یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناک خَلِیفَهً فِی الْأَرْضِ وَ کمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَائِکهِ فِی آدَمَ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً فَالْإِمَامُ إِنَّمَا یَکونُ إِمَاماً مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَی وَ بِاخْتِیَارِهِ إِیَّاه... » عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۹۵ و ۱۹۶.

شایانی کردند.(۱)

۳-۴. افضلیت

سخن از لزوم افضلیت امام و چیستی ملاک افضلیت، حکایتی کهن میان متکلمان شیعه و سنی دارد. برخی متکلمان معتزلی و اشعری، افضلیت را به معنای کثرت ثواب می دانند.(۲) متکلمان شیعی نیز در مواردی یکی از وجوه افضلیت را همین نکته دانسته و بر ارتباط وثیق، میان اطاعت خداوند و کثرت ثواب تأکید کرده اند، چنان که افضلیت در افعال ظاهری و امور مربوط به امامت نیز از دیگر وجوه افضلیت شمرده شده است.(۳)

به نظر می رسد افضلیت معنای روشنی داشته باشد و آن هم برتری در صفات کمالیه برای یک انسان است. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

«امام نشانه هایی دارد؛ از جمله اینکه عالِم ترین و برترین مردم در حکم کردن، باتقواترین، صبورترین، شجاع ترین، باسخاوت ترین، عابدترین ... و مطهَّر باشد».(۴)

صفات بیان شده در این روایت، همگی از صفات کمالیه به شمار می آیند و برایند برتری امام در این صفات، چیزی است که می توان آن را افضلیت امام دانست.

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بیان دیگری، امام را فردی بی بدیل در عصر خود معرفی کرده و می فرماید: «برای امام بدل و مثل و نظیری یافت نمی شود.»(۵)

۱- رک: الکافی، ج۱، ص ۳۲۰ – ۳۲۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۲۴۰.
۲- رک: شرح الاصول الخمسه، ص۵۱۹؛ شرح المواقف، ج۸، ص۳۷۲.
۳- الذخیره، ص۴۲۹؛ تلخیص الشافی، ج۱، ص۲۰۹؛ المنقذ من التقلید، ج۲، ص۲۸۶.
۴- «للامام علامات یکون اعلم الناس و احکم الناس و اتقی الناس و احلم الناس و اشجع الناس و اسخی الناس و اعبد الناس... و یکون مطهرا» الخصال، ج۲، ص۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۱۳؛ معانی أخبار، ص۱۰۲؛ من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۴۱۸.
۵- الکافی، ج۱، ص۲۰۱؛ الامالی، ص۶۷۷.

کلام یادشده نیز تأکیدی بر افضلیت امام از سوی امام رضا علیه السلام دارد، از این رو می توان یکی از صفات امام را از منظر امام رضا علیه السلام افضلیت وی دانست.

جمع بندی نهایی

نتایج به دست آمده از این نوشتار عبارت اند از:

بر اساس بیانات امام رضا علیه السلام متصدی منصب امامت، جایگاهی والا و رفیع داشته که با عناوینی همچون حجت الله، خلیفه الله و امین الله به آن اشاره شده است.

عناوین به کار رفته در شأن مقام امامت از سوی عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکایت از واسطه فیض بودن امام دارد؛ به گونه ای که نبودن امام روی زمین، موجب در هم پیچیده شدن نظام کیهانی عالم خواهد شد. ضمن آنکه صفاتی همچون عصمت، علم الاهی، نصب و افضلیت از اموری است که مقتضای روشن این مقامات است.

در دوران امامت حضرت رضا علیه السلام، مسئله عصمت پیامبران، بحثی جنجالی به شمار می آمد و ایشان با دفع شبهاتی در این باره، کمک شایانی به هموار شدن پذیرش عصمت امامان کردند.

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم افزون بر آنکه عصمت امام را موهبتی الاهی دانسته، قلمرو آن را علاوه بر عصمت از گناهان به عصمت از اشتباهات نیز توسعه داده است.

بیانات امام رضا علیه السلام در مسئله علم امام، گویای الاهی و خطاناپذیر بودن آن است؛ افزون بر آن، این علوم در علم احکام یا مطلقِ علوم دینی خلاصه نمی شود؛ بلکه امام علیه السلام عالم به جمیع علوم معرفی شده است.

امام رضا علیه السلام از کسانی که انتخاب امام را به عهده مردم می دانند، شدیداً نکوهش کرده و بر نصب الاهی امام تأکید می کند.

از جمله صفات امام در بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، افضلیت در صفات کمالیه همچون علم، شجاعت، عبادت، قضاوت و... است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، سیدمحمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.

۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، دارالحیل، بیروت، ۱۹۹۱م.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۵م.

۶. اسدآبادی معتزلی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۷. ____________________، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، مطبعه دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۹۶۲م.

۸. اربلی، محمد بن عیسی، کشف الغمه، نشر بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.

۹. اوجاقی، ناصرالدین، علم امام از دیدگاه کلام امامیه از قرن اول تا هفتم هجری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم، ۱۳۸۸ش.

۱۰. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، کتابخانه مهر، قم، ۱۳۹۸ ق.

۱۱. ______________________________، النجاه فی القیامه، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر،، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۱۳. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ق.

۱۴. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه:، انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۸۷ش.

۱۵. جرجانی، میرشریف، شرح المواقف، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۳۲۵ق.

۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، دارالملآئین، قم، ۱۹۹۰م.

۱۷. حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، تحقیق فارس تبریزیان، ناشر المحقق، ۱۴۱۷ق.

۱۸. حقی برسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دار الفکر، بیروت، بی تا.

۱۹. حلی، حسن بن یوسف، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق محمد نجمی زنجانی، انتشارات الرضی، انتشارات بیدار، بی تا.

۲۰. ______________________، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۲ق.

ص:۱۹۷

۲۱.حمصی رازی، سدیدالدین محمود، المنقذ من التقلید، موسسه النشرالاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق.

۲۲.خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.

۲۳.راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۳۲ش.

۲۴.زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالمکتبه الحیاه، بیروت، بی¬تا.

۲۵.زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۲۶.شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۴ش.

۲۷.شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ق.

۲۸.________________، الخصال، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش.

۲۹.________________، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.

۳۰.________________، کمال الدین، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.

۳۱.________________، معانی الاخبار، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ق.

۳۲.________________، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.

۳۳.صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.

۳۴.شرفی، احمد بن محمد بن صلاح، عده الاکیاس فی شرح معانی الاساس، دارالحکمه الیمانیه، صنعاء، ۱۹۹۵م.

۳۵.طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.

۳۶.شیخ طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تحقیق حسن سعید، مکتب جامع چهل ستون، تهران، ۱۴۰۰ق.

۳۷.________________، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی¬تا.

۳۸.________________، تلخیص الشافی، مکتبه العلمی الطوسی و بحرالعلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۳ق.

۳۹.________________، تمهید الاصول فی علم الکلام، تصحیح عبدالمحسن مشکوه الدینی، انتشارات

دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ش.

۴۰.طوسی، خواجه نصیر الدین، تلخیص المحصل، دارالاضواء، بیروت، ۱۹۸۵م.

۴۱.علم الهدی، سیدمرتضی، الامالی، دار الفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۸م.

۴۲.______________________، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.

ص:۱۹۸

۴۳.______________________، الشافی فی الامامه، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ق.

۴۴.فاریاب، محمدحسین، پایان¬نامه بررسی مسئله عصمت امام از دیدگاه متکلمان امامیه تا پایان قرن پنجم هجری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم، ۱۳۸۶ش.

۴۵.فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ق.

۴۶.فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، دار الهجره، قم، ۱۴۰۵ق.

۴۷.القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۷ش.

۴۸.کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.

۴۹.کرمانی، حمید الدین، المصابیح فی اثبات الامامه، منشورات احمد، بیروت، ۱۹۶۹م.

۵۰.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۵۱.مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم، ۱۳۷۶ش.

۵۲.مظهری، محمد ثناءالله، التفسیر المظهری، مکتبه رشدیه، پاکستان، ۱۴۱۲ق.

۵۳.مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الامامیه، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۵۴.ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶ق.

۵۵.نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، تحقیق محمدباقر بهبودی، مکتبه المرتضویه لاحیاء آلاثار الجعفریه، بی¬جا.

۵۶.النسفی، میمون بن محمد، تبصره الادله فی اصول الدین، دمشق، ۱۹۹۳م.

۵۷.نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷م.

۵۸.نیشابوری، محمد بن فتال، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم، بی¬تا.

۵۹.الولید، علی بن محمد، تاج العقائد و معدن الفوائد، موسسه عزالدین، بیروت، ۱۴۰۳ق.

شناسایی و رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس

اشاره

o علیرضا پاکدین امیری

چکیده

هدف از مقاله حاضر، شناسایی و رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس می باشد. در این مسیر با اساس قرار دادن سه حدیث امام رضا علیه السلام در توصیف ویژگی مدیریتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان معیار در درخت تصمیم سلسله مراتبی، و استخراج متغیر های زیر مجموعه به عنوان گزینه، با استفاده از ابزارهای مراجعه به اسناد و مدارک، در قالب روش تحقیق غیرآزمایشی، به تجزیه و تحلیل وضعیت متغیرها پرداخته شده است. لذا درخت تصمیم، کامل و مسأله با کمک الگوریتم یاد شده حل شد. از این میان، نتایج تحقیق نشان داده است که از متغیر های شناسایی شده، کنترل، رهبری، دادگستری، زهد، انصاف، برنامه ریزی و بی ریایی نسبت به دیگر متغیر ها

ص:۲۰۱

در اولویت قرار دارنـد. در پایان مقاله، نتیجه گیری و مواردی چنـد در خصوص ادامه و پیگیری تحقیقات مشابه در آینده ارائه شده اند.

واژگان کلیدی: سیره مهدوی، کنترل، رهبری، دادگستری، زهد، تاپسیس.

مقدمه

با عنایت به ازدیاد تمرکز محققان علوم سازمانی بر ویژگی های مـدیریتی و جهت گیری مقاله حاضـر بر سـیره حضـرت حجت علیه السـلام از نگـاه امام رضا علیه السـلام، شالوده های اصـلی این اثر را بر سه حـدیث رضوی در بیان سـیره مهـدوی قرار می دهیم. این احادیث شریف با مرکزیت ساده زیستی، سیاستمداری و عدالت بیان شده اند.

امام صادق علیه السـلام شـیوه زنـدگی پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و سـیره امیرالمؤمنین علیه السـلام را الگوی عملی امام زمان معرفی کرده است. امام رضا علیه السلام درباره ساده زیستی و رعایت زهد در زندگی آن حضرت می فرمایند:

«وما لِباسُ القائِم الاّ الغلیظَ وَما طَعامُهُ الاّ الجَشب؛

لباس او پارچه خشن و غذای او بسیار ساده است».

امام رضا علیه السلام درباره توان رهبری و سیاستمداری آن حضرت می فرماید:

«مُضطَلِعٌ بِالإمامَهِ، عالمٌ بِالسِّیاسَهِ؛

او بر امر امامت و رهبری امت، توانمند، و به نحوه اداره امور جامعه آگاه است».

همچنین در برخی از زیارات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را «صاحب تدبیر» صفت داده اند:

«السلام علیک یا صاحب التدبیر؛

سلام بر تو ای صاحب تدبیر».

در این عبارت، سلام با وصف صاحب تدبیر همراه شده است. شاید در نگاه

ص:۲۰۲

نخست به نظر برسد که وصف مدبّر برای بیان تدبیر رساتر باشد، ولی با دقت در تفاوت این دو، ظرافت های نهفته در این تعبیر بیشتر آشکار می شود. «صاحب» همراهی مستمر و زندگی با شخص یا چیزی را می رساند و «تدبیر» به معنای عمق و استمراربخشی به کار و برنامه ریزی است؛ به گونه ای که کار ابتر نماند و ادامه یابد. این معنا ریشه در بررسی امور پنهان حوادث و کارها و عاقبت آنها دارد که معنای دیگر تدبیر است. بنابراین «صاحب تدبیر» کسی را گویند که همیشه همراه تدبیر و هم نشین آن است؛ کسی که با همه تدبیرها ــ در هر گوشه عالم و در هرکجای تاریخ که باشند ــ همراهی دارد و آغاز و انجام و پنهان و آشکار آن را می داند. این همراهی و هم نشینی، بینش و بصیرتی می آورد که به طور طبیعی، هر تدبیری را در طرح او قرار می دهد.

عدالت از جمله خصوصیات بارز در سیره امام مهدی علیه السلام است؛ چنان که در دعای افتتاح، به «عَدل» یعنی مجسمه تمام نمای عدالت، ملقّب شده است:

«اللّهمَّ وصَلِّ علی ولی أمرِکَ القائِمِ المُؤَمَّلِ وَالعَدْلِ المُنْتَظَر؛

خدایا بر ولی امرت، قائمی که مردم آرزومند ظهورش هستند و آینه تمام نمای عدالت، که همه در انتظارش به سر می برند، درود فرست».

در زمان ظهور، عدالت به همه زوایای جامعه نفوذ خواهد کرد و جهان آکنده از عطر آن خواهد شد. همچنان که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«أما واللهِ لَیدخُلَنَّ عَلَیهم عَدْلُه جوفَ بیوتِهِم کَما یدْخُلُ الحَرُّ والقَرُّ؛

به خدا قسم عدالت درون خانه ها و زندگی مردم راه یافته و در همه جا گسترش می یابد، همان طور که سرما و گرما در آنها رخنه می کند».

و فراگیری و گسترش عدالت تا حدّی است که هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند و امنیت اجتماعی استقرار کامل می یابد. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«فإذا خَرَجَ أشْرَقَتِ الأرضُ بنورِ رَبّها ووَضَع میزانَ العدلِ بَینَ النّاسِ فَلا یظلمُ احدٌ احداً؛

ص:۲۰۳

وقتی آن حضرت قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشنایی می یابد. او عدالت را در بین مردم برپا می کند، به گونه ای که هیچ فردی، دیگری را مورد ظلم و ستم قرار نمی دهد».

و این همـان عـدالتی است که در روایات فراوانی، به تحقّق آن بشارت داده انـد. امام رضا علیه السـلام در نقل روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«لا تَذهبُ الدّنیا حتّی یقومَ بأمر أُمّتی رجلٌ مِن وُلْدِ الحسین علیه السلام یمْلأُها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلماً وَجوراً؛

دنیا سپری نمی شود تا اینکه مردی از نسل امام حسـین علیه السـلام به امر امّتم قیام نموده و آن را همچنان که از ظلم و سـتم پر شده، مملوّ از عدالت سازد».

با توجه به آنچه از احادیث امام رضا علیه السـلام با محوریت ساده زیستی، سیاسـتمداری و عـدالت بیان شـد و از آنجا که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در زمان ظهور به عنوان مدیری توانمند در جهان حکومت خواهند کرد، می توان سیره آن حضـرت را به عنوان مکتب عملی پیروان ایشان مـد نظر قرار داد. بنابراین مدیران سازمان ها با اخذ این خصـیصه و پیاده سازی متـدهای رفتـاری می تواننـد به بالاـ بردن توان خود در اداره سازمـان نائـل آینـد. در ذیـل به بیان ادبیات موضوعی از مـدیریت سازمان خواهیم پرداخت.

ظهور سازمان های اجتماعی و گسترش روزافزون آنها، از ویژگی های بارز تمدن بشـری است؛ به طوری که با توجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی، و ویژگی ها و نیاز های خاص جوامع مختلف، روزه، همه سازمان های اجتماعی گوناگونی ظهور و گسترش می یابند و بر تعدادشان افزوده می شود. در این زمینه نردیک معتقد است: «از زمان پیدایش زندگی اجتماعی انسان و شروع تاریـخ، مردم همیشه بـا هم کار می کننـد. افراد، قبائل، شـهرها و ملت ها، به منظور نیل به اهـداف و رسالاتی که تنهایی قادر به دسترسی به آنها نیستند، در قالب تشکیل سازمان ها به هم

می پیوندند و هماهنگ با هم عمل می کنند».(۱)

«اتزیونی»، اجتماع امروز را جامعه سازمانی معرفی می کند و معتقد است: «که انسان امروزی از لحظه تولد در بیمارستان تا لحظه مرگ و دفن شدن در گورستان، در سازمان ها به سر می برد. زایشگاه، مهد کودک، کودکستان، مدرسه، دانشگاه، محل خدمت سی ساله و بالاخره گورستان، از جمله سازمان هایی هستند که انسان ها مستقیماً با آن ها در ارتباط است؛ ضمن آنکه به صورت غیرمستقیم با سازمان های بی شمار دیگری نیز ارتباط دارد.(۲)

بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهداف خود، به نوعی مدیریت متناسب با ساختارش نیازمند است. درک ضرورت اداره کردن، مربوط به روزگار اخیر نیست؛ بلکه از دیرباز، بشر متوجه شده است که برای رسیدن به یک هدف، لازم است به بسیج امکانات و رهبری آنها برای تحقق آن هدف اقدام کند.(۳)

امروزه سازمان ها به مدیران و کارکنان اثربخش و کارآمد نیاز دارند تا بتوانند به اهداف خود و رشد و توسعه همه جانبه دست یابند. مدیر، به عنوان نماینده رسمی سازمان، برای ایجاد هماهنگی و افزایش بهره وری در رأس سازمان قرار دارد و موفقیت سازمان در تحقق اهداف در گرو چگونگی اعمال مدیریت و سبک های مؤثر رهبری اوست. الگوهای رفتاری مناسب مدیر در هر سازمان باعث به وجود آمدن روحیه و انگیزه قوی در کارکنان می شود و میزان رضایت آنها را از شغل و حرفه خویش افزایش می دهد. تقریباً بیشتر متخصصان علم مدیریت بر این نکته توافق دارند که سبک رهبری، مجموعه ای از نگرش ها، صفات و مهارت های مدیران است که بر پایه چهار عاملِ نظام ارزش ها، اعتماد به کارمندان، تمایلات رهبری و

ص:۲۰۵

۱- Analysis of success factors of public.

۲- Management of organization behavior.

۳- مبانی سازمان مدیریت.

احساس امنیت در موقعیت های مبهم شکل می گیرد.

امروزه اکثر متخصصان مدیریت، نظیر «لوسیر» (۱۹۹۷)، «فیدلر» (۱۹۸۸)، «هرسی و بلانچارد» (۱۹۹۳) و «گوردون» (۱۹۹۴) معتقدند سبک رهبری یک مدیر با توجه به متغیرها و عواملی که شکل می گیرد در محیط سازمانی و یا حتی خارج سازمان وجود دارد. از این رو یک مدیر می تواند در موقعیت های گوناگون، سبک های متفاوت را برای رهبری مجموعه زیردست خود برگزیند.(۱) تحقیقات نشان داده است که بهره وری و تعهد سازمانی، رابطه تنگاتنگی با سبک مدیریت مدیر دارد.(۲)

مستند به بیان مسئله مذکور ــ که بیانگر نقش و اهمیت توجه به موضوع است ــ در این تحقیق، عوامل مدیریتی مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر رویکرد این مقاله، ارائه پژوهشی نوع شناسانه بر عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس خواهد بود که دارای سه معیار ساده زیستی، سیاستمداری و عدالت، و دوازده گزینه شامل ساده زیستی با دو گزینه زهد و بی ریایی، معیار سیاستمداری با شش گزینه برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل، ارتباطات، رهبری و سرمایه انسانی، و معیار عدالت با چهار زیر مجموعه انصاف، دادگستری، متانت و تعادل فکری می باشد، که در شکل ذیل مشاهده می شود.

۱- predictors of leaders ... edocation, p۶-۹۰۰.

۲- On the hearitablity of personality, p۷۵۰.

شکل شماره یک _ مدل مفهومی تحقیق

عموما در تحقیقاتی که به دنبال یافتن چیستی پدیده هستیم و یا افراد را در مورد پدیدهای مختلف، جستجو می کنیم، باید به طرح سؤال اقدام کنیم.(۱) بنابراین در این قسمت، به جای بیان فرضیه (یا فرضیات)، سؤال ویژه تحقیق بدین شرح بیان می شود. رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر معیارهای سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس چگونه است؟

مواد و روش ها

در مورد روش شناسی تحقیق در کتاب های مختلف، نظر ها و دیدگاه های متفاوتی عنوان شده است.(۲) تشّتت آرا در این زمینه _ مانند سایر مباحث در علوم انسانی _ به حدّی است که نمی توان نظر واحدی ارائه کرد. با توجه به دو رویکرد «خردگرایانه» و «طبیعت گرایانه» و دو دسته روش های تحقیق منتج از آنها به

ص:۲۰۷

۱- کاربرد روش های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت ؛ بررسی عوامل مؤثر بر تغییر قیمت شاخص سهام در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد فازی .

۲- ارائه مدل پیشی بینی شاخص کل قیمت با رویکرد شبکه های عصبی، ص۸۳ _ ۱۰۸.

نـام هـای روش هـای کمّی و کیفی(۱) تحقیـق حاضـر در هر دو گروه قرار می گیرد و بـا تـوجه بـه ویژگی آزمایشـی یـا غیر آزمایشی بودن تحقیقات، روش تحقیق حاضر، روشی پیمایشی(۲) محسوب می شود. در کلی ترین تقسیم بندی، روش تحقیق را کتابخانه ای و میدانی در نظر گرفته اند که در تحقیق حاضر، از هر دوی این روش ها استفاده شده است.

بر این اساس ابتـدا جوانب و موضوعات مطالعاتی مربوط به ساختار و هم چنین مطالعات و تحقیقات مشابه انجام شـده در مورد موضوع تحقیق، مورد بررسـی قرار گرفتند و سـپس با استفاده از مطالعات میدانی انجام شده، داده ها ارزیابی شدند. جمع بندی نهایی این که، در تحقیقات مدیریتی به دو روش، فرضیات (سؤالات) تأیید یا رد خواهند شد که عبارتند از:

۱- استفاده از فنون آماری

۲- استفاده از فنون غیرآماری مانند تحقیق در عملیات.

درگروه اول از فنون آمار استنباطی و آزمون فرضیات استفاده خواهد شد ولی در گروه دوم با استفاده از فنونی مانند تحقیق در عملیات از طریق بهینه سازی مسأله تصـمیم، فرضیات (سؤالات) تأیید یا رد خواهند شد.(۳) تحقیق حاضر با توجه به این تقسیم بندی در گروه دوم قرار می گیرد.

قلمرو موضوعی تحقیق حاضر را مباحث مرتبط با علوم مدیریت و سازمان تشکیل داده اند. متغیرهای تحقیق _ از نظر نقشی که در پاسـخ دادن به سؤالات یا آزمون فرضـیات ایفا می کننـد _ به سه معیارِ عوامل ساده زیستی، سیاسـتمداری و عدالت تقسـیم شده اند.

۱- روش های تحقیق در علوم رفتاری، ص۷۷.

۲- روش های تحقیق در علوم رفتاری، ص۷۹.

۳- فنون آمار استنباطی در پژوهش های مدیریتی و رفتاری، ص۳۴.

روش های مختلفی برای تعیین اعتبار (روایی) ابزار انـدازه گیری وجود دارد که یکی از آنها پرسـش از متخصـصان و خبرگان است.(۱) ابزار انـدازه گیری تحقیق حاضـر دارای اعتبار است؛ زیرا معیار مورد انـدازه گیری، از ادبیات موضوعی تحقیق گرفته شده اند و به عبارتی توافق خبرگان امر در مورد آنها ابتیاع شده است.

TOPSIS

این روش در سال ۱۹۸۱ توسط «هوانگ» و «یون» ارائه شد.(۲) در این روش، m گزینه به وسیله n شاخص ارزیابی می گردد و هر مسئله را می توان به عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت. این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با ایده آل مثبت (+A) و بیشترین فاصله را با ایده آل منفی (-A) داشته باشد.(۳)

ماتریس D را به کمک نرم اقلیدسی به یک ماتریس بی مقیاس شده تبدیل می کنیم:

$$j=(1,....,n)\ rij=rij/1 \quad (1)$$

ماتریس به دست آمده ND نامیده می شود. پس از آن، ماتریس بی مقیاس موزون را به دست می آوریم:

$$V=ND\times Wn*n \quad (2)$$

که در این رابطه V ماتریس بی مقیاس موزون و W یک ماتریس قطری از وزن های به دست آمـده برای شاخص ها می باشد. سپس با توجه به فرمول زیر+A و -A را به دست می آوریم:

ص:۲۰۹

۱- روش هـای تحقیق در علوم رفتـاری، صـص۱۶۶ _ ۱۷۱؛ روش تحقیـق در علـوم اجتمـاعی، ص۱۳۹؛ تبیین مـدل معادلات ساختاری... بهادار تهران و بررسی عوامل موثر بر تغییر... رویکرد فازی.

۲- multiple ... application.

۳- Mutti ... comparison; Fuzzy ... provider.

(۴) معادله شماره (۴)

(۵)   معادله شماره (۵)

(۶) معادله شماره (۶)

(۷) معادله شماره (۷)

اندازه فاصله بر اساس نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل منفی و گزینه مثبت و همین اندازه را به ازای راه حل ایده آل مثبت و گزینه منفی به صورت زیر به دست می آوریم:

(۸) معادله شماره (۸)

(۹) معادله شماره (۹)

نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل را به صورت زیر محاسبه می کنیم.

(۱۰) معادله شماره (۱۰)

هر گزینه به راه حل ایده آل نزدیک تر باشد، مقدار آن به یک نزدیک تر خواهد بود. بر اساس ترتیب نزولی ها، می توان گزینه های موجود را بر اساس بیشترین اهمیت رتبه بندی نمود.(۱)

نتایج و یافته ها

محاسبه نرخ ناسازگاری ماتریس های مقایسه ای در صورتی که تعداد پرسش شوندگان بیش از یک نفر باشد، براساس میانگین هندسی پرسش شوندگان صورت خواهد گرفت. با توجه به آنچه ذکر شد، ابتدا ماتریس تصمیم را تشکیل می دهیم. (جدول شماره ۱)

۱- تصمیم گیری کاربردی؛ رویکرد M.A.D.M، صص۱۲۷ _ ۱۳۰.

ساده زیستی

سیاستمداری

عدالت

زهد

۸

۶

۹

بی ریایی

۸

۵

۸

برنامه ریزی

۵

۹

۷

سازماندهی

۴

۸

۶

کنترل

۷

۸

۸

ارتباطات

۶

۷

۵

رهبری

۶

۸

۸

سرمایه انسانی

۵

۸

۷

انصاف

۵

۷

۹

دادگستری

۶

۷

۹

متانت

۴

۶

۷

تعادل فکری

۵

۶

۸

جدول شماره یک- ماتریس تصمیم تحقیق

بعد از تشکیل ماتریس تصمیم، ماتریس تصمیم نرمالایز شده را با توجه به فرمول (۱) ایجاد می کنیم:

ساده زیستی

سیاستمداری

عدالت

زهد

۰.۶۴۴۶۵۸۳۷۱

۰.۳۹۲۲۳۲۲۷

۰.۶۱۶۶۶۹۸۳۹

بی ریایی

۰.۶۴۴۶۵۸۳۷۱

۰.۳۲۶۸۶۰۲۲۵

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

برنامه ریزی

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۵۸۸۳۴۸۴۰۵

۰.۴۷۹۶۳۲۰۹۷

سازماندهی

۰.۳۲۲۳۲۹۱۸۶

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۴۱۱۱۱۳۲۲۶

کنترل

۰.۵۶۴۰۷۶۰۷۵

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

ارتباطات

۰.۴۸۳۴۹۳۷۷۸

۰.۴۵۷۶۰۴۳۱۵

۰.۳۴۲۵۹۴۳۵۵

رهبری

۰.۴۸۳۴۹۳۷۷۸

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

سرمایه انسانی

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۴۷۹۶۳۲۰۹۷

انصاف

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۴۵۷۶۰۴۳۱۵

۰.۶۱۶۶۶۹۸۳۹

دادگستری

۰.۴۸۳۴۹۳۷۷۸

۰.۴۵۷۶۰۴۳۱۵

۰.۶۱۶۶۶۹۸۳۹

متانت

۰.۳۲۲۳۲۹۱۸۶

۰.۳۹۲۲۳۲۲۷

۰.۴۷۹۶۳۲۰۹۷

تعادل فکری

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۳۹۲۲۳۲۲۷

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

جدول شماره دو- ماتریس تصمیم نرمالایز شده

با توجه به اهمیت نسبی هر شاخص برای تصمیم گیری، ماتریس تصمیم به مقیاس موزون را تشکیل می دهیم:

ص:۲۱۱

ساده زیستی

سیاستمداری

عدالت

زهد

۰.۱۶۱۱۶۴۵۹۳

۰.۱۳۷۲۸۱۲۹۵

۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶

بی ریایی

۰.۱۶۱۱۶۴۵۹۳

۰.۱۱۴۴۰۱۰۷۹

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

برنامه ریزی

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۲۰۵۹۲۱۹۴۲

۰.۱۹۱۸۵۲۸۳۹

سازماندهی

۰.۰۸۰۵۸۲۲۹۶

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۱۶۴۴۴۵۲۹

کنترل

۰.۱۴۱۰۱۹۰۱۹

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

ارتباطات

۰.۱۲۰۸۷۳۴۴۵

۰.۱۶۰۱۶۱۵۱

۰.۱۳۷۰۳۷۷۴۲

رهبری

۰.۱۲۰۸۷۳۴۴۵

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

سرمایه انسانی

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۱۹۱۸۵۲۸۳۹

انصاف

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۱۶۰۱۶۱۵۱

۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶

دادگستری

۰.۱۲۰۸۷۳۴۴۵

۰.۱۶۰۱۶۱۵۱

۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶

متانت

۰.۰۸۰۵۸۲۲۹۶

۰.۱۳۷۲۸۱۲۹۵

۰.۱۹۱۸۵۲۸۳۹

تعادل فکری

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۱۳۷۲۸۱۲۹۵

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

جدول شماره سه- ماتریس تصمیم به مقیاس موزون

با عنایت به مراحل فوق، اقدام به محاسبه راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی می نماییم

A+=[۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶ ,۰.۲۰۵۹۲۱۹۴۲ ,۰.۱۶۱۶۴۵۹۳]

A-=[۰.۰۸۰۵۸۲۲۹۶ ,۰.۱۱۴۴۰۱۰۷۹ ,۰.۱۳۷۰۳۷۷۴۲]

در این مرحله، اندازه فاصله بر حسب نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل مثبت و منفی را محاسبه میکنیم:

جدول شماره چهار- اندازه فاصله بر حسب نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل مثبت

ص:۲۱۲

Ranking

گزینه ها

مقدار نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل

اندازه فاصله بر حسب نرم اقلدیسی به ازای راه حل ایده آل منفی

اندازه فاصله بر حسب نرم اقلدیسی به ازای راه حل ایده آل مثبت

۴

زهد

c۱

۰.۶۶۷۷۷۸۱۸۶

-d۱

۰.۱۳۷۹۷۰۲۵۱

+d۱

۰.۰۶۸۶۴۰۶۴۷

۷

بی ریایی

c۲

۰.۵۴۶۴۹۵۴۱۷

-d۲

۰.۱۱۵۱۲۶۳۲۱

+d۲

۰.۰۹۵۵۳۶۶۰۱

۶

برنامه ریزی

c۳

۰.۵۷۰۹۲۴۸۵۸

-d۳

۰.۱۰۸۵۶۶۱۴۳

+d۳

۰.۰۸۱۵۹۲۲۳۱

۱۰

سازماندهی

c۴

۰.۳۸۶۳۸۱۴۴۶

-d۴

۰.۰۷۳۹۱۰۱۶۳

+d۴

۰.۱۱۷۳۷۷۹۱۲

۱

کنترل

c۵

۰.۷۵

-d۵

۰.۱۲۲۹۸۲۵۱۶

+d۵

۰.۰۴۰۹۹۴۱۷۲

۱۲

ارتباطات

c۶

۰.۳۲۷۰۶۹۴۴۱

-d۶

۰.۰۶۰۹۷۰۴۳۳

+d۶

۰.۱۲۵۴۴۳۹۰۴

۲

رهبری

c۷

۰.۶۸۰۰۷۴۳۸۵

-d۷

۰.۱۱۴۴۳۵۴۷۷

+d۷

۰.۰۵۳۸۳۳۵۸۳

۸

سرمایه انسانی

c۸

۰.۵۱۵۳۹۲۰۹۲

-d۸

۰.۰۹۰۱۲۲۵۶۹

+d۸

۰.۰۸۴۷۳۹۵۸۱

۵

انصاف

c۹

۰.۶۱۳۸۲۳۱۰۵

-d۹

۰.۱۲۰۴۹۳۳۲۲

+d۹

۰.۰۷۵۸۰۶۴۲۸

۳

دادگستری

c۱۰

۰.۶۷۲۹۳۰۵۵۹

-d۱۰

۰.۱۲۵۴۴۳۹۰۴

+d۱۰

۰.۰۶۰۹۷۰۴۳۳

۱۱

متانت

c۱۱

۰.۳۳۲۵۷۳۱۳۵

-d۱۱

۰.۰۵۹۳۹۸۶۴۶

+d۱۱

۰.۱۱۹۲۰۴۶۱۳

۹

تعادل فکری

c۱۲

۰.۴۷۸۷۵۷۰۳۹

-d۱۲

۰.۰۸۷۶۹۲۱۴۲

+d۱۲

۰.۰۹۵۴۷۴۱۳

نتیجه گیری

مستند به آنچه بیان شد می توان دریافت که عوامل مؤثر بر مدیریت متنوع می باشد. لذا مقاله حاضر با پایه قرار دادن سه حدیث امام رضا علیه السلام در توصیف ویژگی مدیریتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان معیار درخت تصمیم سلسله مراتبی (که در شکل یک آمد) و اخذ گزینه های مبتنی بر معیار، به تکمیل درخت تصمیم همت گماشته شد. سپس با استفاده از الگوریتم تاپسیس به حل مسأله پرداختیم. با عنایت به نتایج حاضر، می توان اولویت های عوامل رفتار فردی تاثیر گذار بر متغیر وابسته را شامل کنترل با امتیاز ۰.۷۵، رهبری با امتیاز ۰.۶۸۰۰۷۴۳۸۵، دادگستری با امتیاز ۰.۶۷۲۹۳۰۵۵۹، زهد با امتیاز ۰.۶۶۷۷۷۸۱۸۶، انصاف با امتیاز ۰.۶۱۳۸۲۳۱۰۵، برنامه ریزی با امتیاز ۰.۵۷۰۹۲۴۸۵۸، بی ریایی با امتیاز ۰.۵۴۶۴۹۵۴۱۷، سرمایه انسانی با امتیاز ۰.۵۱۵۳۹۲۰۹۲، تعادل فکری با امتیاز ۰.۴۷۸۷۵۷۰۳۹، سازماندهی با امتیاز ۰.۳۸۶۳۸۱۴۴۶، متانت با امتیاز ۰.۳۳۲۵۷۳۱۳۵ و ارتباطات با امتیاز ۰.۳۲۷۰۶۹۴۴۱ دانست. از آنجا که مقاله حاضر با هدف تدوین مدل و اولویت دادن به متغیر های مدل برای مدیران امروزین

تـدوین شـد، می توان پیشـنهاد کرد که مـدیران محترم سازمـان ها به نتایـج این مقاله در جهت ارتقای قـدرت مـدیریتی جهت نزدیکی به سینرژیک سازمانی توجه نمایند.

با توجه به مسـتندات ارائه شده در متن مقاله، موارد زیر به عنوان پیشنهاداتی به منظور انجام تحقیقات آتی در ارتباط با موضوع مقاله حاضر می تواند ارائه می شود:

تبیین مدل معادله ساختاری عوامل مؤثر بر ارتقای سطح مدیریتی با رویکردی از احادیث.

تبیین مدل های بومیِ اسلامی – ایرانی جهت ارائه راهکارهای اصلاح کاهش بهره وری مدیریت در سازمان.

ص:۲۱۴

منابع و ماخذ

۱. آذر، عادل و رجب زاده، علی، تصمیم گیری کاربردی؛ رویکرد M.A.D.M، نشر نگاه دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

۲. آذر، عادل، فنون آمار استنباطی در پژوهش های مدیریتی و رفتاری، فصل نامه علمی پژوهشی دانش مدیریت، شماره ۲۶، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

۳. بازرگان، عباس و دیگران، روش های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۷ش.

۴. برزگر، قدرت ا...؛ پاکدین امیری، علیرضا و پاکدین امیری، مرتضی، تبیین مدل معادلات ساختاری عوامل مالی مؤثر بر شاخص قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی حسابداری مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، سال اول، شماره ۴، زمستان۱۳۸۸ش.

۵. پاکدین امیری، علیرضا، بررسی عوامل مؤثر بر تغییر قیمت شاخص سهام در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد فازی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، ۱۳۸۷ش.

۶. پاکدین امیری، علیرضا، شناسایی و رتبه بندی تاثیر تیزرهای بهره وری در رسانه بر رفتار فردی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس، دومین همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ۱۳۸۹ش.

۷. پاکدین امیری، علیرضا؛ پاکدین امیری، مجتبی و پاکدین امیری، مرتضی، ارائه مدل پیش بینی شاخص کل قیمت سهام با رویکرد شبکه های عصبی (مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران)، مجله جستارهای اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۸ش.

۸. رضاییان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ش.

۹. ساروخانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ش.

۱۰. ظهوری، قاسم، کاربرد روش های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت، انتشارات میر، تهران، ۱۳۷۸ش.

۱۱. مصدق راد، محمد علی، بررسی رابطه رضایت شغلی کارکنان با سبک مدیریت مدیران بیمارستان های دانشگاهی شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۳ش.

۱۲. Chen, M. F., Tzeng, G. H., Ding, C. G., Fuzzy MCDM approach to select service provider, IEEE International Conference on Fuzzy Systems, ۲۰۰۳.

۱۳. Heresy, PK. Blanchard, Management of Organization behavior: utilizing Human Resources.۴th.Ed. India: prentice-hall, ۱۹۸۵.

۱۴. Hobbs, B. F. Meier, P. M., Multi criteria methods for resource planning: An experimental comparison. IEEE Transactions on Power Systems, ۱۹۹۹.

۱۵. Hwang, C. L., Yoon, N. , Multiple attributes decision making methods and application. Berlin: Springer-Verlag, ۱۹۸۷.

۱۶. R. Ilies, T.A. Judge, On the heritability of job satisfaction: the mediating role of personality; JAppl Psychol - , ۲۰۰۳.

۱۷. Sriratanaban, M. Chiravisit, O. Viputsiri, Predictors of leadership styles of medical students: implications for medical Education; J Med Assoc Thai ۱۹۹۹.

۱۸. Tvrdik, A. Analysis of success factors of public/private partnership, U.S.A, ۲۰۰۰.

نظام حکومتی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه رضوی علیه السلام

اشاره

O علیرضا دانشیار

چکیده

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که ویژگی های نظام حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر امام رضا علیه السلام و روایات ایشان چیست؟

برای پاسخ به این پرسش، نظام حکومتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ساختار نظام سیاسی ایشان در دو سطح ساختار و کارویژه نظام مهدوی، از نظر احادیث امام رضا علیه السلام بررسی شده است.

نظام حکومتی مهدوی _ که در رأس آن امام معصوم قرار دارد _ به دنبال پیاده کردن قوانین اصیل اسلامی است؛ چرا که با از بین رفتن اختلافات و درگیری ها در سطح زمین، بشریت به یک امت واحده جهانی- اسلامی تبدیل می شود. این مهم و رسالت الهی، به وسیله نیروهای غیبی و نیز نیروها و تشکیلات نظامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد که روایات فراوانی از آنها سخن گفته اند. عنصر مهم دیگر در نظام سیاسی مهدوی، عنصر جغرافیا است؛ به این معنا که محل ظهور و شروع مبارزه آن حضرت، مکه و محل استقرار حکومت، شهر کوفه خواهد بود.

در بخش کارویژه های حکومت مهدوی، حاکم ساختن نظام توحیدی در سرتاسر جهان به عنوان یکی از کارویژه های اساسی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بحث گذاشته خواهد شد.

حاکم ساختن عدالت و امنیت الهی بر تمام گیتی نیز از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شود؛ زیرا نظام مهدوی به همراه خود، عدالت، صلح و امنیت را برای تمام گیتی به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی: حکومت امام مهدی، نظام سیاسی مهدوی، نیروی نظامی، امت واحده جهانی، اسلامی.

مقدمه

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان، از موضوعاتی است که در احادیث پیامبر و امامان علیهم السلام مورد توجه و اهتمام خاصی قرار گرفته است. موضوع حکومت آخر الزمانی، در طول تاریخ، از طریق شیعه و اهل سنت به طور مبسوط و گسترده مطرح شده است، اما با وجود روایات فراوان در این زمینه، تقسیم بندی نظام مندی درباره اندیشه سیاسی شیعه و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان، وجود ندارد.

بحث از نظام حکومتی و ساختار سیاسی شیعه در رابطه با حکومت آخرالزمانی، جای کار فراوانی دارد؛ چرا که با وجود منبع سرشار احادیث پیامبر و ائمه علیهم السلام ـ که بنیان تفکر شیعی و اسلامی را تشکیل می دهند ـ مورد اهتمام جدی محققان واقع نشده است. اما علی رغم اینکه بحث از روایات ائمه در مورد مسائل گوناگون و از جمله مسأله آخرالزمان، همواره با جرح و تعدیل های سندی مواجه بوده است، با این حال، آنچه از احادیث معصومین علیهم السلام درباره نظام سیاسی مهدوی در آخرالزمان فهمیده می شود، اندیشه مترقی و اصیل اسلامی است که ساختار نظام سیاسی مهدوی را آشکار می کند، ساختاری که در رأس هرم آن، امام معصوم و انسان کامل ـ که نمود و مظهری از حاکمیت خداوند در زمین است ـ قرار دارد

ص:۲۱۸

و به تبع این حاکمیت و استخلاف است که امت جهانی معنا و مفهوم پیدا می کند.

مسأله ای که در رابطه با نظام های سیاسی حاکم بر دنیا می توان یادآور شد، این نکته است که آن نظام ها در برخورد با مسائل اجتماعی و اقتصادی و نیز سیاسی، حاکمیت خداوند را نادیده گرفته و با شکست و فضاحت روبرو شده اند؛ از این رو، حاکمیتی که ائمه اطهار برای آینده بشریت ترسیم کرده اند، حاکمیت الهی است که به عنوان تنها عامل رستگاری بشر و رسیدن به عدالت واقعی مطرح می باشد. نظامی که در آن، زمام امور به دست انسان کامل سپرده می شود و به دنبال ضرر و منفعت شخصی، رسیدن به قدرت به هرقیمتی نیست، بلکه قدرت را برای اهداف الهی در نظر می گیرد. به واسطه این نظام، خلق خدا نیز از نظر معنوی و مادی به تکامل و پیشرفت نائل می شوند.

بر اساس احادیث امام رضا علیه السلام ساختار نظام حکومت مهدوی، یک ساختار الهی است و با تمامی نظام های دنیوی تفاوت دارد. برای نظام حکومتی مهدوی کارویژه های خاصی از احادیث امام رضا علیه السلام استنباط می شود. این کارویژه ها در احادیث سایر معصومین، به ویژه، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز به صورت مبسوطی مورد توجه و تأئید قرار گرفته است. با مقایسه آنها، به این نتیجه می رسیم که این احادیث، یک خط سیر را به مثابه نور ساطع شده از خورشید طی کرده، و به امام رضا علیه السلام و سایر امامان رسیده است.

در قسمت ساختار نظام سیاسی مهدوی، ابتدا ضرورت تأسیس حکومت جهانی از نظر تکوینی، تشریعی و نیاز به حاکمیت و رهبری انسان کامل ــ به عنوان تنها فرد نجات دهنده جامعه انسانی ــ مطرح شده است. در بخش بعدی عناصر تشکیل دهنده نظام سیاسی و حکومت مهدوی از دیدگاه امام رضا علیه السلام، مورد بررسی قرار گرفته اند که عبارتند از:

۱. امامت و رهبری

۲. امت واحده جهانی- اسلامی

۳. نیروی نظامی

۴. منطقه جغرافیایی ظهور و حکومت.

در بخش کارویژه ها، نیز بحث هایی اساسی از روایات امام رضا علیه السلام فهمیده می شود که عبارتند از:

۱. حاکم ساختن نظام توحیدی در سرتاسر جهان

۲. حاکم ساختن عدالت بر تمام گیتی

۳. برقراری امنیت و آرامش الهی

الف. ساختار نظام سیاسی

۱.ضرورت تاسیس نظام حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. نیاز تکوینی (ولایت تکوینی)

از دیدگاه شیعه، نظام امامت قبل از نظام حکومت قرار دارد. تشیع این مسئله را که از سوی اهل سنت و غربیان مطرح شده، مبنی بر اینکه هرکس قدرت را در دست دارد، مشروع است، قبول ندارد. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از اینکه به عنوان یک مصلح و رهبر تام و کامل مطرح باشد، یک ضرورت برای حفظ نظام تکوین است؛ چرا که بدون وجود آن حضرت، نظام تکوین از بین خواهد رفت، از دیدگاه شیعه، در هر عصر و زمانی باید فیض کامل از طرف خداوند جاری و ساری باشد تا نقصی در مبدأ فیاض لازم نیاید، گرچه بشر به درجه ای از بلوغ نرسیده باشد که توان درک این فیض را داشته باشد و امام در پس پرده غیبت به سر برد.

در این باره محمد بن فضیل نقل کرده که از امام رضا علیه السلام پرسیدم: «آیا زمین بدون وجود امام باقی می ماند؟» حضرت جواب می دهند: «نه» به ایشان گفتم: «از

امـام صـادق روایت شـده که زمین، خـالی از وجود امام نمی شود مگر این که خـدای تعالی بر اهل آن خشم گیرد.» امام رضـا علیه السلام فرمود: «نه، اگر امام نباشد، زمین از بین خواهد رفت.»(۱)

سلیمـان جعفری نیز از امـام رضا علیه السـلام پرسـیده است: «آیا زمین از حجت، خالی خواهـد مانـد؟» حضـرت فرمود: «اگر به میزان یک چشم برهم زدن، زمین از حجت خدا خالی بماند، به یقین ساکنان خود را فرو می بلعد.»(۲)

اگرچه حکومت جهانی الهی، برای تأسـیس، به مصـلح جهانی نیاز دارد، اما روایات معصومین علیهم السلام دلالت بر این نکته می کند که قبل از مقام تشکیل حکومت و ولایت تشریعی، جنبه امامت و ولایت تکوینی قرار دارد. یعنی اگر امام معصوم علیه السلام نتواند تشکیل حکومت بدهد، حق امامت و حق تشکیل حکومت از او ساقط نخواهد شد.

ب. نیاز تشریعی (ولایت تشریعی)

از منظر رضوی علیه السلام، حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان تنها پیاده کننده قوانین نجات بخش الهی معرفی شـده است. در این باره امام رضا علیه السـلام می فرمایند: «بدون تردید، امامت، مهار دین، نظام مسـلمین، عامل اصـلاح دنیای مردم و سبب عزت و سربلندی اهل ایمان است.»(۳)

چنان که ملاحظه می شود نیاز تشریعی به وجود امام زمان، یعنی انسان کامل، برای پیاده کردن حکومت الهی و قوانین آن، در سخنان معصومین علیهم السـلام از جمله امام رضا علیه السـلام بسیار تأکید شده است. ضرورت حکومت اسلامی بدون در نظر گرفتن امام علیه السلام و انسان کامل بی معناست. منصب امامت، هم متضمن دین مردم و هم متضمن

۱- اصول کافی، ج۱، ص ۱۷۹.
۲- عیون اخبار رضا علیه السلام، ج۱، ص۵۵۸.
۳- عیون اخبار رضا علیه السلام، ج۱، ص۲۱۸-۲۲۰.

نظام حکومتی مسلمین است. دنیای مردم با انجام احکام اصیل اسلامی پیوندی عمیق با دین پیدا می کند.

امام رضا علیه السلام در مورد نیاز تشریعی به امام معصوم، چنین فرموده است:

«... همانا امامت، خلافت خدا و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مقام امیر المؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت، ریشه محکم اسلام و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز، زکات، روزه، حج و جهاد، و بسیار شدن غنایم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری از مرزها امام است. اوست که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می کند و حدود خدا را به پا می دارد و از دین خدا دفاع می کند و با حکمت و اندرز و حجت رسا مردم را به طریق پروردگار دعوت می نماید. امام مانند خورشیدی طالع است که نورش عالم را فرا می گیرد و خودش در افق است، به گونه ای که دست ها و دیدگان به او نمی رسد. امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای است راهنما در شدت تاریکی ها و کویرها و گرداب ها (یعنی زمان جهل و فتنه و سرگردانی مردم). امام، آب گوارای زمان تشنگی و رهبر به سوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است. امام آتش روشن روی تپه (راهنمای گمشدگان) است. او وسیله گرمی سرمازدگان و راهنمای در هلاکت گاه هاست هر که از او جدا شود هلاک می شود. امام ابری است بارنده، بارانی است شتابنده، خورشیدی است فروزنده، سقفی است سایه دهنده، زمینی است گسترده، چشمه ای است جوشنده و برکه و گلستان است. امام، همدم و رفیق، پدر مهربان، مادر دلسوز و پناه بندگان خدا در گرفتاری های سخت است و امام امین خداست در میان خلقش و حجت او است بر بندگانش و خلیفه او است در بلادش و دعوت کننده است به سوی او و دفاع کننده است از حقوق او ...».(1)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷.

ج. نیاز حاکمیتی (ولایت در حاکمیت)

اشاره

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای پیاده کردن حکومت و نظام عدل الهی، باید قدرت و حاکمیت را در دست داشته باشد، تا به وسیله آن، تمامی گردن کشان و ظالمان را به سزای اعمالشان برساند. حاکمیت در اکثر جوامع بشری در دست نااهلان و نامردمان افتاده است و بشریت برای رهایی از بحران های عدیده عقیدتی، معنوی، اجتماعی، روحی، فرهنگی، ظلم و ستم، استکبار و استضعاف، و... نیاز به حاکمیت و قدرت فائقه الهی دارد. در این زمینه امام رضا علیه السلام در توضیح منصب حاکمیت امام معصوم علیه السلام چنین توضیح می دهند:

«امام از گناهان، پاک و از عیب ها بر کنار است. به دانش، مخصوص و به خویشتن داری نشانه دار است. موجب نظام دین و عزت مسلمین و خشم منافقین و هلاک کافرین است. امام یگانه زمان خویش است. کسی به طراز او نرسد و دانشمندی با او برابر نباشد. جایگزین و مانند و نظیر ندارد. به تمام فضیلت ها مخصوص است بی آنکه در طلبش رفته و آن را به دست آورده باشد، بلکه امتیازی است که خدا از سر فضل و بخشش به او عنایت فرموده است... و خدا به هر کس که بخواهد فضل می کند. علمش مترقی و حلمش کامل است، در امامت، قوی و در سیاست، عالم است، اطاعتش واجب می باشد. به امر خدای عزوجل قائم است، خیر خواه بندگان خدا و نگهبان دین خداست. خدا، پیغمبران و امامان را توفیق بخشیده و از خزانه علم و حکم خود، آنچه به دیگران نداده به آنها داده است. از این جهت، علم آنها برتر از علم مردم زمانشان می باشد و خدای تعالی فرموده: آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند شایسته تر است که پیروی شود یا کسی که هدایت نمی کند جز اینکه هدایت شود. شما را چه شده؟ چگونه قضاوت

می کنید؟[(۱)](۲)»

قدرت رهبری و سیاستمداری در رابطه با امام زمان عبارت است از این که وی دارای آن چنان تدبیری است که می تواند همه امور را با بهترین وجه اداره کند، و تمام نیروهای موجود را که در اختیار دارد، برای محو آثار شرک و استضعاف و برای ریشه کن کردن مشکلات روحی، معنوی و عقیدتی و به تبع آن، مشکلات مادی بشر، به بهترین وجه بسیج نماید، و با استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی- الهی، جامعه آرمانی را برای بشریت محقق سازد.(۳)

در احادیث امام رضا علیه السلام، از نظر قدرت، ویژگی های ظاهری خاصی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دارای چهره ای جوان و شاداب

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیمای مرد چهل ساله قیام خواهد کرد. این سن، در طول زندگی انسان ها، بهترین دوره از نظر بلوغ فکری می باشد.

ابو الصلت هروی گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «علامت قائم شما در هنگام خروجش چیست؟» فرمود: «وی در هنگام ظهور از نظر سن پیرمرد است و لیکن از نظر قیافه و منظره، جوان می نُماید و بیننده فکر می کند که او مردی چهل ساله یا کمتر از آن است. و یکی از علائم او این است که وی هرگز پیر نخواهد شد تا آنگاه که اجلش برسد».(۴)

۲.توانمندی و نیرومندی کم نظیر

ریان بن صلت گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «شما صاحب الامر

۱- سوره یونس، آیه ۳۵.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷- ۲۸۹ .

۳- مهدی منتظر، ص۶۹ .

۴- مهدی موعود، ص۱۰۷۳ ؛ زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۵۹۴.

هستید؟». فرمود: «من صاحب امر هستم، و لیکن آن صاحب امری که جهان را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد، نیستم. و چگونه با این ضعف بدن و ناتوانی صاحب امر باشم.

قائم و صاحب امر هنگامی که خروج کند در سن پیرمردان و هیکل و منظر جوانان خواهد بود.

قائم و صاحب امر از نظر بدن و جسم، بسیار قوی و نیرومند است، و اگر بخواهد، می تواند یک درخت تنومند را از جای برکند و اگر چنانچه در میان دره ها فریاد زند کوه ها از هم پراکنده می شوند. عصای موسی و انگشتر سلیمان با او خواهد بود، و او چهارمین فرزند من است که خداوند او را از انظار مخفی می کند و هر گاه اراده فرماید او را ظاهر می سازد و جهان را به واسطه او پر از عدل و داد می کند، پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد».(۱)

۳. صاحب شمشیر و پرچم مخصوص

شمشیر و پرچم، نماد حاکمیت هر حکومتی است. شمشیر، نماد حاکمیت و نیروی نظامی، و پرچم، نماد مالکیت سرزمینی و نیز نماد عقیده می باشد.

امام رضا علیه السلام می فرماید:«حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای پرچم مخصوصی است. هرگاه زمان قیام آن حضرت فرا رسد، آن پرچم خود به خود باز می شود... همچنین شمشیر غلاف شده ای دارد که هرگاه زمان قیامش فرا رسد، آن شمشیر صدا می زند و می گوید:ای ولی خدا! قیام کن، دیگر بر تو جایز نیست از پیکار با دشمنان باز ایستی. پس حضرت قیام می کند و دشمنان خدا را در هر کجا به دست آورد، می کشد و حدود الهی را برپا و اجرا می کند».(۲)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص۳۶۵،؛ اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص ۴۲۲.

۲- عیون اخبار الرضا، ج۱، باب ۶، حدیث۲۹.

۲.عناصرتشکیل دهنده نظام سیاسی مهدوی

الف. امامت و رهبری

به نظر شیعه، هیچ حکومتی نمی تواند نظام عادلانه الهی را در زمین مستقر سازد، جز نظام حکومت الهی که در رأس آن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد. منصب امامت که از عنصر عصمت نیز برخوردار است، تنها مسیر رسیدن بشریت به حکومت الهی است. در احادیث امام رضا علیه السلام، نهاد امامت و رهبری، با نظام حکومتی که از سوی دانشمندان علم سیاست معرفی می شود و نیز با نظام های سیاسی معهود دنیا، کاملاً تفاوت می کند.

در این زمینه امام رضا علیه السلام می فرمایند: «امام ... در امامت، قوی و در سیاست، عالم، و اطاعتش واجب است. به امر خدای عزوجل قائم است و خیر خواه بندگان خدا و نگهبان دین خداست. خدا، پیغمبران و امامان را توفیق بخشیده و از خزانه علم و حکومت خود، آنچه به دیگران نداده به آنها داده است؛ از این جهت، علم آنها برتر از علم مردم زمانشان می باشد».(۱)

نظام مهدوی، نظامی است که در پی براندازی نظام های ظالمانه و حاکم کردن نظام عادلانه الهی است. احادیث معصومین علیهم السلام و امام رضا علیه السلام، دور شدن امت اسلامی از ولایت مداری را سبب انحراف آنها دانسته اند و هیچ کس را در مقابل نظام عادلانه الهی، واجد حق و امتیاز خاصی نمی دانند. معمولاً در نظام های سیاسی دنیا عده ای برای رسیدن فرد یا گروهی به مناصب گوناگون، تلاش می کنند و بعد از به قدرت رسیدن فرد یا افراد مورد نظر، خواسته های مادی خود را مطرح می کنند. اما حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نظامی است که کسی بر گردن آن حق ندارد، تا بخواهد به خاطر آنها، مصلحت هایی را در نظر بگیرد. چنانکه از امام رضا علیه السلام درباره

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷- ۲۸۹.

علت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده شد و، حضرت پاسخ دادند:

«لئلّا یکون فی عنقه لأحد بیعه اذا قام بالسّیف».

علامه مجلسی نقل می کند که:

شیخ صدوق رحمه الله از حسن بن فضال و او از پدرش و او از امام رضا علیه السلام روایت می کند که فرمود: «گویا شیعه را در موقع فقدان سومین امام از فرزندانم می بینم که از هر سو او را جستجو می کنند نمی یابند». سؤال شد: «یا ابن رسول الله! برای چه؟» فرمود: «برای اینکه امام آنها غائب می گردد». پرسیدند: «چرا غائب می شود؟» فرمود: «برای اینکه وقتی با شمشیر قیام می کند، بیعت هیچ کسی بر گردن او نباشد.»(۱)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی به صورت ظاهری و از روی تقیه نیز با ظالمان و حکومت های ستمگر، بیعت نمی کند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اینگونه محدویت ها را ندارند. او آمده است که ریشه این بی عدالتی ها را، قطع کند.

ب. امت واحده جهانی – اسلامی

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم تمام گیتی از عناصر تشکیل دهنده حکومت جهانی او شمرده می شوند. در دوران دولت عدل بنیاد مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان بینی واحدی بر جهان حاکم می گردد، و راه و روش و برنامه ها نیز یکی خواهد شد و یکپارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام تمامی مردم جهان پدید خواهد آمد. مردمان، همه، یک دل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت خواهند کرد و ناسازگاری و دوگانگی در اندیشه ها و عقیده ها نخواهد ماند.

از امام رضا علیه السلام در مورد تفسیر آیه ۸۳ سوره آل عمران سؤال شد.(۲)

۱- مهدی موعود،، ص۳۸۶

۲- « أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيهِ يُرْجَعُون ؛ آیا دینی جز دین خدا را می جویید؟ حال آنکه آنچه در آسمان ها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم فرمان اوست و به سوی او باز گردانده می شوند»...

امام فرمود: «آیه مذکور، در حق قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است. هرگاه امام زمان ظهور کند، به کافران و مرتدان مشرق و مغرب، اسلام را عرضه می کند. هرکس از روی علاقه بپذیرد، او را به نماز و زکات و دیگر فرایض فرمان دهد.... در شرق و غرب عالم کسی باقی نباشد جز گروندگان به خداوند یگانه». عرض کردند: «تعداد مردمانی که یکتا پرست نیستند خیلی بیشتر از این هاست». حضرت فرمود: «هرگاه خداوند اراده کند، تعداد اکثریت را کاهش دهد و اقلیت را افزایش بخشد.»(۱)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیق بزرگ و بی مانندی دست می یابد، و همه علل و عوامل ناسازگاری و برخورد و درگیری را رفع می کند، و تضادها و کشمکش های اجتماعی را ــ که خاستگاه اصلی آن، اختلاف در عقیده و مرام جامعه است ــ از ریشه قطع می کند، و با عرضه جهان بینی الهی ــ که آثار آن در عمل برای همگان آشکار می گردد ــ راه هر گونه اختلاف را می بندد. روش حکومت داری او، بر اساس قانون جاویدان حق و عدل استوار است و با فطرت و سرشت انسان ها هماهنگی و سازگاری کامل دارد و وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید و یکتا پرستی پی می ریزد، و همه انسان ها را زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می آورد.

در این زمینه از مالك روایت شده است که امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمود:

«یا مالك بن ضمره! کیف انت اذا اختلفت الشیعه... فقلت یا امیر المؤمنین، ما عند ذلك من خیر؟ قال: الخیر کله عند ذلك. یا مالك عند ذلك یقوم قائمنا... ثم یجمعهم الله علی امر واحد؛ (۲)

۱- منتخب الاثر، ص ۴۷۱ ؛ مهدی موعود، ص۱۱۲۲ .

۲- غیبت نعمانی، ص۲۰۶ .

ای مالک! چگونه خواهی بود هنگامی که شیعیان با هم اختلاف کنند. گفتم: یا امیرالمؤمنین در این دوره خیری نیست. امام فرمود: تمام نیکی در این روزگار است. ای مالک! در این زمان قائم ما قیام می کند ... و خدا همه را بر (محور) یک مرام و عقیده گرد می آورد».

در کنز الفوائد از عبایه ربعی نقل شده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آیه <هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ...> را قرائت نمود و فرمود: «خدا این رسول و فرستاده خود را بعد از این، ظاهر خواهد کرد. قسم به خدایی که جان من به دست اوست، در زمان ظهور او قریه ای نیست که صبح و شام، بانگ «اشهد ان لا اله الا اللّه و ان محمدا رسول اللّه» در آن بلند نشود».

و هم در آن کتاب از ابن عباس روایت شده که وی در باره آیه <لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوْ کرِهَ الْمُشْرِکونَ> گفت: «این در زمانی است که تمام یهودیان و نصاری و پیروان هر کیشی به دین حنیف اسلام بگروند...».(۱)

آنچه مسلم به نظر می رسد این است که امت واحده جهانی _ اسلامی _ که از یک مرام و عقیده تبعیت می کند _ از عناصر مهم حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شود. و در آن، تمامی مردم به دین گرایش خواهند یافت.

ج. نیروی نظامی

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار نیروی لایزال معنوی به نیروی نظامی مادی نیز احتیاج دارد. در توصیف دستگاه نظامی و نیروهای مسلح آن حضرت، روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام وارد شده است. همه عوامل طبیعی و ماوراء طبیعی دست به دست

۱- مهدی موعود، ص ۲۵۷.

هم می دهند تا او را برای رسیدن به نظام احسن یاری رسانند. در مورد عوامل ماوراء طبیعی و معنوی، امام رضا علیه السلام به یاری رساندن جبرئیل و مکائیل به آن حضرت اشاره می کند: «او در حالی ظهور می کند که جبرئیل در دست راست او، میکائیل در طرف چپ او، و شعیب بن صالح در پیشاپیش او حرکت می کند».(۱)

آن حضرت، درباره نیروی نظامی و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می فرمایند: «زمانی که دلائل و علامات آشکار شده باشد، خروج می کند. او دارای گنج هایی است، ولی نه از طلا و نقره؛ بلکه از اسب هایی قوی و پیاده نظامی با علامت های مشخّص. خداوند تبارک و تعالی، از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر، یعنی سیصد و سیزده نفر، برای او سپاه گرد می آورد. او نوشته ای در دست دارد که مهر شده و در آن، تعداد و اسامی اصحاب او و نیز نسب، خلق و خوی، وضع ظاهری و کنیه آنان ثبت شده است. این نفرات جنگاور بوده، در اطاعت و فرمانبرداری از او کوشا هستند و مجدّانه عمل می کنند...».(۲)

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دو جبهه در مقابل هم صف آرایی می کنند:

۱. جبهه الهی و آسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش، که در مورد ویژگی ها و تعداد آنان از معصومین و از جمله، امام رضا علیه السلام روایات فراوانی نقل شده است

۲. جبهه شیطانی، که در روایات معصومین، به برخی از آنها اشاره شده است. یکی آنکه قبل از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا مقارن با آن، شخصی به نام سفیانی خروج می کند که به جنگ با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رود و خروج او، در برخی روایات، از علائم حتمیه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

یکی دیگر از مظاهر قدرت شیطان در زمین که در روایات ذکر شده است، دجال می باشد. سفیانی، بیشتر حالت جنگ و ستیز و خون ریزی و سفاکی و

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۱۲۱.
۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۱۲۰-۱۲۲.

مخالفت با مؤمنین و شیعیان را دارد؛ اما دجال، علاوه بر موارد مذکور، حالت فریبکاری و شک تردید انداختن میان مردم به کمک نیروهای اهریمنی و شیطانی را نیز دارد. هر دوی این نیروهای اهریمنی، در مقابله با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از بین می روند.

نعمانی در کتاب غیبت از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) روایت نموده که فرمود: «خروج سفیانی و قیام قائم در یک سال خواهد بود».(۱)

و نیز از موسی بن اعین روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«آمدن سفیانی امری حتمی است. از موقع آمدن وی تا آخر کارش، جمعاً پانزده ماه طول می کشد. شش ماه جنگ می کند و وقتی پنج منطقه را به تصرف درآورد، نه ماه سلطنت می کند و یک روز بیش از آن نمی ماند».

هم چنین از معلی بن خنیس نقل شده که گفت: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود: «بعضی از وقایع، حتمی است که باید روی دهد و بعضی غیر حتمی است (و ممکن است به عللی اتفاق نیفتد) و از جمله امور حتمیه، خروج سفیانی در ماه رجب است».

زراره از برادرش عبد الملک بن اعین روایت می کند که گفت: «در خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که از قائم سخن به میان آمد. من گفتم: امیدوارم که به زودی قائم ظهور کند و سفیانی هم نباشد. حضرت فرمود: «نه! به خدا قسم، آمدن سفیانی حتمی است و ناچار باید بیاید.»(۲)

در مورد دجال و شخصیت و اعمال زشت و فریب کارانه او نیز روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام صادر شده است.

برای مثال روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ دشتی بر روی زمین

۱- مهدی موعود، ص ۱۰۲۲.

۲- مهدی موعود، ص۱۰۲۹.

باقی نمی ماند مگر اینکه دجال، آن را زیرپا می گذارد، به جز مکه و مدینه؛ زیرا بر سر هر یک از راه های این دو شهر، فرشته ای گماشته شده است که آنها را از دستبرد طاعون و دجّال حفظ می کند، و توفیق دهنده خداست».(۱)

د. منطقه جغرافیایی ظهور و اعمال حکومت

موضوعی که همواره در احادیث معصومین علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته، و از ائمه و نیز امام رضا علیه السلام سؤال می شده است، مسأله مکان ظهور و نیز منطقه جغرافیایی استقرار حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. در دوران رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماعات و نژادها و منطقه ها، یکی از عوامل اصلی تضاد و جنگ و ظلم نابود می شود، و انسان ها بدون بیم از فشار سیاست ها به زندگی طبیعی خود می پردازند، و مهربان و برادر، در کنار یکدیگر زندگی می کنند. کمبودها و عقب ماندگی های طبیعی و بشری و دیگر مشکلات و نابسامانی های جامعه بشری نیز به دست توانای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف جبران می گردد، و به معنای واقعی کلمه، یک امت و یک خانواده از کل اجتماعات بشری تشکیل می شود.

در احادیث امامان علیهم السلام و منطقه مورد توجه قرار گرفته است؛ البته این دو منطقه نسبت به زمان ظهور و زمان استقرار حاکمیت و حکومت فرق می کنند. در روایات، مکان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر مکه و کنار خانه خدا ذکر شده است؛ چنانکه امام رضا علیه السلام می فرماید: «اوست کسی که منادی از آسمان به نام او فریاد کند، به طوری که همه اهل زمین، دعوت به سوی او را بشنوند و گویند به حقیقت، حجت خدا آشکار شد نزد خانه خدا، او را پیروی کنید که حق با او و در او است. و این است تفسیر گفته خدای عز و جل: اگر بخواهیم، آیه ای از آسمان بر آنها فرود می آوریم

۱- من لا یحضره الفقیه، ص ۴۷۳.

که بر آن گردن نهند(۱)».(۲)

مکـان دیگری که روایـات فراوانی از آن ذکر کرده انـد، شـهر کوفه است، که به عنوان مرکز خلاـفت و پایتخت آن حضـرت، معرفی شده است. محل ظهور و شـروع اصـلاحات آن حضـرت، ابتدا از شـهر مکه شـروع می شود، و سـپس در کوفه فرود می آید؛ چنانکه امام باقر علیه السـلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از مکه حرکت می کند تا به کوفه آمده و در نجف فرود آید. آنگاه لشگرهای خود را از آنجا به شهرها و ممالک پراکنده می سازد».

ابو بکر حضـرمی نیز از امام باقر علیه السـلام روایت کرده که فرمود: «گویا حضـرت قائم علیه السلام را می نگرم که از مکه به همراه پنج هزار فرشـته، در حالی که جبرئیل در سـمت راست و میکائیل، سـمت چپ و مؤمنان پیش رویش هسـتند، به نجف و کوفه آمده و لشگر به شهر ها می فرستد».(۳)

بنـابر این برای اینکه امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بتوانـد اصـلاحات الهی را روی زمین ایجاد کنـد، نیاز به مرکز حکومت و پـایتخت دارد. تـا از آنجـا سـیطره خویش را بر تمـام عـالم، اعمـال کنـد؛ به گونه ای که بر طبق احادیث معصومین علیهم السلام، مکانی نمی ماند مگر اینکه دعوت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آنجا می رسد و آنها اطاعت او را می پذیرند.

ب. کارویژه های نظام حکومتی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱.حاکم ساختن نظام توحیدی

کار ویژه اصلی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ که اصلی ترین برنامه اصلاحی آن حضرت می باشد ـ حاکم ساختن نظام توحیدی اصیل و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، که با

۱- سوره شعراء، آیه ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۳.

۳- ارشاد، ج ۲، ص ۳۵۴.

تمامی کژ روی ها و بـدعت هایی که در طول تاریخ درباره اسـلام و دین حق صورت پذیرفته است، به مبارزه خواهد پرداخت و تمامی آنها را اصـلاح خواهـد کرد؛ همان طور که جـدشان امام حسـین علیه السـلام برای قیام خویش دلیلی جز اصـلاح دین جـدش از فساد و تباهی ذکر نمی کنـد. در این باره امام رضا علیه السـلام از اجـداد طاهرینش نقل می کند که حضـرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج به خداوند عرضه داشت:

«پروردگارا! جانشـینان من چه کسانی هسـتند؟» ندا رسـید: «ای محمد!، جانشـینان تو در سراپرده عرش مکتوب اند. اول ایشان، علی علیه السـلام و آخرینشان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. سوگند به عزت و جلال خودم که زمین را به وسـیله آخرینشـان از ظلم و سـتم پـاک می کنم و جهـان را... در تصـرفش در می آورم... او را بـا لشـگرم یـاری می کنم... تا اینکه دولت حـق مرا بر پاسازنـد و خلـق را در راه یگـانه پرسـتی و توحیـد مجتمع کننـد، سـپس ملـک و حاکمیتشـان را ادامه دهـم و ایامشان را تا روز رستاخیز تداوم بخشم».(۱) به تبع حاکم شدن نظام توحیدی و به دنبال آن نظام مهدوی، قوانین اصیل اسلامی به اجرا در می آید و شاهد عمل به قوانین و احکام اسـلامی در سراسر جهان خواهیم بود. منشا قانون در حکومت مهدوی فقط و فقط خداوند خواهد بود.

۲. ایجاد عدالت الهی

دستاورد مهم دیگر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برقراری عدالت در تمام گیتی است که همراه خود، امنیت و صلـح را به ارمغـان خواهـد آورد. این کـارویژه نیز در روایـات مختلف از ائمه علیهم السـلام و همچنین از طرف امام رضا علیه السلام مطرح شده است.

علامه طباطبایی رحمه الله در مورد تعریف عـدالت چنین می گوینـد: «عـدالت آن است که حق هر قوه ای را به او بـدهی و هر قوه ای را در جای خودش مصرف کنی؛ و افراط

۱- مهدی موعود، ص ۱۱۰۴.

و تفریط عبارت می شود از ظلم و انظلام، ستمگری و ستم کشی».(۱)

تحقق یافتن عدالت جهانی به مفهوم دسترسی هر پدیده زنده ای به حق خویشتن، بزرگترین فلسفه ظهور امام عصر است؛ به گونه ای که صدها روایت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این مطلب اشاره دارند. گره کوری که علم با آن همه ریزه کاری ها و هنر با آن همه نازک اندیشی هایش نتوانست از جسم و جان بشریت باز کند، در زمان ظهور گشوده خواهد شد. جنگ ها، اختلافات طبقاتی، استثمار با اشکال گوناگونش، ستم های ستمگران، اختناق امپریالیسم و نظام سرمایه داری، مکتب های بی خبر از خدا، کمونیسم و مارکسیسم شکست خورده، همه و همه شهادت می دهند که عدالت جهانی مرده است. اما در این بین، شیعه معتقد است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پا کننده این عدالت جهانی خواهد بود.(۲)

امام رضا علیه السلام درباره جاری کردن عدالت در دنیا، توسط امام زمان می فرمایند:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند تا او بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم شده باشد».(۳)

یا در جای دیگری می فرمایند: «هرگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، زمین به نور پروردگارش می درخشد. او ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می دهد و دیگر احدی به کسی ستم نمی کند».(۴)

از دیگر اقدامات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای برقراری عدالت الهی، به مجازات رساندن ستمگران و رضایت دهندگان به ظلم است. چنان که عبدالسلام بن هروی از امام رضا علیه السلام پرسید: «نظر شما درباره حدیث امام صادق علیه السلام که فرمود: هرگاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- المیزان، ج ۱، صص ۵۵۸-۵۶۰.

۲- مقاله «بقیه الله» به نقل از «مکتب تشیع»، ش ۱۸۹، ص ۹۲.

۳- مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۳۸۲.

۴- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۰۸.

قیام (خروج) کند، ذریه ها و نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل خواهد رساند، چیست؟» ایشان فرمودند: «روایت کاملاً صحیح است». عبدالسلام پرسید: «پس معنای این آیه چیست که هیچ کس بار گناه دیگری را نمی کشد؟»(۱) امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند در جمیع گفتارش صادق و راستگوست، ولی ذریه قاتلان امام حسین علیه السلام به اعمال زشت پدرانشان راضی هستند، و به آن جنایات افتخار می کنند، و هرکس به کاری راضی باشد، همچون کسی است که آن را انجام داده است؛ چنان که اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدنش راضی باشد، نزد خدای عزوجل شریک قاتل محسوب خواهد شد. بنابراین تنها به این جهت، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام خروج، آنها را می کشد که از کردار پدرانشان راضی هستند».(۲)

نمونه بارز رضایت بر اعمال و کردار زشت گذشتگان، گروهی از ناصبه و افراد فاسد هستند که در همین زمان زندگی می کنند که حضرت امام رضا علیه السلام نیز به آن اشاره کرده اند بی هیچ عذر و بهانه ای شیعیان را به شهادت می رسانند و نسبت به ائمه علیهم السلام نیز کینه و عداوت دارند.

حاکم شدن رحمت الهی و امنیت و شفای معنوی شیعه بعد از غم و سرگردانی، از دیگر مواردی است که عقده ها و درد دل ها را از بین می برد و در حاکمیت عدالت الهی مؤثر واقع می شود.

حسن بن محبوب زراد از امام رضا علیه السلام روایت کرده است، امام رضا علیه السلام به من فرمود: «ای حسن در آینده ای نه چندان دور گرفتاری شدید و مصیبت باری که تیغش برّنده است واقع خواهد شد که در آن، دوستی ها و هم دلی ها از میان خواهد رفت و آن، زمانی است که شیعه سومین فرزند از اولاد مرا از دست بدهد، که برای

۱- سوره انعام، آیه ۱۶۴.

۲- عیون اخبار الرضا، ص ۱۵۱.

ناپدید شدن او اهل آسمان و زمین جملگی اندوهگین شوند. چه بسیار مرد و زن با ایمان که به خاطر ناپدید شدنش متأسّف و غمناک و سرگردان و دلتنگ شوند». سپس آن حضرت سر به زیر افکند و بعد سر برداشت و فرمود: «پدر و مادرم فدای آن همنام جدّم که شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. پیرامونش هاله هایی از نور است که از پرتو فروغ قدسی، پر تلألؤ و درخشنده است. گوئی می بینم که در نهایت نومیدیِ مردم، ندایی به گوش ایشان می رسد، به طوری که کسی که دور است آن را چنان می شنود که گویی نزدیک است. (دور و نزدیک، آن را یکسان می شنوند) آن آواز برای مؤمنان، رحمت و برای کافران، عذاب خواهد بود». حسین بن محبوب عرض کرد: «پدر و مادرم فدایت، آن آواز چیست؟» فرمود: «سه آواز در ماه رجب برآید.

نخستین آن می گوید: «هان که لعنت خداوند بر ستمگران». دومی می گوید: «ای گروه مؤمنان! گرفتاری هولناک فرا رسید» و سومی، دستی پیشاپیش آفتاب خواهد بود بینند که آواز می دهد: «هان که خداوند، فلان را برای از بین بردن ستمگران برانگیخت». در آن هنگام فرج مؤمنان فرا می رسد، و خداوند سینه های دردمندشان را شفا می بخشد، و خشم دل هایشان را فرو می نشاند».(۱)

۱- «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّام قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَابُنْدَاذَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ قَالا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ الزَّرَّادُ قَالَ قَالَ لِیَ الرِّضَا ع إِنَّهُ یَا حَسَنُ سَیَكونُ فِتْنَهٌ صَمَّاءُ صَیْلَمٌ یَذْهَبُ فِیهَا كلُّ وَلِیجَهٍ وَ بِطَانَهٍ وَ فِی رِوَایَهٍ یَسْقُطُ فِیهَا كلُّ وَلِیجَهٍ وَ بِطَانَهٍ وَ ذَلِك عِنْدَ فِقْدَانِ الشِّیعَهِ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِی یَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ كمْ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ مُتَأَسِّفٍ مُتَلَهِّفٍ حَیْرَانَ حَزِینٍ لِفَقْدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ بِأَبِی وَ أُمِّی سَمِیُّ جَدِّی وَ شَبِیهِی وَ شَبِیهُ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ عَلَیْهِ جُیُوبُ النُّورِ یَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِیَاءِ الْقُدْسِ كأَنِّی بِهِ آیَس مَا كانُوا قَدْ نُودُوا نِدَاءً یَسْمَعُهُ مَنْ بِالْبُعْدِ كمَا یَسْمَعُهُ مَنْ بِالْقُرْبِ یَكونُ رَحْمَهً عَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ عَذَاباً عَلَی الْكافِرِینَ فَقُلْتُ بِأَبِی وَ أُمِّی أَنْتَ وَ مَا ذَلِك النِّدَاءُ قَالَ ثَلَاثَهُ أَصْوَاتٍ فِی رَجَبٍ أَوَّلُهَا أَلا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ وَ الثَّانِی أَزِفَتِ الْآزِفَهُ یَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الثَّالِثُ یَرَوْنَ یَداً بَارِزاً مَعَ قَرْنِ الشَّمْسِ یُنَادِی أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَاناً عَلَی هَلَاك الظَّالِمِینَ فَعِنْدَ ذَلِك یَأْتِی الْمُؤْمِنِینَ الْفَرَجُ وَ یَشْفِی اللَّهُ صُدُورَهُمْ- وَ یُذْهِبُ غَیْظَ قُلُوبِهِم.». غیبت نعمانی، ص ۱۸۰-۱۸۱.

سخت بودن دوره ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی دیگر از علائم دوره ابتدای حکومت ایشان خواهد بود چنان که معمر بن خلاد گوید: در محضر حضرت رضا علیه السلام از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتگو شد. ایشان فرمود: «شما امروز راحت تر از هنگام ظهور قائم هستید. در آن روز در زحمت و مشقت خواهید بود. مردم همواره باید بر زین اسب سوار باشند و جهاد کنند. لباس قائم درشت و خشن و غذایش خشک خواهد بود».(۱)

۳. برقراری امنیت، صلح و آرامش الهی

امنیت و آرامش از دغدغه های مهم مردم جهان است فقدان امنیت در بردارنده تهدیدات فراوانی در سطح داخلی حکومت ها و نیز در سطح بین المللی خواهد بود. اغلب حکومت های مادی در برقراری امنیت در سطح جهانی، ناکارآمد هستند و علی رغم ادعای ایجاد جهانی امن برای انسان ها، همواره شاهد نقض امنیت جهانی توسط آنها هستیم. برهمین اساس، یکی از کارویژه های اساسی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برقراری امنیت و آرامش الهی در روی زمین است، امنیت و آرامشی که به واسطه اجرای فرامین الهی، در روی زمین رخ خواهد داد. این مهم، هم در ابعاد معنوی و هم در ابعاد مادی اعم از سیاسی، اقتصادی و برای تمامی انسان ها به وجود خواهد آمد.

در زمینه امنیت و آرامشی که در دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جهان حاکم می شود، حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «اگر که قائم ظهور کند، آسمان بارانش را می بارد و زمین گیاهش را می رویاند و کینه و دشمنی از دل بندگان می رود و گرگ و میش با هم آشتی می کنند (و چنان امنیتی حاکم خواهد شد که) زنی از عراق به شام رود و جز بر روی گیاه گام ننهد و سبدش بر سرش باشد و درنده به او آزار نرساند

ص:۲۳۸

۱- اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص ۴۱۷.

و از آن نترسد...».(۱)

در کتاب کنز الفوائد از ابن عباس روایت شده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باره آیه <لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كلِّهِ وَ لَوْ كرِهَ الْمُشْرِكونَ>(۲) فرمود: «این در زمانی است که تمام یهودیان و نصاری و پیروان هر کیشی به دین حنیف اسلام گرایش یابند و گرگ و میش و گاو و شیر و انسان و مار، از خطر ایمن باشند... و این به هنگام قیام قائم آل محمد خواهد بود».(۳)

در روایات معصومین علیهم السلام، تأکید شده است که امنیت زمان ظهور به حدی است که علاوه بر جامعه انسان ها، موجودات دیگر نیز از نعمت آن برخوردار خواهند شد.

نتیجه گیری

سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت بود از اینکه حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه رضوی علیه السلام و روایات آن حضرت، چه ویژگی هایی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا سعی شد که بحث حکومت و ساختار سیاسی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ــ که از روایات امام رضا علیه السلام استفاده شده است ــ در چارچوبی منظم و منطقی مطرح شود. از این رو مطالب روایاتی را که ناظر بر حکومت بود، بر دو بخش تقسیم کردیم که عبارت بود از:

۱. بحث ساختار حکومت

۲. بخش کارویژه های حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همانطور که در بحث های قبلی نیز این مطلب توضیح داده شد، نقطه قوت در

۱- تحف العقول، ص: ۹۵

۲- سوره صف، آیه۹.

۳- مهدی موعود، ص ۲۵۷.

ساختار حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقطه ثقل و هسته مرکزی ایجاد اصلاحات الهی در روی زمین، شخص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد؛ از این رو ابتدا سعی کردیم ضرورت حکومت و امامت ایشان را از طریق روایات رسیده از امام رضا علیه السلام اثبات کنیم. ضرورت وجودی ایشان برطبق روایات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام، از نظر تکوین و تشریع و در نهایت از نظر حاکمیتی قابل بررسی می باشد.

هسته مرکزی ایجاد اصلاحات در اندیشه شیعه، امام زمان است؛ زیرا بشریت با حذف مرجعیت دین و با عقل ناقص خود نمی تواند و نخواهد توانست خود را از ورطه سقوط نجات دهد و این مطلبی است که روایات شیعه و اهل سنت و تمامی ادیان الهی و حتی ادیان غیر الهی روی آن تأکید دارند.

مکان استقرار حاکمیت ایشان یکی دیگر از بحث هایی است که در روایات ائمه علیهم السلام و همچنین در احادیث امام رضا علیه السلام مطرح شده است، نقطه شروع اصلاحات و انقلاب ایشان بر علیه طغیان ستمگران، کعبه و پایتخت و نقطه اعمال حاکمیت ایشان کوفه خواهد بود.

ایشان برای اعمال اصلاحات و تشکیل حکومت جهانی احتیاج به نیروی نظامی، دارد. در احادیث امام رضا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام، ویژگی های ممتازی برای یاران آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است. تعداد نفرات و کیفیت یاران در پیروزی هر نهضتی مؤثر است؛ از این رو نیروهای نظامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر اعتقادی و همچنین از نظر جنگاوری بی نظیر می باشند. اصولاً ـ هر اصلاحی نیازمند به یک نیروی قوی است. نیروی نظامی حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از امدادهای غیبی کمک می گیرد و هم از امدادهای زمینی که همان نیروهای ممتاز خودشان می باشد و در بعضی روایات حتی خصوصیات جزیی آنها نیز نام برده شده است.

یکی دیگر از عوامل سازنده حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امت جهانی است که مردم دوره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جمله هستند و به عنوان کسانی که حاکمیت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف را

در جهـان می پذیرنـد، یکی از ارکـان حـاکمیت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف محسوب می شونـد. مردم یا همان امت اسـلامی در دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف با درک حاکمیت الهی در روی زمین و فلسفه وجودی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشـریف، به واسـطه پیشـرفت و تکاملی که خداونـد توسط مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در آنها ایجاد می کنـد، تبـدیل به بهترین امت ها می شوند و به واسـطه این فیض الهی به آنان، اخوت، برادری و صـفات عالیه کمالی، هویدا می شود. این نکته ای است که همواره روایات بر آن تأکید دارند.

ساختار حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف که یک ساختار کاملاً الهی می باشد، دارای کارویژه های اساسی است که مهم ترین آنها بر پایی نظام و حکومت توحیـدی در سراسـر دنیا می باشـد. در روایات معصومین علیهم السـلام و امام رضـا علیه السلام علت اصلی تشکیل حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حاکمیت نظام توحیدی، عنوان شده است. دسـتاورد دیگر حکومت مهـدوی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف که روایـات ائمه اطهـار علیهم السـلام و امام رضا علیه السـلام به آن اشـاره دارنـد، اجرای عـدالت و برقراری امنیت، صـلح و آرامش الهی در روی زمین است. آن حضـرت عجل الله تعالی فرجه الشـریف، برنامه اصـلاحی خویش را ابتـدا بر محور خـدا پرستی و در ثانی اجرای عـدالت الهی اجرا خواهد کرد و تمامی ستمگران و مستکبرین را به سزای اعمال ننگینشان خواهد رساند. از این رو، حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ایجاد حکومت الهی خویش با نیروهای اهریمنی شـیطانی روبروست که در زمین به ایجاد فساد و ظلم و سـتم مشـغول انـد؛ اما، تمامی نیروهای شـیطانی اعم از سفیانی، دجال و... در مقابل نیروی الهی شکست خواهند خورد و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمین برپا خواهد شد.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم

۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.

۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ترجمه سید هدایت الله مسترحمی، ناشر مصطفوی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۶ش.

۴.__________، علل الشرائع، ناشر داوری، قم، چاپ اول، بی تا.

۵.__________، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید، علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران:، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.

۶.__________، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، چاپ اول، بی تا.

۷.__________، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.

۸.__________، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه محمد باقر کمره ای، نشر اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

۹.__________، من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.

۱۰. شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، نشر اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.

۱۱. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، بی تا.

۱۲.______، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۱۳. عطاردی، عزیز الله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.

۱۴.______________، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، نشر اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.

۱۵. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

۱۶. علامه مجلسی، مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ش.

۱۷. کتابچی، محسن، مهدی منتظر، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ش.

۱۸. کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتاب فروشی علمیه، تهران، چاپ اول،بی تا.

۱۹.______، اصول الکافی، نشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.

۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ش.

ص:۲۴۲

ولایت امام، ولایت فقیه انتخابی، انتصابی از منظرامام رضا علیه السلام

اشاره

O حسین الهی نژاد

مقدمه

مسأله امـامت، از دیر باز در میان مسـلمانان به عنوان یک بحث مهم و اساسـی مطرح بوده است. خاسـتگاه آن به دوران حیات طیبه رسول گرامی اسـلام صلی الله علیه و آله و سلم باز می گردد که حضرت با بیانات مختلف به تبیین موضوعِ امامت، ابعاد و ویژگی های آن پرداخته و در مواقع حساس و مهم، نظیر غدیر خم و... مسلمانان را نسبت به جایگاه آن آگاهی داده است.

مسـلمانان، بلاـ فاصـله بعـد از ارتحال پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم، به جهت برداشت های گوناگون درباره موضوع امـامت به قرائت هـای مختلفی رسـیدند و همـان، زمینه سـاز برخی اختلافات و منازعات در میان آنان شـد. شـدت این اختلافـات و منازعـات به حـدی بود که برخی چنین ادعـا نموده انـد که: «ما سل فی الاسـلام علی قاعـده دینیه مثل ما سل علی الامامه فی

ص:۲۴۳

کل زمان»(۱).

بی شک، همین اختلافات و دو دستگی، سبب شد که در جهان اسلام زمینه شکل گیری دو مذهب سنی و شیعه فراهم شود. البته مسلمانان در اصل موضوع امامت و وجوب آن در جامعه، یک صدا هستند و از این بابت هیچ گونه اختلافی در میانشان دیده نمی شود؛ موضع اختلاف در موارد زیر است:

۱ـ آیا تعیین امام، از سوی مردم انجام می شود یا شارع باید در این خصوص اقدام کند؟ به عبارت دیگر، آیا امامت و تعیین آن یک بحث اصلی و کلامی است یا یک بحث فرعی و فقهی؟ و به تعبیر دیگر، آیا تعیین امام و به تبع آن تعیین نایب او(۲) (نایب عام و خاص) انتخابی است یا انتصابی؟

۲ـ آیا علم امام، بسان علم مردم، اکتسابی و عادی است یا علمی است که از ناحیه خدا و از طریق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها افاضه شده است؟

۳ـ آیا امام دارای مقام عصمت و پاکی از گناه و خطا است، یا مثل مردم جایز الخطا و جایز المعصیه می باشد؟

در موارد سه گانه فوق، شیعه و اهل سنت با هم اختلاف پیدا کرده و هر کدام بر اساس باور های خویش مسیری را بر گزیده اند. مثلاًـ اهل سنت نسبت به موارد فوق، نگرش سلبی پیدا کرده و به نحوی همه آن موارد را از امام نفی می کنند و می گویند: اولاًـ امام از ناحیه شارع تعیین نمی شود. ثانیاً، دارای علم فوق بشری نیست، بلکه علم او اجتهادی می باشد. ثالثاً، امام دارای مقام عصمت و مصونیت از گناه نیست. اما نگرش شیعه در این موارد، خلاف نگرش اهل سنت می باشد؛ یعنی به تمام موارد فوق، نگرش مثبت داشته و همه آن مقامات را برای امام ثابت

۱- الملل و النحل، ج۱، ص۲۴.
۲- علما در انتصابی بودن نایبان عام امام با هم اختلاف کرده اند؛ گر چه غالب آنها به انتصابی بودن نایبان عام نظر دارند

می داند.

بی شک مباحث پیش رو، تنها به یک پرسش از پرسش های فوق ــ مبنی بر این که تعیین امام و نایب او، انتصابی است یا انتخابی؟ ــ می پردازد و در این راستا با استفاده از آیات و روایات و با بکار گیری استدلال ها و براهین عقلی و با روش تبیینی و تحلیلی، به اثبات انتصابی بودن امام و نایبان او مبادرت می ورزد. البته در این نوشتار، بیشتر، از روایات امام رضا علیه السلام استفاده می شود، ولی در مواردی نیز از روایات دیگر معصومان علیهم السلام بهره خواهیم گرفت، زیرا سخنان همه معصومین علیهم السلام به منزله سخن واحد تلقی می شود.

چنانکه صاحب جواهر می نویسد: «لِاَنّ کلامهم جمیعا بمنزله کلام واحد یفسر بعضه بَعضا؛ (1) سخنان امامان معصوم علیهم السلام، مانند کلام واحدی است که اجزای آن با یکدیگر هماهنگ می باشد و هر یک دیگری را تفسیر می کند.» همچنین در بعضی نصوص نقل شده که از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: «اگر ما چیزی را از شما شنیدیم، آیا می توانیم این سخن را به آباء و اجداد گرامی تان نسبت بدهیم و بگوییم آنان چنین گفته اند؟» آن حضرت فرمود: «آری».(2)

بنابر این، در مباحث نقلیِ اثبات انتصابی بودن امام معصوم و نایبان او، بیشتر از روایات حضرت رضا علیه السلام استفاده خواهیم برد، ولی جهت تکمیل و تبیین بحث، روایاتِ دیگر را نیز وارد خواهیم کرد.

ص:245

1- جواهر الکلام، ج26، ص67.

2- وسائل الشیعه، ج 27، ص104، ح86.

فصل اول: کلیات

الف: مفهوم شناسی واژگان اصلی

امامت و امام

«امـامت» بـه جایگـاهی گفته می شـود که امـام به آن تکیه زده است. در عرف مردم، منظـور از امـام، کسـی است که پیشـوا و پیشاهنگ قوم و رئیس جمعیتی باشد.(۱)

همچنین، امام، کسی یا چیزی است که مورد پیروی واقع شود، چه انسان باشد (که به گفتار و کردار وی اقتدا شود)، چه کتاب و یا چیز دیگری، حق باشد و چه باطل، و جمع آن، ائمه است. (۲)

و نیز گفته اند که امام، کسی است که سرمشق و مورد اقتدای دیگران واقع شود. (۳)

ولایت

«وِلا‌یت» و «وَلایت» مشـتق از ریشه «و ل ی» است و به همراه سایر مشـتقات این ریشه در معانی متعـددی به کار می رود.(۴) از جمله معانی شاخص آن، تصدی و سرپرستی است، یعنی کسی که متصدی و عهده دار امری شود، بر آن ولایت یافته و «مولی» و «ولیّ» آن امر محسوب می گردد. بنابر این، این کلمه دلالت بر معنای تدبیر، قدرت، تصرف و فعل دارد.(۵)

نصب

۱- لسان العرب، ج ۱۲، ص۲۶ ؛ قاموس قرآن، ج۱، ص۱۲۱.

۲- المفردات، ص۲۰.

۳- صحاح اللغه، ج۵، ص۱۸۶۵.

۴- مجمع البحرین، ج ۱، ص۴۵۶.

۵- لسان العرب، ج ۱۵، ص۴۰۷.

کلمه «نصب» در لغت به معنای وضع کردن و گماشتن آمده است.(۱) و در اصطلاح، انتخابی است که از طرف شارع صورت می گیرد. مثلاً در عصر غیبت، فقیهی که واجد شرایط علمی و عملی است از سوی امامان علیهم السلام به سمت افتا و قضا و ولا نصب می گردد.(۲)

وکالت

«وکالت» از ریشه «و ک ل» به معنای واگذاری و تفویض آمده، و وکیل به کسی اطلاق می شود که کار به او واگذار شده است.(۳) واژه وکالت اسم است و از مصدر «توکیل» گرفته شده، و به معنای تفویض و اعتماد آمده است.(۴)

مشروعیت

«مشروعیت» یعنی توجیه عقلی و یا عقلانی اِعمال سلطه و اطاعت؛ به این معنا که اِعمال قدرت و سلطه از سوی حاکم باید توجیه عقلی داشته، و در چارچوب عقل و مدار عقلانی و منطقی باشد.(۵)

مشروعیت، به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است. یعنی وقتی می گوییم کدام دولت یا حکومت، مشروع است، مقصود این است که چه دولت و حکومتی قانونی است و قانون حاکم بر جامعه چه نوع حکومتی را اقتضا می کند؟ آیا سیستم حکومتی حاکم بر جامعه، برخاسته از قانون موجود در آن جامعه بوده و هماهنگ با آن است یا خیر؟ (۶)

۱- لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۱.

۲- ولایت فقیه، ص ۳۸۹.

۳- قاموس اللغه، ج ۷، ص ۲۴۰.

۴- مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۹۵.

۵- نقد دینداری و مدرنیسم، ص ۵۱.

۶- بنیاد های علم سیاست، ص ۱۰۵.

مشروعیت، به معنای «حقانیت» نیز می باشد. به این معنا که کسی که قدرت حکومت را در دست گرفته و متصدی این پست شده، آیا حق داشته در این مقام بنشیند یا خیر؟ (۱)

مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام (فلسفه، کلام و فقه اسلامی)، به معنای مطابقت با موازین و آموزه های شریعت اسلام است؛ یعنی حکومت و حاکمی، مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد. بر این اساس، حکومتی که پایبند به موازین شرعی و الهی باشد، حقانیت دارد.

مقبولیت

منظور از «مقبولیت»، پذیرش مردمی است. اگر مردم به فرد یا گروهی برای حکومت تمایل نشان دهند و خواستار اِعمال حاکمیت از طرف آن فرد یا گروه باشند، و در نتیجه حکومتی بر اساس خواست و اراده مردم تشکیل شود، گفته می شود آن حکومت دارای مقبولیت است.(۲)

ب: نصب عام و نصب خاص

نصب بر دو قسم است، نصب خاص و نصب عام. نصب خاص یعنی تعیین یک شخص معین، مانند مالک اشتر که از سوی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر ولایت و حکومت مصر منصوب شد. و مانند مسلم بن عقیل که منصوب و نماینده امام حسین علیه السلام بود. اما نصب عام یعنی تعیین فقیه جامع شرایط مقرر در فقه، برای افتاء و قضاء و رهبری، بدون اختصاص به شخص معین.(۳)

امام مهدی علیه السلام _ که آخرین وصی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آخرین حجت خدا

۱- ولایت فقیه، ص۵۲.

۲- ولایت فقیه، ص۵۳.

۳- ولایت فقیه، ص۳۹۱.

است ــ دارای دو نوع غیبت، یعنی غیبت صغری و غیبت کبری می باشد و حضرت برای هر کدام از این مقاطع، نایبانی را بر گزیده است. نایبان دوران غیبت صغری به «نایبان خاص» شهرت داشتند که عبارت اند از: «عثمان بن سعید»، «محمد بن عثمان»، «حسین بن روح» و «علی بن محمد سمری». ایشان به صورت متناوب از ناحیه امام زمان به مردم معرفی شده اند. اما در دوران غیبت کبری، امام زمان علیه السلام نایبان خاصی معرفی نکرده اند، بلکه نایبان عام را با بیان ویژگی هایی نظیر فقاهت، عدالت، دیانت، مدیریت و... ــ که البته آنها را تنها در فقهای جامع الشرایط می توانیم جستجو کنیم، به مردم معرفی کرده است.

چنانکه امام حسن عسگری علیه السلام می فرماید:

«فَأَمَّا مَنْ کانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِینِهِ مُخَالِفاً عَلَی هَوَاهُ مُطِیعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ یُقَلِّدُوه؛(۱)

پس هر فقیهی که مراقب نفسش، و حافظ دینش است و با نفس خود مخالف می کند و مطیع امر مولایش می باشد، بر عوام است که از چنین فقیهی تقلید کنند».

در این زمینه چنین توقیعی از امام زمان علیه السلام نیز صادر شده است:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَهُ فَارْجِعُوا فِیهَا إِلَی رُوَاهِ حَدِیثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکمْ وَ أَنَا حُجَّهُ اللَّه عَلیهِم؛(۲)

در حوادث واقعه رجوع کنید به راویان حدیث ما؛ پس ایشان از ناحیه من حجت بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنها هستم».

چند نکته از روایات بالا قابل برداشت است، مثلاً در روایت اول، چند صفت از فقها بیان شده است و در روایت دوم، نکاتی مثل انتصابی بودن فقها (فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکمْ)، انتصابی بودن امام معصوم (أَنَا حُجَّهُ اللَّه

۱- الاحتجاج، ج۲، ص۴۵۸.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۴۸۴.

عَليهِم) و شرط فقاهت (إِلَى رُوَاهِ حَدِيثِنَا) مطرح شده است.

ج: رابطه مشروعیت با مقبولیت

در حقیقت، دیدگاه انتصابی، دو بُعد دارد: مشروعیت و مقبولیت. بُعد مشروعیت آن، با نصب امام معصوم از ناحیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یا از ناحیه امام معصوم قبلی و یا نصب فقیه از سوی امام معصوم علیه السلام به صورت سلسله مراتب با پیوستن به زنجیره ولایت الهی برآورده می شود

بر مبنای این نظریه، فقیهان با توجه به دو رکن علم (دانش و فقاهت) و عدالت (پارسایی) از جانب ائمه به مقام ولایت بر جامعه اسلامی منصوب می شوند. این انتصاب، الاهی است و مردم در مشروعیت آن هیچ نقشی ندارند؛ همان گونه که در مشروعیت ولایت رسول اکرم علیه السلام و امامان معصوم هیچ نقشی نداشته اند.

در این نظریه، نصب به این معناست که در عصر غیبت، فقیه واجد شرایط علمی و عملی، از جانب شارع مقدس به سمت های سه گانه افتاء، قضاء و ولایت منصوب و تعیین شده است.

مردم فقیه را انتخاب نمی کنند که وکیل آنان برای به دست آوردن فتوا یا استنباط احکام قضایی و اجرای آنها باشد. از دید این نظریه، مسئله ولایت و رهبری جامعه نیز همین گونه است؛ یعنی مردم مسلمان، ولی فقیه را وکیل خود برای حکومت نمی کنند، بلکه فقیه، نایب امام معصوم است و بنابراین، دارای ولایت افتاء، ولایت قضاء و ولایت سیاسی در جامعه است.

اما بُعد مقبولیتِ نظریه نصب، با پذیرش مردم صورت می گیرد. بنابراین، نظر و رأی مردم در اینجا نقش اساسی دارد. یعنی تا مردم، به امام معصوم علیه السلام و یا به ولیّ فقیه اقبال نشان ندهند و ولایتشان را نپذیرند، ولایت آنها از قوّه به فعل تبدیل نخواهد شد.

چنان که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سال های خانه نشینی امام علی علیه السلام این اتفاق، رخ داده در مقابل، تحقق پنج ساله حکومت آن حضرت، محصول تطابق و در هم آمیزی دو عنصر مشروعیت و مقبولیت بود و خود آن حضرت، به صراحت، «حضور حاضر»، «وجود ناصر» و «اراده و عزم عمومی» را در کنار «عهد و پیمان الهی»، عوامل اصلی شکل گیری حکومت و پذیرش آن از سوی خود بیان کرد و می فرمود:

«لَولا حُضُور الحاضِرِ وَ قیامُ الحُجَّهِ بِوُجودِ النّاصِرِ وَ ما اَخَذَ اللهُ عَلَی العُلَماءِ اَلا یقارُّوا عَلی کَظَّهِ ظالِمٍ وَ لا سَغَبَ مَظلُومٍ لَاَلقَیتُ حَبلَها عَلی غارِبِها؛(۱)

اگر نه بود جمعیت بسیاری که گردا گرد من را گرفتند و به یاری ام قیام کردند، و از این رو حجّت را بر من تمام کردند و اگر نبود عهد و پیمانی که خداوند از دانشمندان و علما گرفته است که در برابر پرخوری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار ناقه خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می کردم».

ملاحظه می شود که امام علی علیه السلام در این کلام ارزشمند، به شیوایی و گویایی، ضمن تصریح به دخالت دو عنصر مشروعیت و مقبولیت در امر حکومت اسلامی، به رابطه میان آن دو اشاره می فرماید.

فصل دوم: منصوب بودن امام معصوم علیه السلام

امامت در مذهب شیعه، جایگاهی بس مهم و خطیر دارد و دارای شاخصه ها و ویژگی هایی است که همین شاخصه ها و ویژگی ها، مذهب شیعه را از دیگر گروه های اسلامی متمایز کرده است. از جمله شاخصه های مهم امامت از منظر شیعه، منصوب بودن امام می باشند؛ یعنی مردم در تعیین امام، نقش و تأثیری ندارند، بلکه تعیین امام از ناحیه خدا صورت می پذیرد و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم،

۱- نهج البلاغه، خطبه۳، ص ۵۱.

تنها، مأمور ابلاغ آن به مردم می باشد و مردم با قبول امامت زمینه مقبولیت و اجرا را برای امام فراهم می کنند.

چنانکه سید مرتضی در تعریف امامت می گوید: «الامامه ریاسه عامه فی الدین بالاصاله لا بالنیابه عمّن هو فی دار التکلیف»(۱) امامت، ریاست عام دینی است که امام از ناحیه خدای تعالی، نه به نیابت از مکلفان، آن را دارا می شود.»

علامه حلی نیز می نویسد: «امام کسی است که از سوی خدای تعالی، ریاست عام دین و دنیا را عهده دار می شود.»(۲)

هم چنین مقدس اردبیلی می فرماید: «بدان که مسأله امامت از اصول دین است نه از فروعی که متعلقِ افعال مکلفان قرار می گیرد... زیرا امامت مانند نبوت، به امر خدا و رسولش، ریاست عام در دین و دنیای مکلفان است.»(۳)

در این زمینه امام رضا علیه السلام در یک روایت طولانی فرموده است:

«...لَمْ یَمْضِ صلی الله علیه و آله و سلم حَتَّی بَیَّنَ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِینِهِمْ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سَبِیلَهُمْ وَ تَرَکَهُمْ عَلَی قَصْدِ سَبِیلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِیّاً علیه السلام عَلَماً وَ إِمَاماً وَ مَا تَرَک لَهُمْ شَیْئاً یَحْتَاجُ إِلَیْهِ الْأُمَّهُ إِلَّا بَیَّنَهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ یُکمِلْ دِینَهُ فَقَدْ رَدَّ کتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ کتَابَ اللَّهِ فَهُوَ کافِرٌ بِهِ هَلْ یَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَهِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّهِ فَیَجُوزَ فِیهَا اخْتِیَارُهُمْ إِنَّ الْإِمَامَهَ أَجَلُّ قَدْراً وَ أَعْظَمُ شَأْناً وَ أَعْلَی مَکاناً وَ أَمْنَعُ جَانِباً وَ أَبْعَدُ غَوْراً مِنْ أَنْ یَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ یَنَالُوهَا بِآرَائِهِمْ أَوْ یُقِیمُوا إِمَاماً بِاخْتِیَارِهِم؛ (۴)

پیغمبر از دنیا نرفت تا وقتی که برای مردم، همه معالم دین آنها را بیان کرد و راه آنان را برایشان روشن ساخت و آنها را بر جاده حق واداشت و

۱- رسائل الشریف المرتضی، ج۲، ص ۲۶۴.

۲- الفین، ص۱۲.

۳- الحاشیه علی الالهیات، ص۱۷۸.

۴- کافی، ج۱، ص۱۹۹.

علی علیه السلام را برای آنها رهبر و پیشوا ساخت و از چیزی که مورد نیاز امت بود صرف نظر نکرد تا آن را بیان نمود. هر که گمان برد خدا دینش را کامل نکرده، کتاب خدا را رد کرده است و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است. آیا مردم قدر و موقعیت امامت را در میان امت می دانند تا اختیار و انتخاب آنان در آن روا باشد؟ به راستی که امامت، اندازه ای فراتر، مقامی والا‌تر، موقعیتی بالا‌تر، موقعیتی آستانی منیع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود به آن رسند یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند یا به انتخاب خود امامی بگمارند».

از روایت بالا چند نکته درباره جایگاه و نقش امام برداشت می شود:

۱_ حضرت امیر مؤمنان علیه السلام که امام اول است، از ناحیه خدا تعیین و به واسطه رسول گرامی اسلام به مردم معرفی شده است.

۲_ تکمیل دین به واسطه نصب امام، حاصل می شود.

۳_ مردم هیچ وقت نمی توانند امام را به طور کامل بشناسند.

۴_ مردم در تعیین امام هیچ گونه نقشی ندارند.

وقتی که موارد و نکات برداشت شده فوق را درکنار یکدیگر قرار می دهیم به سوی یک استدلال و برهان رهنمون می شویم و آن، اینکه امام رضا علیه السلام نصب و تعیین امام را....

نصب و تعیین امام را متفرع بر شناخت او دانسته است یعنی مردم در صورتی می توانند دست به انتخاب بزنند که شناخت کامل و جامعی نسبت به منتخبشان داشته باشد. از طرف دیگر می بینیم که امام در آن جایگاه بلندِ امامت دارای ویژگی هایی است که شناخت آنها برای مردم ممکن نیست، از جمله آنها می توان به مقام عصمت اشاره کرد، که یک امر پنهان و مخفی است که آگاهی پیدا کردن به آن تنها در علم و قدرت الهی می گنجد. پس وقتی که جایگاه امامت، والی و متعالی است، شناخت افرادِ عادی نسبت به آن غیر ممکن خواهد بود و وقتی که شناخت افراد نسبت به آن، غیر ممکن باشد، به طور طبیعی گزینش و آنان نیز،

ناصواب و غیر واقعی خواهد شد.

در روایت دیگری حضرت، امر تعیین امامت را انتصابی دانسته و آن را در دایره علم الهی تعریف نموده است.

در این روایت، شخصی نقل کرده است:

«قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام الْإِمَامُ إِذَا أَوْصَی إِلَی الَّذِی یَکونُ مِنْ بَعْدِهِ بِشَیْ ءٍ فَفَوَّضَ إِلَیْهِ فَیَجْعَلُهُ حَیْثُ یَشَاءُ أَوْ کیْفَ هُوَ قَالَ إِنَّمَا یُوصِی بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لَهُ إِنَّهُ قَدْ حُکیَ عَنْ جَدِّک قَالَ أَ تَرَوْنَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِلَیْنَا نَجْعَلُهُ حَیْثُ نَشَاءُ لَا وَ اللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص رَجُلٌ فَرَجُلٌ مُسَمًّی فَقَالَ فَالَّذِی قُلْتُ لَک مِنْ هَذَا؛ (۱)

به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا امام هرکس را بخواهد می تواند به جانشینی خود تعیین می کند و امر امامت را به او بسپارد یا آن شخص باید دارای خصوصیاتی باشد؟ فرمود: نه، بلکه کسی را تعیین می کند که خدا دستور داده. عرض کردم: از جد شما چنین نقل شده که فرموده است؛ «خیال می کنید تعیین امام به اختیار ما است و آن را به هر کس که بخواهیم، وامی گذاریم؟ به خدا قسم این طور نیست؛ بلکه این عهد و قراردادی است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که نفر به نفر را معرفی کرده است» امام رضا فرمود: آنچه من نیز به تو گفتم، از همین جهت بود.»

هم چنین امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِی عِبَادِهِ وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَی سِرِّهِ وَ نَحْنُ کلِمَهُ التَّقْوَی وَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَی وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِی بَرِیَّتِهِ؛ (۲)

ما حجت خدا بر روی زمین، خلیفه او در میان بندگان، امین اسرار او، کلمه تقوی، دستاویز محکم، گواهان خدا و نشانه های او در میان مردم هستیم.»

ص:۲۵۴

۱- مسند الامام الرضا علیه السلام، ج۱، ص ۱۶۰.

۲- بحارالانوار، ج۱، ص۲۴.

بی تردید، سخنان حضرت رضا علیه السلام مبنی بر اینکه امام حجت خدا و خلیفه او در روی زمین است و نیز امام معصوم علیه السلام در تعیین امام بعدی به عنوان جانشین خود، هیچ اختیاری ندارد و تنها خدا جانشین بعدی را مشخص می کند ــ دلیل بر انتصابی بودن مقام امامت است. پس نتیجه سخن چنین می شود که، خدا تعیین کننده امر امامت، و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام تبیلغ کننده آن هستند.

فصل سوم: انتصابی بودن ولایت فقیه

اشاره

یکی از مسایل مهم مورد بحث درباره نظریه ولایت فقیه، منشأ و مبنای مشروعیت ولی فقیه است. در این باره، دو دیدگاه کلّی وجود دارد که پایه بحث انتصابی یا انتخابی بودن ولایت فقیه را تشکیل می دهد. کسانی که مبنای مشروعیت را قرارداد اجتماعی و رأی مردم می دانند، نظر به انتخابی بودن ولایت فقیه داده اند، و کسانی که انتخاب از سوی خداوند را معیار مشروعیت می دانند، انتصابی بودن آن را پذیرفته اند.

به نظر می رسد، در بحثِ از مبنای مشروعیت نظام حکومتی، بین دو نظریه مذکور، اختلاف نظر عمیقی وجود دارد. زیرا، نظریه ولایت انتصابی فقیه، به مشروعیت الهی باور دارد و نقش مردم را در حدّ ایجاد مقبولیت و به فعلیت رساندن ولایت فقیه، ارزش می دهد. ــ یعنی طبق این نظریه، مردم با قبول ولایت فقیه، تمامی اختیارات خویش را به او تفویض می کنند. ــ اما نظریه ولایت انتخابی، فقها را تا حدّ وکیل مردم تقلیل می دهد و به مشروعیت الهی ــ مردمی می اندیشد. به عبارت دیگر، مشروعیت در این نظریه، دارای دو محور اساسی است؛ یکی الهی و دیگری مردمی. در نتیجه با فقدان هر یک، حکومت اسلامی محقق نخواهد شد.

این دو نظریه، در برابر یکدیگر قرار گرفته اند. یکی، ولایت فقیه را انتصابی ــ یعنی انتخاب از بالا به پائین ــ و دیگری، آن را انتخابی ــ یعنی گزینش از پائین به بالا، می داند. در هر صورت، مباحث بی شماری حول این دو دیدگاه، بروز و ظهور

پیدا کرده است. در این نوشتار قصد نداریم که به صورت جامع الاطراف بحث را دنبال کنیم و دیدگاه ها و نظریه های هر دو گروه را به طور مستوفی به بحث بگذاریم؛ .بلکه تنها به دیدگاه انتصابی بودن ولایت فقیه _ که اثبات آن در راستای رسالت این نوشتار است _ می پردازیم.

نصب ولی فقیه از نظر عالمان و اندیشمندان دینی

صاحب جواهر (م،۱۲۲۶ه): «اگر به عموم ولایت فقیه باور نداشته باشیم، بسیاری از امور مربوط به شیعیان، معطل می ماند. شگفت آور است که شماری از مردم در این باره وسوسه می کنند. گو این که اینان، مزه فقه را نچشیده اند و تعابیر و معانی و رمز کلمات امامان معصوم علیهم السلام را نفهمیده اند و در عنوان هایی چون حاکم، قاضی، حجّت، خلیفه و غیر اینها که در کلمات امامان علیهم السلام درباره فقها آمده است، دقّت نکرده اند. طرح این عنوان ها و همانند اینها از سوی امامان علیهم السلام، دلالت دارد که آن بزرگواران در دوره غیبت، نظم و سامان یافتن امور شیعیان را خواستار بوده اند... اتفاق آرای فقهای شیعه بر آن است که فقیه جامع الشرایط، در کلیه شئون مربوط به امام معصوم، نیابت دارد».(۱)

مرحوم علّامه نراقی: (م، ۱۲۴۵ه(«در هر موردی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا امامان معصوم علیهم السلام ولایت داشته اند، ولیّ فقیه و حاکم اسلامی نیز در روزگار غیبت ولایت دارد. هر کاری که مربوط به امور دینی و یا دنیوی مردم است و باید انجام گیرد، فقیه دارای شرایط، عهده دار آنها خواهد بود».(۲)

مرحوم سید جواد حسینی عاملی: (م، ۱۲۲۶ه(«هُوَ (فقیه) نایِبٌ وَ مَنصُوبٌ عَن صاحِبِ الاَمر علیه السلام , وَ یَدلّ علیه العقل

۱- جواهرالکلام، ج۲۱، ص۳۹۷ .

۲- عوائد الایام، ص۱۸۷.

والاجماع والاخبار؛ فقیه از سوی صاحب امر عجل الله تعالی فرجه الشریف گمارده شده است. عقل و اجماع و اخبار بر این مطلب دلالت دارند.»(۱)

امام خمینی رحمه الله: حکومت اسلامی، نه استبدادی است و نه مطلقه؛ بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین، تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد... تمام اختیاراتی که برای امام به عنوان حجت خداوند بر مردمان وجود دارد، عیناً برای فقها ــ که از جانب امام به عنوان حجت بر مردمان تعیین شده اند ــ نیز جاری است... ولایت که از شئون نبوت است به عنوان ارث به فقها می رسد... فقها اوصیای دست دوم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و اموری که از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ائمه علیهم السلام واگذار شده، برای آنان نیز ثابت است و باید تمام کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انجام دهند چنان که حضرت امیر علیه السلام انجام داد... فقها از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به خلافت و حکومت منصوب اند».(۲) «ولایت فقیه همان ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است، همان ولایت رسول الله است. این ها از ولایت رسول الله هم می ترسند. خدا او (ولی فقیه) را ولی امر قرار داده است.»(۳)

مقام معظم رهبری: امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در جامعه تعیین می شود... یا خدا به نام و نشان [امام را] معیّن می کند ــ مثل این که امیر المؤمنین، امام حسن و امام حسین و بقیه ائمه را معیّن کرد ــ یک وقت هم خدای متعال، امام را به نام معیّن نمی کند، بلکه تنها به نشان معیّن می کند مثل فرمایش امام عصر علیه السلام که فرمودند: «فامّا من کان من الفقها صائناً لنفسه،

۱- مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۲۱.
۲- ولایت فقیه، امام خمینی، صفحات ۳۳ ــ ۴۶ ــ ۵۹ ــ ۶۵ ــ ۱۲۲.
۳- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶ و ۱۳۳ .

حافظاً لـدینه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لامر مولاه، فللعوام أن یقلّدوه...» هر کس که این نشان بر او تطبیق کرد، امام می شود... امام یعنی پیشوا، یعنی حاکم، یعنی زمامدار، یعنی آن کسی که هر جا او رود، انسان ها دنبالش می روند، که باید از سوی خدا باشد، عادل باشد، منصف باشد، با دین باشد، با اراده باشد... این طوری ولیّ را مشخص می کنند، این هم از طرف خداست. حاکم جامعه اسلامی چه کسی باشد؟ باید آن کسی باشد که خدا معین می کند...».(۱)

شهید مرتضـی مطهری رحمه الله: «مطابق اعتقاد شیعه و شخص امیرالمؤمنین علیه السلام، زمامداری و امامت در اسلام، انتصابی و بر طبق نص است».(۲) «نائب امام معصوم نیز به طور غیر مستقیم از ناحیه خداست و مقام او مقام مقدس و الهی است».(۳)

دلایل عقلی انتصابی بودن ولایت فقیه

امام رضا علیه السلام در پاسخ سائلی که از جایگاه امام پرسش کرده بود، فرمود:

«فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ جَعَلَ أُولِی الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ قِیلَ لِعِلَلٍ کثِیرَهٍ مِنْهَا أَنَّ الْخَلْقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَی حَدٍّ مَحْدُودٍ وَ أُمِرُوا أَنْ لَا یَتَعَدَّوْا ذَلِک الْحَدَّ لِمَا فِیهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ یَکنْ یَثْبُتُ ذَلِک وَ لَا یَقُومُ إِلَّا بِأَنْ یَجْعَلَ عَلَیْهِمْ فِیهِ أَمِیناً یَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدِّی وَ الدُّخُولِ فِیمَا حُظِرَ عَلَیْهِمْ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ یَکنْ ذَلِک لَکانَ أَحَدٌ لَا یَتْرُک لَذَّتَهُ وَ مَنْفَعَتَهُ لِفَسَادِ غَیْرِهِ فَجَعَلَ عَلَیْهِمْ قَیِّماً یَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ یُقِیمُ فِیهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْکامَ وَ مِنْهَا أَنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَهً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مِلَّهً مِنَ الْمِلَلِ بَقوا وَ عَاشُوا إِلَّا

۱- ولایت، ص ۱۸ ۴۳ .

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج۱۶، ص ۳۳۰.

۳- اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱،ص ۱۷۱.

بِقَیِّمٍ وَ رَئِیسٍ وَ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِی أَمْرِ الدِّینِ وَ الدُّنْیَا فَلَمْ یَجُزْ فِی حِکمَهِ الْحَکیمِ أَنْ یَتْرُک الْخَلْقَ مِمَّا یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قِوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ فَیُقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ وَ یَقْسِمُونَ فَیْئَهُمْ وَ یُقِیمُ لَهُمْ جُمْعَتَهُمْ وَ جَمَاعَتَهُمْ وَ یَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِمْ وَ مِنْهَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ یَجْعَلْ لَهُمْ إِمَاماً قَیِّماً أَمِیناً حَافِظاً مُسْتَوْدَعاً لَدَرَسَتِ الْمِلَّهُ وَ ذَهَبَ الدِّینُ وَ غُیِّرَتِ السُّنَنُ وَ الْأَحْکامُ وَ لَزَادَ فِیهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَ شَبَّهُوا ذَلِک عَلَی الْمُسْلِمِین...؛(۱)

اگر کسی بگوید چرا اولو الامر، یعنی ائمه هدایت و اوصیای پیغمبران در هر زمان منصوب شدند و به این منصب جلیل مفتخر گردیدند و خلق به اطاعت ایشان مأمور شدند، باید در جواب گفته شود که این مطلب، علت های بسیاری دارد. بعضی از آنها این است که چون خلق بر حدی محدود و احکامی مضبوط و معدود. اطلاع یافتند و مأمور شدند که از این حد تجاوز نکنند _ چرا که با تجاوز از آن حد، فسادهایی به بار می آمد _ آن کار، انجام نمی گرفت و اقامه نمی شد، مگر به اینکه در میان خلق، امینی قرار داده شود که آنها را از تعدی از حدود و داخل شدن در آنچه بر ایشان ممنوع شده است، منع کند. چه اگر این طور نشود، احدی لذت و منفعت خود را به جهت نابودی غیر خود کنار نمی گذارد. پس حقتعالی در میان مردم امامی قرار داد که ایشان را از فساد، منع و حدود و احکام الهی را اقامه کند. از این رو، هیچ فرقه ای از فِرَق و ملتی از ملل نیست که باقی باشند و زندگی کنند، مگر به وجود قیّم و رئیسی در میان ایشان که به او در امر دین و دنیای خود نیاز دارند. پس در حکمت حکیم جایز نیست که مردم را واگذارد و در میان آنان، کسی را که به او نیاز دارند و جز با کمک او استوار نمی مانند، قرار ندهد. پس با کمک او با دشمنان خود می جنگند و غنیمت های خود را قسمت می کنند و او برای ایشان نماز جمعه و جماعت، اقامه می کند و ظلم ظالم را از مظلوم دفع می کند. از دلایل دیگر نصب امام، این است که اگر برای مردم قرار داده نمی شد امامی که قیم ایشان و امین و حافظ و نگهبان شریعت باشد، هر آینه ملت

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۰۱.

از هم گسسته می شد و دین از میان می رفت و سنن و احکام الهی تغییر می کرد، بدعت کنندگان بر احکام می افزودند و ملحدان از آن می کاستند. و امر را بر مسلمانان مشتبه می ساختند.»

امام رضا علیه السلام در روایت مذکور، جعل و نصب اولی الامر را دارای علت های بسیاری دانسته است که به صورت اجمال عبارت اند از:

۱ـ طبیعت زیاده خواه انسان

۲ـ لزوم وجود قانون در جوامع بشری و ضرورت اجرای آن

۳ـ ضرورت وجود مجریان امین و عادل در میان انسان ها

۴ـ شواهد تاریخی مبنی بر احتیاج ابنای بشر به رهبر

۵ـ برهان عقلی بر اساس حکمت خدا

موارد فوق از ظاهر سخن حضرت رضا علیه السلام برداشت می شود و هر کدام از آنها جهت روشن شدن بحث، نیاز به تفصیل و تبیین مستقلی دارند. بی شک پرداختن تفصیلی به تک تک آنها، نوشتار را طولانی کرده و آن را از قالب یک مقاله خارج می کند؛ از این رو موارد فوق، به صورت کلی و در قالب یک برهان ارائه می شود.

استاد جوادی آملی در این زمینه می نویسد:

«عقل می گوید سعادت انسان، به قانون الهی بستگی دارد و بشر به تنهایی نمی تواند قانونی بی نقص و کامل برای سعادت دنیا و آخرت خود تدوین نماید و قانون الهی، توسط انسان کاملی به نام پیامبر، برای جامعه بشری به ارمغان آورده می شود و چون قانون، بدون اجرا، تاثیرگذار نیست و اجرای بدون خطا و لغزش، نیازمند عصمت است، خداوند، پیامبران و سپس امامان معصوم را برای ولایت بر جامعه اسلامی و اجرای دین، منصوب کرده است و چون از حکمت خداوند و لطف او به دور است که در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مسلمانان را بی رهبر رها سازد و دین و شریعت خاتم خویش را بی ولایت واگذارد، فقیهان جامع الشرایط را ـ که نزدیک ترین انسان ها به امامان معصوم، از حیث سه شرط «علم»، «عدالت» و

«تدبیر و لوازم آن» می باشند ـ به عنوان نایب از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به ولایت جامعه اسلامی منصوب ساخته است. مردم مسلمان و خردمند که ضرورت امور یاد شده را به خوبی می فهمند و در پی سرکشی و هواپرستی و رهایی بی حد و حصر نیستند، ولایت چنین انسان شایسته ای را می پذیرند تا از این طریق، دین خداوند در جامعه اجرا گردد.

حاکمیت فقیه جامع الشرایط، همانند حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است؛ یعنی همان گونه که مردم، پیامبر و امامان را در اداره جامعه اسلامی وکیل خود نکردند، بلکه با آنان بیعت نموده و ولایت آن بزرگان را پذیرفتند، در عصر غیبت نیز مردم با جانشینان شایسته و به حقّ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ که از سوی امامان معصوم به عنوان حاکم اعلام شده اند ـ دست ولاء و پیروی و بیعت می دهند.

آیا اگر کسی دین اسلام را پذیرفت و آن را برای خود انتخاب کرد و به دین الهی رأی «آری» داد، به این معناست که با دین و صاحب آن قرارداد دوجانبه وکالتی بسته است؟ آیا در این صورت، پیامبر، وکیل مردم است؟ روشن است که چنین نیست و آنچه در اینجا مطرح می باشد، همانا پذیرش حق است، یعنی انسانی که خواهان حق و در پی آن است، وقتی حق را شناخت، آن را می پذیرد و معنای پذیرش او آن است که من، هوای نفس خود را در برابر حق قرار نمی دهم و آنچه را که حق تشخیص دهم، از دل و جان می پذیرم و در مقابل «نص»، اجتهاد نمی کنم.

در جریان غدیر خم، ذات اقدس اله به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور ابلاغ داد: <یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک>. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز پیام الهی را به مردم رساند و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» و مردم نیز ولای حضرت علی علیه السلام را پذیرفتند و گفتند. «بخ بخ لک یابن ابی طالب» و با او بیعت کردند. آیا معنای بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام این است که ایشان را «وکیل» خود کردند یا اینکه او را به

عنوان «ولیّ» قبول کردند؟ اگر علی بن ابی طالب علیه السلام وکیل مردم باشد، معنایش این است که تا مردم به او رأی ندهند و امامت او را امضا نکنند، او حقی ندارد. آیا چنین سخنی درست است؟»(۱)

در این خصوص، برخی دیگر از بزرگان نیز، مطالبی را در راستای اثبات عقلانیت نصب ولی فقیه ارائه کرده اند که در ذیل بدان اشاره می شود:

صاحب «مفتاح الکرامه» در خصوص نصب فقیه در عصر غیبت می نویسد: «عقل و اجماع و اخبار، دلالت بر نصب فقیه از سوی امام معصوم علیه السلام دارد.اما دلالت عقل آن است که اگر امام علیه السلام، فقیه را منصوب نکند و اجازه ندهد که به امور سر و سامان دهد، سبب حَرَجی شدید و اختلال نظام می شود.» (۲)

مرحوم نراقی نیز می فرماید: «به طور کلّی، فقیه عادل در دو چیز حق ولایت دارد:

۱. در همه اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان در آنها صاحب اختیار بوده و حقّ سرپرستی و ولایت داشته اند.

۲. در همه اموری که با دین و دنیای بندگان خدا، ارتباط دارد و باید انجام شود».

ایشان در جای دیگر می نویسد: «بی تردید بر خداوند رئوف و حکیم است که در هر امری از اموری که این گونه با زندگی انسان آمیخته باشد، والی و سرپرست و مسئولی معین کند. فرض این است که از طرف شارع دلیلی بر نصب شخص معیّن، یا بیان کلّی و معین، یا نصب گروهی خاص جز شخص فقیه نداریم. و این در حالی است که برای فقیه، صفاتی زیبا و فضایلی نیکو وارد شده، و این همه برای اثبات آن که وی از طرف شارع مقدّس به این مقام، «نصب» شده باشد،

۱- ولایت فقیه، ص۲۱۲.

۲- مفتاح الکرامه، ج۱۰،ص۲۱.

کافی است.

و بعـد از آن که ثابت شـد که بایـد برای اداره این گونه امور، سـرپرستی باشد و امکان ندارد که این امور، بدون ولی و حاکم بمانـد و از هیچ کس خلاف این مطلب شـنیده نشده است، می گوییم: در میان کسانی که امکان دارد نسبت به این امور، مقام ولایت و سـرپرستی داشته باشـند، و از این راه برای ایشان ولایت ثابت شود، قطعاً «فقیه» ارجح است؛ زیرا آن افراد، مسلماً باید مسلمان، عادل و مورد اطمینان باشند، اما عکس مطلب صحیح نیست».(۱)

حضـرت آیت الله بروجردی نیز، بـا تشـکیل یک قیاس اسـتثنایی بر نصب فقیهان، اسـتدلال عقلی می کنـد و ضـمن مطالبی می نویسد:

«یا امامان علیهم السـلام هیـچ کس را برای انجام کارهای مورد نیاز همگان، نصب نکرده و در این امر، اهمال ورزیده اند، و یا آن که فقیه را برای این کارها گمارده اند. اوّلی باطل است، پس دوّمی ثابت می شود». (۲)

و نیز می فرمایـد: «فقیه عادل برای انجام کارهای مهمّی که عموم مردم با آن دست به گریبان انـد، منصوب شده است. با توجه به آن چه گفـتیم، هیـچ اشـکالی در این مسـئله دیـده نمی شـود و برای اثبـات آن، حـتی به مقبوله ابن حنظله نیز نیـازی نیست، هرچند که می توان آن را یکی از شواهد به شمار آورد». (۳)

آیت الله جوادی آملی نیز می نویسـد: «سـمت هـای الهی قابـل جعـل و انشـا است، ولی در اختیـار احـدی نیست؛ بلکه فقـط در اختیـار خـداست که بلا واسـطه یا با واسـطه آنها را جعل می فرمایـد.ماننـد سـمت رسالت، خلافت، ولایت، امامت، قضا و حق افتاء... که این سمت ها همانند ریاست، وزارت، مدیریت و نظایر آنها نیست

ص:۲۶۳

۱- حدود ولایت حاکم اسلامی، (ترجمه عوائد ایام) ص۲۷-۳۰ .

۲- البدر الزاهر، ص۵۶.

۳- البدر الزاهر، ص۵۲.

تا ثبوت و سقوط آنها در اختیار انسان ها باشد. لازمه سمت های یاد شده آن است که میثاق و بیعت مردم هیچ گونه تأثیری در اصل ثبوت آنها ندارد.».(۱)

به هر حال، از نقل و عقل چنین معلوم می شود که مشروعیت حکومت فقها، زاییده نصب عام آنان از سوی امام معصوم علیه السلام است که آنان نیز از جانب خدای متعال، منصوب هستند و به همان معیاری که حکومت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشروعیت داشت، حکومت امامان معصوم و در زمان غیبت، ولی فقیه واجد شرایط در زمان غیبت، مشروعیت خواهد داشت؛ یعنی مشروعیت حکومت، هیچ گاه مشروط به رأی انسان ها نبوده، بلکه امری الهی و با نصب او است. اما تفاوت نصب امام معصوم با نصب فقهای واجد شرایط در این است که معصومان علیه السلام به صورت معیّن و خاص نصب شده اند، ولی نصب فقها، عام بوده و در هر زمان، برخی از آنها مأذون به حکومت هستند.

امام خمینی رحمه الله که قائل به نصب ولی فقیه است می فرماید:

«از نظرگاه مذهب تشیع، این از امور بدیهی است که حجت خدا بودن امام علیه السلام، یعنی آن که او دارای منصبی الهی و صاحب ولایت مطلقه بر بندگان است، وچنان نیست که او فقط مرجع بیان احکام الهی باشد. لذا می توان از گفته آن حضرت که فرمود: «اَنا حُجَّه اللهِ وَ هُم حُجَّتی عَلَیکُم» دریافت که ایشان می فرماید: هر آن چه از طرف خداوند به من واگذار شده است و من در مورد آنها حق ولایت دارم، فقها نیز از طرف من صاحب همان اختیارات هستند». (۲)

ایشان در جای دیگر می فرماید: «لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است؛ وگرنه واجب کفایی خواهد بود در

۱- وحی و رهبری، ص۱۷۱.
۲- شئون و اختیارات ولی فقیه، (ترجمه کتاب البیع)، ص۴۷.

صورتی هم که ممکن نباشد، ولایت ساقط نمی شود؛ زیرا از جانب خدا منصوب هستند». (۱)

دلایل نقلی بر انتصابی بودن ولایت فقیه

پرداختن مبسوط به دلایل انتصابی بودن ولایت فقیه، اعم از آیات، روایات، اجماع، براهین عقلی و براهین تاریخی خارج از رسالت این نوشتار است؛ از این رو، به بحثی اجمالی بسنده می کنیم. درباره انتصابی بودن ولایت فقیه، به بعضی از روایات حضرات معصوم علیهم السلام تمسک جسته و در تحلیل و تبیین مسأله از آنها بهره خواهیم برد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَهُ الْأَنْبِیا(۲)، به راستی که علماء، وارثان پیغمبران هستند».

اصل اول در استنباط از احادیثِ مأثور معصومین علیهم السلام، این است که آن احادیث، ظهور در تشریع داشته باشند، یعنی به منظور انشای حکم یا بیان وظیفه مکلفان صادر شده باشند، نه إخبار از رخداد های تکوینی که هیچ تعهد شرعی و وظیفه دینی را به همراه ندارد. آنچه از حدیث بالا بر می آید، همانا جَعل وراثت و دستور به جانشینی علمای دین برای پیامبران و احکام الهی است و جَعل وراثت و انشاء جانشینی، غیر از نصب فقیهان دین شناس، معنای دیگری نخواهد داشت.(۳)

باز از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«إِیَّاکمْ أَنْ یُحَاکمَ بَعْضُکمْ بَعْضاً إِلَی أَهْلِ الْجَوْرِ وَ لَکنِ انْظُرُوا إِلَی رَجُلٍ مِنْکمْ- یَعْلَمُ شَیْئاً مِنْ قَضَایَانَا فَاجْعَلُوهُ بَیْنَکمْ فَإِنِّی قَدْ جَعَلْتُهُ قَاضِیاً فَتَحَاکمُوا إِلَیْه؛ (۴)

ص:۲۶۵

۱- شئون و اختیارات ولی فقیه، (ترجمه کتاب البیع)، ص۴۲.

۲- امالی، ص ۶۰.

۳- ولایت فقیه، جوادی آملی، ص ۱۹۰.

۴- من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳.

مبـادا یکی از شـما شـیعیان، برای دادخواهی نزد حاکم جور برود، بلکه بایـد بنگرد که چه کسـی در میان شـما با احکام و طرز حکومت ما آشـنا است تا او را برای رفع خصومت و داوری برگزیند، پس حکم را نزد او برده، و داوری و قضاوتش را بپذیرید که من نیز او را بر شما قاضی و داور قرار می دهم».

هم چنین عمربن حنظله از امام صادق علیه السلام درباره مراجعه شیعیان به حاکم جور، برای رفع مخاصمه، چنین پرسیده است:

«عَنْ رَجُلَیْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَیْنَهُمَا مُنَازَعَهٌ فِی دَیْنٍ أَوْ مِیرَاثٍ فَتَحَاکمَا إِلَی السُّلْطَانِ وَ إِلَی الْقُضَاهِ أَ یَحِلُّ ذَلِک قَالَ مَنْ تَحَاکمَ إِلَیْهِمْ فِی حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاکمَ إِلَی الطَّاغُوتِ وَ مَا یَحْکمُ لَهُ فَإِنَّمَا یَأْخُذُ سُحْتاً وَ إِنْ کانَ حَقّاً ثَابِتاً لِأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُکمِ الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ یُکفَرَ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی <یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکفُرُوا بِهِ>(۱) قُلْتُ فَکیْفَ یَصْنَعَانِ قَالَ یَنْظُرَانِ إِلَی مَنْ کانَ مِنْکمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَی حَدِیثَنَا وَ نَظَرَ فِی حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْکامَنَا فَلْیَرْضَوْا بِهِ حَکماً فَإِنِّی قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَیْکمْ حَاکما(۲):

دو نفر از ما راجع به قرض یا میراثی نزاع دارنـد و برای محاکمه نزد سـلطان و قاضـیان وقت می روند آیا این عمل جایز است؟ آن حضرت فرمود: «کسی که در موضوعی، حق باشد یا باطل، نزد آنها به محاکمه رود، چنان است که نزد طاغوت به محاکمه رفته باشـد و آنچه طاغوت برایش حکم کنـد و او بگیرد، اگر چه حق مسـلم او باشـد،ماننـد این است که مال حرامی را گرفته است؛ زیرا آن را به حکم طـاغوت گرفته است. در صورتی که خـدا امر فرموده است که به طاغوت کافر باشـند. و می فرمایـد: می خواهنـد نزد طاغوت به محاکمه برونـد در صورتی که مأمور بودند به او کافر شوند؟» عرض کردم: پس چه کنند؟ «فرمود: نظر کنند به شخصی از خود شما که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و

۱- سوره نساء، آیه ۶۰.

۲- الکافی، ج ۱، ص۶۸

احکام ما را می فهمد، پس به حکم او راضی شوند که همانا من او را حاکم شما قرار دادم.»

مقبوله عمر بن حنظله، مشتمل بر دو توصیه ایجابی و سلبی است. امام صادق علیه السلام از یک طرف مراجعه به سلطان ستمگر و قاضیان دولت نامشروع را مطلقاً حرام معرفی می کند و احکام صادره از سوی آنها را ـ گرچه صحیح باشد، فاقد ارزش و باطل می خواند و از طرف دیگر، شیعیان را برای رفع نیازهای اجتماعی و قضایی به مراجعه به فقهای جامع الشرایط مکلف می سازد.

بنابراین:

اولاً از عبارت «فَانّی قد جعلته علیکم حاکماً» با توجه به واژه «جعل»، نصب و تعیین عالمان دینی از سوی شارع مقدس به عنوان حاکم جامعه استفاده می شود.

ثانیاً، گرچه مورد سؤال در روایت، مسئله منازعه و قضاوت است، لکن بر اساس جمله «فَانّی قد جعلته علیکم حاکماً» و با توجه به واژه «حاکم» ـ که دلالت بر احکام حکومتی دارد ـ فرمایش امام در سایر مسائل و شئون حکومت نیز تعمیم پیدا می کند. در ضمن، موارد سؤال، مخصّص پاسخ عام نیست و اینکه برخی گمان کرده اند «حاکماً» به معنای «قاضیاً» است، تصرف در لفظ کرده اند که خلاف ظاهر الفاظ و تصرفی مجازی به شمار می رود.

ثالثاً، امام علیه السلام در صدر روایت، دادخواهی و مراجعه به سلطان یا قضات حکومتی را حرام شمرده و حکم آنها را باطل معرفی کرده است؛ (۱) حتی در صورتی که قضاوت آنها عادلانه و به حق باشد، باز هم از دیدگاه امام مردود است؛ زیرا ایشان اصل نظام حکومتی را مردود معرفی کرده است. بر این اساس، مراجعه به حکومت مشروع که از ناحیه شارع مقدس منصوب شده باشد، مورد توصیه و تأکید امام

۱- ولایت فقیه، ص۹۱.

قرار گرفته است.

خلاصه بحث:

خلاـصه سـخن در مفـاد روایـات مـذکور، این است که بـا دقت و تأمل در مضامین آنها، این معنا به روشـنی ثابت می شود که ولاـیت فقیه در طول مقـام امـامت، یک منصب الهی است؛ چنان که حضـرت رضا علیه السـلام در پاسـخ به چرایی جعل اولی الاـمر از نـاحیه خـدا، به علـل گونـاگونی _ که برخی به انسان و برخی به خـدا مربوط است _ اشاره فرموده، و از طرف دیگر، حکمت الهی را به میـان کشـیده ومنصوب بودن اولی الاـمر را از این طریق نیز ثـابت کرده است. نکته دیگر اینکه امام از سوی شارع، ولایت دارد و فقها نیز به نیابت از او ولایت دارند، نه به عنوان نیابت و وکالت از سوی مردم. چنان که در توقیع شـریف «فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا»، امر به رجوع است و «فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکمْ»، حجت بودن فقیه را ثابت می کند.

همچنین از مقبوله عمربن حنظله، این مطلب به وضوح اسـتفاده می شود که روایت، تنهـا در صـدد نصب قاضـی برای قضـاوت نیست، بلکه متضـمن معنـای جـامع تری اعم از ولاـیت و قضاوت است؛ زیرا روشن است که قضاوت بـدون ولایت و حکومت هرگز کارساز نیست و قـدرت رفع مخاصـمه را نخواهد داشت. از این رو، منصب قضاء، زیر مجموعه مقام ولایت محسوب می شود، چه اینکه در حدیث عمر بن حنظله، امام می فرماید: «فانی جعلته علیکم حاکماً».

بنـابراین، مقـام ولاـیت _ نظیر سـایر مناصب الهی چون رسالت، امامت، قضاوت و حق افتاء _ قابل جعل و انشا است، لیکن در اختیار کسـی نیست؛ بلکه فقط در اختیار خداوند است و او بدون واسـطه یا با واسطه، آنها را جعل می کند. زیرا این مناصب و سمت ها نظیر ریاست، وزارت، مدیریت و سایر مشاغل بشـری نیستند تا ثبوت و سقوط آنها در حوزه اختیار و انتخاب انسان ها باشد.

ص:۲۶۸

بـدین ترتیب مناـصب فقها، اعم از افتاء، قضاء و ولایت تنها با نص و نصب عام الهی و توسط معصومان علیهم السـلام ثابت می شود؛ هر چند که کارآمدی و فعلیت آنها با رأی و انتخاب مردم است.

ص:۲۶۹

منابع

۱. ابن بابویه، شیخ صدوق، امالی، نشر اعلمی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.

۲. ________________؛ کمال الدین، نشراسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

۳. ________________؛ من لایحضره الفقیه، بی تا، بی جا، بی نا.

۴. امام خمینی، روح الله، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.

۵. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، نشر اسرا، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، بی نا، بی جا، بی تا.

۷. حسنی مراغی، میر فتاح حسنی، العناوین، مؤسسه نشر اسلامی، مدرسین قم، بی تا.

۸. خامنه ای، سیدعلی، ولایت، انتشارات سازمان تبلیغات، تهران، بی تا.

۹. طبرسی، احمد، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق

۱۰. عالم، عبد الرحمن، بنیاد های علم سیاست، نشر نی، تهران، بی تا.

۱۱. عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الرضا علیه السلام، آستان قدس (کنگره)، مشهد، ۱۴۰۶ق.

۱۲. علامه حلی، الفین، دارالهجره، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.

۱۳. علم الهدی، سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، تدوین سید احمد حسینی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۱۰ق.

۱۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.

۱۵. کلینی، کافی، نشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.

۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، نشر اسلامیه، تهران، بی تا.

ص:۲۷۰

۱۷.محقق کرکی، رسائل، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، بی تا.

۱۸.مصباح، محمد تقی، ولایت فقیه، به قلم محمد مهدی نادری قمی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.

۱۹.مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، تهران، بی تا.

۲۰.________________؛ مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.

۲۱.مقدس اردبیلی، احمد، الحاشیه علی الالهیات، تحقیق احمد عابدی، کنگره مقدس اردبیلی، قم، ۱۳۷۵ش.

۲۲.نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، دار احیاء لتراث العربی، بیروت، بی تا.

۲۳.نراقی، احمد، عوائد الایام، نشر بصیرتی، قم، بی تا.

ص:۲۷۱

نشانه ها وشرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه امام رضا علیه السلام

اشاره

o سید حسن زمانی

مقدمه

خبر از آمدن نجات بخش آفرینش و عدالت گستر گیتی، برجسته ترین نکته در آینده نگری پیشوایان دین است. حادثه ظهور او به قدری ارزشمند می باشد که اوّلین روز از ایام الله دانسته شده(۱) و به دلیل اهمیت آن، نشانه ها و حوادث مقارن با آن، در روایات بسیاری، بیان گشته است.

برای نشانه های قیام، دو واژه «علامه» و «علامات» در احادیث استعمال شده است؛ مانند: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات»(۲) یا «علامه خروج المهدی».(۳)

علامت و علم چیزی است که در بیابان و راه ها نصب می شود تا گمشدگان،

ص:۲۷۳

۱- الخصال، ج۱، ص۱۳۴، ح۷۵.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۵۵۶، ح۸.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۸۰.

راهنمایی شوند.(۱) علامت یا نشانه، چنان که از نامش پیدا است، کارکردی جز حکایت گری ندارد؛ مانند شنیده شدن صدای قطار که نشانه آمدن آن است. علامت هایی که برای آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث اسلامی مطرح شده است، نشان از فاصله ما تا قیام ایشان دارد.

در کنار کلمه علامت، عبارت هایی چون «قدّام هذا الامر»(۲) یا «قبل هذا الامر»(۳) نیز برای بیان نشانه ها به کار رفته است.

بیان علامت های قیام توسط اهل بیت علیهم السلام برای مشخص کردن زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نبوده است؛ زیرا این امر، باعث یأس و دلسردی شیعیان به علت فاصله طولانی آنان تا زمان ظهور می شده است. برای همین، امامان معصوم، دستور به تکذیب تعیین کنندگان وقت برای ظهور داده اند. (۴)

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام دراین باره به دعبل خزاعی می فرماید:

«اینکه بگوییم ظهور در چه زمانی خواهد بود، این خبر دادن از وقت محسوب می شود و پدرم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: ای رسول خدا! قائم از فرزندان شما چه وقت، قیام خواهد کرد؟ و ایشان فرمود: مَثَل او مَثَل قیامت است که وقتش را جز خداوند نمی داند. آن حادثه ای است که بر آسمان ها و زمین سنگین است و جز به صورت ناگهانی نمی آید.» (۵)

از طرف دیگر، آن حضرات از ما خواسته اند که هر صبح و شام منتظر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم: «توقعوا الفرج صباحا و مساءا» و این مطلب با تعیین وقت برای ظهور سازگاری ندارد.

۱- لسان العرب، ج۱۲، ص۴۱۹.

۲- قرب الاسناد، ص۱۷۰.

۳- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۳.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۲۶.

۵- غیبت طوسی، ص۴۵۷.

امام رضا علیه السلام دراین باره می فرماید:

«إذا رفع علمکم من بین اظهرکم فتوقعوا الفرج من تحت اقدامکم؛

وقتی امام شما از میانتان برداشته و غایب شد، از زیر پاهای خود منتظر گشایش باشید».(۱)

علامه مجلسی در تفسیر این حدیث می نویسد: «مقصود از«علمکم» یعنی کسی که راه حق را می داند و او، امام است و «تحت اقدامکم» کنایه از نزدیکی و آسانی به دست آوردن آن است».(۲) به عبارت دیگر، طبق فرمایش امام رضا علیه السلام، باید در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره منتظر گشایش و ظهور ایشان باشیم و آن را امری آسان و قابل دسترسی بدانیم.

امّا بیان نشانه ها از طرف اهل بیت علیهم السلام برای امید دادن به شیعیان بوده است؛ زیرا با تحقق هر یک از نشانه ها، نور امید، به دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دولت کریمه مهدوی و برپایی عدالت، در دل های شیعیان پر فروغ تر می شود و بر اثر آن، مقاومت آنان در برابر سختی های دوران غیبت و حیرت، بیشتر و تلاش آنان برای آمادگی جهت همراهی امامشان فزون تر می گردد و رخوت و سستی از آنان رخت بر می بندد.

در کنار این هدف، اهل بیت علیهم السلام با بیان نشانه ها باعث آشنایی پیروانشان با حوادث دوران ظهور، برنامه ریزی درست هنگام رویارویی با هر یک از آن ها و شناسایی مدعیان دروغین _ که پیش از تحقق نشانه های حتمی، ادعای مهدویت و نیابت خاص می کنند _ شده اند.

امّا شرایط ظهور، اموری هستند که تحقق ظهور به آنها بستگی دارد و تا آنها رخ ندهند، ظهور حاصل نمی شود. آشنایی با شرایط باعث می شود تا بتوانیم علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی هایمان، برای فراهم کردن شرایطی که تحقق آنها در

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹.

توان مـا است، تلاش، و بـا موانع ظهور مقابله کنیم. در قالب تمثیل می توان شـرایط ظهور را به دانه ای تشبیه کرد که با فراهم بودن خاك مناسب، آب، هوا و نداشتن آفت به درختی تنومند تبدیل می شود.

در این نوشـتار به بررسـی نشانه ها و شرایط قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السـلام می پردازیم، امـامی که مرقـد شـریفش در سـرزمین مـا قرار دارد و دل میلیون هـا انسان عاشق در حرمش آرام می گیرد. در محور اوّل مقاله، اوضاع عمومی قبل از ظهور بیان می شود. سـپس در محور دوّم نشانه های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد کاوش قرار می گیرد. و در محور سوّم، شرایط ظهور از نگاه آن امام عزیز بررسی می شود.

باشد که این نوشته ناچیز، از طرف ایشان پذیرش شود.

محور اوّل؛ اوضاع عمومی قبل از ظهور

اشاره

قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان، به خصوص منطقه خاورمیانه، دارای اوضاع و شرایط خاصی، چون فتنه و آشوب، کشـتار و ناامنی، سـتم و بیداد گری، و یأس و ناامیدی از گشایش می شود که در احادیث اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است. در این قسمت این موارد از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی می شوند.

یکم؛ ظهور فتنه

فتنه به معنای ابتلا و آزمایش اسـتعمال شده است و در اصل به معنای قرار دادن طلای ناب در آتش، برای جدایی ناخالصـی از آن است. راغب می نویسـد: «اصل الفتن ادخال الذهب النار لتظهر جودته من ردائته»(۱) این کلمه، به معنای داخل شدن انسان در آتش، وسیله عذاب و همچنین آزمایش و ابتلا نیز به کار رفته

۱- المفردات، ص ۳۷۱.

است. بـا کلمه فتنه، معـامله کلمه بلاـ شـده است؛ زیرا هر دو در سـختی و آسانی به کار می رونـد، ولی کاربردشان در سـختی بیشتر است. چنانکه قرآن کریم آمـده می فرماید: <و نَبْلُوكمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَه>؛ (۱) شما را به بدی (سختی و مصیبت و بلا) و نیکی (آسانی و نعمت و دولت) می آزماییم.

پروردگار بلند مرتبه، انسان ها را در این دنیا با وسایل مختلف می آزماید تا انسان های خوب و نیک سـرشت از بدان و زشت کرداران، جدا و هر کدام مطابق رفتارشان جزا داده شوند.

یکی از این فتنه ها و آزمایش ها، در احادیث اهل بیت علیهم السلام غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. حسن بن محبوب گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: «به ناچار فتنه ای سخت و هولناك خواهد بود که در آن، هر صمیمیت و دوستی از بین می رود و آن هنگامی است که شیعه سومین نفر از نوادگان مرا از دست دهد و اهل آسمان و زمین و هر دلسوخته و اندوهناکی بر او بگرید.»(۲)

حدیث دیگری نیز که احمد بن زکریا از امام هشتم علیه السلام نقل کرده، به این مطلب اشاره می کند.(۳)

امام علی بن موسـی الرضا علیه السـلام از حوادثی خبر می دهـد که بعد از ایشان اتفاق می افتد و آنها را فتنه می نامد. مقصود از «سومین نفر از نوادگان من» در این حدیث، امام حسن عسکری علیه السلام است. با شهادت ایشان، شیعه با امامی مواجه شد که از دیـدگان آنان پنهان بود. این موضوع، فتنه و آزمایشـی سـخت برای شـیعیان محسوب می شد. گرچه پیشوایان معصوم با روش های گوناگون، پیروان خود را برای برخورد با چنین روزی آماده کرده بودند و با پیشگویی غیبت امام دوازدهم و

ص:۲۷۷

۱- سوره انبیاء، آیه۳۵.

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام . ج۲، ص۶.

۳- کمال الدین، ج۲، ص ۶۰.

کم کردن ارتباط مستقیم با مردم _ که توسط امام دهم و یازدهم صورت گرفت _ جامعه را به ندیدن امام، عادت داده بودند و امام حسن عسکری نیز فرزندش را به بزرگان شیعه معرفی کرده و درباره او سفارش بسیار نموده بود،(۱) امّا با این حال پذیرفتن امامی که بسیاری از شیعیان او را ندیده بودند، برای آنان دشوار بود.

دراین جا انسان به یاد زمانی می افتد که امام رضا علیه السلام شهید شد و امام جواد علیه السلام _ که در آن زمان، کمتر از هشت سال داشت _ به امامت رسید. شیعه تا آن وقت با امامی کودک مواجه نشده بود؛ برای همین، گرچه از راه های مختلف برایشان اثبات می شد که امام جواد علیه السلام امام آنها است، ولی پذیرش امام کودک برایشان مشکل بود. برای همین در اوّلین موسم حج، هر کس توانست، آمد تا آن امام خردسال را بیازماید؛ ولی وقتی کمالات علمی و کرامت های او را دیدند، به امامتش یقین پیدا کردند. و وقتی امام بعدی نیز در کودکی به امامت رسید، کسی از شیعیان در امامت او تردید نکرد و شاید به امامت رسیدن آنان در کودکی، برای فراهم شدن شرایط پذیرش امام دوازدهم از سوی مردم بود. با این حال، شیعه در آن زمان، برای اوّلین بار با امام غایب مواجه می شد و این امر، فتنه و امتحان سختی برایشان بود.

ابوغانم گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «در سال دویست و شصت، پیروانم فرقه فرقه می شوند. ابوغانم اضافه می کند؛ و در آن سال امام حسن عسکری علیه السلام رحلت کرد و پیروان و یاورانش متفرق شدند. دسته ای خود را منتسب به جعفر (پسر امام دهم علیه السلام) کردند دسته ای به شک افتادند و دسته ای در حالت تحیر ایستادند و دسته ای دیگر به توفیق خدای تعالی بر دین خود ثابت ماندند.(۲)

در کتاب های فرقه شناسی به تشکیل این گروه ها در آن زمان اشاره شده

ص:۲۷۸

۱- رک: کمال الدین، باب ۳۸ و ۴۲ و ۴۳.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۱۱۸.

است.(۱)

حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام چگونگی این فتنه را بیان می کند. حسن بن علی بن فضال گوید؛ امام رضا علیه السلام فرمود: «گویا شیعیان را می بینم که در فقدان سومین نفر از نسل من، مانند چهارپایان در طلب چراگاه برآیند، ولی آن را نیابند.» عرض کردم: «برای چه؟» فرمود: «برای آنکه امامشان از آنان نهان می شود.»(۲)

اکثر شیعیان در آن زمان با هدایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به وسیله نایبان خاص و بزرگان شیعه، شرایط حساس و فتنه انگیز را پشت سر گذاشتند، ولی فتنه و آزمایش به وسیله امامی که از دیدگان پنهان است، همچنان ادامه دارد.

در حدیثی که امام علی بن موسی الرضا از پدرانش علیهم السلام، به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت فرموده، به بودن این فتنه در زمان غیبت اشاره شده است:

«قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد، به تحقیق، قائم از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست، غایب می شود تا زمانی که اکثر مردم بگویند خدا را به خاندان محمّد، نیازی نیست و دیگران در اصل ولادت او شک کنند. پس هر کس در زمان او واقع شود، باید به دین او متمسک شود و به واسطه شک خود، راه شیطان را باز نکند تا مبادا شیطان او را از آئین من زایل ساخته و از دین من بیرون ببرد که او پیش تر، پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیاطین را سرپرست بی ایمان ها قرار داده است.»(۳)

دوّم؛ ناامنی و کشتار

یکی از نشانه های قبل از ظهور، افزایش قتل و غارت در میان مردم است و این مسئله، باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی از همه می شود. این امر به

۱- فرق الشیعه، ص۹۶.
۲- علل الشرایع، ص۲۴۵.
۳- کمال الدین، ج۱، ص۱۰۱.

زمان محدود و مشخصی خلاصه نمی شود؛ بلکه تداوم دارد.

ابوبصیر گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «مردم دچار سختی و ترس شدیدی می شوند و آن حال پایان نمی یابد تا اینکه منادی از آسمان ندا می دهد.(۱)

در روایتی دیگر عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: «مرگ و کشتار مردم را فرا می گیرد تا اینکه مردم به حرم الهی پناه می برند. در آن هنگام، خبر دهنده راستگویی ندا می دهد: برای چه قتل و کشتار؟! صاحبتان فلانی است».(۲)

درحدیثی که از جهت سند، معتبر و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرده است، می خوانیم: «قدّام هذا الامر قتل بیوح، قلت: و ما البیوح؟ قال: دائم لا یفتر؛ پیش از این امر، کشتار بیوح است. پرسیدم: بیوح چیست؟ فرمود: دائمی است و قطع نمی شود».(۳) یعنی قبل از ظهور، کشتار و غارتی دامن گیر مردم می شود که تمامی ندارد.

سوّم؛ فراگیری ظلم و ستم

یکی از مهم ترین شاخصه های دولت کریمه مهدوی، عدالت گستری آن است و تمامی کارهای آن امام عزیز بر محور عدالت انجام می شود؛ به صورتی که همگان، گرمای دادگری ایشان را در زندگی لمس می کنند و در آن دولت، هر کس به حق خود دست می یابد و کسی را توانایی ستم کردن بر دیگران نیست. امّا بیشتر احادیثی که عدالت گستری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان داشته اند، در کنار آن، به فراگیری بیداد و ستمگری قبل از ظهور نیز اشاره کرده اند.

ص:۲۸۰

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۷۰ ؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۷۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۶.

۳- قرب الاسناد، ص ۱۷۰ ؛ مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۳۶.

روایت هایی از امام هشتم شیعیان در این باره به دست ما رسیده است که یکی از آن ها بیان می شود. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: «شما صاحب این امر هستید؟» فرمود: «من صاحب این امر هستم، ولی آن صاحب امری که زمین را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه از بیداد و ستم پر شده باشد، نیستم...».(۱)

چهارم؛ یأس و ناامیدی

یکی از رخدادهای پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می افکند. مردم، علاوه بر خسته شدن از وضع موجود، امید خود را برای دستیابی به وضع مطلوب از دست می دهند و این ناامیدی به سبب قتل و غارتها، ناامنی و گرفتاری ها، بیماری و فسادی است که بر همه جا حاکم می شود.

ناامیدی مردم از آن وضع باعث می شود که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کرد و به عدالت گستری پرداخت برای رهایی از وضع ناهنجارشان به او بپیوندند. در کنار روایت های سایر اهل بیت علیهم السلام، احادیثی از امام رضا علیه السلام بر این مطلب دلالت دارند.

ایشان در روایت معتبری، بعد از دعوت به صبر، به احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می فرماید: «انما یجیء الفرج علی الیأس؛ همانا گشایش، هنگام یأس و ناامیدی می آید». (۲)

در حدیثی دیگر، حسن بن محبوب گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود:... هنگام از دست دادن آب گوارا (ماء معین) – کنایه ازغیبت امام – بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و اندوهناک خواهند شد. گویا آنان را در ناامیدترین حالتشان می بینم که ندایی داده می شود که از دور، مانند نزدیک شنیده می شود. آن ندا رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران خواهد بود.»(۳) مطابق روایات، بعد از این

ص:۲۸۱

۱- اعلام الوری، ص۴۳۴.

۲- قرب الاسناد، ص۱۹۸ ؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص ۱۱۰.

۳- کمال الدین، ج۲، ص۵۹.

ندا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود.(۱)

محوردوّم؛ نشانه های ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام

اشاره

قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه، بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام علامت هایی اتفاق می افتد. از میان این نشانه ها برخی حتمی هستند، یعنی آمدنشان متوقف بر فراهم شدن شرایط و نبودن مانع نیست و به طور صد در صد واقع می شوند. اما برخی غیر حتمی محسوب می شوند که در روایات از آنها تعبیر به موقوفه شده است.(۲) یعنی نشانه ای که آمدنش، متوقف بر امر دیگری است و احتمال رخ ندادن آن وجود دارد. در سخنان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به برخی از این نشانه های حتمی و غیر حتمی اشاره شده است که در این محور، به آنها می پردازیم.

یکم؛ ندای آسمانی

ندای آسمانی، صدایی است که از آسمان توسط جبرئیل امین علیه السلام اعلان می شود و در آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، معرفی شده و نام، نسب و حقانیت او و پیروانش بیان می شود. این صدا را همگان به زبان مادری می شنوند؛ از این رو می توان آن را معجزه ای دانست؛ چرا که بدون هیچ وسیله ارتباطی، همگان، حتی افراد خوابیده آن را می شنوند. این ندا یکی از علایم حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و با اعلان آن، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام زمان ندا، شب جمعه ای که جمعه آن، برابر با بیست و سوّم ماه مبارک رمضان باشد، معرفی شده است. البته اصل ندای آسمانی از امور حتمی محسوب می شود ولی حتمی بودن آن را نمی توان به خصوصیت های ندا

۱- غیبت نعمانی، ص۳۰۱.

۲- غیبت نعمانی، ص۳۱۳.

سرایت داد. بنابراین هر جمعه و بلکه هر روز یا شب می توان منتظر اعلان صیحه و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

ندای آسمانی با الفاظ «ندا»، «صیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزعه» و «هدّه» در احادیث شیعه و عامه مطرح شده است.(۱)

نکته هایی که درباره ندای آسمانی در کلمات امام هشتم شیعیان آمده است، به شرح ذیل می باشد:

ـ همگان ندای آسمانی را می شنوند. در حدیث معتبری که حسین بن خالد از امام هشتم علیه السلام نقل کرده، آمده است:

«... وهوالذی ینادی مناد من السماء باسمه یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء الیه...؛

و او کسی است که منادی به نام او از آسمان ندا کند و به سوی وی دعوت نماید؛ به گونه ای که تمامی اهل زمین آن ندا را بشنوند».(۲)

ـ ندا به صورت یک نواخت، توسط همگان شنیده می شود و دوری یا نزدیکی در شنیدن آن تأثیری ندارد. حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل می کند که دراین باره فرمود:

«... قد نودوا نداء یسمع من بعد کما یسمع من قرب...؛

به تحقیق ندایی داده می شود که از دور، مانند نزدیک شنیده می شود». (۳)

این روایت از جهت طبقه مشکلی ندارد و تمامی راویان آن توثیق شده اند، بنابراین از جهت سند معتبر است.(۴)

ص:۲۸۳

۱- ندای آسمانی، ص۱۵.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص۵۲۴ ؛ کمال الدین، ج۲، ص ۶۰.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام ؛ ج۲، ص۶، ح۱۴.

۴- این حدیث از علی بن حسین بابویه از عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل شده است. به غیر از احمد بن هلال، بقیه از بزرگان شیعه محسوب می شوند و در وثاقت آنان تردیدی نیست. شیخ طوسی به احمد بن هلال نسبت غلو داده است. (شیخ طوسی، الفهرست ؛ ص۸۳، ش ۱۰۷)

محتوای ندا در ادامه حدیث حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام، به این صورت آمده است؛

«... یقول؛ ألا إنّ حجه الله قد ظهرعند بیت الله فاتبعوه فإنّ الحق معه و فیه...؛

آگاه باشید که همانا حجت خداوند، کنار خانه خدا آشکار شده است. پس از او پیروی کنید. به درستی که حق همراه او و با او است».

نکته های دیگری از این حدیث شریف استفاده می شود و آن اینکه:

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار خانه خدا یعنی کعبه خواهد بود

در هنگام ظهور، به ما دستور پیروی از آن امام داده می شود.

محوریت و پرچمداری حق با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حجت و نماینده خداوند برای برپایی عدالت بر روی زمین است و از طرف خود کاری انجام نمی دهد.

قرآن کریم نیز به ندای آسمانی اشاره کرده است. درادامه روایت پیشین، امام رضا علیه السلام می فرماید:

«... و هو قول الله عزّ و جلّ؛ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِین؛ (۱)

خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: اگر بخواهیم از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم تا گردن هایشان در برابر آن فروتن شود».

ابوالفتوح رازی گوید: سبب نزول این آیه، آن بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اهل مکه را دعوت کرد و ایشان ایمان نیاوردند. رسول دل تنگ شد. خدای تعالی فرمود:

۱- شعراء، آیه ۴.

برای آنکه ایشان ایمان نمی آورند خویشتن را هلاک می کنی.(۱) احادیث اهل بیت علیهم السلام، مقصود از این آیه را ندای آسمانی می دانند.(۲) اما تفسیر آیه با آن چه در این روایت ها مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل مفسران در پی پاسخ به این اشکال برآمده اند.

علامه طباطبایی درباره این احادیث می نویسد: «درتفسیر قمی ذیل آیه «إن نشأ ننزّل...» آمده است: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که ایشان فرمود: «گردن هایشان، یعنی بنی امیه، با اعلان صیحه آسمانی به نام صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نرم و خاضع می شود». می گویم: این معنا را کلینی در روضه کافی و صدوق در کمال الدین و مفید در ارشاد و شیخ در الغیبه روایت کرده اند و ظاهر این روایات از باب جری و تطبیق است، نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر آن نمی سازد.»(۳)

بنابراین ندای آسمانی، مصداقی از مفهوم وسیع آیه است یا به عبارت دیگر، مفهوم آیه این است که خداوند هر وقت بخواهد معجزه ای از آسمان می فرستد تا گردن ها در برابر آن فرو افتد و تسلیم امر خدا شوند و ندای آسمانی این ویژگی ها را داراست؛ یعنی اوّلاً ـ از جانب خداوند است، ثانیاً حالت اعجاز دارد و ثالثاً باعث کرنش و پذیرش همگان می شود. در روایت آمده است: «بر روی زمین کسی باقی نمی ماند مگر این که در برابر این معجزه آسمانی، تسلیم می شود.»(۴)

اعلان ندا از آسمان، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پیروان حق با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی پیدا می کنند و آگاه می شوند

۱- روض الجنان، ج۱۴، ص ۳۰۲.

۲- تفسیرالقمی ؛ ج۲، ص ۱۱۸؛ الکافی ؛ ج۸، ص ۲۵۸؛ غیبت نعمانی، باب۱۴، ح۱۹ و ۲۰و۲۳؛ غیبت طوسی، ص ۱۷۷؛ کمال الدین، ج۲، ص ۶۰ ؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۱۸۱.

۳- المیزان، ج۱۵، ص ۲۵۴.

۴- غیبت نعمانی، ص۲۶۷.

که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو انوار او، حق و عدالت همه جا را نورانی خواهد کرد؛ به همین دلیل، روح تازه ای پیدا می کند. اما وقتی کافران و معاندان می شنوند که به نام مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندا داده می شود، متوجه می شوند که وقت زوال حکومت های ستمگرشان فرا رسیده است و در برابر کسی قرار گرفته اند که قدرت آسمانی همراه اوست و توان مقابله با او را ندارند.

در روایت معتبری از امام رضا علیه السلام می خوانیم: «هنگام فقدان ماء معین، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناک خواهند شد. گویا آنان را در نا‌امیدترین حالاتشان می بینم که ندا را می شنوند؛ ندایی که از دور مانند نزدیک، شنیده می شود و آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است».(۱)

دوّم؛ سفیانی

یکی از نشانه های حتمی قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی است. این واژه نشانگر انتساب سفیانی به خاندان ابو سفیان است و این مطلب، به دو صورت می تواند قابل تفسیر باشد.

اول اینکه نسب سفیانی به خاندان ابوسفیان می رسد و او واقعاً از نوادگان ابو سفیان است؛ چنانکه احادیثی او را از بنی امیه، از نسل ابوسفیان و از نسل زن جگرخوار (اشاره به هند، مادر معاویه) معرفی می کنند.(۲)

و دوم آنکه مقصود از انتساب سفیانی به خاندان ابو سفیان، توجه دادن مسلمانان به روش و عملکرد سفیانی است که هم چون ابوسفیان و خاندان او در مقابل پیامبر اکرم واهل بیت او قرار دارد؛ یعنی سفیانی مانند بنی امیه ـ که تمام تلاششان برای مقابله با اسلام و اهل بیت علیهم السلام بود ـ نهایت تلاشش را برای مقابله با

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۹.

۲- غیبت طوسی، ص ۴۴۳؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۶ ؛ الملاحم و الفتن، ص ۲۹۶.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوگیری از برپایی حکومت جهانی او به کار می بندد. در حدیث جالبی، امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «ما و خاندان ابوسفیان، دو خانواده هستیم که به خاطر خداوند با یکدیگر دشمنی کردیم. ما گفتیم: خدا راست گفت و آنان خدا را تکذیب کردند. ابوسفیان با رسول خدا جنگید، معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام، یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام و سفیانی با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ خواهد کرد».(۱)

سفیانی از دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان محسوب می شود. آغاز خروج او از منطقه شام و وادی یابس است و پس از به قدرت رسیدن درمنطقه سوریه، به اشغال پیرامون آن می پردازد. عبدالله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق علیه السلام درباره نام سفیانی پرسش کرد و امام پاسخ داد: «به نام او چه کار داری؟ وقتی او پنج منطقه شام؛ یعنی دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را اشغال کرد، در آن هنگام منتظر گشایش باشید».(۲)

سفیانی بعد از سلطه بر منطقه شام، حمله خود را به عراق آغاز می کند. او در کوفه و پیرامون آن دست به کشتار و غارت شیعیان می زند. هدف او از این اقدام ها بازداشتن شیعیان از تسلط بر منطقه خاورمیانه و جلوگیری از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. خروج او در ماه رجب پیش بینی شده است که با حرکت خراسانی و یمانی ـ که از حامیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شوند ـ در یک دوره خواهد بود.(۳)

ابوالحسن الرضا در این باره می فرماید: «پیش از این امر(ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند بود. پس چگونه

۱- معانی أخبار، ص۳۴۶.

۲- کمال الدین، ج۲، ص۵۵۶.

۳- سفیانی از ظهور تا افول، ص۵۵ و ۷۳.

می گویند: این است، این است؟!»(۱)

درتوضیح این حدیث شریف می توان گفت: در زمان امامان، اصحاب، از آن ها می پرسیدند که آیا شما صاحب الامر و قائم وعده داده شده هستید که زمین را پر از عدل و داد می کند؟ این سؤال از امام جعفر صادق و امام رضا، به دلیل شرایط زمانی خاص آنان، بیشتر می شد. زمان امام صادق علیه السلام در ابتدای به قدرت رسیدن عباسیان قرار داشت و چون شعار آنان، «الرضا من آل محمد» بود، برخی از اصحاب امام ششم می پنداشتند که آنان قدرت را تحویل امامشان می دهند. در زمان امام رضا علیه السلام نیز، مأمون، امام را به طوس فرا خواند و او را ولیعهد خود قرار داد؛ به همین جهت برخی از اصحاب امام هشتم تصور می کردند حضرت رضا علیه السلام همان قائم وعده داده شده است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درپاسخ این افراد می فرماید: قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید این امور اتفاق بیفتد و در حالی که هیچ یک از آنها رخ نداده است، چگونه می گویند: موعود این است.

سوّم؛ خسف بیداء

یکی از نشانه هایی که در سخنان امام رضا علیه السلام به آن اشاره شده، «خسف بیداء» می باشد. خسف به معنای فرو رفتن است.(۲) و بیداء، نام سرزمینی است بیابانی و خالی از آب و گیاه که میان مکه و مدینه قرار دارد و به مکه نزدیک تر است.(۳) مقصود از خسف و فرو رفتن در سرزمین بیداء، حادثه ای است که برای سپاه سفیانی در آن منطقه رخ می دهد و آن اینکه وقتی سفیانی با خبر می شود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه است، او لشگری را به مدینه می فرستد؛ اما وقتی لشگر به مدینه می رسد با خبر می شوند که ایشان به طرف مکه حرکت کرده است. به

۱- غیبت نعمانی، ص۲۶۲ ؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۳.

۲- لسان العرب، ج۹، ص۶۷.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۵۲۳.

همین دلیـل به سوی مکه رهسـپار شونـد. تـا اینکه در منطقه بیـداء برای استراحت توقف می کننـد. در این هنگام از آسـمان به زمین بیداء دسـتور داده می شود که آنان را در خود فرو ببرد و جز چند نفر، بقیه لشـگر سـفیانی به زمین فرو می روند. حدیثی زیبا و طولانی که با سـندهای مختلف و معتبر در کتاب «غیبت» نعمانی آمده و از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، به شرح این حـادثه در کنار سایر حوادث دوره ظهور پرداخته است.(۱) روایت های دیگری نیز بر این موضوع دلالت می کننـد.(۲) در حدیثی، امام هشتم شیعیان نیز به خسف بیداء اشاره می کند.

حسـین بن خالـد گویـد: خـدمت ابوالحسن الرضا علیه السـلام عرض کردم: «عبدالله بن بکیر حدیثی را نقل می کند و آن را به تأویل می برد، دوست دارم آن را خـدمت شـما عرضه کنم». فرمود: «آن حـدیث چیست؟» گفتم: «ابن بکیر می گوید: عبید بن زراره برای من حدیثی روایت کرد و گفت: هنگام خروج محمد بن عبدالله بن حسن (از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام که ادعای مهدویت داشت) نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که فردی از اصحاب ما وارد شد و به امام گفت:

محمـد بن عبـدالله قیـام کرده است و مردم همراه او شـده انـد، دربـاره همراهی بـا او چه می فرماییـد؟ امام صادق علیه السـلام فرمود: آرام باش [و هر کس ادعای مهدویت می کند با او همراهی نکن] مادامی که آسـمان و زمین آرام اند. عبد الله بن بکیر گوید: وقتی امر به این صورت است و تا آسـمان و زمین آرام اند قیامی نیست، پس قائمی وجود ندارد و خروجی صورت نمی گیرد». امام رضا علیه السـلام فرمود: «ابو عبدالله (امام جعفر صادق علیه السـلام) راست گفت، اما تأویل ابن بکیر درست نیست در واقع ابوعبدالله علیه السلام فرمود: آرام باش مادامی که آسمان از ندا و زمین از خسف سپاه (

۱- غیبت نعمانی، ص۲۸۸.

۲- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۲۴۴.

سفیانی) ساکت است».(۱)

چهارم؛ یمانی

یکی از نشانه های قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج یمانی شمرده شده است. بیش از بیست حدیث در منابع حدیثی شیعه درباره یمانی آمده است که مطالب ذیل از آنها استفاده می شود:

ـ یمانی یکی از نشانه های حتمی محسوب می شود. دو حدیث بر این مطلب دلالت می کند.(۲)

خروج یمانی از یمن خواهد بود. علاوه بر کلمه یمانی که نشانگر این موضوع است، چندین حدیث به صراحت خروج او را از یمن معرفی می کنند.(۳)

ـ خروج یمانی همزمان با خروج سفیانی و خراسانی است. در حدیثی که ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است، می خوانیم: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی، در یک سال و در یک ماه و در یک روز خواهد بود؛ مانند دانه های تسبیح که برخی به دنبال برخی دیگر است». این حدیث و روایت های مشابه، بیانگر این مطلب هستند که آنان مقدمات خروج را از قبل آماده کرده اند و این امر شاید در زمان های متفاوتی باشد؛ ولی با خروج یکی از آنان، دیگران حرکت خود را شروع می کنند.(۴)

ـ یمانی با سفیانی مقابله می کند و با او می جنگد. در حدیثی، عبید بن زراره گوید: نام سفیانی را نزد امام جعفر صادق علیه السلام بر زبان آوردم. ایشان فرمود: «چگونه این طور می شود، در حالی که در آورنده چشمانش، هنوز از صنعا (پایتخت کشور

۱- الامالی، ص۴۱۲.
۲- کمال الدین، ج۲، ص۵۵۶ ؛ غیبت نعمانی، ۲۶۱.
۳- کشف الغمه، ج۲، ص۵۲۳؛ کمال الدین، ج۱، ص۶۰۳.
۴- غیبت طوسی، ص۴۴۶ ؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۷۴.

یمن) قیام نکرده است؟»(۱)

در حدیثی که سید ابن طاووس از امام جعفر صادق علیه السلام آورده، یمانی از فرزندان زید بن علی بن حسین علیه السلام معرفی شده است. طبق این حدیث، امام جعفرصادق علیه السلام دعایی می خواند. عباد بن محمد مدائنی به امام عرض کرد: «فدایتان شوم؛ آیا برای خود دعا نکردید؟» ایشان پاسخ دادند: «برای نور آل محمّد و جلودار آنان و انتقام گیرنده از دشمنانشان به امر خداوند، دعا کردم». عباد پرسید: «پرسیدم: فدایت شوم، چه وقت قیام می کند؟» فرمود: «هر وقت آن کسی که آفرینش و تدبیر در دست اوست، بخواهد». عرض کرد: «آیا برای آمدنش نشانه ای هست؟» فرمود: «بله، نشانه های گوناگون». پرسید: «مانند چه؟» فرمود: «خروج پرچمی از مشرق و پرچمی از مغرب و فتنه ای که اهل زوراء (بغداد) را فرا می گیرد و قیام مردی از فرزندان عمویم زید از یمن و...».(۲)

یمانی به سوی حق دعوت می کند و پرچم او هدایت گر معرفی شده است.(۳) نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در وصف اهل یمن، به اصحاب فرمودند: «آنان قومی هستند که دل هایشان نرم و لطیف و ایمانشان پایدار است و از آنان، پیروزمندی است که با هفتاد هزار نفر قیام می کند و جانشین من و جانشین وصی مرا یاری می کند.(۴) با توجه به اینکه تاکنون فردی از اهل یمن با هفتاد هزار نفر، یاری گر جانشینان پیامبر اسلام نبوده است، می توان گفت که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همان یمانی است که با نیروهایش یاری گر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور

خواهد بود.

۱- فلاح السائل، ص ۱۷۱.

۲- امالی، ص ۶۶۱ ؛ الارشاد، ص ۳۶۰.

۳- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۹۴ ؛ غیبت نعمانی، ص ۴۶.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

در حـدیثی که در مطالب قبلی بیان شـد، امام رضا علیه السـلام یکی از علامت های قیام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ظهور یمانی معرفی کرده است.(۱)

پنجم؛ خراسانی و شعیب بن صالح

در حدیثی که از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شد، یکی از علامت های قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف شـعیب بن صالح معرفی گشت بنابر ارتباط شـعیب بن صالح با قیام خراسانی، ابتدا حرکت خراسانی بررسی می شود و سـپس به بحث درباره این علامت می پردازیم. یکی از نشانه هایی که برای ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف شـمرده شـده است، خروج خراسانی است. خراسانی منسوب به خراسان است و از خراسان خروج می کند همان طور که یمـانی منسـوب به یمن است و نمی توان به عنوان مثـال گفت؛ یمـانی حرکت خود را از عراق شـروع کرده است. خراسـان نامی است که به دو عنوان اطلاق می شد؛

اول به قسـمتی از سرزمین فعلی ایران که از کوه های زاگرس در غرب شروع می شود و تا قسمتی از افغانستان یعنی شهر هرات و اطراف آن در شـرق ادامه پیدا می کند و از شـمال، شـهرهای نیشابور، مرو، سـرخس و قسـمتی از سـرزمین های شمال شرقی ایران را در بر می گیرد و از جنوب تا کرمان و سیستان ادامه می یابد.

در اصـطلاح دوّم، علاـوه بر این منـاطق، به سـرزمین هـای اطراف آن که حاکمـان خراسـان در آن منطقه ها حاکمیت داشـتند اطلاق می شده است.(۲)

برخی از نکاتی که از روایت های اهل بیت علیهم السلام درباره خراسانی استفاده می شود، به شرح ذیل است؛

ـ حرکت خراسانی هم زمان با خروج یمانی و سفیانی است.(۳) بکر بن محمد

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۳.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص ۳۵۰.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۶۲.

ازدی گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خروج سه گروه، سفیانی، خراسانی و یمانی در یک سال، در یک ماه، و در یک روز خواهد بود».(۱)

ــ برخی از احادیث، با عبارت «رایات سود» اشاره به قیام ابومسلم خراسانی دارند.(۲) ولی برخی دیگر از این روایات اشاره به پرچم های سیاهی می کنند که از مشرق زمین به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندند.(۳) با توجه به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در ایام محرم صورت می گیرد،(۴) حرکت اهل خراسان با لباس و پرچم سیاه، امری طبیعی است.

از عملکرد خراسانی، مقابله با سفیانی، یاری اهل عراق و همراهی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است. در حدیث معتبری که جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام با سندهای مختلف نقل کرده، درباره خراسانی آمده است؛ «سفیانی بعد از پیروزی بر رقیبان در شام و شکست دادن طرف های درگیر در قرقیسیا، هفتاد هزار نیرو عازم عراق می کند. آنان در کوفه و اطراف آن به قتل و تجاوز و غارت می پردازند. در آن حال - برای کمک به اهل عراق - نیروهایی از طرف خراسان با سرعت به سوی کوفه می آیند و در میان آنان تعدادی از اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارند».(۵)

با توجه به رخ دادن ندای آسمانی قبل از این حوادث ــ که در اوّل این حدیث به آن اشاره شده است ــ و اینکه بعد از ندا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود تا مقدمات قیام را از کنار کعبه برای تشکیل حکومت جهانی فراهم کند، می توان گفت: وجود تعدادی از اصحاب امام مهدی در سپاه خراسانی، نشانگر حرکت این

۱- ارشاد، ج۲، ص۲۷۴ ؛ غیبت طوسی، ص۴۴۶.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج۴، ص۲۲۹.

۳- غیبت طوسی، ص۴۵۳.

۴- ارشاد، ج۲، ص۳۷۹ ؛ التهذیب، ج۴، ص۳۳۳.

۵- غیبت نعمانی، ص۲۸۸.

نیروها با تأیید آن امام است.

در حـدیثی از امام جعفر صادق علیه السـلام اشاره شده است که سـفیانی برای دریافت کمک برای مقابل خراسانی، به روم می رود.(۱)

علاـوه بر این روایت هـا، می توان روایت هـایی را که دربـاره قم، طالقـان و سـایر بلاـد خراسـان و همچنین روایت هایی را که درباره مردم مشرق زمین آمده است(۲)، و به نشانه های ظهور مربوط می باشد، به احادیث خراسانی اضافه کرد.

امّا مقصود از شعیب بن صالح چه کسی است؟

در حدیثی از امام زین العابدین علیه السـلام خروج شعیب بن صالح از سمرقند معرفی شده است.(۳) در حدیثی دیگر که شیخ صـدوق از علی بن عاصم از امام محمد جواد و آن حضـرت، از پدرش امام رضا و ایشان از پدران گرامی اش علیهم السـلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند، آمده است:

«... و شعیب و صالح علی مقدمه...»(۴) در این روایت، شعیب و صالح پیشاپیش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام قیام معرفی شده اند. شاید مقصود از«شعیب و صالح» همان «شعیب بن صالح» باشد. این حدیث در کتاب عیون اخبار الرضـا علیه السـلام نیز آمـده، ولی در آنجـا حـدیث، مفصـل و کامـل تر و بـدون نقل این جمله آمـده است.(۵) ایـن روایت را راوندی با همین سند آورده که در آن، عبارت «و شعیب بن صالح علی مقدمته» درج شده است.(۶)

در روایت دیگری می خوانیم:

۱- غیبت نعمانی، ص۲۸۸.

۲- فصلنامه تخصصی «تراثنا»، ش۱۵، ص۲۱۴.

۳- کمال الدین، ج۱، ص۴۹۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۸۱ ؛ بحارالانوار، ج۵۷، ص۲۱۶.

۴- غیبت طوسی، ص۴۴۳.

۵- کمال الدین، ج۱، ص۴۹۸.

۶- عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج۱، ص۵۹.

«... ثم یخرج المهدی علی لوائه شعیب بن صالح». سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند در حالی که پرچم دار ایشان شعیب بن صالح است».(۱)

در این روایت این قیام بعد از خروج سفیانی و قتل و غارت او در کوفه صورت می پذیرد.

شعیب بن صالح بیشتر در منابع حدیثی عامه و به عنوان فرمانده سپاه سید خراسانی مطرح شده است. (۲) این احادیث بیشتر در کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی (متوفی ۲۲۹ق) آمده است. در حدیثی که ابی رومان از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، آمده است: «وقتی پرچم های سیاه که در میانشان شعیب بن صالح است، سپاه سفیانی را فراری می دهند، مردم آرزوی حضرت مهدی را می کنند و به دنبال او می گردند. در آن هنگام او از مکه قیام می کند و با او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. دو رکعت نماز می خواند و وقتی نمازش را به پایان رساند رو به مردم می کند و می فرماید:ای مردم! بلاها بر امّت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و به خصوص بر اهل بیت او فزونی و شدت یافته است، به ما ستم کرده و حق ما را خورده اند». (۳)

ششم؛ مروانی

در حدیث منقول از امام رضا علیه السلام خواندیم که قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهد بود.(۴)

اما مقصود از مروانی در این روایت چیست؟ مروانی، منسوب به مروان بن حکم و مروانیان است که بعد از معاویه و یزید، قدرت را برای مدتی به دست گرفتند و یکی از حکومت های ستمگر محسوب می شوند. مروانی یعنی کسی که به این

۱- قصص الانبیاء، ص۳۶۲.

۲- غیبت طوسی، ص۴۶۳.

۳- کنزالعمال، ج۱۴، ص۵۸۸.

۴- الفتن، ص۲۱۳.

خانـدان منسوب، و از نسـل آنـان است یـا ماننـد آنان سـتمگر و ظالم می باشـد. در حـدیث دیگری که از امام محمـد باقر علیه السلام نقل شده، نیز به مروانی اشاره شده است. در این حدیث، یکی از طرف های درگیر در منطقه قرقیسیا، مروانی معرفی می شود.(۱) در این جنـگ که در منطقه قرقیسـیا (شـهری در شـمال سوریه، نزدیـک رود خابور و فرات)(۲) اتفاق می افتـد، گروه های ستمگر با هم مبارزه می کنند که در نهایت، سفیانی بر گروه های دیگر پیروز می شود.(۳)

محور سوّم؛ شرایط ظهور

اشاره

برای ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف چهار شـرط؛ وجود رهبری آگاه و توانمنـد، قانونی جامع که دارای شیوه ای منـاسب برای برپـایی ارزش هـای مطلوب و از میـان بردن زشتی هـای موجود باشـد، همراهـانی که یـاری گر امـام در تشـکیل و نگه داشت دولت کریمه باشـند و همراهی مردم و پذیرش آنان در سطح جهانی لازم است. در این قسمت این شرط ها از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی می شود.

یکم؛ رهبری آگاه و توانمند

تشـکیل دولت کریمه، آن هم در سـطح جهانی، بدون وجود رهبری آگاه و توانمند امکان پذیر نیست. حاکمی که با مدیریت صحیح و کارآمد، جامعه جهانی را به سوی وضـعیت آرمانی حرکت دهد و همگان را از نعمت های دنیوی و اخروی بهره مند کنـد. انتخـاب چنین پیشوایی از عهـده انسـان ها خارج است؛ زیرا خداونـد آگاه به احوال بنـدگانش است و آدمی از شـناخت کافی نسبت به هم نوعان خود در برگزیدن فردی ممتاز برای حاکمیت برخوردار نیست. بعد از زمان حضرت

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۳۳.

۲- غیبت نعمانی، ص۲۱۵.

۳- کافی، ج۸، ص۲۴۵ ؛ غیبت نعمانی، ص۲۸۸.

موسی علیه السلام جمعی از بنی اسرائیل، از پیامبرشان، سموئیل، خواستند تا برای مقابله با دشمنان، حاکمی تعیین کند تا آنان با همراهی او در راه خداوند جهاد کنند و از ستم جالوت رهایی یابند. سموئیل پیامبر، از طرف خدای علیم حضرت طالوت را برگزید. آنان زبان به اعتراض گشودند و گفتند: <نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْك مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمالِ>؛ ما برای پادشاهی از وی سزاوارتریم؛ چرا که او را گشایش مالی نداده اند».

فرستاده پروردگار در پاسخ آنان فرمود:

<إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاهُ عَلَيْكُمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ>؛ خدا او را بر شما برگزیده است و در دانش و توانمندی فزونی داده است»(۱).

در این آیات معیارهایی برای برگزیدن حاکم معرفی شده است که عبارت اند از:

ـ انتخاب باید از طرف خداوند باشد؛ چرا که او آگاه به احوال بندگان است.

ـ خداوند در برگزیدن رهبر امت، حداقل دو معیار دارد، یکی دانش و آگاهی لازم برای زمامداری و دوّم، قدرت و توانایی روحی وجسمی.

آیه بعدی نشانه هایی را برای اثبات حقانیت طالوت، مطرح می کند: <إنّ آیه ملکه أن یأتیکم التابوت...>؛ نشانه فرمانروایی او این است که تابوت عهد به سوی شما می آید، که در آن، مایه آرامشی از سوی پروردگارتان و یادگاری از میراث خاندان موسی و هارون است و فرشتگان آن را به دوش می کشند».

امام رضا علیه السلام در حدیثی توانایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه ترسیم می کند:

«قائم کسی است که در سنّ پیران و منظَر جوانان قیام می کند و به قدری نیرومند است که اگر دستش را سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی کند و اگر میان کوه ها فریاد برآورد صخره های آن فرو می پاشد.

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۶ و ۲۴۷.

عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست. او چهارمین نفر از نسل من است. خداوند او را در پوشش خود نهان و سپس آشکار می کند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می سازد، همچنان که از ستم و بیداد پر شده باشد».(۱)

در این حدیث ــ که از جهت سند، معتبر است ــ مشاهده می شود امام رضا علیه السلام در کنار بیان توانمندی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همراه بودن نشانه هایی از پیامبران پیشین با ایشان را مطرح می کند. عصای موسی ــ که نشان از قدرت ــ و انگشتر سلیمان ــ بیانگر زمامداری است ــ نشانه هایی است که برای اثبات حقانیت امام، از سوی خدا به ایشان داده شده است.

دوّم؛ قانون جامع

هر حرکت و انقلابی برای برچیدن زشتی های موجود در جامعه و پایه ریزی ارزش های مطلوب، نیازمند قانونی جامع و کامل است. قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دارای چنین شرطی است. این قانون برای امام عصر فراهم است و آن شریعت اسلام است که با محوریت قرآن کریم در اختیار پیامبر گرامی اسلام قرار گرفت؛ امّا زمینه اجرای آن در سراسر گیتی، برای رسول اکرم و سایر پیشوایان معصوم فراهم نشد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شناخت کاملی که از شریعت اسلام و قرآن کریم دارد، آن را در سطح جهان پیاده خواهد کرد.

درباره کامل بودن شریعت اسلام و قرآن کریم، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به عبدالعزیز بن مسلم می فرماید: «خداوند عزوجل، پیامبرش را از دنیا نبرد تا اینکه دین اسلام را برای او کامل کرد و بر او قرآن کریم را نازل کرد که در آن تفصیل هر چیزی است. در آن حلال و حرام و حدود و احکام و تمامی آنچه مردم به آن نیاز دارند، به صورت کامل آمده است. خدای عزوجل فرمود: در این کتاب، هیچ

۱- کمال الدین، ج۲، ص ۶۹ ؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۵۲۴.

چیزی را فروگذار نکرده ایم[۱]»[۲].

سوّم؛ یاران مناسب

یکی از شرایط به ثمر نشستن هر قیامی، همراهی یاران و فداییانی است که با برنامه ها و هدف های قیام آشنا باشند و با تمام وجود برای یاری رهبرشان برخیزند. حرکت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نیازمند چنین یاورانی است. همراهان و یاران ایشان را می توان به سه قسمت تقسیم کرد:

ـ یاران ویژه؛ اینان سیصد و سیزده نفر معرفی شده اند که پس از اجتماع آنها در مکه، به فرمان خداوند ظهور آغاز می شود. یاران ویژه، مدیریت و اداره جهان را به رهبری امامشان بر عهده خواهند گرفت.

ـ یاورانی که حدود ده هزار نفرند و با اجتماع آنان در مکه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این شهر خارج می شود و حرکت خود را آغاز می کند.

ـ یاورانی چون یمانی و خراسانی و همراهانشان و دیگرانی که در طول قیام به امامشان می پیوندند و او را یاری می کنند.

عبدالعظیم حسنی گوید: امام جواد علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «او همنام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و کسی است که زمین برایش پیچیده می شود و هر دشواری برایش آسان می گردد و اصحابش که سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر هستند، از مکانهای مختلف زمین به گرد او می آیند و این همان کلام خدای تعالی است که فرمود: <أَيْنَ ما تَكونُوا يَأْتِ بِكمُ اللَّهُ جَميعاً إِنَّ اللَّهَ عَلى كلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ>[۳]، هر جا که باشید خدا همه شما را گرد می آورد، که خدا بر هر چیزی تواناست.» و چون این تعداد از اهل

۱- سوره انعام، آیه ۱۴۸.

۲- الامالی، ص ۶۷۴.

۳- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

اخلاص دور او جمع شوند، خدای تعالی امرش را آشکار می کند و چون عقد ـ که عبارت از ده هزار نفر می باشد ـ کامل شد به إذن خدای عزّوجلّ قیام می کند»(۱)

زمانی که امام رضا علیه السلام از طرف مأمون، خلیفه عباسی، به ولیعهدی منصوب شد، برخی از شیعیان تصور کردند که قدرت و حکومت به امام رضا می رسد و ایشان همان قائم وعده داده شده است؛ اما امام می دانست که عباسیان، به دنبال بهره برداری از موقعیت اجتماعی ایشان هستند و تا زمانی که منافعشان را تأمین می کند، به ظاهر همراه او خواهند بود. از این رو با توصیف خصوصیات یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این واقعیت تلخ اشاره می کردند و می فرمودند: «المطاع فی ظهوره»(۲)، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دولت کریمه اش همراهانی دارد که گوش به فرمان او هستند و هر چه می خواهد انجام می دهند.

ایوب بن نوح گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «ما امیدواریم که شما صاحب الامر باشید و خدای تعالی بدون خونریزی و شمشیر، آن (حکومت) را به شما باز گرداند؛ چرا که با شما بیعت، و به نامتان سکه ضرب شده است». امام فرمود: «هیچ یک از ما ائمّه نیست که نامه ها به سوی او سرازیر می شود و از او مسائلی می پرسند و با انگشتان به او اشاره کنند و مال ها را به او می دهند، مگر آن که به نیرنگ کشته شود یا بر بستر بمیرد تا زمانی که خداوند مردی را برای این امر برانگیزد که ولادت و رشد او پنهان، ولی نسبش آشکار است»(۳).

چهارم؛ پذیرش عمومی

یکی از شرط های مهم هر قیام و انقلابی، آمادگی و خواست مردمی است. مردم، باید ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برقراری دولت کریمه را بپذیرند و خواهان آن

۱- کفایه الاثر، ص ۲۸۱.

۲- عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۵.

۳- اعلام الوری، ص ۴۳۳.

باشند. در غیر این صورت، بهترین برنامه و بهترین برگزیده خداوند و یارانی بی نظیر و از جان گذشته کافی نخواهد بود. چنانکه در قرآن کریم می خوانیم:

<إِنَّ اللَّهَ لا ـ يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِـهِم>(۱)؛ همانا خداوند احوال قومی را دگرگون نمی کند مگر آنکه خودشان تغییر کنند».

انقلاب اسلامی ایران نیز وقتی به پیروزی رسید که مردم با حضور میلیونی خود، خواستار شکل گیری آن شدند. امّا چگونه می شود که انسان ها در سطح جهانی، خواهان دولت کریمه مهدوی شوند؟ این امر از دو جهت قابل بررسی است:

تلاش منتظران و پیروان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای معرفی ایشان به جهانیان در گفتار و کردار».

زیرا تا مطلوب بودن چیزی مشخص و آشکار نباشد، مردم به سوی آن گرایش نخواهند داشت. امام خمینی رحمه الله و همراهان ایشان وقتی زمینه را برای پذیرش مردم ایران آماده کردند، انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت. انقلاب اسلامی می تواند نقش مؤثری در این شناسایی جهانی داشته باشد.

یأس و ناامیدی مردم جهان از حاکمان جهانی.

هنگامی که مردم گیتی ببینند حکومت های بشری و مادّی توانایی پاسخ گویی به نیازهای آنان را ندارند، بلکه بر مشکلاتشان می افزایند، و در گوشه گوشه جهان ظلم می شود و کسی توان جلوگیری از آن را ندارد و به نام حقوق بشر حقوق اوّلیه انسان ها نادیده گرفته می شود. از وضعیت نابسامان جهان خسته و ناامید می شوند. (درمحور اوّل این نوشتار، در ترسیم اوضاع عمومی قبل از ظهور، یأس و نامیدی و

۱- سوره رعد، آیه ۱۱.

ظلم و ستم جهانی از نگاه امام هشتم مقداری توضیح داده شد.) نتیجه ناامیدی از حکومت های جهانی و فهمیدن ناتوانی بشر، آمادگی برای حکومتی است که به این ستم و بیدادها پایان دهد. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «... فعلیکم بالصبر فإنه إنما یجیء الفرج علی الیأس(۱)؛ بر شما است که صبر کنید که گشایش پس از ناامیدی می آید».

نتیجه

به دلیل اهمیت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانه ها و حوادث پیرامون آن، توسط اهل بیت علیهم السلام برای ما بیان شده است. بیان نشانه ها توسط اهل بیت علیهم السلام برای امید دادن به شیعیان، شناساندن مدعیان دروغین ــ که پیش از تحقق نشانه های حتمی، ادعای مهدویت یا نیابت خاص می کنند، آشنایی با حوادث پیرامون ظهور و برنامه ریزی درست هنگام رویارویی با هر یک از آنان بوده است.

امّا شرایط ظهور، اموری هستند که واقع شدن ظهور به وجود آنها بستگی دارد و تا تمامی آنها محقق نشود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار نخواهد شد. آشنایی با شرایط باعث می شود که بتوانیم علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی مان نسبت به زمان ظهور، برای فراهم شدن شرایطی که تحقیق آنها در توان ما است، تلاش، و با موانع آنها مقابله کنیم.

در محور اوّل، اوضاع عمومی قبل از ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی شد که کلیت آن، این است که قبل از آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان و به خصوص منطقه خاورمیانه، گرفتار فتنه و آشوب، کشتار و ناامنی، بیدادگری و ناامیدی از گشایش می شود.

ظهورفتنه: فتنه به معنای ابتلا آمده است. خداوند علیم در دنیا انسان ها را با

ص:۳۰۲

۱- کمال الدین، ج۲، ص۵۴۷.

وسایل مختلف آزمایش می کند. یکی از فتنه ها طبق فرمایش امام هشتم، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برای رهایی از این فتنه، روایات، ما را به شک نکردن، تمسک به دین، سفارش کرده اند.

ناامنی و کشتار: قبل از ظهور، قتل و غارت افزایش می یابد و این موضوع، باعث سلب آسایش همگان می شود. امام رضا علیه السلام دراین باره فرمود: «پیش از ظهور کشتار بیوح است.» راوی پرسید: «بیوح چیست؟» فرمود: «دائمی است و پایان ندارد».

فراگیری ظلم: یکی از شاخصه های دولت کریمه، عدالت گستری آن است. امام رضا علیه السلام بیدادی را مطرح می کند که قبل از ظهور همه جا را فرا می گیرد و سپس نوید پرستان دنیا از عدالت را می دهد.

چهارم: یأس و ناامیدی: به دلیل قتل و غارت ها، ناامنی و گرفتاری ها، بیماری ها و فسادی که در آستانه ظهور، بر همه جا حاکم خواهد شد، مردم از وضع موجود خسته، و از دستیابی به نیرویی که بتواند نجاتشان دهد، ناامید می شوند. امام رضا علیه السلام دراین باره می فرماید: «گشایش و ظهور، هنگام ناامیدی می آید.»

در محور دوم مقاله، به نشانه های ظهور از نگاه امام هشتم علیه السلام اشاره شد که عبارت اند از:

ندای آسمانی: ندای آسمانی، صدایی است که توسط جبرئیل امین علیه السلام اعلان می شود و در آن، نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حقانیت او و شیعیانش را بیان می کند، پس از آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود تا مقدمات قیام از کنار کعبه را فراهم کند. چندین روایت از امام رضا علیه السلام به معرفی ندا می پردازند.

سفیانی: سفیانی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. او از شام ظاهر می شود و بیشتر مناطق خاورمیانه را اشغال می کند. وی تمام تلاش خود را برای مقابله با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوگیری از به قدرت رسیدن شیعیان در منطقه خاورمیانه به کار

می گیرد. خروج او از نشانه های حتمی است. امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود: «قبل از این امر، سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند بود.»

خسف بیداء: یکی از نشانه های حتمی ظهور، فرو رفتن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء است. آنان به دنبال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سوی مکه حرکت می کنند که به امر خداوند در زمین بیداء فرو می روند و نابود می شوند. در حدیثی از امام هشتم علیه السلام این نشانه بیان شده است.

یمانی: او فردی از یمن است که با نیروهایش به مقابله با سفیانی و یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر می خیزد.

خراسانی: حرکت خراسانی هم زمان با خروج یمانی و سفیانی است. نیروهای او به فرماندهی شعیب بن صالح، به مقابله با سفیانی بر می خیزند و از یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شوند.

و در محور سوم این نوشتار، شرایط ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام طرح شد. برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چهار شرط «رهبری آگاه و توانمند»، «قانونی مناسب برای برپایی ارزش های مطلوب و از میان بردن ناهنجاری های موجود»، «همراهانی برای یاری امام در تشکیل و نگه داشت دولت کریمه» و «خواست و پذیرش مردمی» لازم است؛ که در سخنان امام رضا علیه السلام به این شرایط اشاره شده است.

ایشان در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ــ به عنوان رهبر قیام جهانی ــ او را بر پا کننده عدالت، توانمند و صاحب میراث پیامبران معرفی می کند. هم چنین، امام هشتم، قانون جامع را شریعت اسلام با محوریت قرآن کریم می دانند که در آن، حلال و حرام، حدود و احکام الهی وتمامی آنچه مردم به آن نیازمند هستند، آمده است. ایشان در وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را «المطاع فی ظهوره» معرفی می کند؛ یعنی ایشان یاورانی دارد که بدون چون و چرا از او اطاعت می کنند و خواستشان همان خواست امام است. حضرت رضا علیه السلام به یأس و ناامیدی مردم در دوران، قبل از ظهور

کرده و فرموده است که مردم، وقتی می بینند حکومت های مادی توان پاسخگویی به نیازهای اولیه آنان را ندارند، امید خود را برای رهایی از ناهنجاری ها از دست می دهند؛ اما وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند و دادگری او را می بینند، به او گرایش پیدا می کنند.

ص:۳۰۵

منابع

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۶ق.

۲. ______________، کمال الدین و تمام النعمه، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ش.

۳. ______________، علل الشرایع، المکتبه الحیدریه، عراق، ۱۳۸۵ش.

۴. ______________، عیون اخبار الرضا علیه السلام، کتاب فروشی طوسی، ۱۳۸۵ش.

۵. ______________، معانی الاخبار، نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۱ش.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، لبنان، ۱۴۱۴ق.

۷. ابن هاشم، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، موسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.

۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق.

۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف النعمه، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ش.

۱۰. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.

۱۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالمعرفه، لبنان، بی تا.

۱۳. زمانی، سیدحسن، ندای آسمانی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۹ش.

۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، العام الوری، دارالمکتل الاسلامیه، تهران، بی تا.

۱۶. طبرسی، محمد بن جریر، دلایل الامامه، الذخایر المطبوعات، قم، بی تا.

۱۷. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام، مؤتمر العالمی الامام الرضات علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ق.

۱۸. علامه مجلسی، بحارالانوار، موسسه الوفاء، لبنان، ۱۴۰۴ق.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالاضواء، لبنان، ۱۴۰۵ق.

۲۰. ـــــــــــــــــــــ، الامالی، دارالثقافه، قم،۱۴۱۴ق.

۲۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، دارالضوء، لبنان، ۱۴۰۹ق.

۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، نشر مدین، قم، ۱۴۲۶ق.

۲۳. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، المطبعه الحیدریه، نجف، ۱۳۵۵ق.

ص:۳۰۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹